

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
پژوهشکده علوم اجتماعی

عنوان رساله:

**تحلیل ماهیت پول**

**و**

**اثر آن بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی (در اقتصاد اسلامی)**

نگارنده:

**محمداسماعیل توسلی**

اساتید راهنما:

**دکتر اکبر کمیجانی**

**حجت الاسلام دکتر سید هادی عربی**

اساتید مشاور:

**آیت الله محمدعلی تسخیری**

**دکتر اسدالله فرزین وش**

رساله برای دریافت درجه دکتری رشته علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی)

فروردین ۱۳۹۲ هجری شمسی

## چکیده رساله

سیاست های پولی در ایران اسلامی با چندین چالش عمده مواجه است. مهم ترین این چالش ها عبارتند از:

۱. عدم ثبات سیاست های پولی به دلیل حاکمیت سیاست مالی بر آن و در نتیجه کاهش اعتبار دو حوزه سیاستگذاری پولی و مالی، ۲. معلوم نبودن هدف سیاست های پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام ۳. نداشتن راهکاری اصولی برای رفع و تعدیل اثر منفی تورم بر توزیع درآمد و در نتیجه نداشتن پل ارتباطی برای برخورداری از نتایج مثبت رشد کوتاه مدت و اجتناب از آثار تورمی بلند مدت. در نظام اقتصادی اسلام همه این چالش ها به صورت روشمند و مبنایی حل نخواهد شد و پشتوانه قانونی پیدا نخواهد کرد مگر این که پیش تر ادبیات فقهی و حقوقی لازم برای آن فراهم شده باشد. این مهم به دست نمی آید مگر این که در مرحله موضوع شناسی، تحلیلی جامع از ماهیت پول داشته باشیم. از این رو، موضوع اصلی این رساله تحلیل ماهیت پول و تبیین اثر آن بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی قرار گرفت. روش تحقیق این پژوهش توصیفی، تحلیلی و اجتهادی است که با مراجعه به منابع فقهی و آراء و نظرات معتبر صورت می گیرد. در این رساله ضمن نقد رویکرد های ماهیت پول، رویکردی جدید درباره ماهیت پول ارائه شده است. این رویکرد می گوید، «پول های کنونی همه مراتب اعتباری است و با قرارداد و اعتبار پدید آمده است». قرآن کریم همان طور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می شود، دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، شامل همه مصادیق می شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می گیرد. لذا شامل پول هم که یک پیمان و قرارداد اجتماعی است می شود. افزون بر این که سیاست های پولی بی رویه آثاری بر وظایف پول می گذارد که بر اساس آیات قرآنی و روایات معصومین شرع ملتزم به آن آثار نیست. بنابراین، حکم اولی رعایت مفاد قانون پولی و حفظ ارزش پول ملی بر اساس مقیاسش بوده و لازم الوفا است و دولت اسلامی نمی تواند از آن عدول کند مگر به حکم ثانوی و در جایی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام، آن هم تا زمان وجود مصلحت به او اجازه داده باشد. افزون بر این که مصلحت به همان دایره مصلحتی خودش محدود و محصور است. در اتخاذ سیاست پولی انبساطی صرفاً تامین مالی کسر بودجه در دایره مصلحت نظام قرار دارد؛ اما خسارتی را که از اتخاذ و عمل به این سیاست بر روی طبقات کم درآمد و حقوق بگیر وارد می آید، خارج از دایره مصلحت نظام است؛ پس دولت ضامن است و این گونه خسارت را باید به نحو مقتضی جبران کند. لذا با توجه مباحث بالا توصیه می شود اولاً بانک مرکزی مستقل شود زیرا، راهکار خوبی برای حفظ ارزش پول است. در این راستا بازنگری قانون پولی بر اساس مبانی نظام اقتصادی اسلام و تجربیات کشورها ضرورتی اجتناب ناپذیر است، ثانیاً مرجع تشخیص مصلحت ضروری پولی کردن کسر بودجه خارج از قوه مجریه و در مجموعه نظام باشد.

**کلید واژه:** اقتصاد اسلامی، سیاست پولی، ماهیت پول

## تشکر و قدردانی

از همه مسئولین و دست اندر کاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که برای رشد و بالندگی دانش اقتصاد اسلامی کمر همت بستند و دوره دکترای پربار و با کیفیتی را با استفاده از بهترین اساتید کنونی اقتصاد در ایران برگزار کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم و با تشکر فراوان از عالیجنابان دکتر کمیجانی و دکتر عربی که راهنمایی این رساله را برعهده گرفتند و آیت الله تسخیری و جناب دکتر فرزین وش که سمت مشاورت را با کمال بزرگواری پذیرفتند. برای همه این عزیزان و سروران تمنای سلامتی و طول عمر با عزت از خداوند منان دارم.

امید است پژوهش حاضر مورد رضایت حق تعالی بوده و به لطف الهی و عنایت ولی عصر (عج) سهمی هر چند ناچیز در رشد و بالندگی دانش اقتصاد اسلامی داشته باشد و اگر به خواست الهی ثوابی بر آن مترتب گردد تقدیم می کنم به روح مرحوم پدرم غلامحسن توسلی فرزند ملامحمدجان و مرحوم مادرم زهرا رجایی لیتکوهی فرزند آیت الله شیخ ابوالقاسم رجایی لیتکوهی.

## فهرست مطالب:

### فصل اول:

کلیات.....	۱۰
الف - عنوان رساله:.....	۱۰
ب - تبیین مسأله : .....	۱۰
ج - سؤالات اصلی و فرعی:.....	۱۲
د- فرضیه های اساسی تحقیق : .....	۱۳
ه - ضرورت پژوهش و هدف از اجرای آن:.....	۱۳
سو - پیشینه و ادبیات پژوهش:.....	۱۳
ز - نوآوری ها:.....	۱۵
ک- کاربرد نتایج تحقیق (مراجع استفاده کننده از نتایج تحقیق):.....	۱۵
ل- روش تحقیق:.....	۱۵
<b>فصل دوّم: مهم ترین حقایق پولی و بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی.....</b>	<b>۱۹</b>
مقدمه:.....	۱۹
۱-۲. حقایق پولی و بانکی .....	۱۹
۱-۲-۱. پول به عنوان کالای عام.....	۱۹
۱-۲-۲. پدیده اجتماعی بودن پول.....	۲۰
۱-۲-۳. انواع پول.....	۲۰
۱-۲-۴. واحد سنجش ارزش بودن پول .....	۲۱
۱-۲-۵. قراردادی و اعتباری بودن پول .....	۲۲
۱-۲-۶. ورود دولت ها به عرصه پول .....	۲۳
۱-۲-۷. تدوین قانون پولی و تعریف واحد پول .....	۲۳
۱-۲-۷الف - قانون ضرب سکه انگلیس .....	۲۴
۱-۲-۷ب - قانون ضرب سکه آمریکا .....	۲۷
۱-۲-۷ج - قانون ضرب سکه و تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران.....	۲۸
۱-۲-۷د - افریقای جنوبی .....	۳۲
۱-۲-۷ه - اتحادیه پولی اروپا .....	۳۳
۱-۲-۸. پول بودن پول درونی و پول بیرونی.....	۳۴
۱-۲-۹. پول الکترونیکی.....	۳۶
۱-۲-۱۰. هنجارهای شرعی و عرفی .....	۳۹
۱-۲-۱۱. تفاوت مال و مالیت در نزد عرف.....	۳۹
۱-۲-۱۲. اتلاف حقیقی و حکمی .....	۴۰

- ۴۰-۲-۳. وقوع معاملات بر عین اموال.....
- ۴۱-۲-۴. دوگانگی بین مثلی و قیمی.....
- ۴۱-۲-۵. دو جهت در پول از نظر عرف.....
- ۴۱..... خلاصه و نتیجه فصل دوم:

## فصل سوم: بررسی و نقد تحلیل های ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب .....۴۷

- ۴۷..... مقدمه:
- ۵۱-۳. ۱- بررسی و نقد اهم نظریه های اندیشه وران غربی درباره ماهیت پول.....
- ۵۲-۳-۱-۱. نظریه متالیزم یا پول کالایی.....
- ۵۲-۳-۱-۱-الف. توضیح نظریه متالیزم (فلز گر).....
- ۵۳-۳-۱-۱-ب. منبع ارزش پول در نظریه متالیزم.....
- ۵۳-۳-۱-۱-ج. چالش های نظریه متالیزم.....
- ۵۵-۳-۱-۲. نظریه چارتالیزم.....
- ۵۵-۳-۱-۲-الف. توضیح نظریه چارتالیزم.....
- ۵۶-۳-۱-۲-ب. تاریخ تکاملی دیدگاه چارتالیزم.....
- ۵۷-۳-۱-۲-ج. مکانیزم خلق پول و ارزش آن در مکتب چارتالیزم.....
- ۵۸-۳-۱-۲-د. ویژگی ها و نتایج دیدگاه چارتالیزم.....
- ۵۹-۳-۱-۲-ه. نقد نظریه چارتالیست ها و بیان چالش های آن.....
- ۶۱-۳-۲. بررسی و نقد اهم تحلیل های اندیشه وران اسلامی درباره ماهیت پول.....
- ۶۱-۳-۲-۱. بررسی و نقد تحلیل های اندیشه وران شیعی در باره ماهیت پول.....
- ۶۱-۳-۲-۱-الف. دیدگاه شهید آیت الله سید محمد باقر صدر(ره).....
- ۶۵-۳-۲-۱-ب. دیدگاه آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی.....
- ۷۲-۳-۲-۱-ج. دیدگاه آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی.....
- ۷۵-۳-۲-۱-د. دیدگاه حجت الاسلام احمد علی یوسفی با عنوان «مالیت اعتباری».....
- ۷۹-۳-۲-۲. بررسی و نقد نظرات تحلیل گران « ارزش اسمی».....
- ۸۳-۳-۲-۳. بررسی و نقد دو دیدگاه دیگر(شهید بهشتی و شهید مطهری).....
- ۸۸-۳-۲-۴. بررسی و نقد اهم دیدگاه های اندیشمندان اهل سنت درباره پول.....
- ۸۸-۳-۲-۴-۱. یک. مذاهب چهارگانه اهل سنت.....
- ۸۸-۳-۲-۴-دو. ابن خلدون.....
- ۸۸-۳-۲-۴-سه. ابو حامد غزالی.....
- ۸۹-۳-۲-۴-چهار. القرصاوی.....
- ۹۰-۳-۲-۴-شش. رفیق یونس المصری.....
- ۹۰-۳-۲-۴-هفت. احمد حسن.....

۹۱..... خلاصه و نتیجه فصل سوم

## فصل چهارم: ارائه تحلیلی جدید از ماهیت پول با عنوان «مال اعتباری»..... ۹۴

۹۴..... مقدمه:

۹۵..... ۱-۱-۴. پول های تمام عیار معدنی طلا و نقره

۹۶..... ۲-۱-۴. پول های کاغذی نیابتی

۹۶..... ۳-۱-۴. پول های کاغذی با تعهد باز پرداخت

۹۷..... ۴-۱-۴. پول های کاغذی معاف از پرداخت ارزش طلای مکتوب بر آنها

۹۹..... ۴-۱-۴ الف. دوره کنونی (تحلیل ماهیت پول با استناد به قوانین پولی)

۱۰۰..... ۴-۱-۴ ب. تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول کنونی

۱۰۱..... ۴-۱-۴ ج. ویژگی های این تحلیل از ماهیت پول

۱۰۲..... ۴-۱-۴ د. برخورد دولت و مردم با این پول

۱۰۲..... ۴-۱-۴ ه. جایگاه اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتالی

۱۰۳..... ۴-۱-۴ و. منبع ارزش پول های کنونی

۱۰۴..... ۴-۱-۴ ز. مقوم مثلث در تحلیل مال اعتباری

۱۰۵..... ۴-۱-۴ ح. جوه تمایز اصلی این نظریه با نظریات دیگر

۱۰۶..... ۴-۱-۴ ک. بیان و اثبات قدرت توضیح دهندگی این تحلیل

۱۰۸..... ۲-۴. پول آینده: پول اعتباری محض (هنوز گسترش نیافته است)

۱۰۹..... خلاصه و نتیجه فصل چهارم

۱۱۰..... اشاره اجمالی به برخی نتایج مهم دیگر این رویکرد

۱۱۱..... پیوست فصل چهارم: جدول خلاصه تحلیل ها در باره ماهیت پول

## فصل پنجم: اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی ... ۱۱۷

۱۱۷..... مقدمه:

۱۲۱..... ۱-۵. نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام دموکراسی غربی

۱۲۳..... ۲-۵. نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام مردم سالار دینی

۱۲۵..... ۳-۵. هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط مستقیم)

۱۲۶..... ۱-۳-۵. تمسک به آیه شریفه (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود)

۱۳۳..... ۴-۵. هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط غیر مستقیم)

۱۳۴..... ۱-۴-۵. پول به عنوان واحد محاسبه ارزش اموال

۱۳۸..... ۲-۴-۵. پول و وظیفه ذخیره ارزش

۱۴۱..... ۵-۵. ضرورت استقلال بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول

۱۴۲..... ۶-۵. بررسی ترتیبات قانونی و نهادی برخی کشورها برای افزایش استقلال بانک مرکزی

- ۱۴۳.....۱-۶-۵. اعلام استقلال بانک مرکزی و محور های اصلی آن
- ۱۴۳.....۲-۶-۵. تعیین هدف واحد برای بانک مرکزی
- ۱۴۴.....۳-۶-۵. استقلال سیاسی
- ۱۴۸.....۷-۵. بررسی قوانین و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران برای حفظ ارزش پول
- ۱۴۸.....۱-۷-۵. رئیس کل بانک مرکزی
- ۱۴۹.....۴-۷-۵. ترکیب شورای پول و اعتبار
- ۱۵۱.....خلاصه و نتیجه فصل پنجم و پیشنهاد

### فصل ششم: اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر محدودیت ها و مسئولیت های دولت اسلامی

#### در پولی کردن کسر بودجه.....۱۵۵

- مقدمه:.....۱۵۵
- ۱-۶.....۱۵۶. روش های تأمین مالی کسر بودجه و آثار زیان آور پولی شدن آن
- ۲-۶.....۱۵۶. آثار ناگوار تورم بر توزیع درآمد و کل اقتصاد
- ۳-۶.....۱۵۸. دولت اسلامی و محدودیت های آن در پولی کردن کسر بودجه
- ۴-۶.....۱۵۹. دولت اسلامی و مسئولیت های آن
- ۴-۶-الف.....۱۵۹. مسئولیت حفظ اصل نظام
- ۴-۶-ب.....۱۶۱. مسئولیت رشد و پیشرفت اقتصادی نظام
- ۴-۶-ج.....۱۶۲. مسئولیت دولت اسلامی در برابر مردم
- ۱۶۵.....خلاصه و نتیجه فصل ششم

#### فصل هفتم: جمع بندی، نتایج و توصیه های سیاسی.....۱۶۸

#### منابع رساله:.....۱۷۵



فصل اوّل:

## کلیات

عنوان رساله

تبیین مسأله

سؤالات اصلی و فرعی

فرضیه های اساسی

ضرورت پژوهش

پیشینه پژوهش

نوآوری ها

کاربرد نتایج تحقیق

روش تحقیق

تصویر کلی پژوهش به صورت نمودار

## فصل اول: کلیات

الف – عنوان رساله:

تحلیل ماهیت پول و اثر آن بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی

(در اقتصاد اسلامی)

ب – تبیین مسأله :

کشورهای در حال توسعه به دلیل دارا بودن منابع بیکار و ظرفیت های خالی نیاز به نقش فعال دولت ها در اقتصاد به ویژه با استفاده از سیاست های پولی و مالی به طور عام و استفاده از سیاست کسر بودجه به طور خاص دارند. یکی دیگر از ویژگی های کشورهای توسعه نیافته، ناچیز بودن سرمایه گذاری های خصوصی به دلیل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ساختاری است؛ از این رو، وظیفه افزایش نرخ سرمایه گذاری خالص در اقتصاد ملی بر عهده دولت ها است. در ایران به لحاظ دولتی بودن بخش عمده ای از اقتصاد، اجرای سیاست های پولی بیش تر تابعی از نحوه رفتار سیاست های مالی و به ویژه سیاست های بودجه ای دولت است. زیرا، همان گونه که همه می دانیم، برای تأمین مالی کسر بودجه و از بین بردن شکاف بین درآمد و هزینه، روش های گوناگونی وجود دارد که در مجموع به دو سیاست افزایش درآمدها و کاهش هزینه ها بر می گردد. افزایش درآمدها به ویژه در مورد ایران ممکن است از طریق افزایش صادرات نفت خام، افزایش صادرات غیرنفتی، افزایش مالیات ها و فروش طلا و ارز در بازار پول و سرمایه یا از طریق استقراض داخلی از نظام بانکی و انتشار اوراق مشارکت صورت گیرد. کاهش هزینه ها نیز ممکن است به دو صورت کاهش اعتبارهای جاری و کاهش اعتبارهای عمرانی صورت گیرد؛ اما در عمل، افزایش درآمدها از طریق افزایش صادرات نفت به سبب محدودیت ظرفیت های تولید و سهمیه بازار اوپک و افزایش صادرات غیرنفتی به جهت کم کشش بودن کالاهای صادراتی و عدم بازاریابی علمی و مسائل سیاسی و افزایش مالیات به دلیل عدم کارایی نظام اداری و مالیاتی، به اندازه ای نیست تا کسری بودجه را بپوشاند. از سیاست کاهش هزینه های جاری و عمرانی هم نمی شود استفاده کرد؛ زیرا در کشوری مثل ایران که اقتصاد دولتی، بخش عظیمی از اقتصاد را در دست دارد، کاهش هزینه جاری بر دامنه بیکاری می افزاید. کاهش هزینه های عمرانی نیز برای کشورهایی که در حال توسعه هستند؛ توصیه نمی شود؛ چرا که این کشورها به طور معمول به سبب اجرای طرح های عمرانی برای توسعه کشور، به سیاست کسر بودجه متوسل می شوند؛ در نتیجه یگانه راه استفاده از سیاست قرضه از نوع استقراض از بانک مرکزی است.

اما دولت‌ها عموماً برای مصون ماندن از عوارض استقرار و کشورهای اسلامی خصوصاً به دلیل ممنوعیت ربا و عدم استفاده از اوراق قرضه، به یکی دیگر از منابع درآمدی که به راحتی در اختیارشان است، یعنی حق انتشار پول پناه می‌برند؛ زیرا یکی از منابع درآمدی دولت‌ها قدرت ایجاد و نشر پول است. این عمل سرانجام به انتشار پول اضافی که در اصطلاح، به آن پولی شدن کسربودجه می‌گویند، می‌انجامد. همین امر، یعنی حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی موجب مخدوش شدن استقلال بانک مرکزی و بی‌انضباطی‌های زیادی در سیاست‌های پولی و پایداری تورم در ایران شده است. پایداری تورم مانع از کاهش آن به سطوح قابل کنترل می‌گردد. در بیان علل اصلی پایداری تورم در اقتصاد ایران نیلی و همکاران (۱۳۸۵، صص ۴۰ و ۴۱) در کتاب *تحلیل تجربی تورم وقاعده سیاستگذاری پولی در ایران*، به مواردی همچون پایدار بودن سطح تقاضای کل، بزرگ بودن اندازه دولت، عدم استقلال بانک مرکزی و پائین بودن درجه اعتبار سیاست‌های پولی، وجود انتظارات تورمی گذشته نگر و چسبیده بودن دستمزدهای اسمی اشاره کردند و آنها را از مهم‌ترین علل پایداری تورم در ایران برشمردند. هم‌نظریه‌ها و هم‌شواهد حاکی از آن است که سیاست پولی باید به ثبات قیمت‌ها توجه کند (جاکوب فرانکل، ۱۳۸۲، ص ۵ و ۶ و میشکین، ۱۳۸۲، ص ۵ و ۶ و کمیجانی و علوی، ۱۳۷۸، ص ۴۶).

ثبات قیمت‌ها تقریباً در کلیه کشورها به عنوان هدف اصلی سیاستگذاری پولی در نظر گرفته شده است. دستیابی به این مهم مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای موثر و کارآمد در امر سیاستگذاری پولی است. اجرای صحیح سیاستگذاری پولی و به کارگیری هدفمند ابزارهای پولی نیز مستلزم شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر تورم است. با این همه، از آنجا که در کشور ایران بانک مرکزی مستقل نیست و همچنین به دلیل حرمت ربا از ابزارهای لازم در جهت اجرای سیاست‌های پولی برخوردار نیست، قدرت کنترل حجم پول و تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی را از دست داده و مرتباً با تورم و کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی مواجه است. در نتیجه نمی‌تواند آن کارکرد متوقع را داشته و نقش خود را در جهت ثبات‌سازی ایفا کند. نتیجه همه اینها مواجه شدن سیاست‌های پولی با چندین چالش عمده است. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: ۱- کمبود ابزارهای لازم برای اجرای سیاست‌های پولی به دلیل حرمت نرخ بهره و ربوی دانستن ابزارها، ۲- عدم ثبات سیاست‌های پولی به دلیل حاکمیت سیاست مالی بر آن و در نتیجه کاهش اعتبار دو حوزه سیاستگذاری پولی و مالی، ۳- کمبود ادبیات مورد نیاز فقهی به عنوان یکی از علل مهم عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی و در نتیجه فراهم نبودن بستر لازم حقوقی میزان تعهد هر یک از متولیان سیاست مالی و پولی و در نتیجه معلوم نبودن نهاد تعیین‌کننده اهداف سیاست‌های پولی و سطح استقلال بانک مرکزی و تعهد دولت ۴-

نداشتن راهکاری اصولی برای رفع و تعدیل اثر منفی تورّم بر توزیع درآمد و در نتیجه نداشتن پل ارتباطی برای برخورداری از نتایج مثبت رشد کوتاه مدت و اجتناب از آثار تورّمی بلند مدت. در جهت رفع کمبود ابزارهای سیاست پولی، برخی از اندیشه وران اقتصاد اسلامی در صدد بر آمدند ابزارهای غیر ربوی نظیر اوراق مشارکت، اوراق استصناع، صکوک و غیره را به سیاستگذاران پولی معرفی کنند که البته موضوع مورد بحث رساله ما نیست. اما برای رفع بقیه چالش ها و حل ریشه ای و اساسی آنها در نظام اقتصادی اسلام یکی از مهم ترین مقدمات تحلیل ماهیت پول است که می تواند مبنای لازم فقهی را برای آن فراهم کند. از این رو، موضوع اصلی این رساله تحلیل ماهیت پول و تبیین اثر آن بر منضبط کردن سیاست های پولی بر اساس مبانی فقهی و اقتصادی قرار گرفت.

تعیین قاعده رفتاری بانک مرکزی به عنوان متولی سیاست های پولی و دولت به عنوان متولی سیاست های مالی به منظور حل و فصل قاعده مند و شفاف تراحم بین این دو سیاست بر اساس موازین فقهی و حقوقی حاصل نمی شود مگر این که تحلیلی جامع از ماهیت پول ارائه شود تا بستر حقوقی لازم برای آن در نظام اقتصادی اسلام فراهم گردد. از جمله این که چه نهادی اهداف سیاست های پولی را تعیین کند، همچنان در محافل اقتصادی محل چالش است و همچنین تعیین سطح استقلال بانک مرکزی که تأثیر اساسی در هماهنگی سیاست های اقتصادی دارد کماکان محل بحث است. همه این چالش ها به صورت روشمند و مبنایی حل نخواهد شد مگر این که پیش تر ادبیات فقهی و حقوقی آن در نظام اقتصادی اسلام فراهم شده باشد. افزون بر این که در نظام اسلامی اعمال سیاست های مختلف پولی و اجرای صحیح بانکداری اسلامی وابسته به احکامی است که فقیه بر پول بار می کند. تنوع آرای فقهی و در برخی موارد تضاد بین آنها که ناشی از دیدگاه های گوناگون درباره ماهیت پول است ممکن است به سردرگمی در اجرای بانکداری اسلامی و اجرای نامناسب سیاست های پولی بینجامد.

با مطالعه دیرینه شناسی پول به این نتیجه می رسیم که پول در تاریخ تکاملی خودش به مرحله ای رسیده است که در عین سادگی به کارگیری از حیث ماهیت بسیار پیچیده و مبهم شده است. در اقتصاد اسلامی از آنجا که پول موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی است، شناخت ماهیت آن اهمیت ویژه ای یافته است. از این رو، برخی از اندیشه وران اسلامی به تحلیل و شناخت ماهیت پول روی آوردند.

## ج - سؤالات اصلی و فرعی:

سؤال اصلی: ماهیت پول چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. اثر تحلیل ماهیت پول بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی دولت اسلامی چگونه خواهد بود؟

۲. اثر تحلیل ماهیت پول بر محدودیت ها و مسئولیت های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه چیست؟

#### د- فرضیه های اساسی تحقیق :

۱. پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می گیرد دارای مراتبی از قرارداد و اعتبار است.

۲. پول های کنونی همه مراتبش قراردادی است و با جعل و اعتبار پدید آمده است. هم ذات این پول اعتباری است و هم مالیت آن.

۳. هدف سیاست پولی را آموزه های دین تعیین کرده است. براساس این آموزه ها دولت موظف به حفظ ارزش پول بر اساس معیار بوده و در صورت تخطی ضامن جبران تورم در حقوق ها و دستمزد ها است .

#### ه - ضرورت پژوهش و هدف از اجرای آن:

همان گونه که اقتصاد خرد ، کلان و پول بدنه اصلی اقتصاد را تشکیل می دهند برای تبیین ابعاد مختلف اقتصاد اسلامی نیز این ابعاد باید به دقت مطالعه شود . دراین راستا پژوهش حاضر از ابعاد مختلف پول بیشتر از همه به ماهیت آن پرداخته است و از آنجا که پول موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی است، شناخت ماهیت آن اهمیت ویژه یافته است. افزون برآن که در نظام اسلامی اجرای سیاست های مختلف پولی و اجرای صحیح بانکداری وابسته به احکامی است که فقیه بر پول بار می کند. هدف از اجرای این پژوهش ارائه تحلیلی جامع از ماهیت پول و سپس بررسی آثار آن بر ضابطه مند کردن سیاست های پولی از حیث نهاد تعیین کننده و هدف سیاست پولی و محدودیت ها و مسئولیت های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه از حیث محدودیت نسبت به پولی کردن کسر بودجه و مسئولیت نسبت به ضمان جبران تورم در حقوق ها و دستمزد ها است.

#### و - پیشینه و ادبیات پژوهش:

در بین اندیشه وران شیعی شهید صدر (ره) آغازگر طرح بسیاری از مسایل اقتصاد اسلامی از جمله تحلیل ماهیت پول است. وی (صدر، ۱۹۹۴، ۱۴۶-۱۴۹) تحلیل قدرت خرید را در کتاب البنک

الاروبوی طرح کردند. سپس مؤلفان کتاب پول (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۷۶-۸۰) در این راستا تحلیل ارزش اسمی را ارائه دادند.

تحلیل هایی که این اندیشه وران خصوصا و دیگران عموما در باره پول بیان کرده اند، مهم ترین تحلیل هایی است که تاکنون طرح شده. قریب به اتفاق این تحلیل ها به گونه ای به تحلیل شهید آیت الله صدر علیه السلام برمی گردند. از این رو، می توان آنها را تحت عنوان «تحلیل قدرت خرید» دسته بندی کرد؛ زیرا شهید صدر (صدر، ۱۹۹۴، ۱۴۶-۱۴۹ و صدر، دت، ۲۴۷) مثل پول را هر آن چیزی می داند که قیمت حقیقی آن را مجسم می کند. به عبارت دیگر، تمام ارزش و حقیقت پول «قدرت خرید» آن است و قدرت خرید چیزی جز ارزش مبادله ای و مالیت نیست؛ از این رو، به این نتیجه رسیده است که اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده ها به سپرده گذاران به مقدار حقیقی آنچه دریافت کرده بپردازد، مرتکب ربا نشده است. آیت الله بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۱۰) تمام حقیقت و هویت اسکناس را «قدرت بر خرید» می داند که به وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است. آیت الله شاهرودی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۶۶-۶۸) نیز همه هستی و اساس پول را «ارزش و توان خرید» می داند. حجت الاسلام یوسفی (یوسفی، ۱۳۷۷، ۱۴-۶۱) با طرح «تحلیل مالیت اعتباری» و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس پول فیزیکی دارای ارزش مبادله ای عام است و پول تحریری شیئی غیرفیزیکی است که خود فی نفسه ارزش مبادله ای عام دارد؛ اما تحلیل گران ارزش اسمی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۷۶-۸۰)، مقوم مثلیت پول کنونی را فقط در ارزش اسمی می بینند.

مذاهب چهارگانه اهل سنت (قراضوی، ۱۹۹۱ م، ج ۱، ص ۲۷۲) آن را سند دین بر علیه صادر کننده پنداشتند و برخی از اندیشه وران این مذاهب از جمله قراضوی (القراضوی، همان، ۲۷۶) آن را موضوع مستحدثه، جویجاتی (الجویجاتی، دت، ۸۲) و یونس المصری (المصری، ۲۰۰۱، ۱۶۶-۱۶۴) با قیاس، آن را مثل فلوس رایج و دراهم مغشوشه دانستند.

پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است بلکه برای اقتصاد غرب هم مهم و اساسی است. به طور کلی دو تحلیل اصلی در اقتصاد غرب درباره ماهیت پول قابل شناسایی است. (۱)، نظریه فلزگرا (metalism) یا نظریه پول کالایی (commodity money) که در آن پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه در جریان بوده است و (۲)، نظریه فرمان گرا (chartalism) که در آن پول بدون پشتوانه دولتی (fiat money) یا پول امری دولتی، بدون ارتباط با هیچ کالایی صرفا برای تصفیه تعهدات دولتی، ایجاد و منتشر می شود. هر یک از این دو نظریه با چالش های عمده ای مواجه است که آن دو را از قابلیت استناد بودن خارج می کند.

پژوهش حاضر براساس حقایق پولی و بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی و با طرح اشکالات مبنایی و بنایی این تحلیل‌ها، نشان خواهد داد، اولاً مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعدیل است و ثانیاً این تحلیل‌ها نه تنها برخی از مهم‌ترین حقایق پولی و بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی را نمی‌توانند توضیح دهند، بلکه ناقض تعدادی از این حقایق و هنجارها هستند؛ از این‌رو، هیچ‌یک از این تحلیل‌ها جامع نبوده و رضایت کامل را فراهم نکرده و نیاز به تحلیلی جامع و رضایت بخش درباره ماهیت پول و بررسی مسایل پولی در اقتصاد اسلامی بر اساس آن رخ می‌نماید.

## ز - نوآوری‌ها:

۱. بررسی و نقد تحلیل‌های گذشته ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب
۲. ارائه تحلیلی جدید و جامع از ماهیت پول
۳. فراهم آوری بستر فقهی و حقوقی قاعده رفتاری و تعامل بین بانک مرکزی و دولت از حیث هدف سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن
۴. ارائه دیدگاه ضمان جبران محدود و مقید تورم در دستمزدها و حقوق از طرف دولت اسلامی

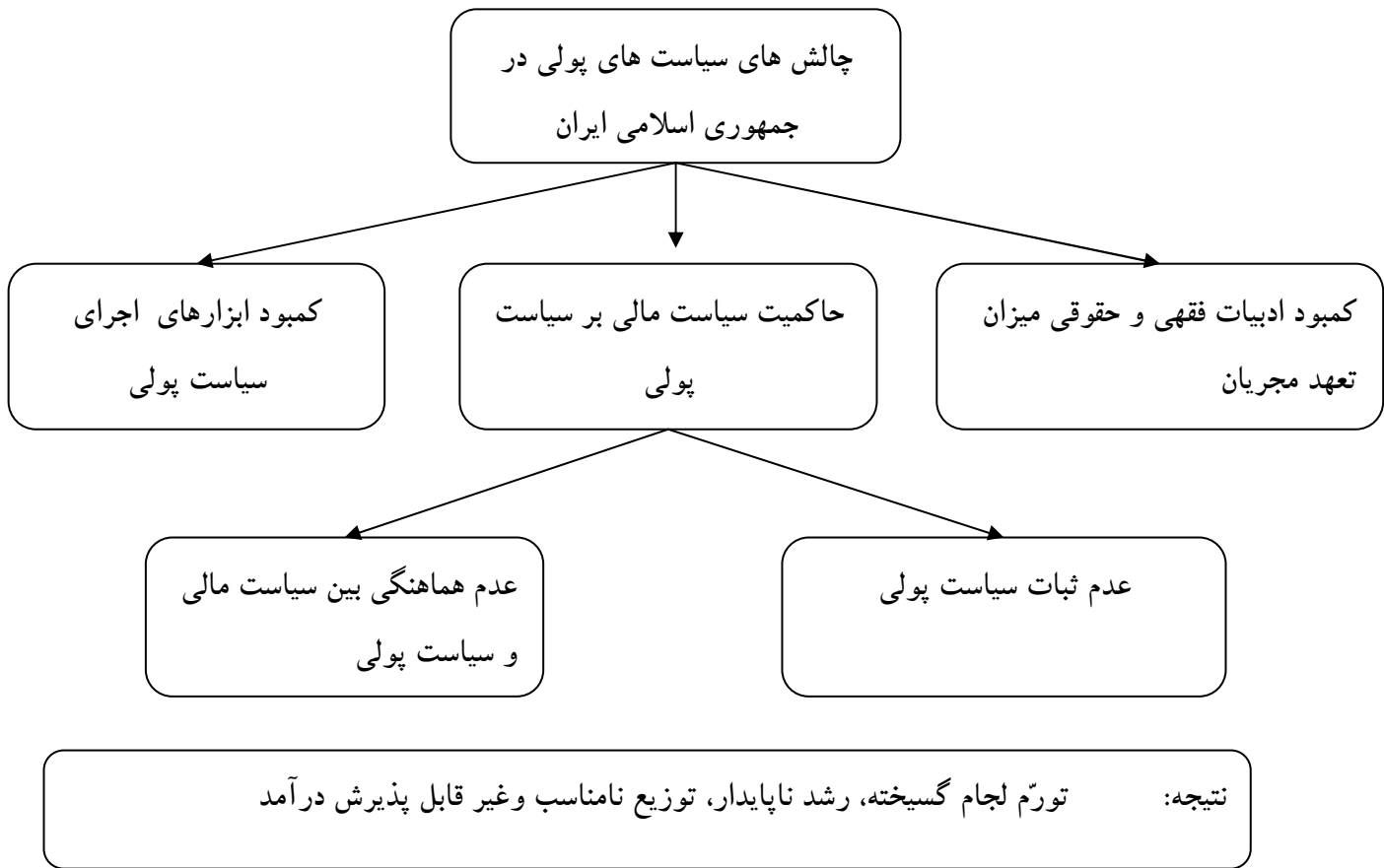
## ک - کاربرد نتایج تحقیق (مراجع استفاده کننده از نتایج تحقیق):

دولت، بانک مرکزی، بانک‌های تجاری، مجموعه نظام و محققین اقتصاد و فقه و مردم در معاملات روزمره شان.

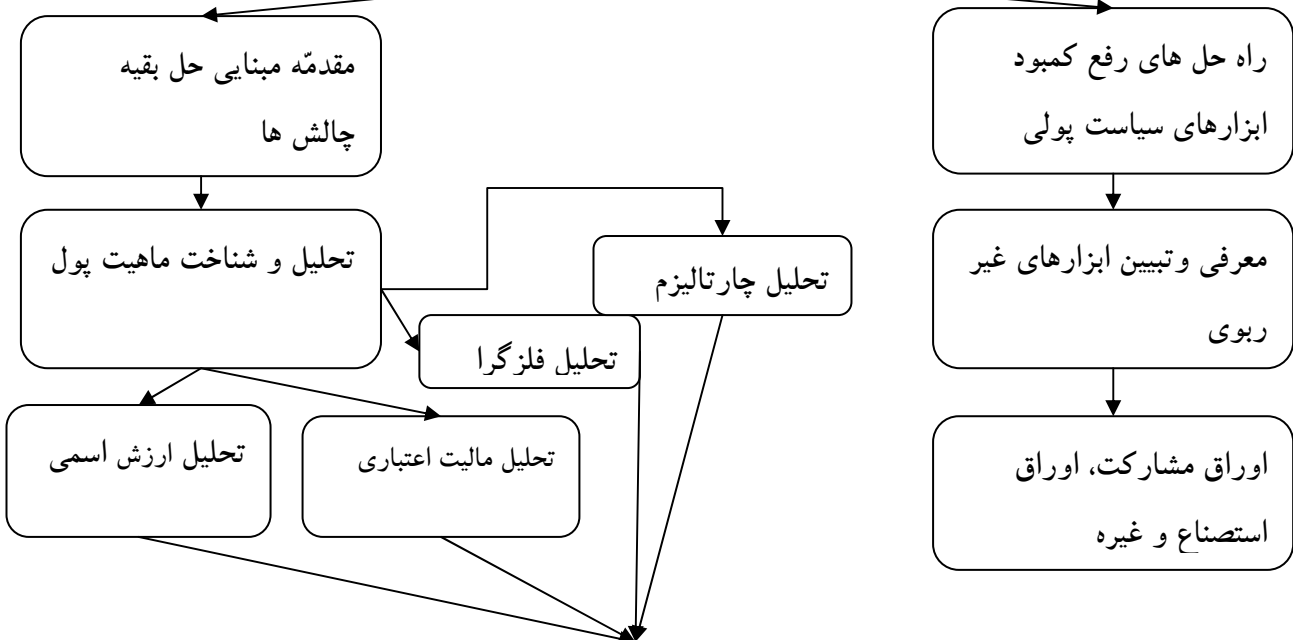
## ل - روش تحقیق:

روش تحقیق، توصیفی، تحلیلی و استنباطی است که به روش اجتهادی با مراجعه به منابع فقه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و نیز آراء و نظرات معتبر صورت می‌گیرد.

## ن - تصویر کلی پژوهش به صورت نمودار

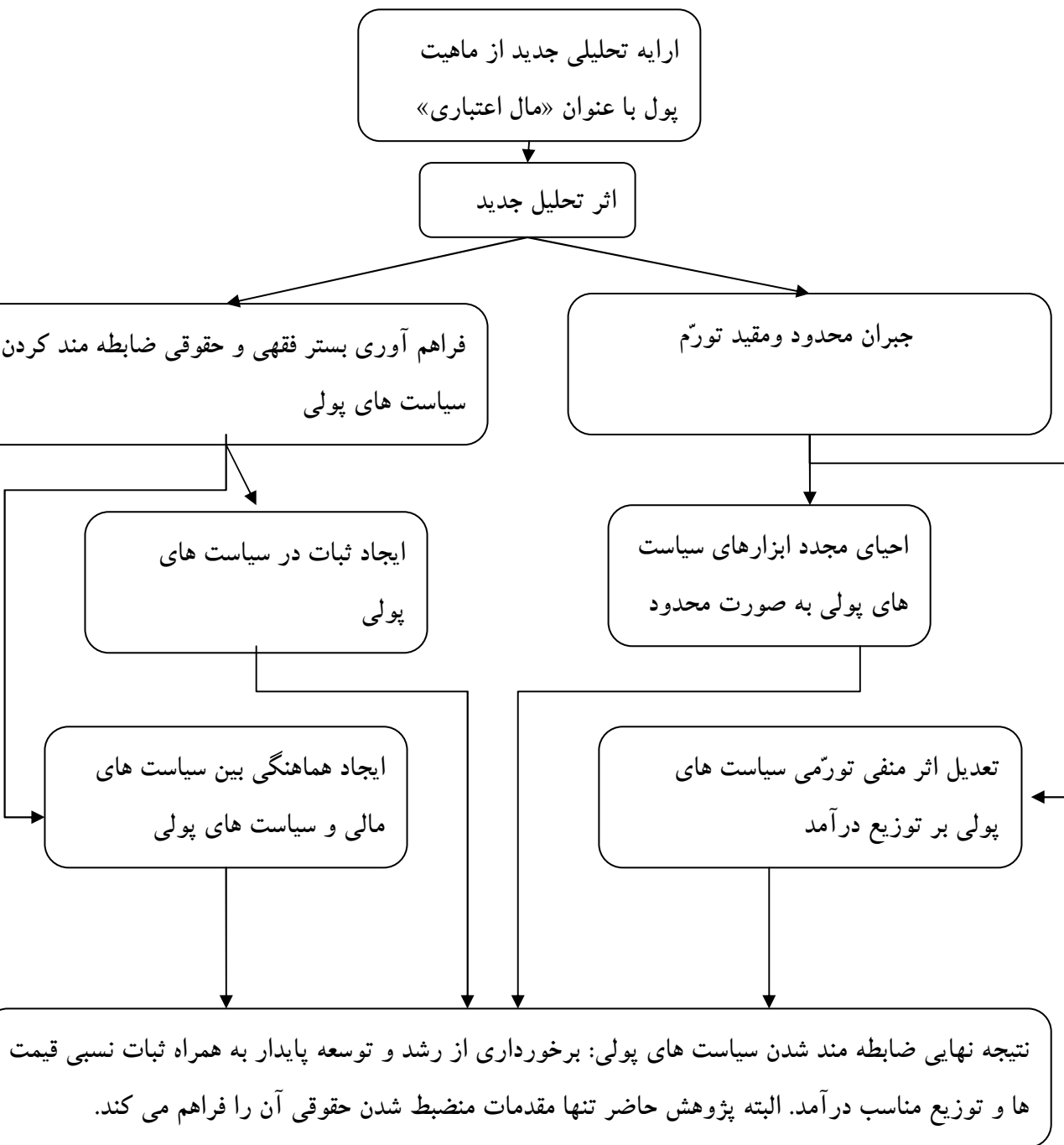


راه حل های رفع مشکل



با توجه به برخی اشکالات بنایی و مبنایی این تحلیل ها، در نتیجه جامع نبوده و رضایت کامل فراهم نمی کنند. لذا  
ارایه تحلیلی جامع و رضایت بخش از ماهیت پول امری ضروری است





## فصل دوم:

### مهم ترین حقایق پولی و بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی

(که هر تحلیل ماهیت پول باید قدرت توضیح دهندگی آنها را داشته باشد)

حقایق پولی و بانکی

هنجارهای شرعی و عرفی

## فصل دوم: مهم ترین حقایق پولی و بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی

### مقدمه:

پیش از آنکه به ارائه تحلیلی از ماهیت پول بپردازیم بایستی مروری بر ادبیات موضوع داشته پس از بررسی و نقد و اثبات ضرورت ارائه تحلیلی جدید به معرفی آن اقدام کنیم. در هنگام بررسی و نقد تحلیل های گوناگون ماهیت پول اولین پرسشی که به ذهن خطور می کند این است که این تحلیل ها باید بر اساس چه حقایقی شکل بگیرند. لذا در ابتدا بر آن شدیم که تعدادی از مهم ترین حقایق پولی، بانکی و هنجارهای عرفی و شرعی ای که هر تحلیل ماهیت پول باید قدرت توضیح دهندگی آنها را داشته باشد و بر اساس آنها شکل بگیرد و آنها را نقض نکند، طرح کنیم. البته اهم این حقایق و هنجارها از لابلای همین تحلیل ها که در صدد توضیح آنها بودند، استخراج گردیده است. آنگاه در ادامه تحلیل های ماهیت پول بر اساس مجموعه این حقایق بررسی و نقد می گردد تا در صورت سازگار نبودن این تحلیل ها با آن حقایق و جامع نبودن آنها ضرورت ارائه تحلیلی جدید و جامع که قدرت توضیح دهندگی این حقایق را داشته باشد، روشن شده و زمینه برای ارائه آن فراهم گردد.

### ۱-۲. حقایق پولی و بانکی

#### ۱-۱-۲. پول به عنوان کالای عام

جوامع بشری برای حل مشکلات مبادله پایاپای از همان اوایل یکی از کالاهای با ارزش را که از کالاهای دیگر متمایز و پر مبادله بود به عنوان پول در نظر گرفتند. منگر (Menger, ۱۸۹۲) در ۲۴۲ تأیید عقیده خودش که پول مخلوق بازار است به این حقیقت اشاره می کند که پول در فرایند جستجو برای حل مشکل مضاعف انطباق خواست ها که در مبادله پایاپای وجود دارد، ایجاد شده است. مبادله کنندگان در راستای کاهش هزینه های مبادله و با توجه به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار و این که فهمیده بودند کالاها دارای درجات مختلف فروش هستند و ادار شدند یک کالای عام تعریف کنند که در مبادله با انواع مختلف کالاها و خدمات واقعی و دارایی پذیرفته شود. این کالا به عنوان واسطه مبادله قرار گرفت در نتیجه عمل فروش از عمل خرید متمایز شد. در این دوران هر کالایی که به طور عام در مبادله پذیرفتنی بود پول نامیده می شد. فیشر که به پول کالایی معتقد است به این حقیقت اشاره می کند که کالایی که به عنوان پول واسطه مبادله بوده است به صورت انباره و ذخیره ارزش به شکل های گوناگون زیر وجود داشته است: سنگ، چرم، پشم حیوانات، ادویه، نمک، تنباکو، و حتی برده و زن و در نهایت فلزات گرانبهای طلا و نقره. به عقیده فیشر (Fisher, ۱۹۱۱/ ۱۹۳۱, ۲) ملاک و اساس این تغییرات و تحولات و

تکامل در پول به صورت دارایی‌های فیزیکی، شرایط یکنواختی، تقسیم پذیری، انتقال پذیری و دوام بوده است. در نهایت فلزات گرانبهای طلا و نقره این شرایط را به خوبی احراز کردند و توانستند چندین هزار سال به عنوان پول در جریان باشند.

## ۲-۱-۲. پدیده اجتماعی بودن پول

پول یک پدیده اجتماعی است. یک معنایش این است که اگر اجتماعی نباشد نیازی هم به پول نیست. اگر دو نفر باشند یا بیش تر با مبادله کالاها می‌توانند نیازمندی هایشان را برطرف کنند. اما هنگامی که خانواده ها گسترده‌تر می‌شوند و ارتباط با جوامع دیگر بیشتر می‌شود. مشکلات مبادله کالا با کالا حادثر و هزینه مبادله کالا با کالا غیر قابل تحمل گردیده و گاهی مبادله غیر ممکن می‌شود. در اینجا بود که جوامع بشری با ابداع پول توانستند بر این مشکلات غلبه کنند و با رونق مبادله رفاه بیشتری را به ارمغان بیاورند.

معنای دیگر اجتماعی بودن پدیده پول را هریس (Harris, ۱۹۸۱, ۴) این گونه بیان می‌کند که اجتماعی بودن پدیده پول تنها از این جنبه معنا نمی‌شود که انسان و فعالیت‌هایش در چهارچوب جامعه صورت می‌گیرد بلکه جنبه مهم‌ترش این است که پول در جامعه در چهارچوب اقتصادی و اجتماعی خاصی وجود می‌یابد و انواع متفاوتی از آن در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت وجود دارند و حتی در طول زمان و با تغییر الگوی تکامل تاریخی یک جامعه نیز تغییر می‌کنند. با مطالعه جوامع در طول تاریخ می‌بینیم در برخی جوامع پول وجود ندارد، در جوامع دیگر پول شکل‌های متفاوتی به خودش می‌گیرد، طلا در یک جامعه، گله گاو در جامعه‌ای دیگر، اسکناس‌های دلاری و حساب‌های بانکی در جوامع دیگر.

## ۲-۱-۳. انواع پول

در طول تاریخ از همان اوایل تا الان غرض مردم از پول فایده پولی است که از آن می‌برند. بنابراین فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حلزون، دندان نهنگ باشد یا سنگ آهن، مس باشد یا طلا، کاغذ باشد یا کارت اعتباری و پول الکترونیکی. تنها صفت مشترک این اشیاء آن است که هر یک توانسته در زمانی و مکانی به صورت وسیله مبادله و وسیله پرداخت مورد پذیرش عموم قرار گیرد. به گفته رمون بار: «در آلمان در سال ۱۹۴۵ م، سیگار به عنوان عالی‌ترین کالای مصرفی نقش پول را ایفاء می‌کرد و هم در آن زمانی کسی سیگار نمی‌کشید» (بار، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۵). بنابراین هنگامی که شیئی به عنوان پول وارد مبادله می‌گردد آنچه از نظر عرف و عقلا اهمیت دارد ارزش مبادله ای آن است و اگر عرف و عقلا در برابر ارزش پول از خود واکنش نشان

دهند این واکنش در قبال ارزش مبادله ای آن است، نه ارزش استعملی یا فایده مصرفی آن. فایده پولی همان چیزی است که عرف مردم و اقتصاد دان ها از آن به عنوان وظایف پول تعبیر می کنند و آن سه وظیفه است، یک: واسطه مبادله<sup>۱</sup>، دو: معیار سنجش ارزش<sup>۲</sup> و سه: وسیله ذخیره ارزش<sup>۳</sup>. لازم به یادآوری است که خصائص ویژه پول امکان انجام معاملات و کارکردها و انجام وظائف یاد شده را فراهم می سازد. اولاً، دوام پول موجب ایفای نقش آن به عنوان وسیله حفظ ارزش می شود. ثانیاً، تولید یا جعل پول از سوی مردم نباید به آسانی صورت گیرد. اعتماد عمومی به وجهه قانونی پول عامل اصلی موفقیت آن به عنوان وسیله مبادله است. ثالثاً، پول بایستی از مقبولیت گسترده ای برخوردار گردد. با افزایش اعتماد و پذیرش عامه مردم، ارزش آن به عنوان وسیله مبادله فزونی می یابد. و رابعاً، پول از قابلیت مبادله بی نام برخوردار بوده و وسیله مبادله عام است.

## ۲-۱-۴. واحد سنجش ارزش بودن پول

یکی از حقایق مهمی که درباره پول باید بدان اشاره کرد و قدری آن را تفصیل داد این است که یکی از نقش های اساسی پول در جامعه واحد سنجش ارزش بودن آن است. اجتماعی بودن بشر او را وادار کرده برای مبادله و ارزش سنجی، معیارها و واحدهای سنجش متعددی را جعل و قرارداد کند. به عنوان مثال، متر واحد طول است، لیتر واحد حجم است و کیلوگرم واحد وزن و فرانهایت واحد اندازه گیری دما. زمانی که می خواهیم مقایسه ای انجام دهیم در وجه مشترک آنها است. وجه مشترک در اندازه گیری طول این است که همه آنها دارای طول هستند، یا در موزونات همه دارای وزن هستند و همین طور در حجم و دما.

در مورد پول باید بگوییم که بشر مدنی الطبع برای انجام معامله چاره ای نداشت جز این که معیار سنجشی برای اندازه گیری ارزش اموال خود قرار بدهد. با وجود این که کالاهای مورد رغبت و نیاز انسان در جنس، نوع، فصل و عوارض مختلفند اما در یک چیز مشترکند و آن این است که مورد رغبت و خواست انسان قرار داشته و برای وی ارزش و مطلوبیت دارند. البته این ارزش برای کالاهای مختلف و افراد مختلف یکسان نیست و درجات مختلف دارد. حال برای این که بفهمیم اشیاء و کالاها (اموال) در نزد اجتماع از چه مقدار ارزش برخوردار است لازم شد یک کالای مورد رغبت انسان که میزان ارزش نسبی آن در نزد همه معلوم است ملاک و معیار سنجش دیگر ارزش ها قرار بگیرد. از اینجا بود که جوامع بشری طلا و نقره را به خاطر ویژگی های بی بدیش - یعنی شرایط یکنواختی، تقسیم پذیری، انتقال پذیری و دوام - در مرحله تکاملی پول بهترین

<sup>۱</sup> . Medium of exchange

<sup>۲</sup> . standard of value

<sup>۳</sup> . store of value

وسيله سنجش ارزش‌ها يافت. پس از آن كه ارزش يك مقدار معين از طلا و نقره (واحد پول) در رابطه مبادله آن با تمام كالاهاى ديگر در نزد اجتماع مشخص مى‌شود يك احساس و درك مشترك براى همه افراد جامعه پديد مى‌آيد. با اين درك مشترك شخص مى‌تواند همه اشيائى ديگر را با آن ملاك و معيار سنجيده و رغبت اجتماعى را درباره آن بيباد و به اين وسيله به مبادله بپردازد.

## ۲-۱-۵. قراردادى و اعتبارى بودن پول

قرار داد و اعتبار اصلى‌ترين و كلىدى‌ترين عنصر رشد و تعالى جامعه بشر است. تأثير وجودات و حقايق قراردادى و اعتبارى در زندگى بشر كمتر از وجودات و حقايق تكوينى نيست. نمونه بارز آن، زبانى است كه هر يك از ملت‌ها با آن صحبت مى‌كنند. شايد اولين اعتبار و قراردادى كه در جامعه بشرى صورت گرفت، اين بود كه آمدند براى هر معنائى لفظى و كلمه‌اى كه از جنس اصوات است قرار دادند. با اين كار افراد جوامع بشرى توانستند به تبادل داده‌ها و اطلاعات بپردازند. كلىد حل معماى رشد، تكامل و تعالى بشر را بايد در همين اولين قرارداد و اعتبار كه براى هر معنائى اسمى و لفظى قرار دادند، پيدا كرد. زبان كه ابزار تبادل داده‌ها است در مسير تاريخ تكامل يافت، به صورت كتيبى درآمد و هم اكنون به صورت الكترونيكى كار مبادله اطلاعات را به انجام مى‌رساند. همه مى‌دانيم، اساس رايانه و فناورى الكترونيكى تنها تعدادى بيت‌هاى روشن و خاموش است. بشر با قرار داد، اعتبار و تعريف خاص براى هر يك از بيت‌ها زبان رايانه خلق كرد و از اين طريق توانست از يك پديده فزيكى وسيله كارآمدى براى مبادله داده‌ها و اطلاعات بسازد. اين كار زندگى اجتماعى بشر را با سرازير شدن انبوه اطلاعات و داده‌ها مواجه ساخته او را آماده ورود به مرحله فراصنعتى كرده است. بشر براى رشد و تعالى خود و زندگى‌اش حقايق قراردادى و اعتبارى بسيار مهم ديگرى را نيز به خدمت گرفته است مانند همه حقايقى كه از نوع تشريع، قانون و حقوق هستند.

از جمله اين قراردادها و اعتبارهاى مهم كه زندگى اقتصادى بشر را متحول ساخت، پول است. بشر در ابتدا با قرارداد و اعتبار از يك شئ فزيكى مانند طلا و نقره پول به وجود آورد و آن را در مسير تاريخ و مقتضائى نيازمندى و امكانات تغيير داد و متكامل كرد و به جابى رساند كه جسم فزيكى نداشته، همه چيزش قراردادى و اعتبارى است. اين پول غير فزيكى كه به صورت الكترونيكى هم قابل نقل و انتقال است، بستر ورود به جامعه فراصنعتى و توليد انبوه را فراهم كرده است.

## ۲-۱-۶. ورود دولت ها به عرصه پول

یکی دیگر از حقایق پولی چگونگی ورود دولت ها به عرصه پول است. از زمانی که مردم خواستند سر و سامانی به عیار پول های فلزی طلا و نقره بدهند دولت ها وارد میدان شدند و با زدن مهر خویش روی سکه ها عیار فلز گرانبهای آن را تأیید و تضمین کردند. بنا به گفته آدام اسمیت (اسمیت، ۱۳۵۷ ه.ش، ۲۳) ظاهراً تا مدت ها پس از رواج پول فلزی، فلزات به صورت شمش هایی که گویا زمخت و بد قواره هم بودند، استفاده می شده اند. صرف نظر از نداشتن جذابیت های ظاهری این شیوه استفاده از فلز به عنوان وسیله مبادله با دو مشکل اساسی مواجه بود: یکی توزین و دیگری سنجش عیار. پیدایش سکه هایی با وزن و عیار مشخص که تأیید و تضمین مقامات حکومتی را نیز دارا بودند، با کاهش خطرات بالقوه معاملات پولی و حذف اقدامات پر دردسری چون توزین و سنجش عیار در هر معامله بی تردید عامل پر اهمیتی در تسهیل امر تجارت و داد و ستدهای پولی بوده است. به همین جهت رواج پول مسکوک در هر منطقه که خود مبین سطح معینی از رشد مبادلات پولی و تولید کالایی است و اغلب گسترش بیش تر این گونه مبادلات و تولیدات را به دنبال داشته است. اما در عین حال همین تحول یک ظرفیت بالقوه افزایش حجم پول را با تقلب در عیار سکه ها در اختیار دولت ها قرار داده است.

یک نمونه از سیاست غش در عیار را که نوعاً سیاست دوران ناکامی و مشکلات مالی است، در اینجا ذکر می کنیم. دیاکوف در کتاب تاریخ جهان باستان آورده است، دنا ریوس<sup>۴</sup> که در آغاز قرن اول میلادی تقریباً نقره خالص بود تا پایان این سده نیز ۹۰ درصد نقره داشت. در اواخر قرن دوم میلادی محتوای نقره آن به حدود ۵۰ درصد رسید. از حدود سال ۲۳۸ میلادی که محتوای نقره دنا ریوس به کمتر از ۳۰ درصد رسیده بود، کاهش سریع عیار و همراه آن افزایش سرسام آور قیمت ها آغاز شد. طی ۳۰ سال بعد مقدار نقره موجود در دنا ریوس از ۲۸ درصد به دو صدم درصد (۰.۲ درصد) رسید، یعنی در حدود ۱۴۰۰ بار کاهش یافت و هنگامی که امپراطور دیوکلتین بر تخت نشست دنا ریوس عملاً ارزشی نداشت و تورم لجام گسیخته و هرج و مرج اقتصادی را به حد کمال رسانده بود (دیاکوف، ۱۳۵۳ ه.ش، ص ۳۳۸).

## ۲-۱-۷. تدوین قانون پولی و تعریف واحد پول

از هنگامی که دولت ها وارد عرصه پول شدند، تدوین قانون پولی و تعریف واحد پول نیز بر عهده آنها قرار گرفت. با نگاهی به قوانین پولی کشورها چه در گذشته و چه در دوران معاصر، می بینیم قانون گذاران برای رواج و انتشار پول جدید به دو گونه عمل کردند. یک روش که اکثر کشورها

<sup>۴</sup> . دنا ریوس (Denarius) سکه نقره ای رم است. این واژه یونانی است و دینار از آن مشتق شده است.

هم بر همین منوال عمل می‌کنند این بوده و هست که ابتدا واحد پول نامگذاری شده، سپس آن را بر اساس وزن خاصی از طلا تعریف می‌کنند. تعدادی از نمونه‌های آن را در ذیل به تفصیل خواهیم آورد. روش دیگر که تعداد کمتری از کشورها در پیش گرفتند این است که ارزش پول خود را بر اساس ارزش پول گذشته یا پول کشور دیگر که در آن کشور شناخته شده یا در جریان بوده قرار دادند. یک نمونه آن آفریقای جنوبی است. نمونه دیگر آن می‌تواند واحد پول اروپایی یعنی یورو باشد که البته بر اساس سبدهی از پول‌های کشورهای عضو با وزن‌های متفاوت شکل گرفته و تعریف شده است.

### نمونه‌های روش اول:

#### ۲-۱-۷ الف - قانون ضرب سکه انگلیس

ضرب سکه در انگلیس بر اساس نظام پولی مرگب تنظیم شده است. دولت انگلیس برای برطرف کردن مشکل عملکرد قانون گرشام، در قانون پولی سال ۱۸۱۶ که همچنان پایه سیستم پولی این کشور است، پذیرفته است که طلا تنها پولی قانونی با ابراء نامحدود در جزایر بریتانی بوده و اسکناس‌های بانک انگلیس تنها به وسیله این بانک و شعبه‌های آن پولی قانونی تام در انگلیس است. نقره در مقادیری کمتر از ۴۰ شیلینگ و برنز در مقادیری کمتر از یک شیلینگ در جریان خواهد بود. این قانون با قرار دادن ارزشی اسمی سکه‌های نقره بسیار بیشتر از ارزش جنسی محتوا و سکه ضرب شده، آن را در ردیف پول‌های خرد و دلالتی تنزل داد (Sykes, ۱۹۰۵, chapter IV). قانون ضرب سکه ۱۸۹۱، انواع سکه‌ها را باعیارشان در طی جدول ذیل تعریف کرده است.



Schedule to the Coinage Act of ۱۸۹۱

		Remedy Allowance: اصلاح مجاز:			
Denomination of Coin.	Standard of Fineness: استاندارد عیار:	Weight per Piece.		Millesimal	
		Imperial Grains. حبه امپراطوری	Metric Grams. گرم استاندارد	Fineness. یکهزارمین قسمت عیار	
Gold: طلا					
Five-pound -	Eleven-twelfths fine gold, one-twelfth alloy; or millesimal fineness ۹۱۶,۶. $\frac{11}{12}$ آلیاژ طلای خاص، $\frac{1}{12}$	۱,۰۰	۰,۰۶۴۷۹	۲.	
Two-pound -		۰,۴۰	۰,۰۲۵۹۲		
Sovereign -		۰,۲۰	۰,۰۱۲۹۶		
Half - sovereign		۰,۱۵	۰,۰۰۹۷۲		
Silver : نقره					
Crown - -	Thirty - seven fortieths fine silver, three-fortieths alloy; or millesimal fineness ۹۲۵. £	۲,۰۰۰	۰,۱۲۹۶	£	
Double-florin -		۱,۶۷۸	۰,۱۰۸۷		
Half-crown		۱,۲۶۴	۰,۰۷۸۸		
Florin		۰,۹۹۷	۰,۰۶۴۶		
Shilling - -		۰,۵۷۸	۰,۰۳۷۵		
Sixpence -		۰,۳۴۶	۰,۰۲۲۴		
Groat or Four- pence		۰,۲۶۲	۰,۰۱۷۰		
Threepence		۰,۲۱۲	۰,۰۱۳۸		
Twopence		۰,۱۴۴	۰,۰۰۹۳		
Penny - -		۰,۰۸۷	۰,۰۰۵۶		
Bronze:					
Penny - -	Mixed metal, copper, tin and zinc. مخلوطی از فلزات مس، قلع و روی	۲,۹۱۶۶۶	۰,۱۸۸۹۹	None.	
Halfpenny -		۱,۷۵۰۰۰	۰,۱۱۳۳۹		
Farthing - -J		۰,۸۷۵۰۰	۰,۰۵۶۶۹		

پوند انگلیس قدیمی ترین پولی است که هنوز هم استفاده می‌شود و برای این که با پوند دیگر کشورها متمایز شود به آن پوند استرلینگ<sup>۵</sup> گفته می‌شود. از سال ۱۹۷۱ سیستم پولی انگلیس دهگان شد و یک پوند به ۱۰۰ پنی تقسیم گردید. بانک انگلیس که در سال ۱۶۹۴ تشکیل شده

<sup>۵</sup> . pounds sterling ، پوند تمام عیار

بود و نیز بانک اسکاتلند که یک سال پس از آن شکل گرفت هر دو شروع به انتشار پول کاغذی کردند در دوران جنگ های ناپلئونی و انقلابی اسکنا س های بانگ انگلیسی پول قانونی و در جریان بود و ارزش آن بسته به ارزش طلا شناور بود. در سال ۱۸۱۶ استاندارد طلا به طور رسمی پذیرفته شد و نیمه دوم قرن ۱۹ بسیاری از کشورهای غربی استاندارد طلا را پذیرفته بودند.

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ استاندارد طلا لغو شد و اسکنا س بانگ انگلیس و خزانه داری پول رایج گردیدند. پیش از جنگ جهانی انگلستان قوی ترین اقتصاد جهان را داشت و بیش از ۴۰٪ سرمایه گذاری در خارج کشور را هدایت می کرد. اما در انتهای جنگ انگلیس ۸۵۰ میلیون پوند بدهکار شد. بخش اعظم آن رابه آمریکا بدهکار بود. تأدیه این بدهی به همراه هزینه بهره اش حدود ۴۰٪ هزینه دولت را تشکیل می داد. گرچه در سال ۱۹۲۵ تلاش شد ارزش پول با استاندارد طلا منطبق شود و مردم می توانستند اسکنا س ها را با شمش طلا عوض کنند. اما این کار با پدیدار شدن بحران اقتصادی و رکود بزرگ ۱۹۲۹ در سال ۱۹۳۲ ترک شد. در این بحران ارزش استرلینگ ۲۵٪ کاهش یافت. در سال ۱۹۴۴ در طی توافقی بین امریکا و انگلیس در برتن وودز<sup>۶</sup> رخ داد، رابطه بین پوند و دلار به نسبت یک پوند برابر ۴/۰۳ دلار تثبیت گردید. با فروپاشی سیستم برتن وودز ارزش پول انگلیس از سال ۱۹۷۱ شناور شد. تورم اثر روشنی چه در دوران جنگ جهانی دوم و چه پس از آن از خود بر جای گذاشته است. جدول ذیل نشان دهنده معادل کالایی ای است که یک پوند می توانست در سال خاص خریداری کند، می باشد. این جدول نشان می دهد از سال ۱۹۷۱ تا سال ۲۰۰۹ پوند انگلیس ۹۱ درصد قدرت خرید خودش را از دست داده است (Sykes , ۱۹۰۵, chapter IV).

Year	Equivalent buying power	Year	Equivalent buying power	Year	Equivalent buying power
۱۹۷۱	£۱,۰۰	۱۹۸۰	£۰,۳۰	۱۹۸۹	£۰,۱۸
۱۹۷۲	£۰,۹۴	۱۹۸۱	£۰,۲۷	۱۹۹۲	£۰,۱۵
۱۹۷۳	£۰,۸۶	۱۹۸۲	£۰,۲۵	۱۹۹۴	£۰,۱۴
۱۹۷۴	£۰,۷۴	۱۹۸۳	£۰,۲۴	۱۹۹۶	£۰,۱۴
۱۹۷۵	£۰,۵۹	۱۹۸۴	£۰,۲۳	۱۹۹۹	£۰,۱۲
۱۹۷۶	£۰,۵۱	۱۹۸۵	£۰,۲۱	۲۰۰۰	£۰,۱۲
۱۹۷۷	£۰,۴۴	۱۹۸۶	£۰,۲۱	۲۰۰۷	£۰,۱۰
۱۹۷۸	£۰,۴۱	۱۹۸۷	£۰,۲۰	۲۰۰۸	£۰,۰۹
۱۹۷۹	£۰,۳۶	۱۹۸۸	£۰,۱۹	۲۰۰۹	£۰,۰۹

Source: Measuring Worth- Purchasing Power of Money in the United Kingdom from ۱۹۷۱ to ۲۰۱۰.

<http://www.measuringworth.com/ppowers>

<sup>۶</sup> . در کنفرانس بین المللی پولی و مالی که در سال ۱۹۴۴ با حضور نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز واقع در نیوهمشایر امریکا تشکیل گردید توافقی به عمل آمد که بر اساس آن بنای ایجاد بانک بین المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین المللی پول گذاشته شد. بر اساس سیستم پولی برتن وودز طلا به صورت معیار جهانی ارزش پول کشورها باقی ماند. اما کشورها امکان یافتند که پول های قابل تبدیل به طلا (یعنی دلار امریکا) را نیز در کنار طلا در مبادلات خود به کار گیرند، بر اساس ماده ۴ صندوق بین المللی پول کشور های عضو می بایست پول خود را در برابر طلا یا دلار تثبیت نموده و نرخ آنرا اعلام نمایند. با توجه به مشکلاتی که نظام نرخ ارز ثابت برای کشورها به وجود آورد، حیات این نظام در سال ۱۹۷۱ پایان یافت (صادقی یارنندی و مرزوقی، ۱۳۷۸، ص ۱).

## ۲-۱-۷. ب - قانون ضرب سکه آمریکا

قانون ضرب سکه آمریکا در آوریل ۱۷۹۲ میلادی به وسیله کنگره آمریکا تصویب شد. در این قانون تأسیس ضربخانه و تنظیم ضرب سکه ایالات متحده آمریکا بیان گردیده است. این قانون دلار را به عنوان پول رایج قانونی کشور آمریکا اعلام کرد. سیستم پولی در این قانون بر اساس سیستم دهمی بنیان گردید. در جدول ذیل اسامی پول رایج و مقادیر عیار آنها که در قانون ضرب سکه ۱۷۹۲ میلادی تصویب شده به تفصیل آمده است.

The Act authorized production of the following coins.

<a href="#">Eagles</a>	\$۱۰	۲۴۷ $\frac{1}{8}$ grain (۱۶,۰ g) pure or ۲۷۰ grain (۱۷,۵ g) standard <a href="#">gold</a>
<a href="#">Half Eagles</a>	\$۵	۱۲۳ $\frac{1}{8}$ grain (۸,۰۲ g) pure or ۱۳۵ grain (۸,۷۵ g) standard <a href="#">gold</a>
<a href="#">Quarter Eagles</a>	\$۲,۵۰	۶۱ $\frac{1}{8}$ grain (۴,۰۱ g) pure or ۶۷ $\frac{1}{8}$ grain (۴,۳۷ g) standard <a href="#">gold</a>
<a href="#">Dollars</a> or Units	\$۱	۳۷۱ $\frac{1}{16}$ grain (۲۴,۱ g) pure or ۴۱۶ grain (۲۷,۰ g) standard <a href="#">silver</a>
<a href="#">Half Dollars</a>	\$۰,۵۰	۱۸۵ $\frac{1}{16}$ grain (۱۲,۰ g) pure or ۲۰۸ grain (۱۳,۵ g) standard <a href="#">silver</a>
<a href="#">Quarter Dollars</a>	\$۰,۲۵	۹۲ $\frac{1}{16}$ grain (۶,۰۱ g) pure or ۱۰۴ grains (۶,۷۴ g) standard <a href="#">silver</a>
<a href="#">Dimes</a>	\$۰,۱۰	۳۷ $\frac{1}{16}$ grain (۲,۴۱ g) pure or ۴۱ $\frac{1}{16}$ grain (۲,۷۰ g) standard <a href="#">silver</a>
<a href="#">Half Dimes</a>	\$۰,۰۵	۱۸ $\frac{1}{16}$ grain (۱,۲۰ g) pure or ۲۰ $\frac{1}{16}$ grain (۱,۳۵ g) standard <a href="#">silver</a>
<a href="#">Cents</a>	\$۰,۰۱	۱۱ <a href="#">pennyweights</a> (۱۷,۱ g) of <a href="#">copper</a>
<a href="#">Half Cents</a>	\$۰,۰۰۵	۵ $\frac{1}{2}$ pennyweights (۸,۵۵ g) of <a href="#">copper</a>

Source : coinage Act of ۱۷۹۲. United state congress.

این قانون ارزش نسبی طلا و نقره را به نسبت یک واحد طلای خالص در قبال ۱۵ واحد نقره خالص قرار داده است. در این قانون واحد وزن بر اساس حبه (grain) است.<sup>۷</sup> طلای استاندارد در این قانون ۱۱ قسمت طلا و یک قسمت آلیاژ نقره تعریف شده است. نقره استاندارد در این قانون ۱۴۸۵ قسمت نقره و ۱۷۹ قسمت آلیاژ مس تعریف شده است. در ذیل بخش ۱۴ فصل ۱۶ قانون آمده که هر شخصی می‌تواند شمش طلا و نقره را به ضربخانه آورده و بدون هزینه آن را مسکوک کند و یا با اندکی هزینه سکه‌های معادل ارزش آن را فوری دریافت کند. اولین اسکناس دلاری به ارزش یک دلار در سال ۱۸۶۲ به عنوان پول قانونی منتشر شد. در جدول زیر نوع و مقدار ارزش سکه‌هایی که اکنون در آمریکا ضرب می‌شود و شمش و اسکناس‌ها منتشره آورده شده است.

<sup>۷</sup> . به آن حبه یا گندم یا جو می‌گویند و واحد وزن طلا است. هر حبه برابر ۰/۰۶۵ گرم است.

United States currency and coinage	
<a href="#">Current coinage</a>	<a href="#">Penny (۱¢)</a> · <a href="#">Nickel (۵¢)</a> · <a href="#">Dime (۱۰¢)</a> · <a href="#">Quarter dollar (۲۵¢)</a> · <a href="#">Half dollar (۵۰¢)</a> · <a href="#">Dollar (\$۱)</a>
<a href="#">Bullion coinage</a>	<a href="#">America the Beautiful Silver Bullion Coins</a> · <a href="#">American Buffalo</a> · <a href="#">American Gold Eagle</a> · <a href="#">American Platinum Eagle</a> · <a href="#">American Silver Eagle</a>
<a href="#">Paper money</a>	\$۱ · <a href="#">\$۲</a> · <a href="#">\$۵</a> · <a href="#">\$۱۰</a> · <a href="#">\$۲۰</a> · <a href="#">\$۵۰</a> · <a href="#">\$۱۰۰</a> · <a href="#">Larger denominations</a>

Source: Arthur L. and Iras, Friedberg (۲۰۰۵), A Guide Book of United States paper money, p.۵۵.

## ۲-۱-۷ ج - قانون ضرب سکه و تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران

ابتدا قانون پولی مصوب ۱۳۰۸ هجری مجلس شورای ملی سابق را طرح کرده، سپس اصلاحیه ۱۳۱۰ و آنگاه قانونی پولی مصوب را با اصلاحیه های بعدی که آخرین قانونی پولی ای است که واحد پول در آن تعریف شده، می آوریم.

### یک: قانون پولی مصوب ۱۳۰۸/۱۲/۲۷ مجلس شورای ملی

ماده ۱ - مقیاس طلا<sup>۸</sup>

واحد پول قانونی ایران ریال طلا است که به صد دینار تقسیم می شود.

ماده ۲ - مسکوک مضروب و جزء واحد مقیاس مسکوکات قانونی در جریان عبارتند از:

الف - مسکوک طلا: سکه طلای بیست ریالی به نام «پهلوی» و سکه طلای ده ریالی به نام «نیم پهلوی»

ب - مسکوک نقره: سکه نقره نیم ریالی، سکه نقره یک ریالی، سکه نقره دو ریالی و سکه نقره پنج ریالی

ج - مسکوکات نیکل: سکه نیکل پنج دیناری، سکه نیکل بیست و پنج دیناری

د - مسکوکات مس: سکه مس یک دیناری و سکه مس دو دیناری

ماده ۳ - وزن خالص و وزن مسکوک

الف - یک ریال معادل با ۰/۳۶۶۱۱۹۱ گرم طلای خالص است.

<sup>۸</sup> . به خاطر شدت تنزل قیمت که پیش تر پایه پول ایران بود و امید به توقف و بهبود هم نبود، دولت وقت تصمیم گرفت واحد پول را بر پایه طلا قرار دهد به همین دلیل نیز در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ به موجب قانون، ریال طلا واحد پول ایران قرار گرفت و میزان طلای خالص آن که در متن قانون مذکور است ۰/۳۶۶۱۱۹۱ گرم طلای خالص تعیین گردید که معادل میزان طلای خالص یک شیلینگ انگلیس بود (ضیایی، همان، ۵۶).

ب - مسکوک طلای بیست ریالی یا پهلوی دارای ۷/۳۲۲۳۸۲ گرم طلای خالص است و ضرابخانه دولتی باید یک کیلوگرم طلای خالص را به مصرف ضرب ۱۳۶/۵۶۷۵ عدد سکه یک پهلوی برساند (ضیایی، ۱۳۷۲ش، جلد اول، ص ۵۶ - ۵۷).

دو - **قانون اصلاح قانون واحد و مقیاس پول، مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۲ مجلس شورای ملی<sup>۹</sup>**

ماده ۲ فقره الف به نحو ذیل اصلاح می‌شود:

مسکوک طلا - سکه طلای صد ریالی به نام (پهلوی)

مسکوک طلا - سکه طلای پنجاه ریالی به نام (نیم پهلوی)

فقره د ماده ۲ راجع به مسکوکات مس حذف می‌شود.

در ماده ۳ اصلاحات ذیل به عمل می‌آید:

فقره الف - یک ریال معادل با ۰/۰۷۳۲۲۳۸۲ گرم طلای خالص است (ضیایی، همان، ص ۸۸).

سه - **قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸ با اصلاحیه های سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲**

قسمت اول - پول

ماده ۱: ۱ - الف واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب - یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰/۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص

است. ج - تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۰</sup> و موافقت وزیر دارائی<sup>۱۱</sup> و تائید هیات وزیران و تصویب کمیسیونهای دارائی مجلسین میسر خواهد بود<sup>۱۲</sup>.

د - برابری پولهای خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین المللی پول محاسبه و تعیین میشود.

<sup>۹</sup> . از آنجا که لیره در سال ۱۳۱۰ از طرف دولت انگلیس که مهم ترین پول بین المللی بود غیر قابل تبدیل به طلا اعلام گردید. این عمل تأثیر زیادی بر کلیه پولها از جمله ریال گذاشت، لذا دولت ایران استقرار واحد طلا را متوقف و قانون اصلاحی ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ را از مجلس گذراند به موجب این قانون ریال طلا به وزن خالص ۰/۰۷۳۲۲۳۸۲ گرم طلا تعیین شد. این مقدار حدود یک پنجم ریال در قانون پیشین بود. نتیجه این اقدامات، اولاً یکسان شدن ارزش اسمی ریال با ارزش فلزی آن در رابطه با ارزهایی که بر پایه طلا قرار داشت شد. ثانیاً ریال غیا جانشین قران گردید (ضیایی، همان).

<sup>۱۰</sup> . قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) - مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی - ماده ۱۸.

<sup>۱۱</sup> . لایحه قانونی اصلاح قانون پولی و بانکی کشور - مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ شورای انقلاب اسلامی - بند ۶.

<sup>۱۲</sup> . به موجب قانون تعیین نام مجلس، مصوب ۱۳۵۹/۴/۳۱ مجلس شورای اسلامی (ماده واحده) نام مجلس شورا «مجلس شورای اسلامی» تعیین گردید.

ماده ۲ - الف - پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه های فلزی قابل انتشار است.

ب - فقط اسکناس و پول های فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و با طبق این قانون انتشار می یابد جریان قانونی و قوه ابراء دارد.

ج - تعهد پرداخت هرگونه دین و یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام پذیر است، مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد. د - مسکوکات طلا رواج قانونی ندارد.

ه - مقررات مربوط به ورود و صدور طلا و نقره به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تصویب هیئت وزیران تعیین می شود.

و - مبلغ اسمی - شکل جنس - رنگ - اندازه - نقشه و سایر مشخصات اسکناس ها و سکه های فلزی رایج کشور به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و تصویب وزیر دارایی با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد گردید.

میزان سکه های فلزی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و تصویب وزیر دارایی تعیین خواهد شد.

ز - اسکناس دارای امضاء وزیر دارایی و رئیس کل بانک مرکزی ایران خواهد بود.

ماده ۳ - الف - امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است و این امتیاز با رعایت مقررات این قانون منحصرأ به بانک مرکزی ایران واگذار می شود.

ب - میزان قوه ابراء سکه های فلزی رایج کشور و همچنین طرز جمع آوری و شرایط خروج اسکناس ها و سکه ها از جریان به وسیله بانک مرکزی ایران با تأیید شورای پول و اعتبار پس از تصویب وزیر دارایی تعیین و از طریق درج در روزنامه رسمی کشور و حداقل در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار پایتخت و پخش از شبکه رادیو و تلویزیون کشور به اطلاع عمومی می رسد.

ماده ۴ - الف - تعهد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مقابل اسکناس ها یا سکه های فلزی منتشر شده منحصر به پرداخت پول رایج کشور خواهد بود.

ب - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در قبال سرقت یا فقدان یا از بین رفتن اسکناس ها و سکه های فلزی در دست اشخاص هیچگونه تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت.

ج - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درمذتی که کمتر از ده سال نخواهد بود. اسکناس ها و سکه های فلزی را که طبق بند ب ماده ۳ این قانون از جریان خارج می شوند و رواج قانونی خود را از دست می دهند با پول رایج کشور معاوضه خواهد نمود و پس از انقضاء مدت مقرر تعهدی در قبال آنها نخواهد داشت و اسکناس ها و سکه های فلزی تعویض نشده به حساب خزانه منظور خواهد شد.

ماده ۵ - الف بانک مرکزی ایران باید برابر صددرصد اسکناس های منتشر شده همواره دارایی های به شرح زیر به عنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد:

۱- طلا طبق ماده ۶

۲- ارز طبق ماده ۷

۳- اسناد و اوراق بهادار طبق مواد ۸ و ۹

ب - مجموع دارایی های مندرج در ردیف های یک و دو بند الف این ماده نباید از ۲۵ درصد مجموع بدهیهای بانک مرکزی ایران بابت اسکناسهای منتشر شده کمتر باشد. تبصره - ارزش داراییهای موضوع این ماده در صورتی که قیمت خرید آنها پایینتر از قیمت اسمی باشد به قیمت خرید و در صورتی که قیمت خرید آنها زیادتز از قیمت اسمی باشد به قیمت اسمی محسوب می شود.

ماده ۶- دارایی های طلا موضوع ردیف (۱) بند الف ماده ۵ عبارتند از:

الف - شمش طلا، طلای مسکوک موجود در خزانه بانک، طلائی که در بانک های خارجی و مؤسسات بین المللی سپرده شده باشد.

ب - طلای تحویلی به صندوق بین المللی پول و بانک بین المللی ترمیم و توسعه و یا مؤسسات مشابه یا وابسته به آنها بابت سهمیه یا سرمایه طبق قوانین مصوب.

ماده ۷- دارایی های ارزی موضوع ردیف (۲) بند الف ماده ۵ با رعایت تبصره این ماده عبارتست از : الف - اسکناس های خارجی قابل تبدیل مورد قبول بانک مرکزی ایران.

ب - مطالبات ارزی که به سررسید آنها بیش از شش ماه نمانده باشد.

ج - هرگونه پرداخت بابت سهمیه و یا سرمایه به صندوق بین المللی پول یا بانک بین المللی ترمیم و توسعه و یا مؤسسات مشابه یا وابسته به آنها طبق قوانین مربوط.

د - اسناد صادر یا تضمین شده از طرف سازمان های رسمی بین المللی و مؤسسات وابسته به آنها. ه- اسناد صادر یا تضمین شده از طرف دولت های خارجی.

و - مطالبات ارزی یا مطالبات ریالی قابل تبدیل به ارز از خارجه که بر اثر اجرای موافقتنامه های

بین المللی پرداخت یا پایاپای حاصل شده باشد، تا حدود پیش بینی شده در موافقتنامه های

مزبور. ز - اسناد بازرگانی عهده اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی به ارز قابل تبدیل و دارای سه

امضاء معتبر که یکی از آنها امضاء بانک واگذار کننده باشد و به سررسید آنها بیش از شش ماه نمانده باشد.

ح - اوراق و اسناد بهادار خارجی قابل تبدیل به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ایران.

ط - موجودی حساب حق برداشت مخصوص در صندوق بین المللی پول طبق قوانین مربوط.

تبصره - ارزها و اسناد و مطالبات ارزی مذکور در این ماده باید از انواع ارزهای قابل تبدیل مورد قبول بانک مرکزی ایران باشند.

ماده ۸- اسناد و اوراق بهادار دولتی موضوع ردیف (۳) بند الف ماده ۵ عبارت است از:

الف - اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی یا تضمین شده از طرف وزارت دارایی مشروط بر این که اجازه انتشار یا تضمین آن قانوناً تحصیل شده باشد.

ب - مطالبات بانک مرکزی ایران از وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به دولت و یا وابسته به شهرداری ها که به طور بازرگانی اداره می شوند مشروط بر این که این مطالبات از طرف وزارت دارایی تضمین شده باشد.

تبصره - جواهرات سلطنتی موضوع قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۶ وثیقه کلیه تعهدات ناشی از اجرای این ماده می باشند نگاهداری و حفاظت جواهرات سلطنتی به عهده بانک مرکزی ایران است و استفاده از آنها فقط طبق مقررات این قانون وزیر نظر هیأت اندوخته اسکناس امکان پذیر است. ماده ۹- اسناد غیردولتی موضوع ردیف ۳ بند الف ماده ۵ عبارت است از:

الف - اسناد بازرگانی ریالی قابل پرداخت به حواله کرد دارای سه امضاء معتبر که یکی از آنها امضاء بانک و گذار کننده باشد با سررسید حداکثر یک سال.

ب - سایر مطالبات کوتاه مدت ریالی به وثیقه شمش یا مسکوک طلا یا دارایی های مندرج در ماده ۷ با سررسید حداکثر یک سال.

## روش دوم: تعریف پول جدید بر اساس پول دیگر<sup>۱۳</sup>

### ۲-۱-۷-۵ - افریقای جنوبی

در افریقای جنوبی پیش از جمهوری پوند و مشتقات آن در جریان بود. پس از جمهوری قانون ۹۰ بانک مرکزی افریقای جنوبی در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید. و بانک مرکزی را موظف کرد سکه و اسکناس های مورد نیاز جمهوری را با اسامی و ارزش های جدید ضرب و منتشر کند. در بند (۱) قسمت (۱۵) این قانون واحد پولی جمهوری با نام رند (Rand) که علامت اختصاری آن R است و سنت (Cent) که علامت اختصاری آن C است، تعریف گردید. در بند (۲) قسمت (۱۵) مقدار ارزش مسکوکات رند و سنت بر اساس ارزش پوند و مشتقات آن که پیش تر در جریان بود. طی یک جدول که در زیر می آید، تعیین گردید.

TABLE ۲

<sup>۱۳</sup> . این تعریف می تواند بر اساس پول گذشته این کشور یا پول کشور دیگر که در این کشور پیش تر در جریان بوده است، باشد و یا این که پیش تر در جریان نبوده اما پول شناخته شده است و یا مثل اتحادیه اروپا ترکیبی وزنی از پول کشورهای عضو باشد.



Coin in circulation under the designation of-	Value in rand and cent
Pound/sovereign	Two rand
Half-pound/half sovereign	One rand
Crown	Fifty cents
Half-crown	Twenty-five cents
Florin	Twenty cents
Shilling	Ten cents
Six pence	Five cents
Three pence	Two-and-a-half cents
Penny	Ten-twelfths of a cent
Half-penny	Five-twelfths of a cent
Farthing	Five twenty-fourths of a cent

Source: South African Reserve Bank , Act ۹۰ of ۱۹۸۹

در بند (۱) قسمت ۱۶ این قانون، بانک موظف شده بر اساس جدول ۲ و نام گذاری های صورت گرفته سکه هایی را به صورت تولید انبوه از جنس طلا، پلاتین، نقره، نیکل، مس، قلع، روی و یا استیل و یا با آلیاژی مخلوط از این فلزات، با توجه به عیار استاندارد ضرب کند.

## ۲-۱-۰۷- اتحادیه پولی اروپا

جامعه اروپا تا سال ۱۹۷۴ از چهار واحد محاسباتی مختلف با معنایی مشابه استفاده می کرد. همه این واحدها بر اساس ۰/۸۸۸۶۷۰۸۸ گرم طلای خالص که معادل یک دلار آمریکا بود محاسبه می شد. با شناور شدن اغلب پول ها جامعه اروپایی تصمیم گرفت واحد دیگری را که با محیط بین المللی سازگاری بیش تری داشته باشد، انتخاب کند. این واحد محاسباتی که اکو<sup>۱۴</sup> (ECU) نام گرفت از ۱۹۷۶ جانشین دیگر واحدهای محاسباتی شد. ارزش اکو بر اساس مجموعه و سبدهی از مبلغ معینی از پول ها تعیین می شد. ارزش این واحد بر اساس تغییرات هر یک از پول ها تغییر می کرد (دنی شور، ۱۳۶۸، ص ۵۵ - ۵۴). محاسبه پول های مختلف در اکو از این قرار بود: ۳/۳۶ فرانک بلژیک، ۰/۲۸۶ فلورن هلند، ۱/۱۵ فرانک فرانسه، ۰/۱۴ فرانک لوکزامبورگ، ۰/۰۸۸۵ لیره استرلینگ، ۰/۲۱۷ کورن دانمارک، ۰/۸۲۸ مارک آلمان، ۱۰۹ لیر ایتالیا و ۰/۰۰۷۵۹ لیره ایرلند. قیمت اکو در برابر هر یک از این پول ها عبارت بود از رقم همان پول که در ترکیب اکو به کار رفته بود. قرار شد بانک مرکزی هر یک از کشورهای عضو، از طریق بانک مرکزی بلژیک، نرخ تسعیر دلار به پولش را اطلاع دهد. علت انتخاب دلار هم به این دلیل بوده که تغییرات دلار در بازار پول بسیار گویا و مؤثر بوده است. کمیسیون مربوطه برابری اکو را نسبت به دلار و سپس نسبت به هر یک از پول های اعضا محاسبه می کرد. در اثر تغییرات در نرخ برابری، وزن هر یک از

<sup>۱۴</sup> . Ecu: European Currency Unit.

پول ها، بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ دگرگون شد و این دگرگونی همچنان ادامه دارد. نحوه ترکیب اکو را نخست تا شش ماه پس از اجرای نظام و پس از آن هر پنج سال یکبار می شد مورد تجدید نظر قرار داد به شرط این که تغییرات حاصل در یک پول از ۲۵٪ تجاوز نکند. همه اعضا باید با نرخ تجدید نظر شده موافقت می کردند در عین حال نرخ خارجی اکو را نمی شد تغییر داد. (دنی شور، همان، صص ۷۱ - ۷۲).

در اجلاس سران شورای اروپا که در پانزدهم و شانزدهم دسامبر ۱۹۹۵ برگزار گردید. پانزده کشور عضو تصمیم گرفتند که پول واحد اروپایی را به نام یورو (Euro) بنامند و یک سناریو و برنامه کاری منسجم و مشخصی را برای ارایه آن تصویب کردند. به موجب تصمیم قرار شد که برای کشورهایی که شرایط لازم اعلام شده به وسیله عهد نامه ماستریخت را دارا باشند، این پول از اول ژانویه ۱۹۹۹ به مرحله اجرا در آید (صادقی یارندی و مرزوقی، ۱۳۷۸ ه، ص ۱۹).

## ۲-۱-۸. پول بودن پول درونی و پول بیرونی

یکی از پرسش های مربوط به پول در اقتصاد این بود که آیا پول به عنوان بخشی از دارایی شمرده می شود یا نه؟ پیگو با نشان دادن اثر ثروت و دارایی بر مصرف حجم واقعی پول را جزو ثروت دانسته است. وی نشان داد که در حالت دام نقدینگی و وضعیت رکود اقتصادی از آنجا که قیمت ها کاهش می یابد، حجم واقعی پول افزایش می یابد. معنایش این است که ثروت افزایش یافته و با افزایش ثروت مصرف هم افزایش می یابد. در این حالت خارج از دام نقدینگی قرار می گیریم. این اثر به اثر پیگو مشهور شد. گرلی<sup>۱۵</sup> و شاو<sup>۱۶</sup> در سال ۱۹۶۰ در پاسخ به این سوال که آیا واقعاً پول بخشی از دارایی محسوب می شود دو اصطلاح پول درونی و پول بیرونی را مطرح کردند، با این بیان که پول بیرونی دارایی است و پول درونی دارایی نیست. به عقیده گرلی و شاو منظور از پول درونی قسمتی از پول است که در کل جامعه نمی توان آن را برای بخش خصوصی ثروت یا دارایی در نظر گرفت. به عبارت دیگر پول درونی در ارزش خالص<sup>۱۷</sup> (NW) ترازنامه بخش خصوصی اثری ندارد. زیرا، از یک طرف دارایی است و از طرف دیگر بدهی است و ارزش خالص در نهایت صفر می شود. مانند سپرده های بانکی که برای بانک بدهی است و برای خانوارها دارایی است (Harris, ۱۹۸۱, ۳۰). استدلال این دو را هریس با تقسیم کردن اقتصاد به بخش خصوصی اعم از خانوارها و بنگاه ها و بخش بانکی و بخش عمومی به صورت ذیل توضیح می دهد (Harris, Ibid, ۳۲ - ۳۳):

<sup>۱۵</sup> . Gurley.

<sup>۱۶</sup> . Shaw

<sup>۱۷</sup> . Net - Worth

ترازنامه بخش خصوصی ( خانوارها:  $\alpha$  و بنگاه ها:  $\beta$  )

دارایی	بدهی
پول نقد $M_c(\alpha) + M_c(\beta)$	وام بانکی به خانوارها و بنگاهها $L(\alpha) + L(\beta)$
سپرده بانکی $M_B(\alpha) + M_B(\beta)$	
اوراق قرضه دولتی $B(\alpha) + B(\beta)$	سهام کارخانجات که بنگاهها به خانوارها فروختند
اوراق سهام $C(\alpha)$	$C(\beta)$
سرمایه فیزیکی $K(\alpha) + K(\beta)$	
دارائی ناخالص بخش خصوصی	بدهی ناخالص بخش خصوصی

ترازنامه بخش بانکی (خصوصی)

دارایی	بدهی
ذخیره پول نقد بانکها $M_c(\gamma)$	
وام به بخش خصوصی $L(\gamma)$	
وام به بخش عمومی (دولت) $B(\gamma)$	سپردههای بانکی خانوارها و بنگاهها $M_B(\gamma)$
دارائی ناخالص	بدهی ناخالص

ترازنامه بخش عمومی (دولت)

دارایی	بدهی
-----	سکهها و اسکناسهای در گردش $M_c(\epsilon)$
-----	اوراق قرضه دولتی $B(\epsilon)$

در ترازنامه بخش خصوصی که شامل خانوارها و بنگاه ها می شود، اوراق سهام برای خانوارها دارایی است ولی برای بنگاه ها بدهی است پس بر ارزش خالص اثری ندارد. آنچه که در ترازنامه بخش خصوصی بر افزایش ثروت خالص اثر دارد عبارتند از: پول نقد، سپرده های بانکی، سرمایه های فیزیکی و اوراق قرضه دولتی البته با کسر وام های بانکی که بدهی است. حال اگر با فرض گرلی و شاو ترازنامه بخش بانکی را بررسی کنیم، می بینیم، ارزش خالص دارایی صفر است. زیرا، بدهی های بخش بانکی معادل دارایی های آن است. هریس (Harris, Ibid, ۳۲) در اینجا یادآور می شود که گرلی و شاو در فرضشان فراموش کردند که در جهان واقعی بانک ها مالک دارایی های فیزیکی و دیگر دارایی هایی هستند که ارزش خالص دارایی آنها را مثبت می کند.

با کنار هم قرار دادن بخش خصوصی و بخش بانکی می توانیم ببینیم که سپرده های بانکی بخش خصوصی که برایشان دارایی محسوب شده در سمت بدهی ترازنامه به صورت وام های بانکی ظاهر می شود و برای بخش بانکی در سمت دارایی ثبت می شود. پس می توانیم بگوییم یک قسمت از

دارایی بخش خصوصی با عنوان سپرده های بانکی با وام های بانکی این بخش خنثی می شود. لذا این قسمت از دارایی بخش خصوصی پول درونی است و در نتیجه جزو ثروت خالص این بخش نیست.

و اما پولی که در ترازنامه بخش عمومی به وسیله بانک مرکزی منتشر می شود، برای بخش عمومی بدهی است و برای بخش خصوصی دارایی است. پیش تر که اسکناس و سکه های دلالتی قابل تبدیل به طلا بود، در سمت دارایی طلا قرار داشت. بعدها اموال ذی قیمت دیگری هم در سمت دارایی در کنار طلا قرار گرفت و از آنجا که هیچگاه تصفیه نمی شد پول منتشره توسط بانک مرکزی لزوما پول بیرونی بود. بعد هم که قانون تبدیل برداشته شد. در نتیجه، اکنون در ترازنامه بخش عمومی دولت بدهکار است و دارایی هیچ ندارد. پس با افزایش حجم پول توسط بانک مرکزی دارایی بخش خصوصی افزایش می یابد و هیچ معادلی ندارد تا خنثی شود. و اما در مورد اوراق قرضه دولتی باید گفت از آنجا که دولت یک پولی را خرج می کند و به اقتصاد تزریق می کند، به عنوان افزایش ثروت بخش خصوصی در نظر گرفته می شود.

مخالفین اصلی ای که در برابر دیدگاه گرلی و شاو ایستادند و گفتند پول بدون توجه به درونی و بیرونی بودن آن بخشی از ثروت جامعه شمرده می شود عبارتند از: پسیک<sup>۱۸</sup> و سیوینگ<sup>۱۹</sup> (۱۹۶۷) و جانسون<sup>۲۰</sup> (۱۹۶۹). استدلال اینها این است که پول وسیله مبادله است و وسیله مبادله بودن پول خدمتی ای را به خانوارها می دهد مثل خدمتی که هر کالای دیگر می دهد. اگر خدمتی ندهد ارزش آن صفر است. پول به عنوان وسیله مبادله بودن خدمت می دهد، لذا با ارزش است و دارایی شمرده می شود. همین پول تحریری که گفته می شود پول درونی است، برای ایجاد کننده آن یعنی بانک بدهی نیست چون بانک به حساب جاری بهره نمی دهد و در نتیجه تنها یک بدهی صوری است و بانک به کمک آن می تواند کسب درآمد کند (Harris , Ibid, ۳۷-۳۸).

## ۲-۱-۹. پول الکترونیکی

توسعه سریع و روز افزون صنعت انفورماتیک و مخابرات تحولات شگرفی در فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)<sup>۲۱</sup> به وجود آورده است. این توسعه به ایجاد تغییرات عمده در شکل پول و سیستم های انتقال منابع انجامیده است و مفاهیم جدید همچون پول الکترونیکی (E-Money) و انتقال الکترونیکی منابع پولی (EFT)<sup>۲۲</sup> ارائه کرده است. این دو مفهوم نوع جدیدی از

<sup>۱۸</sup> . Pesek.

<sup>۱۹</sup> . saving

<sup>۲۰</sup> . Johnson

<sup>۲۱</sup> . Information and communication Technologies

<sup>۲۲</sup> . Electronic Funds Transfer

بانکداری با عنوان بانکداری الکترونیکی (E-Banking)<sup>۲۳</sup> پدید آورده است. در این فناوری پول کاغذی به پول الکترونیکی، اسناد کاغذی به اسناد الکترونیکی و حضور فیزیکی به حضور مجازی و مراجعه اینترنتی تبدیل شده است. مهم ترین ویژگی این فناوری سرعت و سهولت استفاده از آن و نیز جهانی بودن و عدم تعلق به محدوده خاص سیاسی و جغرافیایی است. از این رو، به سرعت گسترش یافته و در سراسر جهان در اختیار همگان قرار گرفته است.

### پول الکترونیکی چیست؟

پول الکترونیکی عبارت است از بیت های موجود در حافظه کامپیوتر که دارای ارزشی برابر با پول نقد می باشد. پول الکترونیک دو نوع مشخص دارد: پول الکترونیک شناسایی شده یا با نام و پول الکترونیک بی نام یا پول نقد دیجیتال. پول الکترونیک با نام دارای نام فردی است که در ابتدا پول را از بانک گرفته است. در این نوع پول، به روشی شبیه کارت های اعتباری، بانک می تواند به مسیر نقل و انتقال پول دسترسی داشته باشد. اما پول الکترونیک بی نام پس از آن که از بانک گرفته شد مانند اسکناس نقد است و مسیر خرج آن مشخص نخواهد بود.

چمبرز ضمن تعریف بالا از پول الکترونیکی پژوهش جامعی در باره چیستی پول الکترونیکی و مسائل قانونی و مقررات مربوط به آن را سامان داده است که در اینجا تنها مباحث چیستی، ویژگی ها و آثار پول الکترونیکی را که به بحث ما مربوط می شود و به آن کمک می کند به اجمال می آوریم. چمبرز در تعریف پول الکترونیکی به تعریف کمیسیون اروپا و هیأت مشاوره مصرف کننده بانک فدرال رزرو امریکا استناد کرده است. بر اساس این پژوهش<sup>۲۴</sup> (Chambers, C.B. Yang, ۲۰۰۵) که به شرح ذیل می آید، کمیسیون اروپا، پول الکترونیکی را در پیش نویس بخشنامه اش به صورت زیر تعریف نموده است:

۱. این پول به صورت الکترونیکی بر روی ابزارهای الکترونیکی نظیر کارت های تراشه دار یا حافظه رایانه ذخیره می شود؛

۲. از سوی سایر مؤسسات، به غیر از مؤسسه منتشرکننده آن، به عنوان وسیله پرداخت پذیرفته می شود؛

۳. به منظور استفاده کاربران، به عنوان جایگزین الکترونیکی مسکوکات و اسکناس استفاده می شود؛

<sup>۲۳</sup>. Electronic Banking

<sup>۲۴</sup>. Chambers, C.B. Yang (۲۰۰۵). Electronic Money and Relevant Legal and Regulatory Issues

۴. و برای اجرای انتقال الکترونیکی پرداخت های اندک تولید می شود. هیأت مشاوره مصرف کننده بانک فدرال رزرو امریکا، پول الکترونیکی را به شرح ذیل توصیف می کند:

این پول به طریق الکترونیکی منتقل و به صورت کارت هوشمند، کارت حاوی ارزش ذخیره شده یا کیف پول الکترونیکی حمل می گردد و در پایانه های فروش و بدون مداخله نهاد بیرونی در معامله مستقیم شخص با شخص مورد استفاده قرار می گیرد. این پول از طریق خطوط تلفن به دست بانک ها یا دیگر ارائه کنندگان یا ناشران پول الکترونیکی می رسد و از طریق اتصال به تلویزیون کابلی تعاملی، و رایانه شخصی انتقال می یابد و خرج می شود.

با توجه به تعریف و توصیف یادشده، پول الکترونیکی ارزش ذخیره شده یا مکانیسم پیش پرداخت است، بدین معنا که اطلاعات مربوط به وجوه یا ارزشی (پول) که در اختیار مشتری قرار دارد در ابزار الکترونیکی ذخیره می شود. این ارزش الکترونیکی که از سوی مصرف کننده خریداری می شود، با هر بار انتقال مستقیم وجوه به دیگر ابزارها و خرید از طریق پایانه های فروش یا شبکه های رایانه ای، نظیر اینترنت، کاهش می یابد.

انواع پول الکترونیکی برخلاف بسیاری از کارت های تک منظوره پیش پرداخت شده مانند کارت های تلفن - برای پرداخت های چندمنظوره و عمومی ایجاد شده است.

پول الکترونیکی انواع کارت های پیش پرداخت (که کارت های هوشمند یا کیف پول الکترونیکی نیز نامیده می شود) و محصولات نرم افزار ی مختص امر پیش پرداخت که از شبکه های رایانه ای نظیر اینترنت استفاده می کنند (که پول دیجیتالی نیز نامیده می شود) را دربر می گیرد.

### ویژگی های اصلی پول الکترونیکی

پول الکترونیکی، به طور کلی، به عنوان جایگزین انواع دیگر پول در نظر گرفته می شود. همان طور که اشاره گردید، پول الکترونیکی جایگزین دیگر مکانیسم های پرداخت نظیر چک، کارت های اعتباری، چک های مسافرتی و کارت های پرداخت می شود.

ویژگیهای اصلی پول الکترونیکی عبارتند از:

۱- به لحاظ ویژگی های فنی محصولات گوناگون، به رغم تفاوت آنها، ارزش پول الکترونیکی به صورت الکترونیکی در ابزاری الکترونیک ذخیره می شود. طرح های مبتنی بر کارت، برای ذخیره ارزش پیش پرداخت شده، از ابزارهای سخت افزاری تخصصی و قابل حمل رایانه ای نظیر تراشه ریزپردازنده ای که در کارتی پلاستیکی قرار دارد و طرح های مبتنی بر نرم افزار نیز از نرم افزارهای تخصصی که بر روی رایانه های شخصی نصب می شود، بهره می گیرند.

۲- ارزش پول الکترونیکی به صورت الکترونیکی و به روش های گوناگون منتقل می شود. برخی طرح های پول الکترونیکی امکان انتقال مستقیم مانده پول الکترونیکی را از مصرف کننده ای به دیگری بدون مشارکت شخص ثالث، نظیر ناشر ارزش (پول) الکترونیکی، فراهم می سازد. در غالب موارد، پرداخت های مصرف کننده به فروشنده تنها مورد مجاز بوده و فروشنده به بازخرید ارزش ثبت شده ملزم است.

۳- معاملاتی که سابقه آنها ثبت گردیده است، از قابلیت انتقال برخوردارند. اکثر طرح ها برخی از جزئیات معاملات صورت گرفته بین مصرف کننده و فروشنده را در بانک اطلاعات مرکزی ثبت می کنند. نظارت بر این اطلاعات ثبت شده میسر است. در معاملات مستقیم مصرف کنندگان با یکدیگر، نقل و انتقال وجوه تنها بر روی دستگاه مصرف کننده ثبت و در صورت اتصال دستگاه وی به برنامه متصدی، امکان نظارت مرکزی برقرار می شود.

۴- تعداد افرادی که در معاملات پول الکترونیکی دخیل هستند، بیش از معاملات عادی است. معمولا، چهار گروه از ارائه کنندگان خدمات درگیر عملیات جابه جایی پول الکترونیکی می شوند: ناشران ارزش (پول) الکترونیکی، متصدیان شبکه، فروشندگان سخت افزارها و نرم افزارهای تخصصی و تسویه کنندگان معاملات پول الکترونیکی.

درحالی که متصدیان شبکه و فروشندگان تنها به ارائه خدمات فنی و بانک ها یا شرکت های تخصصی متعلق به آنها (مورد اخیر خدماتی مشابه دیگر ابزارهای پرداخت غیرنقدی ارائه می کند) به ایفای نقش مؤسسه تسویه کننده می پردازند، ناشران پول الکترونیکی مهمترین عامل طرح هستند.

۵- و سرانجام، مشکلات فنی و خطاهای انسانی می تواند مانع از اجرای معاملات شود یا آن را به تعویق اندازد. شایان ذکر است، موارد یادشده معاملات مبتنی بر اسکناس را بدین شدت متأثر نمی سازد.

## ۲-۲. هنجارهای شرعی و عرفی

از آنجا که پول مال است هر تحلیل ماهیت پول باید توضیح دهنده هنجارهای شرعی و عرفی ذیل در باره مال و سازگار با آنها باشد و آنها را نقض نکند.

### ۲-۲-۱. تفاوت مال و مالیت در نزد عرف

عرف و عقلا لفظ و عنوان «مال» را برای اشاره به ذات شیئی که متصف به وصف مالیت یا ارزش مبادله ای شده است به کار می برند. آن ذات و شیء فرقی نمی کند که عین خارجی باشد مانند زمین و مسکن و دیگر کالاهای فیزیکی یا کلی فی الذمه مانند دین یا حق مانند حق تحجیر و

یا منفعت مانند سکنای خانه. زیرا، هر یک از اینها مفید بوده و نیازی از نیازهای انسان را برطرف کرده، قابل اختصاص و کمیاب هستند. به همین خاطر دارای ارزش مبادله‌ای و اقتصادی که وصف نسبی و اضافی است، شده اند (خویی، ۱۴۱۷، ۴۲/۲، ۳۳، ۱۷، ۱۶، و بجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۹/۲، ۳۰). اما لفظ و عنوان «مالیت» را عرف و عقلا تنها برای اشاره به صفت ارزش مبادله‌ای که وصف نسبی و اضافی است به کار می‌برند؛ این وصف از آنجا که ذاتی شیء نیست غیر دائمی و زایل شدنی است (راغب، بی تا، ۴۹۹). از این رو، تفاوت بین مفهوم مال و مفهوم مالیت روشن بوده و دو گانگی بین این دو از مسلمات است. حقایق ۲-۲-۲ و ۳-۲-۲ که در پی می‌آید نیز تأیید و تأکید همین معنا است.

### ۲-۲-۲. اتلاف حقیقی و حکمی

اتلاف یعنی از بین بردن مال دیگری به دو قسم اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی تقسیم می‌شود. در اتلاف حقیقی، مال به طور کلی و حقیقی اتلاف می‌شود. مثل اینکه اتومبیل شخصی در تصادف به کلی از بین می‌رود. اما در اتلاف حکمی نفس مال از بین بردن نمی‌رود، بلکه مالیت آن از بین می‌رود. متون مربوط به این بحث نوعاً به قالب یخی مثال می‌زنند که شخص آن را در مکانی مخفی می‌کند تا زمستان فرا رسد. با آمدن سرما و زمستان، با آن که نفس مال یعنی قالب یخ موجود است، اما به کلی از مالیت ساقط شده است. این نوع اتلاف را اتلاف حکمی می‌گویند. بنا به نظر اکثر فقها، ضمان اتلاف مال شامل اتلاف حکمی نمی‌شود و ضمان در موارد از بین بردن مالیت اشیاء نیاز به دلیل دیگری دارد (بجنوردی، ۲۹/۱۳۷۷، ۲ و مکارم شیرازی، ۲/ ۱۳۸۰ / ۱۹۴).

### ۲-۲-۳. وقوع معاملات بر عین اموال

شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب (انصاری، بی تا، ۵۸/۱۰) در معامله بیع می‌گوید، شرط است که هر یک از دو عوض مال باشد؛ زیرا، بیع در لغت «مبادله مال بمال» است. معنای سخن آن است که معاملات بر عین اموال واقع می‌شود نه بر مالیت آنها. آیت ا... صافی گلپایگانی (۱۳۷۲، ۹۷) در جواب پرسشی که از ایشان درباره جبران کاهش ارزش پول شده است، به صراحت می‌گوید، اگر چه کارگشایی پول و قدرت خرید آن در معاملات و تقویم کالاها مورد ملاحظه است، اما اعتباراً و عرفاً معاملات بر عین اموال واقع می‌شود نه بر مالیت آنها، یعنی عوض و معوض مال است نه مالیت و معامله مال اقتضای ضمان مالیت ندارد. این سخن ایشان در راستای همان کلام شیخ انصاری است که فرمودند معاملات بر عین مال واقع می‌شود. بر اساس عرف شناسی که ایشان انجام دادند، می‌توان نتیجه گرفت که عرف در پول کنونی، مال و مالیت را یکی نمی‌انگارد و این دو



را از هم تفکیک می‌کند. یعنی عرف پول را مال می‌بیند نه مالیت و برای پول کنونی ذاتی قائل است که دارای وصف مالیت است.

## ۲-۲-۴. دوگانگی بین مثلی و قیمی

عناوین مثلی و قیمی دو اصطلاح عرفی هستند که فقها در باب ضمان از آن بهره می‌گیرند. به عنوان مثال، در قرض، اگر مال مثلی بود، مثل بر عهده است و اگر قیمی بود، قیمت آن را ضامن است. از مجموع ادبیات مربوط به مثلی و قیمی در فقه و حقوق این معنا اصطیاد می‌شود که اموال یا مثلی هستند یا قیمی<sup>۲۵</sup>. و هیچ مالی در آن واحد و از جهت واحد نمی‌تواند هم مثلی باشد و هم قیمی یا مثلیت به قیمت و ارزش مبادله‌ای باشد. دوگانگی بین مثلی و قیمی از پذیره‌های مسلم عرفی است.

## ۲-۲-۵. دو جهت در پول از نظر عرف

بر اساس عرف شناسی آیت الله هاشمی شاهرودی (۱۳۷۴، ۶۶-۶۸) اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول در رابطه با قدرت صادر کننده آن باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی است. بنا بر این، اگر اعتبار دولت صادر کننده پول و توان اقتصادی اش کاهش یابد یا خود دولت دست به انتشار پول بدون پشتوانه واقعی بزند نزد مردم مورد ضمان است. اما اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در رابطه با عرضه و تقاضای بازار باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست. در نتیجه ضمان آور هم نیست. مرعشی این درک عرفی را به صورت ذیل بیان کرده است. وی (مرعشی، ۱۳۷۵، ۳۷) عقیده دارد، چون اعتبار پول به دست اعتبار کننده است، در جایی که خود اعتبار کننده ارزش پول خود را پائین بیاورد، می‌توانیم این کاهش را در پرداختها، در قرضها و در خمسها در نظر بگیریم. ولی اگر عامل آن بازار باشد، و از نظر اعتبار کننده ارزش آن تغییری نکرده باشد. این نوع کاهش ارزش در قرضها و خمس و دیگر پرداختها، تأثیری ندارد.

## خلاصه و نتیجه فصل دوم:

مهم ترین حقایق و هنجارهای پولی، بانکی، عرفی و شرعی که یک تحلیل ماهیت پول باید آنها را توضیح دهد و با آنها سازگار باشد و آنها را نقض نکند عبارتند از:

<sup>۲۵</sup> مال مثلی مالی است که افراد و واحدهای آن از نظر صفات و ویژگیهای دخیل در تغییر مالیت یکسان و مشابه هستند و مال قیمی مالی است که افراد و واحدهای آن از نظر صفات و ویژگیهای دخیل در تغییر مالیت یکسان نیستند، لذا هیچ دو فرد آن دارای قیمت یکسان نیست.

## ۱- پول به عنوان کالای عام

جوامع بشری برای حل مشکلات مبادله پایاپای از همان اوایل یکی از کالاها را که از کالاهای دیگر متمایزتر و با ارزش تر و پر مبادله تر بود به عنوان پول در نظر گرفتند

## ۲- پدیده اجتماعی بودن پول

پول یک پدیده اجتماعی است. اجتماعی بودن پدیده بودن تنها از این جنبه معنا نمی‌شود که انسان و فعالیت‌هایش در چهارچوب جامعه صورت می‌گیرد بلکه جنبه مهم‌تر آن این است که پول در جامعه در چهارچوب اقتصادی و اجتماعی خاصی وجود می‌یابد و انواع متفاوتی از آن در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت وجود دارند و حتی در طول زمان و با تغییر الگوی تکامل تاریخی یک جامعه نیز تغییر می‌کنند.

## ۳- انواع پول

در طول تاریخ از همان اوایل تا الان غرض مردم از پول فایده پولی است که از آن می‌برند. بنابراین فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حلزون، دندان نهنگ باشد یا سنگ آهن، مس باشد یا طلا، کاغذ باشد یا کارت اعتباری و پول الکترونیکی. تنها صفت مشترک این اشیاء آن است که هر یک توانسته در زمانی و مکانی به صورت وسیله مبادله و وسیله پرداخت مورد پذیرش عموم قرار گیرد.

## ۴- واحد سنجش ارزش بودن پول

یکی از حقایق مهمی که درباره پول باید بدان اشاره کرد این است که یکی از نقش‌های اساسی پول در جامعه واحد سنجش ارزش بودن آن است.

## ۵- قراردادی و اعتباری بودن پول

قرار داد و اعتبار اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین عنصر رشد و تعالی جامعه بشر است. تأثیر وجودات و حقایق قراردادی و اعتباری در زندگی بشر کمتر از وجودات و حقایق تکوینی نیست. از جمله این قراردادها و اعتبارات مهم که زندگی اقتصادی بشر را متحول ساخت، پول است. بشر در ابتدا با قرارداد و اعتبار از یک شیء فیزیکی مانند طلا و نقره پول به وجود آورد و آن را در مسیر تاریخ و مقتضای نیازمندی و امکانات تغییر داد و متکامل کرد و به جایی رساند که جسم فیزیکی نداشته، همه چیزش قراردادی و اعتباری است. این پول غیر فیزیکی که به صورت الکترونیکی هم قابل نقل و انتقال است، اصلی‌ترین عنصر و بستر ورود به جامعه فراصنعتی و تولید انبوه را فراهم کرده است.

## ۶- ورود دولت ها به عرصه پول

یکی دیگر از حقایق پولی چگونگی ورود دولت ها به عرصه پول است. از زمانی که مردم خواستند سر و سامانی به عیار پول های فلزی طلا و نقره بدهند دولت ها وارد میدان شدند و با زدن مهر خویش روی سکه ها عیار فلز گرانبه های آن را تأیید و تضمین کردند.

## ۷- تدوین قانون پولی و تعریف واحد پول

از هنگامی که دولت ها وارد عرصه پول شدند، تدوین قانون پولی و تعریف واحد پول نیز بر عهده آنها قرار گرفت. با نگاهی به قوانین پولی کشورها چه در گذشته و چه در دوران معاصر، می بینیم قانون گذاران برای رواج و انتشار پول جدید به دو گونه عمل کردند. یک روش که اکثر کشورها هم بر همین منوال عمل می کنند این بوده و هست که ابتدا واحد پول نامگذاری شده، سپس آن را بر اساس وزن خاصی از طلا تعریف می کنند. روش دیگر که تعداد کمتری از کشورها در پیش گرفتند این است که ارزش پول خود را بر اساس ارزش پول دیگر که در آن کشور شناخته شده یا در جریان بوده قرار دادند که البته آن پول قبلاً بر اساس طلا تعریف شده بود<sup>۲۶</sup>.

## ۸- پول بودن پول درونی و پول بیرونی

پول بدون توجه به درونی و بیرونی بودن آن بخشی از ثروت جامعه شمرده می شود. زیرا، پول وسیله مبادله است و وسیله مبادله بودن پول خدمتی ای را به خانوارها می دهد مثل خدمتی که هر کالای دیگر می دهد. پول به عنوان وسیله مبادله بودن خدمت می دهد، لذا با ارزش است و دارایی شمرده می شود. همه اینها پول است و هر تحلیل ماهیت پول باید پول بودن آن را توضیح دهد چون وجود و اثر دارد.

## ۹- پول الکترونیکی

توسعه سریع و روز افزون صنعت انفورماتیک و مخابرات تحولات شگرفی در فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به وجود آورده است. این توسعه به ایجاد تغییرات عمده در شکل پول و سیستم های انتقال منابع انجامیده است و مفاهیم جدید همچون پول الکترونیکی (E-Money) و انتقال الکترونیکی منابع پولی (EFT) ارائه کرده است. پول الکترونیکی عبارت است از بیت های موجود در حافظه کامپیوتر که دارای ارزشی برابر با پول نقد می باشد. پول الکترونیک دو نوع مشخص دارد: پول الکترونیک شناسایی شده یا با نام و پول الکترونیک بی نام یا پول نقد دیجیتال. پول الکترونیک با نام دارای نام فردی است که در ابتدا پول را از بانک گرفته است. در این نوع پول، به روشی شبیه کارت های اعتباری، بانک می تواند به مسیر نقل و انتقال پول دسترسی داشته باشد.

<sup>۲۶</sup> . این بند را به تفصیل بررسی کردیم. زیرا اصلی ترین استناد ما در تحلیل ماهیت پول قوانین پولی کشورها با همه خصوصیاتش می باشد.

اما پول الکترونیک بی نام پس از آن که از بانک گرفته شد مانند اسکناس نقد است و مسیر خرج آن مشخص نخواهد بود.

### ۱۰- تفاوت مال و مالیت در نزد عرف

عرف و عقلا لفظ و عنوان «مال» را برای اشاره به ذات شیئی که متصف به وصف مالیت یا ارزش مبادله‌ای شده است به کار می‌برند. آن ذات و شیء فرقی نمی‌کند که عین خارجی باشد مانند خانه یا کلی فی‌الذمه مانند دین یا حق مانند حق تحجیرو یا منفعت مانند سکنای خانه. اما لفظ و عنوان «مالیت» را عرف و عقلا تنها برای اشاره به صفت ارزش مبادله‌ای که وصف نسبی و اضافی است به کار می‌برند؛ این وصف از آنجا که ذاتی شیء نیست غیر دائمی و زایل شدنی است. از این رو، تفاوت بین مفهوم مال و مفهوم مالیت روشن بوده و دوگانگی بین این دو از مسلمات است.

### ۱۱- اتلاف حقیقی و حکمی

اتلاف یعنی از بین بردن مال دیگری به دو قسم اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی تقسیم می‌شود. بنا به نظر اکثر فقها، ضمان اتلاف مال شامل اتلاف حکمی نمی‌شود و ضمان در موارد از بین بردن مالیت اشیاء نیاز به دلیل دیگری دارد.

### ۱۲- وقوع معاملات بر عین اموال

درباره عدم جبران کاهش ارزش پول تحلیل برخی از فقهای معاصرین است که اعتباراً و عرفاً معاملات بر عین اموال واقع می‌شود نه بر مالیت آنها و معامله مال اقتضای ضمان مالیت ندارد. این تحلیل نشان می‌دهد که این فقها با استناد به عرف، مال و مالیت را یکی نمی‌انگارند و این دو را از هم تفکیک می‌کنند. یعنی برای پول کنونی ذاتی قائل هستند که دارای وصف مالیت است.

### ۱۳- دوگانگی بین مثلی و قیمی

عناوین مثلی و قیمی دو اصطلاح عرفی هستند که فقها در باب ضمان از آن بهره می‌گیرند. از مجموع ادبیات مربوط به مثلی و قیمی در فقه و حقوق این معنا اصطیاد می‌شود که اموال یا مثلی هستند یا قیمی. و هیچ مالی در آن واحد و از جهت واحد نمی‌تواند هم مثلی باشد و هم قیمی یا مثلیتش به قیمت و ارزش مبادله‌ای باشد. دوگانگی بین مثلی و قیمی از پذیره‌های مسلم عرفی است.

### ۱۴- دوجهت در پول از نظر عرف

بر اساس عرف شناسی برخی از اندیشه وران اسلامی اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول در رابطه با قدرت صادر کننده آن باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی است. بنا بر این، اگر اعتبار دولت صادر کننده پول و توان اقتصادی اش کاهش یابد یا خود دولت دست به انتشار پول بدون پشتوانه واقعی بزند نزد مردم مورد ضمان است. اما اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در

رابطه با عرضه و تقاضای بازار باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست. در نتیجه ضمان آور هم نیست. یک تحلیل ماهیت پول باید بتواند همه این حقایق را توضیح داده، پول گذشته را تفسیر کرده و پول آینده را پیش بینی کند. در فصول آینده تحلیل های ماهیت پول را بر اساس این حقایق ارزیابی می کنیم.

فصل سوم:

## بررسی و نقد تحلیل های ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب

مقدمه

بررسی و نقد اهم تحلیل های اندیشه وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول

بررسی و نقد اهم تحلیل های اندیشه وران اسلامی درباره ماهیت پول

بررسی و نقد تحلیل های اندیشه وران شیعی در باره ماهیت پول

بررسی و نقد اهم دیدگاه های اندیشه وران اهل سنت درباره پول

## فصل سوم: بررسی و نقد تحلیل های ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب

### مقدمه:

هنگامی ما از چیستی یک شیئی پرسش می‌کنیم که ماهیت و حقیقت آن شیء یا مرز مفهوم آن به این که شامل چه افرادی می‌شود و شامل چه افرادی نمی‌شود بر ما مجهول باشد. یعنی تصوّر صحیحی از آن نداریم. در مورد خاص پول هیچکس در فهم مفهوم پول مشکلی ندارد. چه این که عرف عام غرضشان از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده پولی است که از آن می‌برند. بنابراین، فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حیوانات یا صدف یا دندان نهنگ یا سنگ آهن یا مس یا سکه های طلا و نقره یا اسکناس کاغذی یا کارت اعتباری و پول الکترونیکی. در نگاه به مفهوم پول عرف به کارکرد آن نگاه می‌کند و به هر چیزی که وظایف پولی را برایش انجام دهد، لفظ پول اطلاق می‌کند. علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۰) این معنا را بسیار زیبا و گویا تشریح می‌کند وی می‌فرماید:

«لکن باید این را هم بدانیم که ما الفاظ را برای آن چیزی وضع کردیم که فلان فایده را به ما بدهد، حالا اگر آن چیز شکل و قیافه‌اش تغییر کرد مادام که آن فایده را می‌دهد باز لفظ نام برده نام آن چیز است، توضیح این که اشیایی که ما برای هر یک نامی نهاده ایم از آن جا که مادی هستند، محکوم به تغیر و تبدلند، چون حوائج آدمی رو به تبدل است، و روز به روز تکامل می‌یابد، مثلا کلمه چراغ را ما در اولین روزی که به زبان جاری کردیم به عنوان یک ظرفی بود که در آن روغن می‌ریختیم و فتیله ای در آن روغن می‌انداختیم و لبه فتیله را از ظرف بیرون گذاشته، روشن می‌کردیم تا در شب های تاریکی پیش پای ما را روشن کند و هر وقت کلمه چراغ را به زبان می‌آوردیم شنونده چنین چیزی را از آن می‌فهمید، ولی روز به روز در اثر پیشرفت ما، چراغ هم پیشرفت کرد و تغییر شکل داد تا امروز که به صورت چراغ برق درآمد، به صورتی که از اجزای چراغ اولیه ما هیچ چیز در آن وجود ندارد، نه ظرف سفالی آن هست، نه روغنش و نه فتیله اش ولی در عین حال باز به لامپ می‌گوییم چراغ. برای چه؟ برای این که از لامپ همان فایده ای را می‌بریم که از پیه سوز سابق می‌بردیم و همچنین کلمه میزان یا ترازو ... پس بنابراین هر چند که مسمّاهای نام ها تغییر کرده، به حدّی که از اجزای سابقش نه ذاتی مانده و نه صفاتی و لکن نام ها همچنان باقی مانده است، و این نیست مگر به خاطر این که منظور روز اول ما از نام گذاری فایده و غرضی بود که از مسمّا ها عاید ما می‌شد نه شکل و صورت آنها و مادام که آن فایده و آن غرض حاصل است، اسم هم بر آن صادق است. نباید نسبت به لفظ جمود به خرج داده و آن را نام یک صورت بدانیم و تا قیامت هر وقت چراغ می‌گوییم باز همان پیه سوز را اراده کنیم...»

کلام علامه طباطبایی را به تفصیل آوردیم تا این معنا که غرض مردم از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده پولی است که از آن می‌برند، کاملاً روشن و مبرهن گردد و این که برایشان فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حیوانات یا صدف یا دندان نهنگ یا سنگ آهن یا مس یا سکه های طلا و نقره یا اسکناس کاغذی و یا پول الکترونیکی که بی ماده فیزیکی محض است و حتی کاغذ بی ارزش اسکناس را هم ندارد.

اقتصاددان ها هم در این جهت یعنی بیان مفهوم پول اختلافی با عرف مردم ندارند و مانند آنها پول را تعریف می‌کنند، چنانچه هیکس (Hicks, ۱۹۶۷, ۱) به صراحت می‌گوید، پول چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد. هریس (Harris, ۱۹۸۱, ۳) آن را تفصیل داده می‌گوید، پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش ارزش و ذخیره ارزش باشد. نتیجه این که در فهم و بیان مفهوم پول هیچکس اختلافی ندارد. لذا هنگامی که از چیستی پول سؤال می‌کنیم مقصود ما چیستی و ماهیت چیزی است که الان دارد وظایف پول را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، از ماهیت مصداق پول می‌پرسیم. و از آنجا که تصوّر کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی که هم اکنون پول است نداریم، لزوم تحلیل در باره ماهیت آن آشکار می‌شود. البته تا هنگامی که پول به شکل سکه های طلا و نقره در جریان بود ماهیت فلزی آن برای همگان قابل تشخیص بود و یک سکه شناس و صراف می‌توانست مقدار عیار طلا و نقره سکه ها را تشخیص دهد. اما در تاریخ تکاملی پول به دوره ای می‌رسیم که دولت‌ها به خاطر تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند (فریدمن، ۱۳۵۷، ۲۹). آنها به تدریج فهمیدند به خاطر ویژگی های خاص پول می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و در نهایت قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. این امر منجر به این شد، اسکناس که تا پیش از این تنها رسید طلا و نقره بود و در حقیقت رسید پول بود خود مستقلاً پول شود و عرف نگرش استقلالی به آن داشته باشد. پس از این بود که پرسش‌هایی اساسی ذیل درباره ماهیت این پول رخ نمود.

۱ - آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است یا نه؟

۲ - ارزش این اسکناس از کجا می‌آید؟

۳ - اگر واحد ارزش در یک کشور مقدار معینی طلا و یا نقره که به شکل مسکوک جریان دارد، نباشد، پس واحد ارزش چیست؟

۴ - هنگامی که گفته می‌شود فلان کالا ۱۰۰۰ ریال ارزش دارد، چه چیزی معرف هر یک از این ریال‌ها است؟



پرسش‌ها به همین جا خاتمه نیافت بلکه با آمدن پول الکترونیکی که بی‌ماده فیزیکی محض است و حتی کاغذ بی‌ارزش اسکناس را هم ندارد، پرسش‌های دیگری بر آن افزوده شد، از قبیل این‌که:

۵- چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند؟

۶- چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست؟ (Simmel, ۱۹۹۰, ۱۱۹ - ۲۰).

این امر موجب ابهام<sup>۲۷</sup> در حقیقت و چیستی پول کنونی شده و پرسش‌های متعددی را در برابر فقها قرار داده است. برخی از این پرسش‌ها به شرح ذیل است:

آیا خرید و فروش پول‌های کنونی از مصادیق ربای معاملی است؟ آیا جبران کاهش ارزش پول در حساب‌های بانکی، قرض، مهریه، غصب، حبس و ... ربا است؟ آیا شروط باب صرف در مورد پول‌های کنونی مصداق می‌یابد؟ آیا بانک مرکزی و دولت به هر شکلی که خواست، می‌تواند از حق انتشار پول استفاده کند؟ آیا پولی کردن کسر بودجه محدودیت شرعی دارد و دولت ضامن است؟ و پرسش‌هایی از این قبیل که تنها با مشخص شدن ماهیت و چیستی پولی کنونی می‌توان برای آنها پاسخی یافت. منظور از ماهیت پول کنونی، ماهیت چیزی است که هم‌اکنون وظایف پولی را انجام می‌دهد. زیرا، در فقه و حقوق اسلام احکامی که موضوع آنها پول است، صرف اطلاق عنوان پول به شیئی موجب نمی‌شود حکم به آن تعلق گیرد بلکه ماهیت و چیستی چیزی که پول است دخالت تامّ در تعلق آن حکم شرعی و حقوقی دارد. به عنوان مثال، زکات زمانی به پول تعلق می‌گیرد که مسکوک طلا و نقره باشد. از این رو، اگر مسکوک، طلا و نقره نباشد یا طلا و نقره مسکوک نباشد زکات ندارد، و یا احکام صرف مانند تساوی ثمن و مثنی و قبض و اقباض در جلسه‌ی عقد زمانی به پول تعلق می‌گیرد که طلا و نقره باشد. بر این اساس، شهید صدر (ره) (۱۹۹۴، ص ۱۴۶) می‌گوید، احکام صرف در فقه اسلامی با تغییر پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند. افزون بر این که در نظام اقتصادی اسلام اعمال سیاست‌های مختلف پولی و اجرای صحیح بانکداری اسلامی وابسته به احکامی است که فقیه بر پول بار می‌کند. تنوع آرای فقهی و در برخی موارد تضادّ بین آنها ناشی از نظریات گوناگون درباره ماهیت پول است و ممکن است به سردرگمی در اجرای بانکداری اسلامی و اعمال نامناسب سیاست‌های پولی بینجامد. از این رو،

<sup>۲۷</sup> همین ابهام و عدم شفافیت، لزوم تحلیل درباره ماهیت پول کنونی را ایجاب کرده است. از آنجا که شناخت حقیقت و ماهیت یک شیء کاری تخصصی است، از توان عرف خارج است. ملاک بودن عرف تنها در مفهوم عناوین و اطلاق عناوین بر مصادیق است و با توجه به آن که مصادیق پول‌های کنونی کاملاً اعتباری هستند و قالب فیزیکی ندارند، تنها متخصصان پولی و اقتصادی آشنا با مبانی فقهی و فلسفی و با فقهای دارای مشرب فلسفی و آشنا با مبانی پولی و اقتصادی می‌توانند در این باره نظر بدهند. گواه بر این مطلب این است که می‌بینیم در اقتصاد اسلامی فقهای دارای مشرب فلسفی و آشنا با مبانی پولی امثال شهید صدر، هاشمی شاهرودی و مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی در این باره به تحلیل پرداختند.

لازم است این نظریات بررسی و نقد شوند تا در صورتیکه با اشکالات مبنایی و بنایی مواجه نبودند مورد استناد قرار گیرند و گرنه لزوم ارائه تحلیل جدید درباره ماهیت پول و بازنگری مسائل پول بر اساس آن رخ می‌نماید. در این رساله سعی می‌شود تنها به پرسش‌های ۱ تا ۶ که مستقیماً مرتبط با ماهیت پول کنونی هستند، پاسخ داده شود.

پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است بلکه برای علم اقتصاد هم مهم و اساسی است. راسی (Rossi, 2000, 9) در اهمیت شناخت ماهیت پول می‌گوید، پرسش‌های اصلی و عمده‌ای که همچنان امروزه مورد بحث و منازعه است به ریشه‌های ماهیت پول در اقتصاد مدرن می‌رسد. آنها با تأکید خاص و ویژه‌ای می‌پرسند: پول چیست؟ ارزش پول از کجا می‌آید؟ پول چگونه ایجاد می‌شود؟<sup>۲۸</sup>

به عقیده Rossi برای پاسخ به این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر ابتدا باید از گیر ماهیت پول خارج شد و آن را باز کرد. علی‌رغم سادگی پول در ظاهر، در حقیقت یک پرسش بسیار و به شدت پیچیده است. بیان شومپیتر شدت این پیچیدگی را به خوبی روشن می‌کند. وی (Schumpeter, 1954/1994, 289) می‌گوید، اشاره‌ی با دقت به دیدگاه‌های مختلف درباره پول به سختی شناساندن ابرهای تیره و تار در حال حرکت است.

در سختی پاسخ به این پرسش همین بس که کینز برای شناخت پول و آثارش به مدت پنج یا شش سال در دهه ۱۹۲۰ به مطالعه علم اوزان و مقادیر و دانش سگه‌شناسی پرداخت تا بتواند به خاستگاه تاریخی و منطقی پول در تمدن‌های باستانی شرق نزدیک دست پیدا کند. این کار کینز همان گونه که خود اشاره دارد به «جنون بابلی»<sup>۲۹</sup> مشهور شده است. به گفته اینگام (Ingham, 2000, 16)، کینز گاهی به این فکر می‌کرد که این مطالعه‌اش کاملاً بیهوده و بی‌فایده است. اما با این وجود تا حد جنون در این مطالعه غرق می‌شد. به عقیده اینگام، این روش تحقیق نسبت به روش‌های دیگر فهم بهتری از پول به ما داده است. با همه این تلاش‌ها، بافینگر (Bofinger, 2001, 3) معتقد است به رغم گذشت ۲۰۰ سال از عمراققتصاد پولی در حقیقت اغراق نیست که ادعا کنیم، تعریف پول و شناخت آن همچنان به عنوان یک مسأله حل نشده باقی مانده است.

این که اندیشه‌وران اقتصادی غرب با این جدیت به دنبال نظریه پردازی درباره ماهیت پول و شناخت آن هستند، یکی از دلایل مهم آن به خاطر آثار و نتایجی است که شیوه اجرای سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل اشتغال و سطح عمومی قیمت‌ها بر جا می‌گذارد.

---

<sup>۲۸</sup>. What is money? Where the value of money comes from? How is money created?

<sup>۲۹</sup>. Babylonian madness.

به عنوان نمونه، نئوچارتالیست‌ها (neo-chartalists) که یکی از دو مکتب عمده نظریه پردازی ماهیت پول هستند برای به دست آوردن و رسیدن به اشتغال کامل همزمان با تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها برنامه‌ای را تدارک دیدند<sup>۳۰</sup>. اساس این برنامه بر شناختی از ماهیت پول استوار است که به نظریه چارتالیسم در ادبیات اقتصادی غرب مشهور شده و کسانی همچون کینز طرفدار آن هستند.

به طور کلی دو نظریه و مکتب اصلی در اقتصاد غرب درباره ماهیت پول قابل شناسایی است: یک، نظریه فلزگرا (metalism) یا نظریه پول کالایی (commodity money) که در آن پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه‌تر در جریان بوده است و دو، نظریه فرمان‌گرا (chartalism) که در آن پول بدون پشتوانه دولتی (fiat money) یا پول امری دولتی، بدون ارتباط با هیچ کالایی صرفاً برای تصفیه تعهدات دولتی، ایجاد و منتشر می‌شود. هر یک از این دو نظریه با چالش‌های عمده‌ای مواجه است که آن دو را از قابلیت استناد بودن خارج می‌کند. پژوهش حاضر ابتدا تحلیل‌های اندیشه‌وران غربی را درباره ماهیت پول بررسی و نقد کرده، آنگاه به بررسی و نقد تحلیل‌های اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول در دو بخش اندیشه‌وران شیعی و اندیشه‌وران سنی خواهد پرداخت و در نهایت عدم کفایت و جامعیت این تحلیل‌ها و لزوم ارایه تحلیل جدید در باره ماهیت پول را یادآور می‌شود.

### ۳-۱. بررسی و نقد اهم نظریه‌های اندیشه‌وران غربی درباره ماهیت پول

دو رویکرد اصلی ماهیت پول عبارتند از دیدگاه متالیزم و دیدگاه چارتالیسم. این دو اصطلاح ابتدا به وسیله ناپ در ۱۹۰۵ استفاده شده بود (Knapp, ۱۹۰۵/۱۹۲۴). هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چهارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نامگذاری متالیزم به این اندیشه که پول یک کالا است و اغلب به شکل فلز گرانبه‌تر در جریان بوده است، بر می‌گردد. در مقابل اساس چارتالیسم این است که پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند، می‌باشد. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به وسیله ارتباط اجتماعی تأسیس شده است به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالا وجود دارد (Ingham, ۲۰۰۴, ۱۲). اینک به بررسی و نقد این دو نظریه می‌پردازیم.

<sup>۳۰</sup> رک : [www.cfeps.org](http://www.cfeps.org)

### ۳-۱-۱. نظریه متالیزم یا پول کالایی ۳۱

#### ۳-۱-۱-الف. توضیح نظریه متالیزم (فلز گرا)

همان گونه که در بالا بیان شد پایه و ریشه اصلی مکتب متالیزم به این اندیشه بر می‌گردد که پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه در جریان بوده است. به عقیده منگر (Menger, ۲۴۲, ۱۸۹۲) فلزگراها پول را مخلوق بازار می‌بینند. به این معنا که پول با فرایند جستجو برای حل مشکل مضاعف انطباق خواست‌ها که در مبادله پایایی وجود دارد ایجاد شده است. در نتیجه استفاده از واسطه مبادله برای حل مشکل انطباق مضاعف خواست‌ها به وسیله فرایند مبادله بازار پدیدار شد. مبادله کنندگان در راستای کاهش هزینه‌های مبادله و با توجه به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار و این که فهمیده بودند کالاها دارای درجات مختلف فروش هستند، وادار شدند که یک کالای عام تعریف کنند که در مبادله با انواع مختلف کالاها و خدمات واقعی و دارایی‌ها پذیرفته شود. این کالا به عنوان واسطه مبادله قرار گرفت، در نتیجه عمل فروش از عمل خرید متمایز شد. از اینجا به این سخن مشهور کلور می‌رسیم (۵, ۱۹۶۷, Clower): با پول کالا خرید می‌شود و با کالا پول به دست می‌آید اما کالا کالا نمی‌خرد.<sup>۳۲</sup> به عقیده کلور با این تعریف که پول عمل واسطه را در مبادله انجام می‌دهد در نهایت اقتصاددان پول را با عملش تعریف کرده است، مثل این تعریف هیکس (۱, ۱۹۶۷, Hicks) که گفته است: پول چیزی است که پول انجام می‌دهد<sup>۳۳</sup>. فیشر (۲, ۱۹۳۱/۱۹۷۱, Fisher) عقیده دارد، هر کالایی که پول نامیده می‌شود باید به طور عام در مبادله قابل پذیرش باشد و هر کالایی که به طور عام در مبادله پذیرفتنی است باید پول نامیده بشود. در این دیدگاه پول کالایی است که واسطه مبادله است که به صورت انباره و ذخیره ارزش به شکل های جور واجور زیر وجود داشته است: سنگ، چرم، پشم حیوانات، ادویه، نمک، تنباکو و حتی برده و در نهایت فلزات گرانبهای طلا و نقره. ملاک و اساس این تغییرات و تحولات و تکامل در پول به صورت دارایی‌های فیزیکی، شرایط یکنواختی، تقسیم پذیری، انتقال پذیری و دوام بوده است. در نهایت فلزات طلا و نقره این شرایط را به خوبی احراز کردند و توانستند چندین هزارسال به عنوان پول در جریان باشند.

<sup>۳۱</sup>. Metallism theory or commodity theory of money

<sup>۳۲</sup>. Money buys goods and goods buy money but goods do not buy goods

<sup>۳۳</sup>. Money is what money does

### ۳-۱-۱-ب. منبع ارزش پول در نظریه متالیزم

هنگامی که بحث از ماهیت پول طرح می‌شود در پی آن پرسش دومی هم مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود. آن پرسش این است که ارزش این پول از کجا سرچشمه می‌گیرد. پاسخ متالیست‌ها این است که ارزش پول کالایی (commodity money) از ارزش کالایی که به عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود، می‌آید. اگر این پول سکه طلا و نقره باشد. ارزش این پول به ارزش طلا و نقره در بازار بر می‌گردد و اگر این پول به صورت پول کاغذی یا اسکناس در جریان باشد، ارزش آن به ارزش ذاتی فلز پشتوانه وابسته است. پول کاغذی در مدت زمان مدیدی در تاریخ با نرخ معینی قابل تبدیل به طلا بود. متالیست‌ها برای تأکید بیشتر بر دیدگاهشان استدلال می‌کنند که پول کاغذی [قابل تبدیل به طلا] معادل عمومی همه کالاها و خدمات واقعی در معرض فروش است (Rossi, ۲۰۰۷، ۱۳). ریشه این سخن به تحلیل تعادل عمومی والراس بر می‌گردد که در آن پول یک شمارنده (numeraire) است و در برابر همه کالاها و خدمات واقعی دیگر قرار می‌گیرد. بر اساس ادعای والراس استاندارد ارزش باید یک مقدار خاص از یک کالای خاصی باشد که در این تحلیل  $n$  امین کالا است. این تعریف، پول را در ردیف کالاهای دیگر قرار می‌دهد. در حقیقت اقتصاد نئوکلاسیک که از والراس پیروی می‌کند numeraire را به عنوان یک شیء فیزیکی مورد توجه قرار داده است. در تحلیل والراس با حضور پول که  $n$  امین کالا است تنها کافی است که  $(n-1)$  قیمت نسبی را بدانیم (Harris, ۱۹۸۱، ۷).

### ۳-۱-۱-ج. چالش‌های نظریه متالیزم

یکی از چالش‌هایی که نظریه پول کالایی با آن مواجه است همان چیزی است که Rossi به آن اشاره دارد. وی (Rossi, ۲۰۰۷، ۱۳) می‌گوید اگر پول واقعا ملاک و استاندارد ارزش باشد در این صورت خودش نباید یک کالا باشد. زیرا، در غیر این صورت خودش نیاز به اندازه‌گیری دارد که بایستی از یک ملاک ارزش دیگر استفاده کند و آن ملاک ارزش دیگر هم اگر کالا باشد، در این صورت قضیه تسلسل بی‌نهایت که باطل است، پیش می‌آید در نتیجه این نوع مقیاس ارزش به طور منطقی غیر ممکن است.

به نظر می‌رسد، تسلسلی را که راسی بیان کرده می‌توان به این شکل پاسخ داد که اولاً، ارزش کالاها به کالایی که پول شده وابسته نیست بلکه همه کالاها به خاطر نسبتی که با کالاهای دیگر و با اشخاص و جامعه در جهت رفع نیازشان پیدا می‌کنند و به واسطه کمیابی و داشتن مطلوبیت ارزشمند می‌شوند سپس جامعه یک کالایی را که نسبت مبادله اش با

همه کالاهای دیگر در بازار مشخص است به عنوان مقیاس سنجش ارزش در نظر می‌گیرد. نتیجه این که تسلسلی نخواهیم داشت.

اصلی‌ترین چالش نظریه متالیزم از زمانی شروع شده است که پول در قالب اسکناس کاغذی بدون پشتوانه درآمد و در نهایت به پول الکترونیکی کنونی رسیده است که بی‌ماده فیزیکی کامل است. در اینجا اقتصاددانانی که از والراس پیروی می‌کنند و "numeraire" را به عنوان یک شیء فیزیکی مورد توجه قرار داده‌اند، باید به طور تحلیلی توضیح دهند که چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند و به خصوص چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست.

زیمل (۲۰ - ۱۱۹, ۱۹۹۰, simmel) با توجه به اشراف و آگاهی‌ای که نسبت به لوازم تحلیلی این امر داشت خواستار تمییز بین حقیقت و ماهیت پول و ماده‌ای که استفاده می‌شد تا پول کارش را خوب انجام بدهد، بود وی بیان می‌دارد:

«کیفیت ویژه‌ای که ماده فیزیکی به پول می‌دهد این است که آن را در رده کالاهای دیگر قرار می‌دهد تا در برابر آنها به عنوان پول قرار گیرد. تا آنجا که حقیقت خالصش مورد توجه است پول باید کاملاً جدای از کیفیت‌های ثانوی که آن را در برابر کالاهای دیگر قرار می‌دهد به راحتی به عنوان پول تفسیر شود.»

زیمل در موافقت با تعریف کارکردی پول که نوعاً به تعریف هیکس بر می‌گردد (Hicks, ۱۹۶۷) پیش‌بینی کرده است که روزی پیشرفت تکنولوژی پول را از شکل فیزیکی‌اش آزاد می‌کند. در آن روز حقیقت پول آشکار می‌شود. در دیدگاه زیمل پول در حقیقت یک شیء فیزیکی نیست بلکه یک پدیده اجتماعی است که در آن جامعه بشری در کل با فعل و انفعالات خودش آن را ایجاد کرده است. به عقیده زیمل در آینده که تکامل یافته‌ترین مصداق خارجی پول پدیدار می‌شود مغز اصلی این حقیقت که پول تنها یک مطالبه<sup>۳۴</sup> در جامعه است، آشکار می‌شود (simmel, Ibid, ۱۷۷).

راسی (Roosi, ۲۰۰۷, ۱۱) که با مطالعات گسترده‌اش پاسخ قانع‌کننده‌ای از طرف نئوکلاسیک‌ها پیدا نکرد، می‌گوید، حقیقت این است که با پایبندی به دیدگاه منگر درباره پول به عنوان کالا با توجه به پدیدار شدن پول الکترونیکی که بی‌ماده کامل است، اقتصاددانان وادار شدند دیدگاهی تحوّل‌ی و تکاملی نسبت به ماهیت پول داشته باشند که در آن بسیاری از اهداف تحلیلی‌شان محکوم به نابودی است. Roosi در ادامه می‌پرسد، «آیا این سرنوشت، انقلابی را در تحلیل پولی ایجاد می‌کند. این پرسشی است که باز است و تا الان کسی به آن پاسخ نداده است.» به عقیده Rossi اگر پاسخ مثبت باشد اساس جریان اصلی آموزش اقتصاد در هر دوره

<sup>۳۴</sup> . Claim

اقتصادی درباره پول به سرعت و به صورت رادیکالی تغییر خواهد یافت. Rossi در ادامه می‌گوید، به هر حال یک پاسخ منطقی باید به این پرسش مهم داده شود که چرا هر واحد اقتصادی در هر کشور باید حاضر باشد تا کالاهایش را با یک صفحه فلزی<sup>۳۵</sup> کوچک که ظاهراً بی‌فایده و بلا استفاده است، مبادله کند. این عدم پاسخگویی نئوکلاسیک‌ها باعث شده تا نظریه چارتالیست‌ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. به عقیده گودهارت (Goodghart, ۱۹۸۹, ۳۴) جانشین شدن پول کاغذی و بی‌پشتوانه به جای سکه فلزی در ۲۰۰ سال گذشته، پشتوانه محکمی برای دیدگاه فرمان‌گراها (Cartalist) فراهم کرده است به طوری که ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات اساسی پول کالایی این است که اگر قرار باشد کماکان پول را در قالب فیزیکی آن بکار ببریم حتی اگر شده به صورت پشتوانه صد در صد طلا، این پول در این دوران دیگر نمی‌تواند پدیده تولید انبوه را پشتیبانی کند. با مطالعه تاریخ تکاملی پول در می‌یابیم که هر دوره پول مناسب خودش را داشته است. با ورود به دوران فراصنعتی به یقین این پول مناسب با آن نیست و نمی‌تواند آن را همراهی کند.

### ۳-۱-۲. نظریه چارتالیسم ۳۶

#### ۳-۱-۲-الف. توضیح نظریه چارتالیسم

اصطلاح chartalism از کلمه "charta" در لاتین گرفته شده است و به معنای نشانه‌ای یا قراردادی (token) است و یا به معنای بلیط (ticket) است (knapp, ۱۹۲۴, ۳۲). گودهارت اصطلاح Cartalist به معنای فرمان‌گرا را برای این نظریه به کار برده است. زیرا پول در این مکتب با فرمان و امر دولت پدید می‌آید (Goodghart. Ibid). به نظر می‌رسد اصطلاح به کار رفته توسط گودهارت به مفهومی که اقتصاددان‌ها از این نظریه ارائه می‌دهند نزدیک تر باشد. در هر حال این نظریه به چارتالیسم شهرت پیدا کرده است.

اساس این نظریه این است که پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به وسیله ارتباطات اجتماعی تأسیس شده است، به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالاها وجود دارد (Ingham, ۲۰۰۴, ۱۲). در بیان کینز (Keynes, ۱۹۳۰/۱۹۷۱, ۶) پول یک واحد محاسبه است که از یک کنش سیاسی نشأت گرفته و به وسیله قانون یا پیمان و قرارداد

<sup>۳۵</sup>. metal disc

<sup>۳۶</sup>. Chartalism theory of money

اجتماعی تأسیس شده است. آنچه که هدف مردم است ممکن است تصفیه تعهدات بدهی شان باشد.

در این دیدگاه پول به طور تاریخی به عنوان واحد محاسبه شکل گرفته و مقدم بر مبادلات بازار است. چارتالیزم یک استاندارد پولی است که در آن پول امری دولتی منتشر شده به عنوان واحد پولی استفاده می‌شود. در این سیستم، پول بدون پشتوانه دولتی (fiat money) به وسیله دولت برای پوشش هزینه‌هایش ایجاد شده و منتشر می‌شود. نظریه مدرن چارتالیزم بیان می‌کند که تحت نظام پول امری دولتی (fiat money) پول خالص با کسر بودجه دولت خلق می‌شود. زیرا از آنجا که پول منتشره ارتباطش را با کالا قطع کرده، پول رایج زمانی می‌تواند ایجاد شود که دولت هزینه کند. در این دیدگاه تقاضا برای نگهداری و اندوختن این پول امری دولتی به وضع مالیات به وسیله دولت بر می‌گردد. زیرا مالیات را می‌توان با پول بدون پشتوانه دولتی پرداخت کرد (Mosle, ۲۰۱۰، ۱-۵). در این دیدگاه، حکومت توانایی خلق پول راتنها با حرکت دادن یک خودکار و قلم دارد و در زمانی که بخواهد این کار را هم انجام می‌دهد. زیرا، این موقعیت را دارد که پیش از آن که درآمدی داشته باشد یعنی پیش از جمع آوری مالیات، خرج کند. ری (wray, ۸۰، ۱۹۹۸) آن را این گونه بیان می‌کند، "هنگامی که دولت پول امری ایجاد می‌کند تا کالاها و خدمات مورد نیازش را بخرد این عمل در دفتر حسابداری مردم به صورت اعتبار پول امری و یک بدهکاری از کالاها و خدماتی که به دولت فروخته شده، ظاهر می‌شود. این کار خلق پول خالص است، زیرا با بدهی بخش خصوصی خنثی نمی‌شود".

### ۳-۱-۲-ب. تاریخ تکاملی دیدگاه چارتالیزم

با پا به عرصه وجود گذاشتن اسکناس‌های بدون پشتوانه فلزی و به چالش کشیده شدن نظریه فلزی، نظریه چارتالیزم شروع به رشد و نمو کرد و از آنجا که آنها نظریه اثباتی ای که به طور ریشه‌ای در برابر متالیزم قرار گیرد ندارند، نظریه چارتالیزم را می‌توان به تمام معنا تنها ضد متالیزم معرفی کرد، چه این که خودشان هم علاقه دارند خود را ضد متالیزم معرفی کنند. چنانچه در مباحث بعدی خواهد آمد آنها تنها به یک سلسله حقایق اشاره کردند و هرگز چیزی نگفته اند که بتواند ماهیت پول کنونی را که بدان اشاره می‌کنند به وضوح بیان کند، تنها مکررا بیان می‌کنند که این پول آن پولی نیست که متالیزم ها می‌گویند.

به نظر می‌رسد اینس (Innes, ۱۹۱۳, ۳۷۹-۸۲) پیشگام در توسعه دیدگاه چارتالیزم باشد. وی می‌گوید، بهره‌گیری از پول ضرورتاً دلالت بر وجود فیزیکی از یک پول فلزی ندارد و حتی به مفهوم وجود یک استاندارد و معیار فلزی از ارزش نیست. Innes مدعی است، شاهد قوی داریم



مبنی بر این که هرگز واحد پولی ای که وابسته به ارزش یک سکه یا وزن خاصی از فلز باشد در تاریخ نداریم. در حقیقت هرگز چیزی به عنوان استاندارد فلزی ارزش وجود نداشته است و استاندارد پول همیشه چیزی بوده کاملاً جدای از وزن سکه یا ماده ای که سکه از آن ساخته می‌شدند. اینها دائماً تغییر کردند در حالی که واحد پولی برای قرن‌ها ثابت مانده است. به طور خلاصه دیدگاه چارتالیست‌ها این است که ارزش پول مستقل از ماده ای است که از آن ساخته می‌شود چه فلز باشد یا کاغذ و همیشه هم همینطور بوده است.

در دهه ۱۹۲۰ این دیدگاه به وسیله knapp گسترش یافت. در رساله پول کینز این نظریه آشکارا حضور دارد و Knapp و نظریه چارتالیزم او در صفحات ۴ و ۶ این رساله از جایگاه مناسبی برخوردارند (Keynes, ۱۹۳۰/۱۹۷۱, ۴, ۶). این دیدگاه هم اکنون به وسیله اشخاصی هم چون L. ranadall wray, warren Mosler, bill Mitchell در حال احیاء و بازسازی است. اینها به طور وسیعی خود را مسئول و متعهد به احیای ایده چارتالیزم به عنوان توضیحی از ایجاد خلق پول می‌دانند (ر. ک. Center for full Employment and pricestability).<sup>۳۷</sup> طرفداران این نظریه با نام اقتصاددان‌های فرا - کینزین (post - keynesian economist) شناخته می‌شوند. به عقیده اینها نظام پول امری دولتی بر نظام پول کلاسیکی ترجیح دارد. به ویژه این که دست دولت را برای تأمین مالی کسر بودجه که یک محرک مالی است باز می‌گذارد. در حالی که این امر در نظام پول کلاسیکی ممکن نیست.

### ۳-۱-۲-ج. مکانیزم خلق پول و ارزش آن در مکتب چارتالیزم

همان گونه که در مباحث گذشته بیان شد، خلق پول به قدرت دولت در حوزه ملی تکیه دارد. موسلر و فرستارتر (Mosler & forstarter, ۲۰۰۵, ۵۳۵ - ۵۴۲) مکانیزم ایجاد پول کنونی به وسیله دولت را به شرح ذیل بیان کردند:

- ۱ - دولت یک بدهی مالیاتی قابل پرداخت به صورت پولی که خود منتشر می‌کند، وضع می‌کند.
- ۲ - در مواجهه با نیاز برای واحدهای پول امری دولتی، مالیات دهندگان کالاها و خدماتی را برای فروش ارائه می‌کنند و واحدهایی از پول را برای مبادله درخواست می‌کنند.
- ۳ - دولت در مبادله و معامله با کالاها و خدماتی که درخواست دارد، پول خودش را منتشر و خرج می‌کند.

تا اینجا مکانیزم خلق پول به وسیله دولت را بیان کردند. اما این که این پول در این الگو چگونه کار می‌کند و دارای ارزش است و ارزش آن تحت کنترل است را به دلایل زیر می‌دانند.

<sup>۳۷</sup> . <http://www.cfeps.org>

۴ - پول مخلوق دولت است و به خاطر این که به عنوان وسیله پرداخت مورد پذیرش عموم قرار گرفته است، دارای ارزش است.

۵ - دولت از طریق اعلان این که چه مقدار تمایل دارد برای خرید کالاهایی که بخش خصوصی در نظام اقتصادی تولید می کند. پردازد، ارزش پول را کنترل می کند.

۶ - پول بانک های خصوصی (به ویژه سپرده بانکی) ویژگی های پول درونی را دارد، گرچه به عنوان اهرم<sup>۳۸</sup> پول بدون پشتوانه دولتی به آن نگاه می شود، اما بانک های خصوصی به آن به چشم اندوخته نگاه می کنند.

### ۳-۱-۲-۵. ویژگی ها و نتایج دیدگاه چار تالیزم

بیل میچل (Mitchel, ۲۰۰۹) ویژگی ها و نتایج این دیدگاه را به شرح ذیل بر می شمارد:  
الف - بودجه خانوارهای خصوصی و بودجه دولت ها مشابه نیستند، خانوارها برای تأمین مخارج مالی باید جلوتر اقدام کنند. افراد و مؤسسات خصوصی ممکن نیست پولی را که ندارند خرج کنند. بایستی پیش از خرج کردن آن را به دست آورند یا قرض بگیرند. اما دولت بایستی پیش از جمع آوری مالیات ها با دادن اعتبار به حساب های بانکی خرج کند و در پی آن در خلال پر کردن حساب های بانکی مالیات ها را جمع آوری کند.

ب - نظام مدرن پولی کنونی با ویژگی نرخ ارز شناور شناخته می شود. از این رو، سیاست پولی از لزوم دفاع از اندوخته های ارز خارجی آزاد شده است.

ج - یکی دیگر از ویژگی ها این نظام تهیه و تدارک انحصاری پول بدون پشتوانه است. انحصار گر هم دولت است. اکنون اغلب کشورها بر اساس این سیستم عمل می کنند.

د - تحت نظام پول بی پشتوانه امری دولتی، واحد پولی ای که دولت تعریف می کند ارزش ذاتی ندارد. این پول قانوناً نمی تواند به وسیله دولت به طلا تبدیل شود چنانچه پیشتر در نظام استاندارد طلا بود. قابلیت دوام و حضور این پول امری دولتی با این حقیقت تضمین می شود که این پول تنها واحدی است که برای بازپرداخت مالیات ها و دیگر تقاضاهای مالی دولت قبول می شود.

ه - دولت ها با وجود این که در این نظام محدودیت درآمدی ندارند اما برای حفظ و کنترل ارزش پول قرض می گیرند و محدودیت اختیاری برای خودشان ایجاد می کنند، گرچه می توانستند با چاپ پول دولتی آن را خرج کنند بدون این که نیازی به تأمین مالی آن داشته باشند.

و - اگر همه مخارج دولت با جمع آوری مالیات تأمین می شد (یعنی بودجه متوازن بدون بدهی ملّی) هیچ پولی برای پس انداز بخش خصوصی باقی نمی ماند. پول خلق شده به وسیله بانک های

<sup>۳۸</sup> . پول بانک خصوصی عاملی است که موجب حضور، قدرت و کارکرد پول دولتی می شود.

خصوصی به سمت صفر می‌رفت، دارایی‌ای که با قرض برای بانک ایجاد شده بود با بدهی بدهکاران بانک خنثی می‌شد.

ز - از این رو، مخارج دولتی منبع وجوه برای پس اندازهای خالص بخش خصوصی است. اگر تمایل به پس اندازهای خالص بخش خصوصی باشد بخش دولتی باید برنامه کسر بودجه را اجرا کند.

### ۳-۱-۲-۵. نقد نظریه چارتالیست ها و بیان چالش های آن

اکثر پول های رایج امروز چیزی هستند که به نام (Fiat money) پول امری بدون پشتوانه دولتی شناخته می شوند، یعنی پولی که پشتوانه طلا یا دیگر کالاهای باارزش ندارند. این قضیه سوال جالبی را پیش روی ما می گذارد مبنی بر این که چرا این پول ارزش دارد. در کتاب های اقتصادی دلایل وسیع و متعددی برایش برشمردند که بسیاری از آنها قابل قبول است. اما این دلیل که پول ارزش خودش را از این حقیقت که مردم نیاز به پول دارند تا مالیات هایشان را بپردازند، پذیرفتنش خیلی سخت است. نئوچارتالیست ها از این سخن هم بالاتر رفته، می گویند، هر پولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزش خودش را از مالیات گرفته است.

ماسگریو (Masgrave, ۲۰۰۹) در نقد نظریه چارتالیست ها می گوید، این دیدگاه افراطی که هر پولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزشش را از مالیات گرفته به دلایل ذیل یک گزاره گویی بزرگ درباره نقشی است که مالیات بازی می کند:<sup>۳۹</sup>

اشکال اول: این حقیقت که تقاضاهای دولت مبنی بر این که مالیات باید به صورت کالاهای خاص پرداخت شود ضرورتاً آن کالا را پول رایج نمی کند.

فبرو (febero, ۲۰۰۹, ۵۲۳) در رد این ادعای چارتالیست ها اتحادیه پولی و اقتصادی اروپا را مثال می زند که پول مشترک اروپایی (یورو) را منتشر کردند. اتحادیه اروپا که پول منتشر کرده به یقین آن را با وضع یک بدهی مالیاتی بر بخش خصوصی اتحادیه اروپا ایجاد نکرده است.

اشکال دوم: در رژیم های دیکتاتوری که شاهد مثال چارتالیست ها است این امر ممکن است زیرا مردم راه دیگری جز آن راهی که دولت دستور داده برای پرداخت مالیات ندارند. اما در رژیم های دموکراسی اگر دولت بخواهد این کار را بکند در انتخابات بعدی ساقط می شود.

<sup>۳۹</sup> . خلاصه کلام اینها این است: Taxes gives money its value (TGMV) مالیات ها به پول ارزشش را

می دهند.

اشکال سوم: لازم نیست مالیات به صورت fiat money پرداخت شود. به عنوان نمونه، در انگلستان لازم نیست شهروندان مالیات را با پول محلی بپردازند. آنها می‌توانند مالیات را به صورت یک خانه یا قطعه‌ای از زمین یا تکه‌ای از طلا به مسئولین بدهند.

اشکال چهارم: بانک‌های خصوصی هم می‌توانند پول بدون پشتوانه (fiat) منتشر کنند. شاهد بر مطلب این که در مدت زمانی بین دو جنگ جهانی و در زمانی که هنوز بانک انگلستان ملی نشده بود، بی‌شک همکاری نزدیکی بین بانک‌های انگلیسی و دولت وجود داشت و آنچه که به طور دقیق باید گفت این است که در آن دوره پول در جریان به وسیله دولت منتشر نمی‌شد. بلکه به وسیله بانک انگلیس که امتیاز چاپ اسکناس را از دولت گرفته بود، چاپ می‌شد.

اشکال پنجم: کدام مقدم است، غذا و جان پناه یا مالیات. مردم فقیر پول می‌خواهند که غذا و سرپناه به دست بیاورند یا مالیات بپردازند.

به نظر می‌رسد مشکل اساسی دیدگاه چارتالیست‌ها این است که پاسخ اثباتی و حلی به پرسش در باره ماهیت پول نداده است. تمام مطالبی که راجع به پول می‌گویند مطالب پیرامونی است مثل این مطلب که پول یک ارتباط و قرارداد اجتماعی است یا به وسیله قانون تأسیس شده یا تحت امر دولت است، همه اینها درست است و حقیقتی از حقایق پولی است اما در باره اینکه خود این پول چیست هیچ تحلیلی ندارند همان گونه که متالیست‌ها در ماهیت پول‌های کنونی هیچ تحلیلی ندارند.

#### خلاصه و نتیجه این بخش:

خلاصه این که در بین اندیشه‌وران اقتصادی غرب دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول قابل شناسایی است. نظریه متالیزم و نظریه چارتالیزم، هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چهارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نظریه متالیزم به این اندیشه بر می‌گردد که پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه‌تر در جریان بوده است. این دیدگاه با پدیدار شدن پول‌های کاغذی بدون پشتوانه عموماً و پول الکترونیکی که بی‌ماده فیزیکی کامل است خصوصاً با چالش توضیح و تفسیر آن مواجه شده است و اندیشه‌وران مکتب نئوکلاسیک تا کنون نتوانستند پاسخی مناسب برای آن پیدا کنند. لذا پرسش از ماهیت پول برای اینها هنوز باز است و منتظر پاسخ مناسب برای آن هستند.

با روبرو شدن مکتب متالیزم با این چالش عمده و عدم پاسخگویی نئوکلاسیک‌ها به آنها باعث شده تا دیدگاه چارتالیست‌ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. این دیدگاه می‌گوید ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود. در این دیدگاه این مالیات‌ها هستند که به پول ارزش می‌دهند. ماسگریو و

دیگران نقدها و اشکالات اساسی و مهمی بر این دیدگاه وارد کردند، در نتیجه این دیدگاه هم قابل استناد نیست. اساسی‌ترین مشکل دیدگاه چارتالیست این است که جواب اثباتی و حلی روشن به سؤال درباره این که پول چیست نداده است. البته باید توجه داشت که هر دو دیدگاه به حقایق مهمی درباره پول چه تاریخی و چه منطقی از قبیل در جایگاه پول قرار گرفتن تعدادی از کالاها در مدت زمان مدیدی از تاریخ، دخالت پیدا کردن و نقش آفرینی دولت‌ها در ایجاد پول، غیر فیزیکی شدن ماهیت پول، تأسیس به وسیله قانون و قرارداد اجتماعی، و تعداد دیگری از حقایق، برای توجیه و اثبات دیدگاهشان تکیه کرده‌اند. در نتیجه هر تحلیل دیگری هم اگر قرار است صورت بگیرد باید به این حقایق توجه داشته باشد و باید بتواند آنها را توضیح بدهد. و آلا قابل استناد نیست.

## ۲-۳. بررسی و نقد اهم تحلیل‌های اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول

### ۳-۲-۱. بررسی و نقد تحلیل‌های اندیشه‌وران شیعی در باره ماهیت پول

#### ۳-۲-۱-الف. دیدگاه شهید آیت‌الله سیّد محمد باقر صدر(ره)

سعی شده این مجموعه تحلیل‌ها به ترتیب تاریخی بررسی و نقد شود. به نظر می‌رسد پیش‌کسوتی و پیش‌قدمی شهید آیت‌الله سیّد محمد باقر صدر (ره) را نباید از نظر دور داشت. افزون بر این که تعدادی از تحلیل‌های ارائه شده به گونه‌ای به دیدگاه ایشان برمی‌گردد. از این رو، با تحلیل دیدگاه ایشان به بررسی و نقد دیدگاه‌های این اندیشه‌وران درباره ماهیت پول می‌پردازیم. شهید صدر(ره) در کتاب «البنک اللاربوی فی الاسلام» (صدر ۱۹۹۴، ۱۴۶-۱۴۹) به مناسبت باب صرف باین مقدمه که احکام صرف در فقه اسلامی با دگرگونی پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند، به بررسی چهار نوع پول و احکام صرف در هر مورد می‌پردازد.

**نوع اول**، پول‌های تمام عیار معدنی طلا و نقره که تمام احکام شرعی صرف در مورد آن وارد شده است. **نوع دوم**، پول‌های کاغذی نیابتی است که هر کدام به عنوان سند و نماینده بخشی از موجودی طلایی که در خزانه صادر کننده وجود دارد می‌باشد. این نوع هم در حکم صرف فرقی با نوع اول ندارد. **نوع سوم**، پول‌های کاغذی است که نشان می‌دهد منبع صادر کننده این کاغذهای مالی تعهد کرده ارزش طلای آن برگه‌ها را هنگام مطالبه می‌پردازد. شهید صدر(ره) این نوع پول را به دو صورت تصویر می‌کند. صورت اول این است که تعهد منبع صادرکننده این برگه‌ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، مجرد التزامی است که مستقل از آن منبع بوده و این برگه‌ها به جهت اعتبار آن منبع و وفای به تعهدش، ارزش مالی پیدا می‌کند. صورت دوم این که تعهد منبع

صادرکننده این برگه‌ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، معنایش اشتغال ذمه آن منبع به اندازه ارزش طلای این برگه‌ها است. در این صورت این برگه‌ها تنها سند و وثیقه آن بدهی هستند و ارزش اصلتی ندارند. ایشان در ادامه می‌گویند، فرق بین این دو صورت زیاد است، زیرا بر اساس صورت دوم هر گاه خریدار به وسیله این برگه‌ها کالایی یا خدمتی را بخرد، در حقیقت به وسیله این برگه‌ها نخریده است بلکه به وسیله دینی که در ذمه منبع صادرکننده مالک است خرید را انجام داده است و این برگه‌ها تنها سند آن دین هستند. در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با ارزش طلای این برگه‌ها است. از این رو، در معاملات صرف لازم است بین ثمن و مئمن تساوی برقرار باشد. اما در صورت اول، خرید و فروش به وسیله نفس این اوراق انجام می‌شود، نه به وسیله دینی که آن را مالک است. در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با طلا نیست و احکام صرف مانند تساوی ثمن و مئمن در اینجا واجب نیست.

**نوع چهارم،** همان پول‌های کاغذی نوع سوم است با این تفاوت که منبع صادر کننده با صدور قانونی خود را از پرداخت ارزش طلای این برگه‌ها معاف کرده است. شهید صدر (ره) این نوع پول را در حکم پول‌های کاغذی الزامی<sup>۴۰</sup> دانستند. از این رو، تطبیق شروط معامله با طلا در باب صرف مانند تساوی ثمن و مئمن را در اینجا واجب ندانستند.

شهید صدر (ره) در جای دیگر یعنی در «الاسلام یقود الحیاه» (صدر، دت، ۲۴۷) درباره پول‌های کاغذی می‌گوید: «پول‌های کاغذی اگر چه مال مثلی است ولی مثل آن، تنها همان کاغذ نیست، بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند. از این رو، اگر بانک هنگام باز پرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه را که دریافت کرده است، پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است». به عقیده شهید صدر (ره) قیمت حقیقی بر اساس طلا و ارز طلا اندازه‌گیری می‌شود.

### خلاصه نظریه شهید صدر درباره پول‌های کاغذی کنونی

الف: این نوع پول در حکم پول‌های کاغذی الزامی است.

ب: پول‌های کاغذی مال مثلی است.

ج: مثل آن افزون بر کاغذ، هر آن چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند.

### بررسی و توضیح برخی نکات نظریه

نکته اول این است که شهید صدر (ره) پول‌های کنونی را در حکم پول‌های کاغذی الزامی دانستند. منظور از پول کاغذی الزامی پولی است که ارزش و قیمت ذاتی ندارد. ارزش و قیمت تنها

---

منظور از پول کاغذی الزامی در این جا پولی است که ارزش و قیمت ذاتی ندارد و ارزش و قیمت، تنها به وسیله قانون به آن داده شده است و رواج اجباری دارد.

به وسیله قانون و حکومت به آن داده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان از پول نظامی ( military currency ) نام برد که اشغالگران در زمان جنگ در کشورهای تحت اشغال انتشار می‌دهند. در ایتالیای تحت اشغال پولی به جریان افتاد که بر اساس دلار محاسبه می‌شد. انگلیسی‌ها نیز در مناطق اشغالی از سفته‌های نظامی (military promissory notes) بهره‌می‌گرفتند. آلمانی‌ها نیز در سرزمین‌های تحت‌اشغال برای پرداخت‌های کلان دو نوع پول با عنوان «اسکناس صندوق اعتباری رایش» و «گواهی نیروهای مسلح» به کار می‌بردند. هدف از انتشار پول نظامی توسط قوای اشغالگر آن است که در کشور تحت اشغال، وسیله مبادله‌ای که در کشور توسط مقام ناشر قابل کنترل است، در جریان باشد (رک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۴۱ و ۴۲).

نکته دوم این نظریه آن است که استاد شهید اسکناس را در حکم پول‌های کاغذی الزامی دانستند. زیرا، اسکناس هم مانند پول کاغذی الزامی بدون پشتوانه است و با الزام حکومت و قانون به جریان می‌افتد.

نکته سوم نظریه در این است که شهید صدر (ره) به رغم اینکه پول را مال مثلی می‌داند، مثلیت پول را تنها در کاغذ و تعداد واحدهایی که بر روی آن مکتوب است نمی‌بیند، بلکه افزون بر آن مثل پول را هر آن چیزی می‌داند که قیمت حقیقی آن را مجسم کند. و قیمت حقیقی پول همان «قدرت خرید» یا ارزش مبادله‌ای آن است. در اصطلاح اقتصادی قدرت خرید پول مقدار کالایی است که با واحد پول می‌توان در هر لحظه از زمان خرید. این قدرت خرید همیشه در حال تغییر است. از این رو، به این نتیجه رسیده است که اگر بانک هنگام باز پرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران به مقدار قیمت حقیقی آنچه که دریافت کرده است، پرداخت کند مرتکب ربا نشده است. واز آنجا که کاغذ آن ارزشی ندارد پس تمام ارزش و حقیقت آن در همان قیمت حقیقی یا قدرت خرید خواهد بود. به نظر می‌رسد سخن شاگرد ایشان آیت الله شاهرودی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۷۳) که تمام هستی پول کنونی را در توان خرید آن می‌بیند از اینجا سرچشمه گرفته باشد.

نکته چهارم: ارزش پول کنونی یعنی اسکناس، اعتباری محض است، زیرا پشتوانه نداشته و کاغذ آن بی ارزش است. این ارزش به وسیله قانون به آن داده شده<sup>۴۱</sup> و به الزام قانون و حکومت در جریان است. با توجه به نکات بالا نظریه‌ایشان را می‌توان به اسم «نظریه قدرت خرید» نامگذاری و معرفی کرد.

---

۴۱. همان گونه که قانون و حکومت می‌تواند برای کالاها قیمت تعیین کند، برای پول هم قیمت تعیین کرده است.

## نقد نظریه

یکی از اشکالات بنیادی بر این نظریه این است که اگر کاغذ را در مثلیت پول کاغذی شرط بدانیم باید هر جا که پول کاغذی قرض داده شود باز پرداخت به صورت پول کاغذی باشد، در حالی که می توان بدهی مذکور را با پول تحریری یا پول الکترونیکی پرداخت کرد و عرف تفاوتی در آن نمی بیند و یقین دارد مثل پول قرض داده شده را دریافت کرده است. افزون بر این که نظریه قدرت خرید شهید صدر (ره) - با فرض صحت آن - نتایجی به دنبال دارد که با برخی از هنجارهای عرفی و شرعی که در فصل پیشین گذشت در تعارض است و آنها را نقض می کند. بر اساس این نظریه، با وجود آن که شهید صدر (ره) این حقیقت عرفی را که «پول مال مثلی است» می پذیرد. اما مثل پول را هر آن چیزی می داند که قیمت واقعی آن را منسجم می کند. با قرائن دیگری که در گفته های ایشان است، می توان گفت که در نظریه ایشان تمام حقیقت پول در «قدرت خرید» خلاصه می شود و قدرت خرید چیزی نیست جز مالیت و ارزش مبادله ای. نخستین لازمه این سخن آن است که در پول مال و مالیت یکی است و دوگانگی بین این دو که از حقایق عرفی است، نقض می شود. زیرا، همان گونه که در مباحث پیشین گذشت، عرف و عقلا عنوان «مال» را برای اشاره به ذات شیء که متصف به وصف مالیت است به کار می برند. آن ذات فرقی نمی کند که عین خارجی باشد یا کلی فی الذمه یا حق و یا منفعت. اما عنوان و مفهوم «مالیت» را تنها برای اشاره به خود صفت ارزش مبادله ای که وصف نسبی است، به کار می برند. این وصف از آنجا که ذاتی شیء نیست غیر دائمی و زایل شدنی است. اگر کسی بگوید، این در مورد اموال دیگر صادق است و اما در پول به مرحله ای از تکامل رسیدیم که خود ارزش مبادله ای مستقلاً در جای ذات مال قرار گرفته است، پاسخ این اشکال در هنجارهای دیگر فصل پیشین داده شده است. در این حقیقت پس از آن که بیان شد، معاملات بر عین اموال واقع می شود نه بر مالیت آنها، نتیجه گرفته شد که عرف در پول کنونی، مال و مالیت را یکسان نمی انگارد و در پول مالیت را مال نمی بیند، بلکه برای آن ذاتی غیر از مالیت قائل است که دارای وصف مالیت است، گر چه به وضوح نمی تواند بگوید آن ذات چیست. اما همین مقدار یقین دارد که مالیت صرف نیست.

دومین لازمه این سخن آن است که پول هم مثلی باشد و هم قیمی. زیرا، شهید صدر (ره) با پذیرش مثلی بودن پول، مثلیت آن را در قدرت خرید دیده و می فرماید: «مثل پول هر آن چیزی است که قیمت واقعی آن را مجسم و بیان می کند». پرسش این است، چه چیزی قیمت واقعی پول را مجسم و بیان می کند؟ پاسخ این است، مقدار کالایی که هر واحد پول می تواند بخرد، قیمت واقعی پول است و از آنجا که مقدار کالایی که هر واحد پول در طول زمان می تواند بخرد متفاوت است، پس با توجه به تعریف مثلی و قیمی، از این لحاظ پول قیمی است. حال آن که در هنجارهای



عرفی و شرعی پیشتر بیان شد، عناوین مثلی و قیمی از عناوین عرفی‌ای هستند که فقها در باب ضمان از آنها بهره می‌گیرند. به عنوان مثال در قرض می‌گویند، اگر مال مثلی بود مثل بر ذمه قرض گیرنده می‌آید و اگر مال قیمی بود، قیمت بر ذمه قرض گیرنده می‌آید. از مجموع ادبیات مربوط به مثلی و قیمی در فقه و حقوق این معنا به دست می‌آید که اموال یا مثلی هستند یا قیمی و هیچ مالی در آن واحد و از جهت واحد نمی‌تواند هم مثلی باشد و هم قیمی. دوگانگی بین مثلی و قیمی از حقایق عرفی است.

اساسی‌ترین اشکال مبنایی دیدگاه شهید صدر (ره) که به تفصیل در نقد و بررسی دیدگاه بجنوردی به آن خواهیم پرداخت این است که قانون نمی‌تواند مالیت و قدرت خرید را که وصف اضافی و نسبی و عرض است با جعل و اعتبار به مال که ذات و جوهر است تبدیل کند.

### ۳-۲-۱-ب. دیدگاه آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی

آیت الله بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۰۸ - ۱۱۰) اسکناس را عبارت از چیزی می‌داند که در آن توسط مرجعی معتبر، یعنی قانون گذار به گونه قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش شده است. به عقیده وی قانون گذاران به منظور تسهیل امور اقتصادی و معاملی اقدام به اعتبار مالیت در اسنادی با شرایط و ویژگی‌های معین در اشکال ثابت مانند اسکناس و اسناد تجاری به معنای خاص کلمه (چک، برات) می‌نمایند. به تعبیر دیگر این اموال واقعاً واجد وصف مالیت نیستند (برنج، گندم، پارچه و گوشت واقعاً مال هستند، چون خصایص مال یعنی مرغوب بودن و مورد نیاز بودن را دارا هستند) بلکه واجد وصف مالیت شمرده می‌شوند. به این ترتیب، چنین اموالی نزد عرف و عقلا و خردمندان جوامع، دارای مرغوبیت و ارزش اقتصادی بوده، برطرف کننده احتیاجات می‌باشند. دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود و می‌تواند با چنین قدرتی اقدام به رفع احتیاجات خود به میزان همان توان خرید، یعنی به مقدار اسکناس‌هایی که دارد می‌نماید. به این ترتیب تمام حقیقت و هویت اسکناس عبارت است از «قدرت بر خرید و قدرت و توانایی بر رفع احتیاجات».

ایشان در ادامه می‌گویند، این که اسکناس اماره و حاکی است و محکی آن چیزی خارج از آن می‌باشد، مانند سند مالکیت مال غیر منقول که به دارنده حق استیفای از آن ملک را از طریق اجاره، عاریه، رهن و غیره می‌دهد، صحیح نیست. زیرا، مالیت و ارزشمندی اسناد مالکیت یا اسنادی چون قبالة مال غیر منقول، پیرو اراده مالک آن می‌باشد، در حالی که مالیت و ارزشمندی اسکناس بدون اراده دارنده اش وجود دارد و با اعتبار مالیت توسط قانون گذار، خود اسکناس مالیت یافته رفع نیاز می‌کند، به طوری که حتی شماره‌های اسکناس نیز دخالتی در مالیت و میزان

ارزش اسکناس ندارد و به اصطلاح اسکناس از حیث شماره‌های سری لابلشرط است و دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود نه مالک اسکناس با هویت خاص و شماره‌های سری معین. به این ترتیب، حقیقت اسکناس، نتیجه صرف اعتبار مالیت نیست، بلکه نتیجه ارزش مالیت به نحو قدرت خرید می‌باشد، به طوری که بدهی به میزان یک میلیون تومان عبارت است از بدهی به همین میزان قدرت خرید که در مبلغ یک میلیون تومان اسکناس متجلی می‌شود.

### خلاصه نظریه

الف - اسکناس عبارت است از چیزی که در آن توسط مرجعی معتبر، به نحو قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش شده است.

ب - تمام حقیقت و هویت اسکناس، عبارت است از قدرت بر خرید و قدرت و توانایی بر رفع احتیاجات.

ج - مالیت و ارزشمندی اسکناس بدون اراده دارنده اش وجود دارد.

د - دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود، نه مالک اسکناس با هویت خاص و شماره سری معین.

### بررسی و نقد نظریه

اساسی‌ترین فرض این نظریه آن است که تمام حقیقت پول «قدرت خرید» است و قدرت خرید را هم قانون در اسکناس اعتبار کرده است. اکنون پرسش اساسی از ایشان و دیگر نظریه پردازان قدرت خرید این است، آیا قانون می‌تواند قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای را که در فقه مالیت نامیده می‌شود و وصف اضافی و نسبی است و از نحوه به کارگیری اشیاء توسط عرف و عقلا انتزاع می‌شود با اعتبار تبدیل به مال که ذات و جوهر است بکند؟

در پاسخ به پرسش یاد شده، یادآوری می‌شود که عرف و عقلا همه به اتفاق پول را مال می‌دانند. و همان گونه که در حقایق پولی بیان شد، عرف در پول کنونی مال و مالیت را یکی نمی‌انگارد. عرف برای پول کنونی ذاتی قایل است که دارای وصف مالیت است، گرچه به وضوح نمی‌تواند چیستی و ماهیت آن ذات را تشریح کند. و همین عدم شفافیت لزوم نظریه پردازی درباره ماهیت و چیستی پول کنونی را ایجاب کرده است.

در هر حال وصف مالیت یا ارزش مبادله‌ای عرض است، عرض قابل انفکاک هم هست. اگر عرض غیر قابل انفکاک بود که «عرض لازم» یا ذاتی خوانده می‌شود، اصلاً قابل جعل و اعتبار نبود.

بلکه جعل و اعتبارش به تبع جعل ذات بود. اما از آنجا که عرض قابل انفکاک است، قابل جعل و اعتبار است. یعنی قانون می‌تواند چیزی را که مالیت ندارد، به او مالیت بدهد. استاد مطهری (ره) در مبحث جعل تألیفی بیانی دارد که تأیید کننده این کلام است. ایشان (مطهری، ۱۳۸۱، ۵/۳۴۰) می‌فرماید، «جعل تألیفی تنها در موردی متصور است که آن مورد، اتصاف شیء به یک امر عرضی ممکن الانفکاک باشد، در امور غیر قابل انفکاک خواه خارج از ذات و خواه غیر خارج از ذات، جعل متصور نیست. بنابراین، جعل ذات برای ذات معنا ندارد، یعنی معنا ندارد که ما مثلاً انسان را انسان قرار بدهیم، زیرا انسان بالضرورة انسان است و همچنین چهار را نمی‌شود زوج کرد، اما می‌شود به طور جعل تألیفی چوب را که راست نیست، راست کرد و یا انسان را آموزش داد و یا جسم را حرارت داد و یا حرکت». در عین حال، معنای این سخن استاد آن است که ابتدا باید ذاتی و جوهری باشد تا بعد بتوان به آن مالیت و قدرت خرید داد. خود مالیت که عرض است نمی‌تواند جای جوهر بنشیند و در عین حال که عرض است جوهر باشد، زیرا همان گونه که مرحوم سبزواری (بی تا، ۲۴۹) می‌فرماید، عرض به تنهایی نمی‌تواند وجود داشته باشد حتماً باید ضمن جوهری باشد. زیرا عرض تابع است.<sup>۴۲</sup>

در پاسخ به این اشکال ممکن است گفته شود، این سخن مربوط به تکوینیات است اما در عالم اعتبارات همه چیز آسان و ممکن است یا به تعبیر معروف «الامر فی الاعتبار سهل». دو پاسخ می‌توان به این سخن داد. پاسخ اول این است که اگر چه جهان اعتبار و تکوینیات دو جهان هستند. اما بالأخره با هم در تعامل و ارتباط هستند، و اعتبارات یا مفاهیم اعتباری یک نحوه کپی از حقایق مفاهیم تکوینی هستند. استاد مطهری (ره) (۱۴۰۳ق، ۴۶ و ۴۷) در همین رابطه می‌فرماید: «تعریف و شناخت این مفاهیم اعتباری به این است که بدانیم این اعتبارات از چه حقایقی اخذ و کپی شده است. زیرا در فلسفه در جای خود ثابت شده است که همه اعتبارات در نهایت به نحوی به حقایق مربوط می‌شوند و امور اعتباری که کپی و به اصطلاح فرد ادعایی واقعیاتند، به نحوی باید منشاء واقعی داشته باشند و گرنه ذهن بشر ابتدا به ساکن و به صورت ابداع مطلق، قدرت جعل هیچ اعتباری را ندارد. . . . در بحث از احکام اعتباری به آنجا می‌رسیم که این احکام به منزله آلات و ابزار شعوری‌ای هستند که طبیعت انسان، به جای غرایز و ابزار طبیعی و مادی در اختیار خود در آورده است و هدف از ایجاد آنها کمک هر چه بیشتر به طبیعت و هماهنگی با آن، و هر چه بیشتر طبیعت را به سوی مقصد و کمال هدایت کردن است، یعنی ماهیت احکام اعتباری ماهیت آلی و وسیله‌ای است».

بنابراین، اگر چه در جهان اعتبار هستیم، در عین حال باید مطابق عالم تکوینیات که ابتدا باید

---

. کلام مرحوم سبزواری در منظومه‌این است: و جوهریة لدینا واقعه اذ کانت الاعراض کلاً تابعه

جوهری باشد تا بعد بتوان برای آن عرض قابل انفکاک را جعل کرد. در اینجا که جوهری تکوینی وجود ندارد، باید جوهری ادعایی را در نظر گرفت سپس مقدار ارزش مبادله‌ای آن را تعیین کرد. پاسخ دوم: به فرض این که بپذیریم در جهان اعتبار همه چیز آسان است و ما بتوانیم ارزش مبادله‌ای را که وصف نسبی است به جای تمام ذات پول جعل و اعتبار بکنیم و به آن وجود مستقل بدهیم. خوب حالا این جوهر و ذات مستقل برای خودش اوصافی دارد اعم از وصف ذاتی که قابل انفکاک نیست و وصف نسبی که قابل انفکاک است. یکی از ویژگی‌های اصلی این جوهر داشتن وصف نسبی مالیت است. زیرا، عرف که ملاک ما در پول است، مالیتی را در پول کنونی می‌بیند که وصف نسبی است. حال اگر مال و مالیت را در پول یکی فرض کنیم و با توجه به آن که قدرت خرید همواره در حال تغییر است و فرض کردیم قانون، مالیت و قدرت خرید را ذات مال قرار داده و اعتبار کرده است، لازم می‌آید هر بار که قدرت خرید عوض می‌شود، اعتبار جدیدی همسان آن بشود. در حالی که چنین سیره‌ای در بین عرف و عقلا مرسوم و شناخته شده نیست. قدرت خرید در حقیقت در مقایسه پول با سایر کالاها مفهوم پیدا می‌کند. لذا اگر حجم پول ثابت باشد ولی قحطی رخ دهد، قیمت کالاها افزایش می‌یابد و در نتیجه قدرت خرید پول کاهش می‌یابد. در حالی که قدرت خریدی که ذات شیء در اینجا فرض شده نباید تغییر کند. مثل تمام اموال دیگر که جوهر و ذاتی دارند و وصفی به نام ارزش مبادله‌ای. گندم را فرض کنید، اگر خشکسالی بشود، گندم انبار شما ناگهان ارزش مبادله‌ای اش به شدت افزایش می‌یابد، در حالی که این گندم همان گندم است و در ذات و ذاتیات آن هیچ دگرگونی صورت نگرفته است.

افزون بر این که حقایق خارجی یعنی قوانین پولی کشورها که جزو معتبرترین اسناد و مدارک جعل و اعتبار پول در هر جامعه‌ای هستند و در آن واحد پولی هر کشور نامگذاری و تعریف می‌شود، مغایر با نظریه قدرت خرید می‌باشند. در این قوانین می‌بینیم برای رواج و انتشار پول جدید، ابتدا واحد پول نامگذاری می‌شود، سپس حقیقت قراردادی آن با تعریف به آن داده می‌شود. برای نمونه عین قانون پولی و بانکی ایران (ضیایی، ۱۳۷۲، ۲ / ۷۳۷) در تعریف پول مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ مجلس شورای ملی که در حقایق پولی به تفصیل آوردیم در اینجا به اندازه شاهد بر مطلب آورده می‌شود:

«قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ مجلس شورای ملی، ۱۳۵۱/۴/۷ مجلس سنا.

### قسمت اول - پول

ماده ۱ - الف - واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب - یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۱۰۱۰۵۵) گرم طلای

خالص است.

ج - تغییربرابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیون‌ها دارایی مجلسین میسر خواهد بود.

ماده ۲ - الف - پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است.»

دلار که واحد پولی امریکا است در سال ۱۹۰۰ میلادی هنگامی که امریکای شمالی سیستم پایه طلا را به طور کلی پذیرفت، هر دلار رسماً ۲۵/۸ گندم<sup>۴۳</sup> طلا ارزش گذاری گردید (فرجی، ۱۳۷۷، ۲۶). این گونه تعیین عیار واحد پول در تمام نظام‌های پولی و در تمام کشورها به وسیله قانون صورت می‌گیرد. چه در نظام پول فلزی تمام عیار و چه در نظام کنونی پول، عیار هر پول به وسیله قانون تعیین می‌شود. تا الان این گونه است که هر کشوری با در نظر داشت قدرت خرید خاصی برای واحد پول خودش یک مقدار خاصی از طلا را که دارای آن مقدار قدرت خرید است به عنوان واحد پول و واحد محاسبه ارزش‌های اقتصادی در نظر گرفته و نام خاصی بر آن می‌گذارد و بعد می‌شود پول آن کشور. ریال پول ایران است و پوند پول انگلیس و فرانک پول فرانسه و همین طور بقیه کشورها تفاوتی در این جهت ندارند. جامعه اروپا تا سال ۱۹۷۴ از چهار واحد محاسباتی مختلف مبتنی بر ۰/۸۸۸۶۷۰۸۸ گرم طلای خالص معادل برابری طلا و دلار استفاده می‌کرد. از سال ۱۹۷۶ اکو<sup>۴۴</sup> (ecu) یا واحد پول اروپایی که بر اساس سبد مختلفی از پول‌های هر یک از اعضا به نسبت ثابت تعیین می‌شد، جانشین آن واحدها گردید. محاسبه پول‌های مختلف در اکو از این قرار بود: ۳/۳۶ فرانک بلژیک، ۰/۲۷۶ فلورن هلند، ۱/۱۵ فرانک فرانسه، ۰/۱۴ فرانک لوکزامبورک، ۰/۰۸۵۵ لیره استرلینگ، ۰/۲۱۷ کورن دانمارک، ۰/۸۲۸ مارک آلمان، ۱۰۹ لیر ایتالیا، و ۰/۰۷۵۹ لیره ایرلند و قیمت اکو در برابر هر یک از این پول‌ها عبارت بود از رقم همان پول که در ترکیب اکو به کار رفته بود (رک: دنی شور، ۱۳۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۰).

در اجلاس سران شورای اروپا که در پانزدهم و شانزدهم دسامبر ۱۹۹۵ برگزار شد، پانزده کشور عضو تصمیم گرفتند که پول واحد را به نام یورو (euro) بنامند و یک سناریو و برنامه کاری منسجم و مشخصی را برای ارایه آن تصویب کردند. به موجب این تصمیم قرار شد که برای کشورهایی که شرایط لازم اعلام شده به وسیله عهد نامه ماستریخت را دارا باشند، این پول از اول ژانویه سال ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآید (رک: یارندی و مرزوقی، ۱۳۷۸، ۱۹).

در تمام تعاریف بالا که در حقایق پولی فصل پیشین به تفصیل آمده، قانون جعل مال کرده است؛ مالیت و ارزش مبادله‌ای به تبع این که آن شیء ارزشمند است، با او است در هیچیک از

<sup>۴۳</sup>. یک گندم (مقیاس وزن) معادل ۰/۰۶۴۸ گرم است.

<sup>۴۴</sup> EUROPEAN CURRENCY UNIT.

تعاریف فوق ارزش مبادله‌ای به تنهایی ولا فی الموضوع جعل و اعتبار نشده است، حتی در یورو که جدیدترین واحد پول است. ارزش مبادله‌ای در ضمن چیز دیگر است. اگر کسی بگوید این همان جعل ارزش مبادله‌ای برای واحد پول است، پاسخ این است که بله! این همان جعل ارزش برای واحد پول است اما به تبع ارزشمندی آن مقدار خاص طلا که به وسیله قانون اعتبار شده است، نه مستقل.

معنای تمام تعاریف بالا این است که اگر قرار باشد پول به صورت سگّه طلا در جریان باشد، یعنی «وسیله پرداخت» هم خود طلا باشد، مقدار طلای این سگّه‌ها یا عیار آنها این مقدار خاص است. اما اکنون که وسیله پرداخت ریال مکتوب روی اسکناس و ثبت شده در حساب جاری و یا ذخیره شده در بیت های دیجیتالی است و دیگر سگّه‌های طلا و یا خزانه‌ای پر از طلا و ارز و دارایی‌های دیگر به عنوان پشتوانه در کار نیست، هیچ فرقی به حال مردم نکرده است. مردم با این پول‌هایی که هم در واحد محاسبه اش اعتبار ارزش طلا شده و هم وسیله مبادله اش طلای ادعایی است، همان کاری را انجام می‌دهند که با سگّه‌های طلا و نقره واقعی انجام می‌دادند. در هر حال، کیفیت پول در عصر حاضر چنین است.

البته، می‌توان دوره‌ای را در نظر گرفت که در آن، واحد پول و مقدار ارزش آن دیگر وابسته به ارزش طلا نباشد. بلکه ارزش مبادله‌ای واحد پول مستقیماً برای آن جعل و اعتبار شود. به این صورت که ابتدا ذاتی نامعین به عنوان واحد پول در نظر گرفته شده سپس نامگذاری شود، آنگاه قانون می‌تواند تعیین کند که این واحد پول چه مقدار از سبک کالا و خدمات را بخرد. در نهایت با توجه به حجم تولید ملی واقعی و قیمت‌گذاری آن بر اساس واحد پولی جدید و سرعت گردش پول، مقدار و حجم پول در گردش تعیین شود. در این صورت هم قانون جعل مال کرده است نه جعل مالیت صرف و ارزش مبادله‌ای پول تبعی است. در اینجا می‌توان بین آن ارزش مبادله‌ای که با قانون وصف لازم ذات شده و بدون تعریف قانون یا عملکرد حکومت قابل تغییر نیست و بین ارزش مبادله‌ای که به خاطر حضور و انتشار خارجی این پول در اثر کمیابی برایش پیدا می‌شود، تفاوت گذاشت. این ارزش مبادله‌ای وصف نسبی است که از آن تعبیر به مالیت می‌شود و در اثر حوادث روزگار تغییر می‌کند. آن ارزشی را که با تعریف قانون به وجود می‌آید می‌توان ارزش اولیه و این ارزشی را که به خاطر حضور و انتشار خارجی بر اثر کمیابی برایش پدید می‌آید ارزش ثانویه نامید.

## چند نقد دیگر

این نظریه با اندکی اختلاف در تعبیر همان نظریه قدرت خرید شهید صدر (ره) است. از این رو،

تمام نقدهای وارده بر نظریه قدرت خرید شهید صدر(ره) در اینجا هم وارد است. افزون بر این که، آیت الله بجنوردی به تعدادی از گزاره‌های اثباتی درباره پول اشاره کرده است که برخی از آنها خالی از اشکال نیست. یکی از اشکالات مهم و مبنایی که طرفداران نظریه قدرت خرید از جمله آیت ... بجنوردی دچار آن هستند، این است که حقیقت پول را در حقیقت اسکناس جستجو می‌کنند. زیرا، تا زمانی که خزانه پر از طلا و نقره بود، اسکناس رسید و سند آن طلا و نقره بود و خودش اصلتی نداشت. اما در نظام پولی جدید که طلا و نقره‌ای لازم نیست در خزانه باشد، یا اگر هست رابطه اش با اسکناس قطع شده و اسکناس مستقل از طلا و نقره همان کار طلا و نقره مسکوک را انجام می‌دهد. پرسشی که باید پاسخ داده شود این است، آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است؟ یا شقّ دیگری قابل تحلیل است؟

### اسکناس چیست؟

طرفداران نظریه قدرت خرید با فرض این که اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است به این نتیجه رسیدند، اسکناس که پول است، چیزی جز قدرت خرید نیست. زیرا، جنس آن که کاغذ باشد قیمت و مصرف قابل اعتنایی ندارد و بر این اساس به نتایجی رسیدند که اشکالاتش در بررسی نظریه قدرت خرید شهید صدر(ره) طرح شد.

اما شقّ دیگری نیز قابل تحلیل است، به این صورت که اسکناس که تا پیش از این سند و حواله ریال و پوند فلزی بود، اکنون که دیگر فلزی در کار نیست، ظرف ریال و دلار و پوندی است که در قوانین فلز اعتبار می‌شوند. در قوانین پولی ابتدا واحد پول بر اساس فلز طلا تعریف شده است. اگر نظام پولی فلزی باشد معنایش این است که مسکوکات طلا با آن عیار ضرب شوند سپس در جامعه انتشار یابند. اما اگر قرار نباشد فلزی در کار باشد معنایش این است که فرض کنید این ریال‌ها، دلارها و پوندهای مکتوب روی اسکناس فلز هستند، شروع کنید به مبادله. مردم هم دیدند با این ریال‌های مکتوب که افراد ادعایی سگّه طلا و نقره هستند همان کاری را می‌توانند انجام دهند که با ریال‌های فلزی می‌توانستند انجام بدهند. در این صورت، ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس پول هست، نه اسکناس. اسکناس ظرف اعتباری و وسیله پرداخت پول است. این ظرف می‌تواند حساب جاری یا هر حساب دیگر باشد که با کارت اعتباری یا چک یا هر وسیله دیگر نقل و انتقال می‌شود. در این جا آن حساب‌ها ظرف اعتباری پول هستند و کارت اعتباری و چک وسیله پرداخت آن می‌باشد.

یک دلیل روشن بر این مدعا این است که کاهش ارزش پول به افزایش حجم پول و نقدینگی مرتبط است نه به افزایش یا کاهش تعداد اسکناس. هر گاه حجم ریال تغییر کند - اگر چه به شیوه ثبت الکترونیکی - ارزش آن تغییر می‌کند. یکی از عوامل افزایش حجم پول بانک‌ها هستند.

بانک ها با دادن اعتبار و ثبت آن به صورت مقادیر ریالی در حساب اشخاص خلق پول می کنند. بانک ها با چاپ اسکناس خلق پول نمی کنند. افزون بر این که با کاهش یا افزایش حجم اسکناس، حجم پول تغییر نمی کند، چون ممکن است ما همان مقادیر پولی را - برای کاهش هزینه های چاپ اسکناس - در اسکناس های کمتر با ارقام بالاتر چاپ و منتشر کنیم.<sup>۴۵</sup>

این که آیت ... بجنوردی گفتند، دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی است نه مالک اسکناس با هویت خاص، صحیح نیست و مسأله برعکس است. زیرا، بر اساس قوانین حقوقی دارنده اسکناس تنها مالک اسکناس با هویت خاص با شماره سری معین با ریال های مکتوب بر آن است نه بیشتر. قدرت خریدی که در اسکناس مشاهده می شود از لوازم و اوصاف اضافی «ریال» است که مقدار معینی از آن روی برگه اسکناس ثبت شده است. تمهیداتی از قبیل شماره گذاری، طراحی خاص، انتخاب کاغذ ویژه، برای جلوگیری از تقلب است و همچنین برای اینکه نشان دهد این اسکناس از طرف حکومت منتشر شده و یک سند حکومتی است. اگر مالک اسکناس تنها مالک قدرت خرید معینی باشد، با از بین رفتن یا سرقت اسکناس نباید قدرت خریدش فنا شود همان گونه که در چک و سفته این گونه است و با از بین رفتن سفته یا چک طلب شخص محفوظ است، در حالی که با از بین رفتن اسکناس مال شخص از بین رفته است و بر اساس قانون نمی تواند ادعایی داشته باشد. افزون بر این که عرف شخص را مالک اسکناس با هویت خاص می داند. لذا اگر اسکناس کسی در خیابان گم شود او نمی تواند هر اسکناسی را که در خیابان افتاده بردارد و بگوید مال اوست، مگر این که مشخصات آن را شناسایی کند.

### ۳-۲-۱-ج. دیدگاه آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی

به عقیده آیت الله شاهرودی ( ۱۳۷۴، ۶۸ - ۶۶)، از آنجا که مالیت پول های حقیقی مانند درهم و دینار برخاسته از جنس خودشان است، کاهش ارزش آنها همانند دیگر اموال مثلی به عهده نمی آید. اما پول اعتباری از آن جهت که به خودی خود ارزش مصرفی ندارد و تنها در داد و ستد به کار می رود، ویژگی ارزش مبادله ای و توان خرید آن در نگاه عرف و عقلا همچون صفت حقیقی به شمار می آید بدین سان همانند دیگر صفات مثل خود به عهده می آید. به نظر وی اگر ارزش مبادله ای و توان خرید پول در رابطه با ماهیت و استواری پول از نظر قدرت دولت صادر کننده آن باشد، در نگاه عرف همچون صفت حقیقی است اما اگر در نتیجه و اثر گذاری قاعده عرضه و تقاضای بازار باشد، این ارزش مبادله ای در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست. بنابراین، اگر اعتبار دولت صادر کننده پول و توان اقتصادی اش کاهش یابد و یا خود دولت دست

<sup>۴۵</sup> . شاهد بر این مطلب، انتشار اسکناس های ده هزار تومانی و پنج هزار تومانی به وسیله بانک مرکزی است .



به انتشار پول بیشتر بدون پشتوانه واقعی بزند، این دگرگونی همانند حالت‌های زودگذر برخی کالاهای فصلی همچون یخ در تابستان و آب در کویر، نزد مردم مورد ضمان است چون پول اعتباری در نظر عرف با اهمیت و شایان توجه است. از این رو، باز پرداخت چیزی که همان آن باشد باز پرداخت جایگزین همسان به شمار نمی‌آید. همسانش تنها آن چیزی است که با بها و ارزش و مالیت گذشته اش از همان جنس برابر باشد. به عقیده‌ایشان تنها مشکل باقیمانده محاسبه توان خرید پول از این جنبه است که شاید بهترین راه این باشد که آن را با پول‌های بهادار دیگری که مالیت ثابتی دارند و نیز کالاهایی که به طور معمول ارزش ثابت دارند، مانند طلا و نقره و یا با میانگین بهای کالاها در بازار در فاصله معینی از زمان سنجید.

وی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۷۳) در بیان فرق بین پول اعتباری و کالای حقیقی می‌گوید: از ادله ضمان در شریعت و نزد عقلا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ضمان تنها در مال است و نه مالیت، مالیت در کالای حقیقی تنها حیثیت تعلیلیه است و بر عهده نمی‌آید. اما در پول‌های اعتباری صرف چنین نیست، زیرا، ارزش و توان خرید، همه هستی و اساس آنها است و از این رو، حیثیت تقییدیه (معیار و موضوع) است. به این معنا که مالیت پول اعتباری به اندازه ارزش مبادله و توان خرید آن است و به جنس حقیقی اش وابسته نیست. زیرا، جنس آن ارزش نداشته و اعتبار آن نیز بی‌بها است. چون، اعتبار به خودی خود مال نیست و مالیت به دنبال پشتوانه آن می‌آید. این توان اقتصادی صادر کننده است که در حقیقت این برگه‌ها را دارای توان خرید و ارزش مبادله‌ای می‌گرداند. معنای این سخن آن است که ارزش و مالیت این برگه‌ها درست به اندازه قدرت خرید آنها است و نه چیز دیگر. بنابراین، ناگزیر جایگزین همسان (مثل) پول دریافت شده یا از میان رفته، معادل خود آن پول در قدرت خرید و مبادله از همان نوع پول است.

### خلاصه نظریه

الف - اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول در رابطه با قدرت صادر کننده آن باشد، در نظر عرف همچون صفت حقیقی است. بنابراین، اگر اعتبار دولت صادرکننده پول و توان اقتصادی کاهش یابد یا خود دولت دست به انتشار پول بدون پشتوانه واقعی بزند، نزد مردم مورد ضمان است.

ب - اگر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول در رابطه با عرضه و تقاضای بازار باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست، در نتیجه ضمان آور هم نیست.

ج - پول مال مثلی است و پرداخت چیزی که همانم باشد، باز پرداخت جایگزین همسان به شمار نمی‌آید. همسان تنها آن چیزی است که با بها و ارزش و مالیت گذشته اش از همان جنس برابر باشد.

د - ارزش و توان خرید، همه هستی و اساس پول است و به جنس حقیقی اش وابسته نیست.  
ه - توان اقتصادی صادر کننده، این برگه ها را دارای توان خرید و ارزش مبادله‌ای می‌گرداند.

### بررسی و نقد نظریه

ایشان در این نظریه پردازی با ملاک قرار دادن عرف به برخی حقایق که عرف در پول کنونی می‌بیند، اما توضیحی برای آن ندارد اشاره کرده است. به طور مسلم، در فهم عناوین و تطبیق عناوین بر مصادیق ملاک عرف است. اما در این که مصداق از چه جنسی و از چه نوعی است، نظر عرف حجیت ندارد. جنس‌شناسی و نوع‌شناسی کاری تخصصی است. و نظر کارشناس مربوطه حجیت دارد نه عرف. از این رو، می‌بینیم ایشان با شمردن این حقایق نهایتاً در مقام کارشناس به بیان ماهیت و حقیقت پول کنونی پرداختند.

بر اساس عرف شناسی ایشان، از یک طرف پول مال مثلی است و تمام هستی پول قدرت خرید است. از طرف دیگر، اگر این ارزش مبادله‌ای در رابطه با عرضه و تقاضا قرار گیرد، در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست. اما اگر در رابطه با اعتبار دولت صادر کننده و توان اقتصادی یا انتشار پول بدون پشتوانه قرار گیرد، در نزد عرف همچون صفت حقیقی است و ضمان آور است. این حقایقی که بر شمرده شده اصلی ترین مفروضات نظریه ایشان است. نظریه‌ای که بر اساس این مفروضات طرح می‌کند این است که « همه هستی پول ارزش مبادله‌ای و توان خرید است ».

نخستین اشکال ما بر این نظریه این است که اگر تمام حقیقت پول ارزش مبادله‌ای آن است چگونه عرف، اگر دولت علت دگرگونی آن باشد، آن را صفت حقیقی می‌بیند و اگر در رابطه با عرضه و تقاضا قرار گیرد، عرف آن را همچون صفت حقیقی نمی‌بیند. بالاخره وقتی که قدرت خرید همه چیز پول بود، دیگر دو جهت ندارد که بتوان دو صفت متناقض را به آن نسبت داد. ارزش مبادله‌ای یا صفت حقیقی است یا نیست. یک ذات بسیط نمی‌تواند دو حکم متناقض را در خود جمع کند. مگر این که مرکب باشد و ذوجها. نظریه قدرت خرید نمی‌تواند ذوجها بودن پول را که در حقایق عرفی و شرعی فصل پیشین بیان کردیم، توضیح دهد.

دومین اشکال این نظریه آن است که با این که ایشان با این نظر عرف که پول مال مثلی است موافق است و بلکه آن را یکی از مفروضات نظریه خودش قرار داده است اما در نهایت به نتیجه‌ای جز قیمی بودن پول کنونی نرسیده است. حال آن که، بر اساس حقایق عرفی و شرعی بیان شده در فصل قبل، اموال یا مثلی هستند یا قیمی و در نزد عرف پول هم مثل همه اموال دیگر است و با آن مثل همه اموال دیگر رفتار می‌شود. ایشان به برخی از حقایق پولی به خوبی اشاره کردند اما نتوانستند با یک تحلیل مناسب همه آنها را در یک الگوی همخوان و سازگار توضیح دهند.

### ۳-۲-۱-۵. دیدگاه حجت الاسلام احمد علی یوسفی با عنوان «مالیت اعتباری»

وی در کتاب «ماهیت پول» طی یک پژوهش گسترده، در صدد شناسایی ماهیت پول کنونی و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن برآمدند. به عقیده وی (یوسفی، ۱۳۷۷، ۱۴) یک فقیه برای دست یابی به حکم صحیح هر پدیده‌ای پیش از هر چیز باید ماهیت و ویژگی‌های آن پدیده را بشناسند. این شناخت از سوی کارشناس آن موضوع یا توسط خود فقیه، اما نه از آن رو که فقیه است بلکه به عنوان کارشناس آن موضوع انجام می‌گیرد. وی در ادامه (همان، ۲۴ - ۲۰) با تقسیم‌بندی عناوین عرفی، پول را از عناوین عرفی‌ای که معنون آن توسط عرف و عقلا وضع شده یا عرف و عقلا آن را پذیرفته اند می‌داند، نه از نوع عناوین عرفی انتزاعی که از نحوه به کار گیری و استفاده آن اشیاء انتزاع می‌شود. از این رو، به این نتیجه رسیده است که برای کشف ضابطه و شناخت ویژگی‌های آن توجه و نظر باید به امری باشد که توسط عرف و عقلا وضع شده است یا همانند عناوین انتزاعی با تحلیل روانی صحیح از منشاء انتزاع یعنی افعال عرف و عقلا و نحوه به کار گیری اشیا توسط آنها به کشف و ضابطه واقعی آن نائل شویم.

وی با این مقدمه، درباره حقیقت اسکناس (همان، ۴۸) می‌گوید:

«عقلا با اعتبار ارزش مبادله‌ای محض برای کاغذ پاره‌ای که با صرف نظر از آن اعتبار هیچ‌گونه ارزش مبادله‌ای نداشت، تمام جنبه‌های خصوصی آن را الغا کردند و آنگاه آن را معادل همگانی سایر کالاها و خدمات تولیدی قابل مبادله قرار دادند. این اسکناس بر خلاف پول‌های پیشین قابل خوردن، پوشیدن، تزئین و... نیست و تنها اعتبار و توافق عرف و عقلا به آن ارزش داده است و هرگاه عرف و عقلا از آن توافق و اعتبار دست بردارند، اسکناس فاقد ارزش شده تبدیل به کاغذ پاره رنگی و بی‌ارزش می‌شود.»

وی در تبیین چگونگی اعتبار ارزش مبادله‌ای به وسیله عقلا (همان، ۴۹) می‌گوید:

«عرف و عقلا فقط آن ارزش مبادله‌ای را به عنوان معیار سنجش سایر ارزش‌های اقتصادی اعتبار کردند. ولی مقدار ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در هر زمانی، چه در پول کاغذی، و چه در پول غیر کاغذی تابع قرار داد عرف و عقلا نمی‌باشد. بلکه حجم کالاها و خدمات قابل مبادله به وسیله پول در جامعه می‌باشد.»

وی سپس در ادامه و در هنگام تحلیل پول تحریری، پس از آن که می‌بیند بانک‌ها چندین برابر بیش تر از اسکناس‌ها وارده، پول به جامعه تزریق می‌کنند، ناچار می‌شود ماهیت پول را در پول تحریری به گونه دیگری تحلیل کند (همان، ۵۸) و بگوید، حقیقت حساب‌های دیداری همان ارزش مبادله‌ای عام است و در واقع ارزش مبادله‌ای عام همان پول بوده و وظایف پول را انجام می‌دهد. زیرا، ارزش مبادله‌ای عام معیار سنجش، ذخیره ارزش‌های اقتصادی و واسطه در مبادله

می‌باشد. وی (همان، ۶۰ و ۶۱) سپس می‌گوید:

«البته بیش‌تر مردم در به‌کارگیری این نوع پول در مبادلات خود فقط چک و اسکناس را می‌بینند. یعنی چک معتبر را سند اسکناس می‌دانند که در صندوق بانک موجود است. در حالی که، چنان‌که گذشت، در مقابل این نوع پول درصد بسیار کمی اسکناس در بانک موجود است. شاید به همین خاطر است که می‌توان گفت چک واسطه مبادله است ولی معیار سنجش و ذخیره ارزش‌های اقتصادی توسط ارزش مبادله‌ای عام صورت می‌گیرد. و چک تنها سند آن ارزش مبادله‌ای است. یا به دید عرف و عقلا وظیفه معیار سنجش و ذخیره ارزش‌های اقتصادی بر عهده اسکناس است و چک معتبر علاوه بر واسطه مبادله، سند آن اسکناس می‌باشد.»

اما آن چه که به نظر یوسفی (همان، ۶۱) صحیح‌تر به نظر می‌رسد، این است که اگر عرف و عقلا به حقیقت مطلب توجه یابند، آنگاه از طریق رفتار و ارتکازات ذهنی عرف و عقلا معلوم خواهد شد که تمام وظایف پول را همان ارزش مبادله‌ای عامی که عدد و رقم در سپرده دیداری شخص نمایانگر آن است بر عهده دارد. زیرا، تحولاتی که از ناحیه پول تحریری در اقتصاد ایجاد می‌شود ناشی از تغییرات حجم همان ارزش مبادله‌ای اعتباری است که عدد و رقم در حساب جاری اشخاص، نمایانگر مقدار آن می‌باشد، نه چک و اسکناس، زیرا چک بعد از خلق و اعتبار آن ارزش مبادله‌ای در کنار اسکناس موجود به عنوان یک رقم مستقل در تراز نامه بانک‌ها حجم پول محسوب می‌گردد. وی پول الکترونیکی را نیز همانند پول تحریری تحلیل کرده و می‌گوید (همان، ۶۵)، کارت‌ها پول نیستند بلکه آن ارزش مبادله‌ای عام پول است و اسم گذاری آن به پول الکترونیکی تنها از این جهت است که آن ارزش مبادله‌ای عام به وسیله آن منتقل می‌شود.

وی سپس سخن پیشین خود درباره اسکناس را کامل‌تر کرده و می‌گوید (همان، ۱۱۱) «درباره پول‌های کاغذی و خصوصاً پول تحریری سخن دیگری باید گفت، یعنی اصل مالیت آن اعتبار می‌گردد نه اینکه ابتدا برای کاغذ پاره رنگی فایده‌ای اعتبار می‌گردد، تا به عنوان پول در مبادلات مورد استفاده قرار گیرد و پول تحریری هم چیزی جز ارزش مبادله‌ای اعتباری عام نیست، یعنی اصل مالیت آن به طور قطع اعتبار می‌گردد.»

حجت الاسلام یوسفی در نهایت بیان می‌دارد (همان، ۱۵۱): «گفتاری که بتواند تا حد قابل قبولی واقعیت پول را آشکار کند عبارت است از این که پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیئی غیر فیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است، می‌باشد.»

به عقیده وی هنگامی که پول به صورت کالا، فلز و اسکناس باشد، عرف و عقلا خود آن اشیا را بدون ارزش مبادله‌ای عام، پول نمی‌دانند، بلکه آن اشیا را با ضمیمه ارزش مبادله‌ای عام به عنوان پول می‌پذیرد، ولی در پول تحریری تنها آن ارزش مبادله‌ای بدون هیچ گونه ضمیمه‌ای پول است.

بر اساس عرف شناسی و استظهار عقلایی وی (همان، ۱۷۶) پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای - چه این ارزش مبادله‌ای را صفت نسبی بدانیم یا صفت ذاتی - مثلی است.

### خلاصه نظریه

الف - عقلا با اعتبار ارزش مبادله‌ای برای کاغذپاره‌ای، آن را معادل همگانی سایر کالاها و خدمات تولیدی قابل مبادله قرار دادند.

ب - عرف و عقلا فقط آن ارزش مبادله‌ای را به عنوان معیار سنجش سایر ارزش‌های اقتصادی اعتبار کردند.

ج - مقدار ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در هر زمانی، چه در پول کاغذی و چه در پول غیر کاغذی تابع اعتبار و قرارداد عرف و عقلا نمی‌باشد، بلکه حجم کالاها و خدمات قابل مبادله به وسیله پول در جامعه می‌باشد.

د - حقیقت حساب‌های دیداری همان ارزش مبادله‌ای عام است که همان پول است و تمام وظایف اعم از معیار سنجش، ذخیره ارزش و واسطه در مبادله را انجام می‌دهد. چک تنها سند آن ارزش مبادله‌ای است.

ه - به دید عرف و عقلا وظیفه معیار سنجش و ذخیره ارزش‌های اقتصادی بر عهده اسکناس است و چک معتبر علاوه بر واسطه مبادله، سند آن اسکناس می‌باشد.

و - اگر عرف و عقلا به حقیقت مطلب توجه یابند، آنگاه از طریق رفتار و ارتکازات ذهنی عرف و عقلا معلوم خواهد شد که تمام وظایف پول را همان ارزش مبادله‌ای عامی که عدد و رقم، در سپرده دیداری شخص نمایانگر آن است، بر عهده دارد.

ز - گفتاری که بتواند تا حد قبولی واقعیت پول را آشکار کند، عبارت است از این که «پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیئی غیر فیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است، می‌باشد.

ک - پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای مثلی است.

### بررسی نظریه

با یک نظر اجمالی به گفتار نگارنده کتاب ماهیت پول می‌توان مشاهده کرد که نظریه «مالیت اعتباری» تفاوت چندانی با نظریه قدرت خرید شهید صدر (ره) ندارد. زیرا هر دو در اسکناس افزون بر قدرت خرید برای کاغذ نیز در مثلث موضوعیت قائلند. ایشان تلاش کردند با دلایل بیشتری تری نظریه «قدرت خرید» را اثبات کرده و قدرت توضیح دهندگی آن را در عناوین و مسائل مربوط نشان دهند. از جمله مواردی که در نظریه‌های پیشین قدرت خرید توضیح داده نشده بود جایگاه و رابطه اسکناس و حساب دیداری با ارزش مبادله‌ای و پول و واحدهای مکتوب روی آن و

چک است. این نظریه به توضیح همه این روابط پرداخته است. ملاک و معیار در این بررسی برای کشف ضابطه و شناخت ویژگی‌های پول رفتار عرف و عقلا و ارتکازات ذهنی آنها بوده است.

### نقد نظریه

**اشکال اول:** نگارنده محترم کتاب ماهیت پول در ابتدای بررسی، رفتار و ارتکازات ذهنی عرف و عقلا و تحلیل روانی آنها را تنها منبع برای کشف ضابطه واقعی و شناخت ویژگی‌های پول دانست اما در اثنا و در هنگام بررسی و تحلیل پول تحریری ارتکازات عرف و عقلا را کنار گذاشته خود در مقام کارشناس به حقیقت یابی پول می‌پردازد و می‌گوید اگر عرف و عقلا به حقیقتی که وی آشکار کرده توجه نکنند آن را خواهند پذیرفت. مفهوم این سخن نشان دهنده تسامح عرف و عقلا در این مسئله است و حال آن که ملاک ایشان عرف و عقلای غیر متسامح است و در اینجا تسامح عرف و عقلا و بی‌توجهی آنان به وسیله وی نشان داده شده است. این تصحیح نگارنده کتاب ماهیت پول می‌تواند اثبات کننده این نظر باشد که عرف و عقلا گرچه در مفاهیم عناوین و اطلاق عناوین بر مصادیق ملاک هستند. اما در شناخت ماهیت مصادیق نظر کارشناس مربوطه شرط و ملاک است نه نظر عرف و عقلا. با توجه به اعتباری محض شدن پول‌های کنونی تنها متخصصان پولی و اقتصادی آشنا با مبانی فلسفی یا فلاسفه آشنا با مبانی پولی و اقتصادی می‌توانند در این باره نظر بدهند. از این رو، می‌بینیم در اقتصاد اسلامی اندیشه و رانی مانند شهید صدر، شهید بهشتی و شهید مطهری و برخی دیگر که مشرب فلسفی دارند به نظریه پردازی در این باره پرداختند.

**اشکال دوم:** بنابر استظهار عرفی و عقلایی وی عرف و عقلا برای اسکناس (کاغذ پاره) تنها ارزش مبادله‌ای را به عنوان معیار سنجش آن هم مبهم اعتبار کرده است. زیرا به نظر وی مقدار ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید تابع اعتبار و قرارداد نیست بلکه تابع حجم کالاها و خدمات قابل مبادله است. حال آن که تنها سند و مدرک معتبر درباره آنچه که عقلا در پول وضع و اعتبار کردند یعنی قوانین پولی کشورها - که در آنها پول تعریف شده است - دقیقاً عکس مطلب بالا را اثبات می‌کند. زیرا، اولاً در آن تعریف‌ها مقدار ارزش مبادله‌ای واحد پول که معیار سنجش است، دقیقاً مشخص شده است. ثانیاً در هیچ یک از مواد و تبصره‌های آن قوانین برای کاغذ پاره رنگی یعنی اسکناس ارزش مبادله‌ای اعتبار و تعیین نشده است. بلکه اعتبار ارزش مبادله‌ای و تعیین مقدار آن تنها مربوط به واحد پول هر کشور است آنگاه پس از تعریف پول - که در اصطلاح حقوقی اعتبار نامیده می‌شود - در طی یک تبصره‌ای بیان داشته اند که این پول می‌تواند به صورت سکه و اسکناس در جریان باشد.

**اشکال سوم:** ایشان در همه جا، عدد و رقم مکتوب بر اسکناس و چک را نمایانگر مقدار ارزش

مبادله‌ای اعتباری می‌داند. حال آن که اولاً، عدد و رقم‌های مکتوب مطلق نیستند بلکه بر اساس واحد بیان شده اند مانند ۱۰۰ ریال یا ۱۰۰۰۰۰ ریال. ثانیاً، این اعداد و ارقام بیانگر مقدار ارزش مبادله‌ای نیستند بلکه به اذعان تمام اقتصاددان ها تنها نمایانگر مقدار ارزش اسمی یعنی تعداد ریال های مکتوب روی اسکناس هستند. ارزش مبادله‌ای یا قدرت خرید مربوط به مقدار کالا یا خدماتی است که هر واحد پول مثلاً یک ریال می‌تواند بخرد و نمایشگر این تغییر ارزش مبادله‌ای هم نرخ تورم یا نرخ تغییر سطح عمومی قیمت‌ها است. ثالثاً با کلام سابقشان که مقدار ارزش مبادله‌ای را تابع حجم کالاها و خدمات می‌دانستند سازگار نیست.

**اشکال چهارم:** ایشان در تبیین نظریه مالیت اعتباری نتوانستند آن را به گونه‌ای ارائه کنند که توضیحی واحد برای اسکناس و حساب دیداری داشته باشند. از این رو، مجبور به پذیرش دو پول در راستای نظریه مالیت اعتباری یا ارزش مبادله‌ای عام شدند. به این صورت که یک پول فیزیکی به نام اسکناس داریم که دارای ارزش مبادله‌ای عام است و یک پول غیر فیزیکی در حساب‌های دیداری که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است. افزون بر این که تمام اشکالات مبنایی و بنایی نظریه قدرت خرید که پیش از این داشتیم بر این نظریه نیز وارد است. در نتیجه این نظریه هم مانند نظریات پیشین کاملاً رضایت بخش نیست.

### ۲-۲-۳. بررسی و نقد نظرات تحلیل گران «ارزش اسمی»

مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۷۶-۸۰) پس از آن که مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانستند. احکام مال مثلی را بر آن بار کردند، آنگاه این پرسش را مطرح کردند که مقوم مثلیت چیست؟ ارزش اسمی یا قدرت خرید؟ این مؤلفان محترم در پاسخ دو عقیده را مطرح کردند. گروهی که عقیده دارند مقوم مثلیت «قدرت خرید» است. از این رو، اگر قرض داده شود در صورت کاهش ارزش باید جبران گردد. و گروهی دیگر که معتقدند مقوم مثلیت همان ارزش اسمی است و نه چیز دیگر. آنگاه این مؤلفان به تقویت دلایل گروه دوم در ردّ نظریه قدرت خرید به شرح ذیل پرداختند:

اولاً، قدرت خرید از عوارض و حالات است لذا اگر فردی مقداری پول اعتباری قرض کند، عرف نمی‌گوید او قدرت خرید قرض کرده‌است. ثانیاً، پول اعتباری از جهت پول بودن (یعنی ارزش مبادله‌ای) با پول حقیقی تفاوتی ندارد مگر از جهت غیر پولی (یعنی ارزش مصرفی). از این رو، اگر قدرت خرید مقوم پول باشد در مورد سکه طلا و نقره که قدرت خریدشان کاهش می‌یابد هم باید قائل به جبران باشیم. در حالی که هیچ یک از فقها به آن فتوا ندادند. ثالثاً در تعریف پول به «ارزش مبادله‌ای خالص اشیا که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله‌ای نهفته است»

ماهیت پول، متوقف بر قدرت خرید آن نیست بلکه وابسته به اصل ارزش مبادله‌ای است نه مقدار آن واصل ارزش مبادله‌ای هم از ویژگی‌های نسبی پول است، لذا ضمان‌آور نیست. رابعاً، اگر قدرت خرید پول، همان قیمت مبادله‌ای واقعی آن باشد. پس پول مال مثلی نیست بلکه یک کالای قیمی است. در حالی که هیچ یک از فقها پول را مال قیمی نمی‌داند. مؤلفان محترم بر این اساس به این نتیجه رسیدند، کسی که در دوره تورمی اقدام به قرض دادن می‌کند، می‌تواند پول‌هایی مانند سکه طلا را که ارزش نسبتاً ثابتی دارند برای قرض دادن انتخاب کند. به عقیده اینها دولت هم حق دارد پول منتشر کند بدون این که ضامن کاهش قدرت خرید باشد. اما از آنجا که این کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست حق انتشار بی قیدوشرط پول به دولت داده نمی‌شود.

نگارنده ضمن پذیرش دلایلی که اینها در ردّ نظریه قدرت خرید ارائه کردند، نظریه ارزش اسمی را نیز به دلایل ذیل قابل پذیرش نمی‌داند.

### دلایل رد نظریه ارزش اسمی

**اولاً،** ارزش اسمی پول همان‌گونه که در متون اقتصادی و پولی بیان شده، نشان دهنده تعداد واحدهای پولی مکتوب بر روی اسکناس است. هنگامی که یک اسکناس ۱۰۰۰ ریالی دارید، ارزش اسمی آن ۱۰۰۰ ریالی است که روی این قطعه اسکناس ثبت شده است. از عنوان «ارزش اسمی» چیزی بیش از این مفهوم نمی‌توان استخراج کرد.

**ثانیاً؛** ریال، دلار، پوند و امثال اینها عناوین مشیر هستند، باید دید مشارالیه اینها چیست، یعنی به چه چیز اشاره می‌کنند. یا به عبارت دیگر اینها نام و اسم هستند باید دید مسمای اینها چیست و حال آن که، نظریه ارزش اسمی از این حیث کاملاً ساکت است و هیچ تحلیلی از مسمای اینها ارائه نمی‌دهد. در نظام پول فلزی تمام عیار هر یک از این اسامی روشن است که به وزن خاصی از فلز طلا اشاره دارند و به همین وزن خاص هم سکه ضرب می‌شد. لذا مقوم مثلیت حفظ وزن خاص و عیار این سکه در خارج بود و الا از مثلیت خارج می‌شدند. اما در نظام پول اعتباری کنونی، این عناوین کماکان عناوین مشیر هستند و خود چیزی نیستند جز یک نام پس نمی‌توان مقوم مثلیت را در این نام جستجو کرد بلکه باید در مسمای اینها جستجو کرد و دید در خارج چگونه حضور پیدا می‌کنند.

### مقوم مثلیت

مقوم مثلیت در پول های کنونی نه قدرت خرید است و نه ارزش اسمی، بلکه مقوم مثلیت در نظام پشتوانه طلا و نیز در نظام پشتوانه تولید ملی، حفظ برابری ارزش واحد پول با ارزش مقدار فلز اعتبار شده در تعریف واحد پول از طرف دولت‌ها است که در تعاریف قوانین پولی کشورها آمده است. دولت‌ها با عملکرد مناسب و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب براساس اصل پایبندی



می‌توانند به این مهم دست یابند. از آنجا که پول کنونی هم از جهت «واحد محاسبه ارزش» بودن و هم از جهت «وسیله مبادله» بودن اعتباری است<sup>۴۶</sup> پس مثلث آن هم اعتباری است. زیرا، دارای اجزای مثلی اعتباری است. یک اسکناس صدریالی یعنی کاغذی که دولت به موجب قانون صدتا یک ریال را که براساس وزن خاصی از طلا (مثلاً در قانون پولی ایران یک ریال برابر صد دینار که برابر ۰/۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلا است) تعریف و اعتبار شده بر روی آن قرار داده است. این صدریال همه‌شان (از نظر قدرت خرید) یکسان هستند. قوام و بقای مثلث در اجزای این پول وابسته به حفظ اعتبار و عملکرد اعتبار کننده است. اگر برای پول افراد عرضی و طولی در نظر بگیریم. ممکن است بگوئیم، افراد عرضی پول همه مثلی هستند و افراد طولی آن قیمی، البته لازم به یادآوری است که طولیت و عرضیت مقوم مثلث پول نیستند. اما از آنجا که تغییر مثلث پول کنونی در طول زمان رخ می‌دهد، تغییر مثلث با طولیت و عرضیت همراه شده است. آیت‌الله آصفی (۱۳۷۵، ۲۲) در این رابطه می‌گوید، «مانعی ندارد که افراد عرضی یک مال مثلی باشند و افراد طولی آن قیمی». به عقیده وی «می‌توان افراد طولی پول را در صورتی که زمان نسبتاً طولانی و اختلاف ارزش (قدرت خرید) آن فاحش باشد و از نظر عرف قابل اغماض نباشد قیمی به حساب آورد، گرچه افراد عرضی آن مثلی باشد. البته، این در صورتی است که اختلاف ارزش در دوزمان مختلف در بازار قابل اغماض نباشد و گرنه مثلی است». بنابراین، فقها اگر «پول» را از مقوله مثلیات می‌دانند، نظر آنها یا باید به افراد عرضی پول باشد یا به افراد طولی آن در صورتی که اختلاف فاحش نداشته باشند.

در مورد این که پول دارای اجزای مثلی اعتباری است و با عملکرد اعتبار کننده یا تغییر اعتبار او ممکن است از مثلث خارج شود و ضمان آن، آیت‌الله مرعشی (۱۳۷۵، ۳۷) عقیده دارند، چون اعتبار پول به دست اعتبار کننده است، در جایی که خود اعتبار کننده ارزش پول خود را پائین بیاورد، می‌توانیم این کاهش را در پرداخت‌ها، در قرض‌ها و در خمس‌ها در نظر بگیریم. ولی اگر عامل آن بازار باشد، و از نظر اعتبار کننده ارزش آن تغییری نکرده باشد. این نوع کاهش ارزش در قرض‌ها و خمس و دیگر پرداخت‌ها، تأثیری ندارد.

این پاسخ می‌تواند تأییدی بر این نظر باشد که پول کنونی مالیت و ارزش مبادله‌اش از دو منبع سرچشمه می‌گیرد یک منبع آن حکومت است که ارزش و مالیت اولیه با اعتبار او شکل می‌گیرد و یک ارزش و مالیت ثانویه که با حضور و انتشار خارجی این پول بر اثر کمیابی نسبی مثل همه

<sup>۴۶</sup> اعتباری بودن واحد محاسبه روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می‌گیرد. اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تدقیق می‌خواهد. در همان نظام پول کالایی هم این که چه نوع کالایی پول باشد را نیز اجتماع تعیین می‌کرد و این خود یک نحوه اعتبار است گرچه ماهیتش عین فیزیکی بود. در نظام کنونی پول قانون علاوه بر نوع پول، جنس پول را هم خودش خلق و اعتبار کرده و امر کرده با همین ریال‌های مکتوب که عین غیر فیزیکی اند معامله کنند. (تفصیل مطلب در بحث تحلیل نگارنده از ماهیت پول خواهد آمد).

اموال دیگر برایش حاصل می‌شود. تورّم یا کاهش ارزش پول ریشه در هر دو ارزش بیان شده دارد. در این نظام هر گاه متناسب با رشد تولید مّلی حقیقی، دولت پول اضافی منتشر کند ارزش پول تغییری نمی‌کند. اما در صورتی که بدون افزایشی در تولید مّلی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار گرداند، مفهومش این است که برابری واحد پول را از بین برده و اصل پایبندی را زیر پا گذاشته است. پس اگر دو برابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند، معنایش این است که واحد پول را در برابر نصف آن مقدار تعریف شده در قانون قرار داده است. چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد، ماهیت عمل عین کاهش عیار در مسکوکات فلزی است، بدون فرق. این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است. اما اگر تورّم یا کاهش ارزش پول به عواملی مثل جنگ، زلزله، سیاست‌های مالی دولت برگردد، تنها نقصان در مالیت است، و بر اساس قواعد و اصول فقهی برای دولت حکمی و تعهدی در پی ندارد. اما آن بخش از کاهش ارزش که وابسته به عملکرد دولت و اعتبار او است. در ارزش اولیه پول تأثیر گذاشته برابری واحد پول را نسبت به ملاک آن از بین می‌برد. در این صورت واحدهای پولی جدید هم عرض و همزمان، مثل و همسان هم بوده ولی هرگز همسان واحدهای قبلی پول نیستند و تنها اشتراکشان لفظی و اسمی است. کاهش ارزش پول در صورتی که از عملکرد سیاست پولی انبساطی دولت ناشی شود، این کاهش به نقص در مال یعنی تغییر در برابری واحد پول برمی‌گردد. هر مالی نقصان مقتضی خودش را دارد، مثلاً شیر هر گاه با آب مخلوط شود مالیتش کاهش می‌یابد و این عمل که منجر به کاهش ارزش شده نقص در مال است. لذا، پول که مال اعتباری است و از اجزای مثلی اعتباری برخوردار است، نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتبار کننده به وسیله سیاست‌های انبساطی پولی بی‌رویه با بر هم خوردن اعتبار تثبیت شده در قانون حاصل می‌شود. لذا دولت مسئول این بخش از کاهش ارزش است.

اما نظریه ارزش اسمی از آنجا که از حیث بیان مسّمای ریال و دلار و پوند ساکت است، نتوانست ضامن بودن دولت را به طور مبنایی و حکم اولی اثبات کند لذا به حکم ثانوی مبنی بر عدم سازگاری با مصالح نظام حق انتشار پول را مقیّد و مشروط دانست.

### ثالثاً، ماهیت مال در نظریه ارزش اسمی مبهم است

همان گونه که در حقایق عرفی و شرعی فصل گذشته بیان شده است، عرف در پول کنونی مال و مالیت را یکی نمی‌انگارد و این دو را از هم تفکیک می‌کند. و برای پول کنونی ذاتی قائل است که دارای وصف مالیت است، گر چه نمی‌تواند بگوید آن ذات چیست. زیرا، از توان اش خارج است. پس متخصصان مربوطه باید به این پرسش پاسخ بدهند و بگویند آن ذات چیست و از چه ماهیتی برخوردار است. آیا عین خارجی است؟ یا کّلی در ذمه، یا حق، یا منفعت؟ یا یکی از اینها

است نه به صورت حقیقی بلکه به صورت اعتباری. نظریه ارزش اسمی باید برای پول ذاتی قائل باشد آن گونه که عرف می بیند، زیرا ارزش اسمی تنها عدد است و عدد غرض است و غرض نیاز به جوهر و ذات دارد. اما این نظریه توانائی تبیین آن ذات را ندارد. هیچ چیز در باره این که آن ذات عین است یا دین یا حق یا منفعت نمی گوید. حتی از بیان این که ممکن است عین اعتباری یا حق اعتباری یا دین اعتباری یا منفعت اعتباری باشد ناتوان است.<sup>۴۷</sup> لذا تبیین چگونگی مثلثیت پول بر اساس این نظریه ممکن نیست. زیرا، ذاتی را که این نظریه به آن قائل است ذات مبهمی است.

### ۳-۲-۳. بررسی و نقد دو دیدگاه دیگر (شهید بهشتی و شهید مطهری)

یک: دیدگاه شهید آیت الله سیّد محمد حسین حسینی بهشتی (ره) با عنوان «سند کار انباشته»

شهید بهشتی در کتاب «ربا در اسلام» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۹، ۸۹ و ۹۰) درباره پول می گوید: «پول چیزی جز سند کار انباشته نیست». وی در ادامه می گوید: «پول عبارت است از سند یا حواله انبار». و در پاورقی آورده است که بهترین تعبیر برای پول در این سطح عمومی بحث «حواله انبار» است که در هر انباری آن را می پذیرند و برایش مقداری کار انباشته یا کار زنده تحویل می دهند. نقش پانصد ریال یا یک لیره طلا یا دو سکه نقره، این است که به هر جا ببرند یا پنج متر پارچه که مقداری کار مجسم و متبلور است تحویل می دهند یا یک جفت کفش، چون کار انباشته و متبلور است. یا اگر بخواهید می توانید کارگری را بگیرید تا دو روز در خانه شما کار کند، کار زنده، کار در جریان.

به نظر وی، (حسینی بهشتی، ۱۳۶۹، ۹۶ و ۹۷) پول عامل قدرت خرید است، نه کالا. پول کالا نیست چون خودش کار انباشته نیست. بنابراین، هرگز حق ندارد جای خودش را در اقتصاد تعویض نماید و کالا بشود و هر جا این عمل صورت گیرد، نخستین خشت کج اقتصادی کار گذاشته شده و دیوار تا ثریا هم کج خواهد رفت. وی درباره پشتوانه پول پس از بررسی تحول پول می گوید: «پس پشتوانه اسکناس قدرت اقتصادی آن کشور است، اسکناس به معیار توان اقتصادی و میزان تولید بستگی دارد. یعنی مجدداً اسکناس ارتباط مستقیم با کار انباشته پیدا می کند».

### خلاصه نظریه شهید بهشتی (ره)

الف - پول کالا و کار انباشته نیست، بلکه عامل قدرت خرید است.

۴۷. به عنوان مثال، در مورد تمبر می توان گفت، قانون منفعتی را برای آن اعتبار کرده است. به این صورت که، اگر روی محموله پستی باشد، آن محموله به مقصد حمل می شود. لذا از این حیث مالیت پیدا کرده است.

ب - پول سند کار انباشته و مثل حواله انبار است.

ج - پشتوانه اسکناس قدرت اقتصادی آن کشور است.

#### بررسی و توضیح برخی نکات اساسی نظریه

نکته اول در این نظریه مبنای ایشان در تعریف کالا است. به نظر می‌رسد ایشان معتقد به نظریه ارزش - کار ریکاردو باشد. زیرا، به نظر ریکاردو (ریکاردو، بی تا، ۱ / ۶۶)، ارزش هر کالا بسته به مقدار کار نسبی است که برای تولید کالای مورد نظر لازم است. از این رو، به نظر شهید بهشتی اسکناس که کار چندانی روی آن انجام نشده و ارزش جنس آن در برابر ارزش پولی اش آن قدر ناچیز است که اصلاً قابل ذکر نیست، پس کالا نیست.

نکته دوم، این که چرا به نظرایشان پول تنها سند کار انباشته است می‌توان گفت، از آنجا که اسکناس در جریان مبادله نقش واسطه‌گری را به این صورت بازی می‌کند که شخص در ازای کاری که انجام داده اسکناس دریافت می‌کند سپس برای اختیار گرفتن کالایی که دیگران روی آن کار کرده‌اند این اسکناس را که سند آن کار انباشته پیشین است در اختیار آنها قرار می‌دهد. در حقیقت آنچه که مبادله می‌شود کار انباشته در برابر کار انباشته است. پس در اینجا اسکناس چیزی جز سند کار انباشته نیست.

نکته سوم در این است که پول با توجه به اینکه تنها سند کار انباشته است پس ارزش و مالیت حقیقی و ذاتی ندارد.

نکته چهارم در کلام ایشان مربوط به کیفیت پشتوانه بودن قدرت اقتصادی برای اسکناس است، بر اساس نظرایشان می‌توان گفت، از آنجا که اسکناس در سطح کلان سند کار انباشته کل کشور است، پس ارزش و اعتبار سندی آن متکی به قدرت اقتصادی یا کار انباشته کشور است.

#### نقد نظریه

اساسی‌ترین فرض نظریه ایشان بر نظریه ارزش - کار بنا شده است. اما در تکامل دانش اقتصاد و نظریات اقتصادی، دیگر نظریه ارزش - کار جز ارزش تاریخی جایگاهی ندارد. در این نظریه کمیابی و رغبت اجتماعی که دخالت تام در مالیت اشیا و کالاشدن آنها دارند، اصلاً دیده نشده، اما در نظریه تلفیقی «ارزش - هزینه و ارزش - مطلوبیت» تمام این خصوصیات دیده شده است. پژوهشگر گرامی احمد علی یوسفی (۱۳۷۷، ۷۳ - ۸۳) با پژوهش نسبتاً مفصّلی که در این مورد انجام داده است به این نتیجه رسیده است، نظریه تلفیق با نظر بسیاری از فقها سازگاری دارد. وی می‌گوید، بر اساس این نظریه می‌توان می‌گفت: «مال هر آن شیئی است که افزون بر دارا بودن فایده و مطلوبیت برای عرف و عقلا دارای صفات کمیابی نسبی نیز باشد». شهید سید محمد باقر صدر (ره) در کتاب «اقتصادنا» (۱۳۵۷، ۱۹۷) بین ارزش مبادله‌ای کالا و رغبت اجتماعی ارتباط

مستقیم می‌بیند. وی داشتن فایده استعمالی را در میزان رغبت و در نتیجه در ارزش و قیمت کالا کاملاً موثر می‌داند. به نظر وی اگر شیئی هیچ نوع فایده‌ای نداشته باشد، به طور مطلق عاری از ارزش مبادله‌ای است، اگر چه کار فراوانی در تولید آن صرف شده باشد.

شهید بهشتی (ره) بر اساس این نظر که کالا را کار انباشته می‌دیدند، پول را کالا ندانستند. و چون کالا نیست می‌شود معتقد شد مال هم نیست، زیرا بین این دو رابطه تساوی می‌دیدند. حال آن که بر اساس حقایق عرفی و شرعی پیش گفته، عرف و عقلا پول را مال می‌دانند. ایشان در بیان ماهیت پول آن را سندی مانند حواله انبار دانستند، لازمه سخن ایشان این است که پول مال مستقل نباشد. حال آن که عرف، پس از آن که دولت‌ها با صدور قانونی خود را از پرداخت پشتوانه اسکناس معاف کردند، با پول به عنوان مال مستقل برخورد کردند، به گونه‌ای که تمام تعاریف فقهی و حقوقی مال مستقل بر آن بار می‌شود.

افزون بر این که با توجه به نظریه تلفیق، پول می‌تواند کالا هم باشد، زیرا دارای فایده است. البته فایده مصرفی ندارد و نیاز مصرفی را برآورده نمی‌کند، اما این فایده را دارد که نیاز مبادله‌ای را برطرف کند. شرط دوم کالا بودن یعنی کمیابی را هم دارد. اگر ویژگی مبادله شدن در بازار را هم به آن اضافه کنیم، می‌بینیم این شرط را هم دارد. برخی بالاتر رفته حتی آن را کالای خصوصی دانستند، زیرا به نظر ایشان اصل تفکیک پذیری و رقابت پذیری که لازم کالا شدن یک شیء جهت عرضه از طریق بازار است را دارد (پژویان، ۱۳۶۹، ۱۲۴ و پور مقیمی، ۱۳۶۹، ۴۴). فریدمن (برانسون، ۱۳۷۶، ۲ / ۴۳۴) در نظریات پولی خودش، پول را نیز مانند دیگر کالاها فرض کرده است. وی تقاضای پول را در زمینه نظریه‌های سنتی اقتصاد خرد درباره مصرف کننده و تقاضای تولید کننده برای داده‌های تولید بررسی کرده و می‌گوید، «پول هم مثل کالا به اعتبار مطلوبیتی که می‌دهد، مورد تقاضا واقع می‌شود». از این رو، در بازار پول به آن بهره می‌پردازند و به صورت قرض و عاریه هم مبادله می‌شود. اما شرع مقدس اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی به خاطر مفسده عظیمی که اخذ بهره در اقتصاد به جای می‌گذارد، آن را تحریم کردند. اسلام دستور داده برای انجام این امورات و استفاده از پول، آن را به صورت قرض الحسنه که خداوند چندین برابر آن را برای بنده اش پاداش مقرر می‌کند<sup>۴۸</sup>، در اختیار دیگران قرار دهند و یا اگر انتظار سودی دارند آن را طی قراردادهای مورد تأیید اسلام مانند مضاربه، مشارکت و غیره به کار بیندازند.

## دو: دیدگاه شهید آیت الله مرتضی مطهری (ره)

شهید مطهری (ره) در کتاب «نظری به نظام اقتصادی اسلام» (مطهری، ۱۳۶۸، ۸۹ و ۹۰) می‌

<sup>۴۸</sup> من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له (بقره ۲۴۵).

نویسد، معمولاً فقهای معاصر معتقدند که اسکناس خودش ارزش دارد. این نظر مبتنی بر این فرض علمی است که با اعتبار و قرارداد می‌توان به چیزی اعطای ارزش کرد. راه بیان آن این است که از طرفی جامعه احتیاج دارد به یک مقیاس ارزش و واسطه جریان بعد خودش یک شیء قابل کنترلی را مثل اسکناس، اعتبار می‌دهد و از این حاجت استفاده می‌کند و مادامی که این اعتبار هست، این حاجت هم رفع شدنی است و مادامی که حاجت هست، از این اعتبار گریزی نیست، منتها این پرسش پیش می‌آید که مقیاس اولی برای تعیین ارزش چیست؟ اگر اسکناس را به ازای پول طلا قرار بدهیم، معیار اولی جنسیت یا کار به قول سوسیالیست‌ها خواهد بود، ولی اگر پای طلا به میان نیاید فرضیه مشکل است. وی در کتاب «ربا، بانک، بیمه» (مطهری ۱۳۶۴)، ۱۷۲ و ۱۷۵ (۱۷۶) می‌گوید، پول سه خاصیت بیشتر ندارد، مقیاس ارزش، واسطه مبادلات، ذخیره ارزش. پول به هیچ وجه مؤلّد نیست. پول از آن جهت که پول است فقط قابلیت دارد که تبدیل شود به متاع دیگر. و همین جهت ملاک ارزش پول است. و به اصطلاح ارزش پول در سلسله علل مبادلات است. یعنی ارزش ماقبل المبادله است و خود مبادله چه در پول و چه در غیر پول از نوع منافع و آثار تولیدی نیست که شیئی را بتواند به شکل سرمایه در آورد. پس سخن ارسطو که می‌گوید پول عقیم است سخن محکمی است. وی (مطهری، ۱۳۶۴، ۱۷۷) در پاورقی تأکید می‌کند که عقیم بسیار درست است، زیرا مقصود عدم تولید است و عدم تولید اعم است از عدم نفع، یعنی پول نمی‌تواند ارزش ایجاد کند مگر بالقوه یعنی به این‌که تبدیل شود به کالای مؤلّد. وی درباره ذخیره ارزش بودن پول معتقد است که قابلیت پول برای این‌که به وسیله آن اموال دیگر کسب می‌شود، صفتی است که موجب ارزش پول شده است، یعنی صاحب پول از همین خاصیت پول بهره‌مند می‌شود، همان گونه که صاحب بذر از استعداد بذر بهره‌مند می‌شود و همین استعداد و ارزش آن ملاک مالیت پول و بذر است.

### خلاصه دیدگاه شهید مطهری

- الف: با اعتبار و قرارداد می‌توان به اسکناس ارزش داد.
- ب - ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است بر خلاف کالاها که ارزش ماقبل المبادله است.
- ج - اگر اسکناس را به ازای پول طلا قرار بدهیم مقیاس اولی ارزش جنسیت و کار است ولی اگر پای طلا به میان نیاید فرضیه مشکل است.
- د - پول سه خاصیت بیشتر ندارد، مقیاس ارزش، واسطه مبادلات، ذخیره ارزش.
- ه - پول به هیچ وجه مؤلّد نیست مگر بالقوه، یعنی این‌که تبدیل شود به کالای مولد.
- و - قابلیت و استعداد پول برای این‌که به وسیله آن اموال دیگر کسب شود، ملاک ذخیره ارزش

بودن پول است.

## بررسی و نقد این دیدگاه

شهید مطهری(ره) با تبیین برخی واقعیت‌ها و خواص و ویژگی‌های پول یا به تعبیری با فراهم‌آوری مفروضات درصد ارائه دیدگاه برآمدند. اما با توجه به این که فروض تخصصی پولی را فراهم نکرده بودند دیدگاه قابل استنادی ارائه ندادند. افزون بر این که فروض مطرح شده نیز دچار مشکلات اساسی است. ایشان ارتباطی بین ارزش اسکناس و اعتبار و قرارداد می‌دیدند، اما سازوکار این که چگونه جامعه می‌تواند برای رفع نیازمبادله‌ای خودش یک چیزی به مانند اسکناس را ارزشمند کند، بیان نکردند. سپس گفتند ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است، ارزش پول ما بعد المبادله است به خلاف کالاها که ارزش ما قبل المبادله است. یعنی این مبادله یا قابلیت این که تبدیل به متاع دیگر شود به پول ارزش داده است. می‌گوییم، اگر مبادله یا قابلیت تبدیل به کالای دیگر به پول ارزش می‌دهد، پس ارزش اعتباری معنا ندارد. زیرا یا اعتبار به پول ارزش می‌دهد یا مبادله. پس اگر اعتبار به پول ارزش می‌دهد که حق هم چنین است، این ارزش در سلسله علل خواهد بود یعنی پیش از انجام مبادله، به پول ارزش اعتباری دادند، سپس وارد مبادله‌اش کردند. مورد نقض دیگر این دیدگاه انجام معامله و مبادله با سگه‌های طلا و نقره تمام عیار است. این سگه‌ها به یقین پیش از مبادله ارزشمند هستند. اگر گفته شود منظور استاد شهید این است که نیاز به واسطه عام در مبادله علّت شده که عقلا چیزی را ارزش اعتباری داده و آن را واسطه قرار دهند، خواهیم گفت این نیاز به واسطه عام در مبادله که باعث شده عقلا با اعتبار به چیزی ارزش دادند، پیش از مبادله است یا پس از مبادله. افزون بر این که در اینجا نیز اعتبار عقلا شیء را ارزشمند کرد، نه قابلیت تبدیل. بله! قابلیت تبدیل پس از آن به دست آمد که آن شیء به وسیله عقلا با ارزش شد. با این بیان فرض آخری که ملاک ذخیره ارزش بودن پول را قابلیت و استعداد تبدیل می‌داند نیز قابل قبول نخواهد بود. در مورد فرض - ج - ایشان به جمع بندی خاصی نرسیدند. و اما بندهای - د - و - ه - اشاره به واقعیت‌های آشکاری است که کمکی به ارائه دیدگاه درباره ماهیت چیزی که هم اکنون نقش پول را ایفاء می‌کند، نمی‌کند. زیرا مسلم است که عرف و عقلا از چیزی که نقش پول را بر عهده می‌گیرد، سه خاصیت بیشتر انتظار ندارند. پول را برای این سه خاصیت می‌خواهند، کاری به مولّد بودن یا مولّد نبودن پول ندارند. از این رو می‌بینیم در زمان ها و مکان‌های خاصی که برخی اشیای مصرفی به جای پول می‌نشستند، مردم دیگر آنها را مصرف نمی‌کردند.

### ۳-۲-۴. بررسی و نقد اهم دیدگاه های اندیشمندان اهل سنت درباره پول

نگارنده در مجموعه متون منبعی که از اینها از نظر گذارنده دیدگاه قابل استنادی در ماهیت پول نیافته است. تعاریف موجود از پول در حد تعریف به وظیفه است. به عنوان نمونه، محمد عمر چپرا (چپرا، ۱۹۹۰، ۵۱) تنها به وظایف پولی از قبیل واحد محاسبه، وسیله مبادله و حفظ ذخیره ارزش در کتاب «نحو نظام نقدی عادل» اشاره کرده است. حداکثر آن را سند دین دانستند و برخی آن را موضوع مستحدثه شمرده و لکن در نهایت با قیاس آن بر «فلوس رایج» و یا دراهم مغشوشه، تمام احکام آن پولها از قبیل ربا، زکات و غیره را بر پولهای کنونی هم جاری و ساری دانستند. در فقه اهل سنت شاید به خاطر جواز قیاس نیازی به شناخت عمیق تر ماهیت پول و نظریه پردازی در باره آن ندیدند. در این پژوهش ابتدا نظر کلی و مشترک مذاهب چهارگانه اهل سنت را می آوریم سپس به تحلیل و بررسی نظرات ویژه برخی از اندیشمندان اهل سنت به ترتیب تاریخ و اهمیت آنها می پردازیم و با ابن خلدون که سرآمد نظریه پردازی در بسیاری از زمینه هاست آغاز می کنیم.

### ۳-۲-۴- یک. مذاهب چهارگانه اهل سنت

قرضاوی (۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۲۷۲) در بررسی نظرات آنها می گوید، آنها پول های کاغذی را سند دین بر علیه بانک صادر کننده می دانند به طوری که می توانند به اندازه ارزش آنها به فوریت نقره یا طلا دریافت کنند. وی در نقد این قول می گوید، همان طور که می دانیم قانون، التزام بانک به پرداخت طلا و نقره در برابر ارائه آن اسناد را لغو کرده است. بنابراین، اساس و پایه ای که وجوب زکات را بر آن بنا کردند فرو می ریزد.

### ۳-۲-۴- دو. ابن خلدون

وی (ابن خلدون، د.ت، ۸۰۹/۲) در تعریف پول آورده است که خداوند معدن طلا و نقره را معیار سنجش ارزش ها، ابزار ذخیره ارزش و وسیله مبادله قرار داده است. وی ضرب سکه را وظیفه ضروری سلطان می دانست تا سکه های خالص از سکه های ناخالص در بین مردم مشخص شود و از تقلب و غش مصون بماند. این همان تعریفی است که اقتصاددانان معاصر از پول ارائه می کنند.

### ۳-۲-۴- سه. ابو حامد غزالی

وی (غزالی، ۱۹۹۳م، ۸۹/۴ و ۸۸) دو فایده برای پول شمرده است. اول آنکه وسیله سنجش ارزش دیگر کالاها است. دوم آنکه تنها به دست آوردن دیگر کالاها به وسیله آن است. بنابراین، همچنان



که آینه بی‌رنگ است و هر رنگی را نشان می‌دهد، پول هم در ذات خود هیچ‌گونه فایده‌ای ندارد، بلکه فایده‌اش این است که وسیله به دست آوردن کالاهای دیگر است. علامه طباطبائی (بی‌تا، مقدمه المیزان) صاحب تفسیر گرانقدر المیزان در نقد این نظریه می‌فرماید، اگر پول برای انسان ارزش نداشته باشد، امکان ندارد بتواند ارزش دیگر کالاها را بیان کند. همچنان که اگر ابزار اندازه‌گیری طول، طول مشخصی نداشته باشد. نمی‌تواند طول دیگر اشیاء را ارزیابی کند.

### ۳-۲-۴- چهار. القرضای

وی (القرضای، همان، ۲۷۶) خود در باره پول کاغذی می‌گوید، حق این است که پول کنونی موضوع مستحدثه است و مانندی در دوران امامان چهارگانه (اهل سنت) نداشته است تا به آن ملحق شود. از این رو، واجب است نظر مستقلاً به آن داشته باشیم. وی در باره تعلق زکات از میان چهار اعتباری که شمرده است، اعتبار چهارم را برگزیده است که در آن پول کنونی به اعتبار ارزش وضعی‌اش در معاملات روزمره، و پذیرش آن به عنوان ثمن در برابر اشیای قیمی از طرف مردم، رایج و متداول گردیده است. این رواج و تداول آن را در حکم پول کاغذی الزامی که عمده مبادلات و معاملات به وسیله آن انجام می‌شود، قرار داده است. این پول‌های کاغذی همان کاری را انجام می‌دهند که پول‌های معدنی انجام می‌دادند و نگاه اجتماع به آن همانند نگاه آنها به پول‌های طلا و نقره است. این پول‌ها به عنوان مهر قرار می‌گیرند و بدین وسیله استمتاع زن و مرد از همدیگر، از نظر شرعی، بدون هیچ اعتراضی، مباح می‌شود. به عنوان ثمن پرداخت می‌شود و مالکیت کالا به پرداخت کننده آن بدون نزاع منتقل می‌شود. به عنوان دستمزد به کارگر پرداخت می‌شود و هیچ کارگر و کارمندی از گرفتن آن امتناع نمی‌کند. به عنوان دیه در قتل خطائی و شبه عمد پرداخت می‌شود و اولیای دم رضایت می‌دهند. در هنگام دزدیده شدن، سارق آن بدون هیچ شکمی مستحق حد شرعی سرق می‌گردد. پس انداز می‌شود. به تملک در می‌آید و مالک آن غنی به شمار می‌آید وی در ادامه می‌گوید معنای همه اینها این است که این پول‌های کاغذی همه وظایف پول شرعی یعنی نقدین طلا و نقره و اهمیت آنها در نگاه اجتماع را بر عهده گرفته‌اند، پس چگونه بر خود جایز می‌شمریم که فقراء و مساکین و سائر مستحقین را از بهره بردن این پول‌ها محروم سازیم.

### ۳-۲-۴- پنج. محمد عارف الجویجاتی

به نظر وی (الجویجاتی، د.ت، ۸۲) آنچه که در عصر کنونی به عنوان پول کاغذی در معاملات کاربرد پیدا کرده است. جزو امورات مشکله شده و به اختلاف بزرگی انجامیده است و اگر این کاغذ را

حواله ای بر علیه صادر کننده آن بدانیم صحیح نیست، زیرا صادر کننده حاضر نیست مانند سایر حوالات قیمت آن را بپردازد. به نظر الجویجاتی پول های کاغذی شباهت بسیاری به فلوس رایج دارد. از این رو، احکام همان پول را از نظر خرید و فروش و قرض خواهد داشت، پس هنگامی که قرض داده شود یا با آن خرید شود و به موقع پرداخت نگردد تا اینکه گران شود یا ارزان شود یا جنس آن در بازار کم شود و یا اصلاً از گردونه خارج شود. در این حالت لازم است با قیاس بر فلوس رایج قیمت روز قرض یا روز خرید و فروش پرداخت شود.

### ۳-۲-۴-شش. رفیق یونس المصری

وی (المصری، ۲۰۰۱، ۱۶۶-۱۶۴) همچون الجویجاتی پول های کاغذی را بر فلوس رایج و دراهم مغشوشه قیاس کرد. وی در باره پول های کاغذی و پول های تحریری می گوید همه آنها پول های مغشوشه هستند به این معنا که ارزش قانونی (اسمی) آنها بیشتر از ارزش کالایی آنها است، پشتوانه آن نه کامل است و نه در نزد مردم معلوم، یعنی عیارش شناخته شده نیست، بلکه رازی است که تنها دولت بر آن آگاه است و به حکم حکومتی و با استفاده از حق نشری که دارد آن را به جریان می اندازد و مردم هم باید آن را بپذیرند. از این رو، اینها به اصطلاح پول هستند نه در حقیقت. پول در معامله هستند نه در خلقت. بنابراین به فلوس رایج و درهم های مغشوشه بسیار شبیه است. به نظر وی در قرض و معامله قیمتش باز پرداخت می شود نه مثل آن و چه بسا بشود در هنگام عقد شرط قیمت کرد. به نظر می رسد وی (المصری، همان، ۱۷۷ و ۱۷۶) پول را محض در همان قیمت و ارزش می بیند لذا برای آن مثلث قائل نشد و با این که اساس معدود بودن سکه های طلا و نقره را وزن می داند. پول های کنونی را جزو معدودات محض می شمارد.

### ۳-۲-۴-هفت. احمد حسن

وی (حسن، ۱۹۹۹، ۹۶-۹۸) کتابی نگاشته است با عنوان «الاوراق النقدیه فی الاقتصاد اسلامی قیمتها و احکامها» با اشراف دکتر وهبه الزحیلی و دکتر علی کنعان، تاریخ نگارش آن ۱۹۹۹ میلادی است و آخرین متنی است که از اهل سنت در این پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم. وی در توضیح نظام انتشار آزاد (یا بی پشتوانه) پول می گوید، در این نظام حکومت تعهدی در انتشار پول بر اساس طلای موجود ندارد. بلکه پشتوانه های پول متعدد و متنوع بوده و به شرح ذیل است: ۱- طلا ۲- ارزهای خارجی ۳- حق برداشت ویژه (SDRS) ۴- اوراق بهادار دولتی ۵- قدرت اقتصادی ۶- قدرت قانون.

وی در توضیح قدرت اقتصادی به عنوان پشتوانه حفظ ارزش پول می گوید این پشتوانه فی حد ذاته حافظ ارزش پول نیست، بلکه تنها به دو شکل به حفظ ارزش و قدرت خرید پول کمک می

کند. یکی به ذخایر دولتی می انجامد و آن در صورتی است که واردات کمتر از صادرات باشد و دیگری به افزایش ذخایر پول کمک می کند، در هر دو صورت قدرت خرید پول حفظ می شود. وی قدرت قانون را تنها منحصر در نقش آن به الزام مردم در قبول پول های کاغذی و یافتن صفت قانونی در ابرای ذمه می داند و قدرت خرید پول کاغذی را ناشی از عناصر پشتوانه ذکر شده می داند. به نظر وی امکان ندارد قانون هیچ ارزش حقیقی به پول بدهد و الا تورم پولی به وجود نمی آمد.

وی در این نظریه برای قدرت اقتصادی و قدرت قانون که منشاء ارزشمندی پول هستند، اصلاتی قائل نشده است. حال آن که اگر تنها شاخصی که تغییرات ارزش پول و قدرت خرید آن را نشان می دهد افزایش سطح عمومی قیمت ها یا تورم بدانیم، با فرض ثبات حجم پول در گردش و ثبات سرعت گردش، تنها عاملی که بر ارزش پول تأثیر می گذارد، بر اساس نظریه مقداری فرید من (تفضلی، ۱۳۷۲ ش، ۴۷۸) تولید ملی حقیقی است. این نظریه نشان می دهد با افزایش و کاهش تولید ملی واقعی، قدرت خرید پول که عکس سطح عمومی قیمت ها است، افزایش یا کاهش می یابد.

در باره قدرت قانون که وی آن را تنها در الزام مردم به پذیرفتن پول مؤثر دانسته است و نه بیشتر، می گوئیم پول دارای دو ارزش است، یک ارزش اولیه که به وسیله قانون با تعیین عیار پولی برای آن حاصل می شود و یک ارزش ثانویه که در اثر کمیابی نسبی در برابر تولید ملی واقعی برایش وجود دارد. قانون ماهیت «مال» بودن را با اعطای ارزش اولیه به پول می دهد و کمیابی در برابر تولید ملی مالیت یا قدرت خرید نسبی را به او می بخشد.

### خلاصه و نتیجه فصل سوّم:

هنگامی که از چیستی پول سؤال می کنیم مقصود ما چیستی و ماهیت چیزی است که الان دارد وظایف پول را انجام می دهد و از آنجا که تصوّر کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی که هم اکنون پول است نداریم، ضرورت تحلیل ماهیت آن آشکار می شود. پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است بلکه برای اقتصاد غرب هم مهم و اساسی است. در بین اندیشه وران اقتصادی غرب دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول قابل شناسایی است. نظریه متالیزم و نظریه چارتالیزم، هدف این دو مکتب توضیح ریشه ها، ماهیت و ارزش پول در چهارچوب منطقی و تاریخی است. روبرو شدن مکتب متالیزم با چالش های اساسی و عدم پاسخگویی نئوکلاسیک ها به آنها باعث شده تا دیدگاه چارتالیست ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. این دیدگاه می گوید ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده ای که از آن ساخته می شود. در این دیدگاه این مالیات ها هستند که به

پول ارزش می‌دهند. ماسگریو و دیگران نقدها و اشکالات اساسی و مهمی بر این دیدگاه وارد کردند، در نتیجه این دیدگاه هم قابل استناد نیست. اساسی‌ترین مشکل دیدگاه چارتالیست این است که جواب اثباتی و حلی به سوال درباره این که پول چیست نداده است. شناخت ماهیت پول کنونی برای اقتصاد اسلامی نیز اهمیت ویژه ای دارد. زیرا، پول موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی است. در این راستا نظریات اندیشه وران شیعی و اهل سنت به تفکیک به بحث گذاشته شد. مجموعه دیدگاه‌هایی که در قسمت اندیشه وران شیعی بررسی و نقد شد، مهم‌ترین دیدگاه‌هایی است که تاکنون در باره ماهیت پول طرح شده است. بیشتر این دیدگاه‌ها به جز نظریه ارزش اسمی و نظریه حواله انبار به گونه‌ای به نظریه شهید آیت الله صدر(ره) با عنوان «نظریه قدرت خرید» برمی‌گردند. زیرا، شهید صدر(ره) مثل پول را هر آن چیزی می‌داند که قیمت واقعی آن را مجسم می‌کند، به عبارت دیگر، تمام ارزش و حقیقت پول «قدرت خرید» آن است و قدرت خرید چیزی نیست جز ارزش مبادله‌ای و مالیت. از این رو، به این نتیجه رسیده است که اگر بانک هنگام باز پرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران به مقدار واقعی آنچه که دریافت کرده است، پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است. آیت ... بجنوردی تمام حقیقت و هویت اسکناس را «قدرت بر خرید» می‌داند که توسط مرجعی معتبر به آن داده شده است. آیت ... شاهرودی نیز همه هستی و اساس پول را «ارزش و توان خرید» می‌داند. حجت الاسلام یوسفی با طرح «نظریه مالیت اعتباری» و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام است و پول تحریری شیئی غیر فیزیکی است که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است. اما شهید آیت الله بهشتی (ره) آن را سند کار انباشته دانستند و مؤلفان کتاب «پول در اقتصاد اسلامی» مقوم مثلیت پول کنونی را در ارزش اسمی آن دیدند. مذاهب چهارگانه اهل سنت آن را سند دین بر علیه صادر کننده دانستند. قرض‌اوی آن را موضوع مستحدثه، جویجاتی و یونس المصری با قیاس، آن را به مثل فلوس رایج و دراهم مغشوشه قیاس کردند. پژوهش حاضر بر اساس حقایق پولی، بانکی، عرفی و شرعی، با طرح اشکالات مبنایی و بنایی این دیدگاه‌ها، نشان داده است اولاً، مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعدیل است و ثانیاً، این دیدگاه‌ها نه تنها حقایق عرفی و شرعی فقه را تقویت نکردند بلکه می‌توانند ناقص تعدادی از این حقایق باشند. از این رو، هیچیک از این دیدگاه‌ها جامع نبوده و کاملاً رضایت بخش نیستند. در نتیجه لزوم ارایه تحلیلی جدید در باره ماهیت پول در اقتصاد اسلامی امری اجتناب ناپذیر است.

## فصل چهارم :

### ارائه تحلیلی جدید از ماهیت پول با عنوان « مال اعتباری »

#### ماهیت پول در رویکرد مال اعتباری

۱. پول های تمام عیار معدنی طلا و نقره

۲. پول های کاغذی نیابتی

۳. پول های کاغذی با تعهد باز پرداخت

۴. پول های کاغذی معاف از پرداخت

جایگاه اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتالی

منبع ارزش پول های کنونی در تحلیل مال اعتباری

مقوم مثلیت در تحلیل مال اعتباری

وجوه تمایز اصلی این نظریه با نظریات دیگر

بیان و اثبات قدرت توضیح دهندگی این تحلیل

اشاره اجمالی به برخی نتایج مهم این رویکرد

خلاصه و نتیجه فصل چهارم

پیوست فصل ۴: جدول خلاصه تحلیل ها در باره ماهیت پول

## فصل چهارم : ارائه تحلیلی جدید از ماهیت پول با عنوان « مال اعتباری »

### مقدمه:

در تاریخ تحولات و تکاملی پول به مرحله‌ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه که بی ماده فیزیکی است، رسیدیم. لذا این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش و در مرور بر ادبیات موضوع در فصل پیشین چهار نظریه اصلی شناسایی، بررسی و نقد شد؛ نظریه فلزی یا نظریه پول کالایی، نظریه چارتالیزم، نظریه مالیت اعتباری یا نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی. گرچه هر یک از تحلیل‌های ماهیت پول توانستند تعدادی از حقایق موجود در باره پول را توضیح دهند و از این حیث می‌توانند مکمل همدیگر باشند نه رقیب یکدیگر. اما از آنجا که مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعدیل است و به خاطر پنهان ماندن بخش‌هایی از حقایق پولی در تحلیل اینها در نتیجه هیچیک از این دیدگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند رضایت کامل را فراهم آورد. در نتیجه لزوم ارایه تحلیلی جدید و تکاملی در باره ماهیت پول که بتواند توضیح دهندگی کامل‌تری داشته باشد امری اجتناب‌ناپذیر است. فرضیه اساسی رویکرد جدید در باره پول‌های کنونی این است که «پول‌های کنونی همه مراتبش قراردادی است و با جعل و اعتبار پدید آمده است». از این رو عنوان این تحلیل را " مال اعتباری " در نظر گرفتیم. اعتقاد بر این است این رویکرد بهتر از رویکرد‌های گذشته قدرت توضیح دهندگی نسبت به حقایق مذکور داشته و می‌تواند تفسیری منطقی از آنها ارائه کند و پدیده آینده پولی را نیز پیش‌بینی نماید. بسیاری از فروض این تحلیل جدید در لابلای بررسی و نقد تحلیل‌های پیشین ماهیت پول شکل گرفته و در آنجاها وارد شده است. اینک تمام آنها را کنار هم قرار داده و به انضمام فروض دیگر به معرفی همه جوانب تحلیل «مال اعتباری»، قدرت توضیح دهندگی آن و وجوه تمایز آن از دیگر تحلیل‌ها و در نهایت اشاره اجمالی به برخی از آثار و نتایج خواهیم داشت. سپس در فصول آینده به روش اجتهادی و به طور تفصیلی آثار این رویکرد بر منضبط کردن حقوقی سیاست‌های پولی و پولی کردن کسر بودجه بررسی و بیان خواهد شد.

### ۴-۱. ارائه تحلیلی جدید از چیستی پول کنونی

با تحلیل تاریخی پول در می‌یابیم که می‌توان منشأ رویش همه پول‌ها را با یک تحلیل جامع و یکسان توضیح داد. بر اساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله

قرار می‌گیرد، هر یک دارای مراتبی از اعتبار است». تنها باید مفاد اعتبار و قرارداد را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت چگونه و چه مالی را در هر دوره پول اعتبار کرده است. آیا این مال عین خارجی است یا دین است یا منفعت واقعی و یا حق و یا یکی از اینها است به اعتبار یعنی عین اعتباری یا دین اعتباری<sup>۴۹</sup> یا منفعت اعتباری<sup>۵۰</sup> و یا حق اعتباری<sup>۵۱</sup>. اعتباری بودن واحد سنجش ارزش و تعیین مقدار ارزش آن روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می‌گیرد. اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تحلیل و دقت نظر می‌خواهد. در همان نظام پول کالایی هم این که کدام کالا پول باشد را نیز اجتماع و دولت تعیین می‌کرد و این خود یک نحوه اعتبار است. در این نظام پول در مرتبه تعیین نوع کالایی که باید پول شود و در مرتبه تعریف واحد سنجش ارزش اعتباری است و اما در مرتبه آنچه که باید واسطه مبادله باشد ماهیت فیزیکی به صورت سکه مضروب دارد. فرضیه اساسی تحقیق در باره پول های کنونی این است که «پول های کنونی همه مراتبش اعتباری است و با جعل و اعتبار پدید آمده است». با تحلیل پول های کاغذی و قوانین کنونی پول می‌توانیم مشاهده کنیم که در شکل گیری پول های کنونی با سه مرتبه اعتبار و دو مرحله مالیت و ارزش یعنی ارزش اولیه اعتباری معین و ارزش ثانویه نسبی و طبیعی متغیر روبرو هستیم. با این مقدمه به تحلیل ماهیت هر یک از انواع پول ها بر اساس تقسیم بندی شهید صدر (ره)<sup>۵۲</sup> و منشأ ارزش آنها می‌پردازیم.

#### ۴-۱-۱. پول های تمام عیار معدنی طلا و نقره

در این نوع پول، واحد سنجش ارزش (واحد پول) یک مقدار خاص از یک کالای خاص که طلا و نقره باشد و با نام هایی مانند دینار، درهم و پوند اعتبار و قرارداد شده است. درهم و دینار در اینجا عناوین مشیر هستند و اشاره به عیار پول که مقدار معینی از طلا و نقره است، دارند. سپس قانون واسطه مبادله یا پول در گردش را همان طلا و نقره در ابعاد و اندازه های مختلف قرارداد و اعتبار کرده است. ماهیت پول در گردش در این دوره عین خارجی است از جنس طلا و نقره به صورت مسکوک فلزی. مالی است از نوع عین حقیقی.

زمانی که پول به شکل سکه‌های ضرب شده طلا و نقره در گردش بود، ماهیت فلزی آن را همگان تشخیص می‌دادند. تعیین میزان عیار و خالصی طلا و نقره آن هم بر عهده خبرگان طلاشناس بود. در این نظام که آن را با نام نظام پول فلزی تمام عیار می‌شناسیم، ارزش پولی آن از ارزش

<sup>۴۹</sup> . شاید بتوان پول مخلوق بانک را برای دین اعتباری مثال زد که با استفاده از ذخیره جزیی و اعتبار بانک ایجاد میشود.

<sup>۵۰</sup> . مانند منفعتی که برای ثمر اعتبار میشود .

<sup>۵۱</sup> . مثل حق تألیف.

<sup>۵۲</sup> . شهید صدر (ره) در کتاب «البنك اللاربي في الاسلام» (صدر ۱۹۹۴، ۱۴۶-۱۴۹) به مناسبت باب صرف بالین مقدمه که احکام صرف در فقه اسلامی با دگرگونی پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند، به بررسی چهار نوع پول و احکام صرف در هر مورد می‌پردازد.

جنسی‌اش سرچشمه می‌گرفت. مقدار نسبی ارزش طلا و نقره هم در تجارت تعیین و تثبیت می‌شد. ولی برای آن که به عنوان معیار قیمت‌ها به کار رود، وزن معینی از آن به عنوان واحد اندازه‌گیری تعیین گردید. خالص‌ترین شکل آن، نظامی است که یک کشور واحد پولی‌اش را برحسب طلا معین می‌کند. معنایش این است که هر سکه طلا آن مقدار طلا دارد. چنین سکه‌هایی می‌تواند به شمش طلا تبدیل شود و برعکس. بزرگ‌ترین منفعت سیستم پایه طلا ثبات و اطمینانی است که در فعالان اقتصادی و اعتبار دهندگان به وجود می‌آورد.

در این نظام، پول در گردش عبارت است از سکه مضروب تمام عیار که به آن پول تمام عیار نقد هم گفته می‌شود. یک سکه مضروب در این نظام تمام وظایف پولی را که عبارت باشد از: واحد سنجش ارزش، وسیله مبادله و وسیله ذخیره ارزش به انجام می‌رساند. تعیین مقدار عیار واحد پول در این نظام به وسیله قانون صورت می‌گیرد. در این نظام واحد سنجش ارزش و وسیله مبادله بودن هر دو اعتباری و قراردادی است. زیرا، هر دو را قانون تعریف و معین می‌کند. مقدار ارزش مبادله‌ای یا قدرت خرید این پول به ارزش جنسی یعنی ارزش مبادله‌ای ماده اولیه آن برمی‌گردد که ذاتی و حقیقی است. مثلی بودن و موزون بودن پول در این نظام واضح و روشن است. این پول با این جنس فلزی‌اش موضوع تمام احکام فقهی و حقوقی اسلام است و تمام آیات و روایاتی که در آنها مسأله‌ای از مسائل پولی بیان شده است، در مورد این نوع پول بوده است، زیرا پول رایج در شبه جزیره عربستان و حجاز آن روز دینار طلا و درهم نقره بود.

#### ۴-۱-۲. پول های کاغذی نیابتی

پول های کاغذی نیابتی سند موجودی طلا و نقره واقعی هستند و معامله با این برگه ها معامله با طلا و نقره واقعی است. پس ماهیت و جنس این پول همان طلا و نقره حقیقی هستند و این کاغذ ها هر کدام سند و نماینده بخشی از موجودی طلا هستند.

#### ۴-۱-۳. پول های کاغذی با تعهد باز پرداخت

شهید صدر(ره) (۱۹۹۴، ۱۴۶-۱۴۹) این نوع پول را به دو صورت تصویر می‌کند. صورت اول این است که تعهد منبع صادرکننده این برگه ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، مجرد التزامی است که مستقل از آن منبع بوده و این برگه‌ها به جهت اعتبار آن منبع و وفای به تعهدش، ارزش مالی پیدا می‌کند. صورت دوم این که تعهد منبع صادرکننده این برگه‌ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، معنایش اشتغال ذمه آن منبع به اندازه ارزش طلای این برگه‌ها است. در این صورت این برگه‌ها تنها سند و وثیقه آن بدهی هستند و ارزش اصلتی ندارند. ایشان در ادامه می‌گوید، فرق



بین این دو صورت زیاد است، زیرا بر اساس صورت دوم هرگاه خریدار به وسیله این برگه‌ها کالایی یا خدمتی را بخرد، در حقیقت به وسیله این برگه‌ها نخریده است بلکه به وسیله دینی که در ذمه منبع صادرکننده مالک است خرید را انجام داده است و این برگه‌ها تنها سند آن دین هستند. در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با ارزش طلای این برگه‌ها است. از این رو، در معاملات صرف لازم است بین ثمن و مثن تساوی برقرار باشد. اما در صورت اول، خرید و فروش به وسیله نفس این اوراق انجام می‌شود، نه به وسیله دینی که آن را مالک است. در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با طلا نیست و احکام صرف مانند تساوی ثمن و مثن در اینجا واجب نیست. تحلیل جدید تا اینجا با تحلیل شهید صدر (ره) از ماهیت این نوع پول‌ها موافق و یکسان است. تمایز اساسی این دو تحلیل در نوع چهارم پول ظاهر می‌شود و گسترش می‌یابد.

#### ۴-۱-۴. پول‌های کاغذی معاف از پرداخت ارزش طلای مکتوب بر آنها

پس از رواج طلا و نقره در بین جوامع مختلف، شاهد رواج وسیله دیگری به نام رسید پول تمام عیار و اسکناس‌هایی با صددرصد تعهد بازپرداخت طلا و نقره مکتوب بر روی این رسیدها و اسکناس‌ها بودیم. در این که آن اسکناس‌ها سند محسوب می‌شدند نه خود پول، اختلاف نظری در بین اندیشه‌وران اسلامی نیست (رک: صدر، ۱۹۹۰، ۱۴۹ و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۳۸). با رواج این رسیدها مردم به تدریج به قابلیت تبدیل آن توجه نداشته و به صورت مستقل به عنوان وسیله مبادله به آن نگاه می‌کردند. تحلیل این که مردم چگونه رسید پول تمام عیار را به عنوان پول پذیرفته و کارهای پولی خود را با آن انجام می‌دادند، می‌تواند برای شناخت ماهیت اسکناس و پول الکترونیکی و سکه دیجیتالی<sup>۵۳</sup> (Bitcoin) مهم و مؤثر باشد. یک تحلیل این است که چون غرض مردم از پول خرید لباس، سوار شدن بر اتوبوس و تأمین مخارج عائله است، به این مسأله کاری ندارند که این اسکناس دارای پشتوانه طلا هست یا نه. آنها می‌خواهند با پول نیازمندی‌هایشان را برطرف سازند. به گفته ساموئلسون (۱۹۶۱، ج ۱، ص ۹۰) معنای حقیقی و ذات اصلی پول را پول کاغذی به خوبی نشان می‌دهد به عقیده وی، پول برای این که پول است نه برای این که کالا است مورد تقاضاست، نه به خاطر خودش بلکه به خاطر آنچه می‌تواند بخرد. ما نمی‌خواهیم خود پول را مستقیماً مصرف کنیم. ما آن را مصرف می‌کنیم، به این

<sup>۵۳</sup>. بیت کوین نوعی پول دیجیتال بر پایه شبکه همتا به همتا، امضای دیجیتال و اثبات دانایی صفر است و به کاربران امکان می‌دهد که بدون هیچ واسطه‌ای انتقال پول غیر قابل بازگشت انجام دهند. بیت کوین امکان پرداخت‌های بسیار کم هزینه را فراهم می‌کند. شبکه بیت کوین سیستم کنترل کننده متمرکز ندارد و توسط هیچ ارگان یا نهاد دولتی اداره نمی‌شود. قبل از ابداع بیت کوین، سیستم‌های مالی آنلاین برای امنیت به یک سیستم کنترل کننده مرکزی احتیاج داشتند. بیت کوین نسبتاً پروژه ای جدید و شديداً تحت توسعه است. به همین دلیل توسعه دهندگان آن به کاربران توصیه می‌کنند که به آن به عنوان یک نرم افزار آزمایشی نگاه کنند (رک: روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۴۱۳ به تاریخ ۹۰/۵/۱، صفحه ۲۸).

معنا که خود را از دست آن خلاص می‌کنیم. رمون بار معتقد است، پول در تقسیم‌بندی کالاهای اقتصادی مقام دیگری دارد، پول کالای مبادله است، کالای مصرفی نیست. به نظر وی کالای مصرفی این هدف را دارد که احتیاج را به صورت قطعی برآورده سازد و در نتیجه نابود گردد، برعکس پول به مدت طولانی در جریان مصرف باقی می‌ماند (بار، بی تا، ۳۱۵).

با این تفصیلات، می‌توان گفت غرض عرف از پول برآورده شدن نیازمندی‌های پولی است یعنی، چیزی باشد که بتوان با آن ارزش کلیه کالاها و خدمات را بیان کرد و در ازای کالا و خدمتی که ارائه می‌دهند چیزی دریافت کنند که همگان آن را در ازای کالاها و خدمات مورد نیاز او می‌پذیرند. و نیز بتوانند مدتی آن را نگه دارند تا در آینده به مبادله بپردازند. از این رو، هر چیزی که بتواند به شکل بهتری این وظایف را به انجام رساند، بیشتر مورد اقبال مردم واقع می‌شود. از اینجا بود که مردم وقتی دیدند می‌توانند با رسید پول همان کارهایی را انجام بدهند که با طلا و نقره مسکوک انجام می‌دادند، دیگر کاری به طلا و نقره نداشتند. زیرا، غرضشان از طلا و نقره مسکوک خوردن و مصرف کردن آنها نبود، نیازمندی پولی‌شان با رسید هم انجام می‌شد. بانکداران از همین خاصیت و این که مردم با هم برای تبدیل به بانک مراجعه نمی‌کنند، استفاده کردند و رسیدهایی صادر کردند که بیش‌تر از ذخایر صندوق‌ها بود. زیرا می‌دیدند، مردم به تصور این که این رسیدهها پشتش سگه است همان کاری را انجام می‌دادند که اگر سگه واقعی در دستشان بود. این کار از آنجا ممکن می‌شود که مردم غرضشان از پول خوردن یا آشامیدن یا هرگونه استفاده کالایی نیست. لذا با تصور وجود سگه همان کاری را می‌توان انجام داد که با سگه واقعی انجام می‌شود.

پس از این مرحله به دوره‌ای می‌رسیم که دولت‌ها به خاطر تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند (فریدمن، ۱۳۵۷، ۲۹). آنها به تدریج فهمیدند به خاطر ویژگی خاص پول که در بالا به آن اشاره شد، می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و در نهایت قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. این امر منجر به این شد، اسکناس که تا پیش از این تنها رسید طلا و نقره بود و در حقیقت رسید پول بود خود مستقلاً پول شود و عرف نگرش استقلالی به آن داشته باشد.

در نظام پولی جدید که طلا و نقره‌ای لازم نیست در خزانه باشد، یا اگر هست رابطه اش با اسکناس قطع شده و اسکناس مستقل از طلا و نقره همان کار طلا و نقره مسکوک را انجام می‌دهد. پرسشی که باید پاسخ داده شود این است، آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است؟ یا شقّ دیگری قابل تحلیل است؟

یکی از اشکالات مهم و مبنایی طرفداران نظریه قدرت خرید در پاسخ به پرسش بالا این است که حقیقت پول را در حقیقت اسکناس جستجو می‌کنند. به عقیده اینها اسکناس عبارت است از چیزی که در آن توسط مرجعی معتبر، به نحو قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش شده است و تمام حقیقت و هویت اسکناس، عبارت است از قدرت بر خرید و قدرت و توانایی بر رفع احتیاجات (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۰۸ - ۱۱۰). طرفداران این نظریه با فرض این که اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است به این نتیجه رسیدند، اسکناس که پول است، چیزی جز قدرت خرید نیست. زیرا، جنس آن که کاغذ باشد قیمت و مصرف قابل اعتنایی ندارد و براین اساس به نتایجی رسیدند که برخی از اشکالاتش در بالا طرح شد.

اما اگر به حقایقی مانند قوانین پولی کشورها و دیگر واقعیت‌های پولی، عرفی و شرعی نگاه دقیق تری بیندازیم، می‌بینیم می‌توانیم رویکرد تحلیلی کامل تری از ماهیت پول کنونی داشته باشیم که ضمن این که جامع همه حقایق نظریات پیشین است، اشکالات وارد بر آن نظریات را نداشته، در تبیین حقایق موجود پولی، عرفی و شرعی از قدرت توضیح دهندگی بالاتری برخوردار باشد. این رویکرد تحلیلی می‌گوید، براساس قوانین موجود پولی که پول در آنها تعریف و اعتبار شده می‌توان برای دوره کنونی و دوره آینده ماهیت پول را به شرح ذیل تحلیل کرد.

#### ۴-۱-۴ الف. دوره کنونی (تحلیل ماهیت پول با استناد به قوانین پولی)

با تحلیل قوانین موجود پولی کشورها می‌توان به وضوح مشاهده کرد، ابتدا قانون واحد پول را نامگذاری می‌کند سپس با در نظر داشتن قدرت خرید معینی ارزش آن را براساس ارزش مقدار معینی از مالی دیگر که دارای آن مقدار قدرت خرید بوده و نزد همگان شناخته شده است و یا بر اساس پول دیگر که ارزشش نزد همگان معلوم است ارزشگذاری می‌کند.

به عنوان نمونه صورت اول، قانون پولی و بانکی ایران مصوب ۱۸ / ۴ / ۱۳۵۱ ابتدا مقرر کرده که واحد پول ایران ریال است. آنگاه در بند ب ماده ۱، ریال را که واحد پول ایران است به این صورت تعریف کرده است «یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است» و در بند الف ماده ۲ آمده «پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه های فلزی قابل انتشار است». معنای این تعریف که در قوانین پولی و بانکی دیگر کشورها نیز واحد پول به همین شکل تعریف شده، این است که اگر قرار باشد پول به صورت سکه مضروب طلا در جریان باشد، یعنی «وسیله مبادله» هم خود طلا باشد، مقدار طلای این سکه‌ها یا عیار آنها این مقدار خاص است. اما الان که سکه ای با این عیار ضرب نمی‌شود معنایش این است که همین ریال های مکتوب روی اسکناس ارزشش برابر با ارزش همان سکه‌ها با همان عیار است.

به عنوان نمونه صورت دوّم قانون پولی افریقای جنوبی<sup>۵۴</sup> را مثال می‌زنیم که در آن ارزش رَند (Rand) بر اساس ارزش پوند تعریف شده است که البته ارزش پوند در قانون پولی کشور انگلیس بر اساس طلا تعیین شده است. بقیه کشورها هم به همین دو صورت است.<sup>۵۵</sup>

با تحلیل این قوانین می‌توان مشاهده کرد که در مرحله اول قانون جعل ذات کرده است اما به صورت نامعین. در مرحله دوم قانون با جعل به این ذات مالیت اولیه معین داده است. در مرحله سوّم آن را پول قانونی در گردش قرار داده است. در مرحله چهارم با انتشار خارجی هنگامی که در برابر تولید ملی قرار می‌گیرد ارزش ثانویه اش که نسبی و متغیر است پدیدار می‌شود.

#### ۴-۱-۴-ب. تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول کنونی

بر اساس تحلیل بالا می‌توان گفت، واسطه مبادله یا پول در گردش دیگر از جنس سکه مسکوک طلا و نقره نیست بلکه سکه مکتوب و سکه دیجیتالی که ارزشی برابر با سکه طلای مسکوک دارد واسطه مبادله است. به عبارت دیگر «نفس ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت شده در حساب جاری یا ذخیره شده به صورت الکترونیکی که ارزشی برابر با سکه مسکوک دارد پول در گردش است». در اینصورت اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتال ظرف اعتباری این پول خواهند بود. اسکناس هیچگاه اصالت نداشته الان هم اصالت ندارد. زیرا، تا زمانی که خزانه پر از طلا و نقره بود، اسکناس رسید و سند آن طلا و نقره بود و خودش اصالتی نداشت، الان هم اصالت نداشته ظرف اعتباری پول است و به خاطر علاقه ظرف و مظروف نام مظروف بر ظرف اطلاق شده است همان گونه که به پول تحریری و الکترونیکی هم بر این اساس پول می‌گویند. این پول در حقیقت فرد ادّعایی واقعیت خارجی سکه طلا است که اعتبار قانون آن را بی ماده فیزیکی خلق کرده و به آن ارزش داده است.

یکی از مستندات ما برای این تحلیل کلام استاد مطهری (ره) است. وی (۱۴۰۳ق، ۴۶ و ۴۷) می‌گوید: «در فلسفه در جای خود ثابت شده است که همه اعتبارات در نهایت به نحوی به حقایق مربوط می‌شوند و امور اعتباری که کپی و به اصطلاح فرد ادّعایی واقعیاتند، به نحوی باید منشاء واقعی داشته باشند وگرنه ذهن بشر ابتدا به ساکن و به صورت ابداع مطلق، قدرت جعل هیچ اعتباری را ندارد».

<sup>۵۴</sup>. South African Reserve Bank, Act 90 of 1989

<sup>۵۵</sup>. قوانین پولی که تا این زمان یعنی سال ۲۰۱۳ میلادی و سال ۱۳۹۱ هجری شمسی تدوین یافته اند واحد پول را به همین دو صورتی که در اینجا گفته ایم، تعریف کرده اند.

مستند دیگر ما کلام دیگر شهید مطهری (ره) ( ۱۳۸۱، ۵ / ۳۴۰) است که فرمودند: «جعل تألیفی تنها در موردی متصور است که آن مورد، اتصاف شیء به یک امر عرضی ممکن الانفکاک باشد، در امور غیر قابل انفکاک خواه خارج از ذات و خواه غیر خارج از ذات، جعل متصور نیست. بنابراین، جعل ذات برای ذات معنا ندارد، یعنی معنا ندارد که ما مثلاً انسان را انسان قرار بدهیم، زیرا انسان بالضروره انسان است و همچنین چهار را نمی‌شود زوج کرد، اما می‌شود به طور جعل تألیفی چوب را که راست نیست، راست کرد و یا انسان را آموزش داد و یا جسم را حرارت داد و یا حرکت».

لذا می‌گوییم، اگر چه در جهان اعتبار هستیم، در عین حال باید مطابق عالم تکوینیات که ابتدا باید جوهری باشد تا بعد بتوان برای آن عرض قابل انفکاک را جعل کرد. در اینجا که جوهری تکوینی وجود ندارد، قانون ابتدا جوهری ادعایی را در نظر گرفت و اعتبار کرد سپس مقدار ارزش مبادله‌ای آن را بر اساس ارزش مقدار معینی از مالی دیگر که ارزشش نزد همگان معلوم است، تعیین کرد. حالا این پول مالی است مثل همه اموال دیگر با این تفاوت که ذات مال در پول‌های کنونی ماهیت اعتباری دارد نه فیزیکی. این مال مخلوق جدیدی است بدون ماهیت فیزیکی که با اعتبار و جعل قانون و پذیرش مردم وجود پیدا می‌کند و ارزش آن پس از انتشار خارجی به ظرفیت تولید ملی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و وفای حاکمیت به تعهدش در حفظ نسبی ارزش اولیه پول بر اساس معیار وابسته است. از این رو، عنوان این تحلیل را «مال اعتباری» در نظر گرفتیم. زیرا، در نظام کنونی پول قانون علاوه بر اعتبار مالیت و تعیین ارزش پول، ذات و ماهیت آن را هم خودش با اعتبار خلق کرده و امر کرده با همین ریال‌ها و دلار‌های مکتوب و ذخیره شده به صورت دیجیتالی که عین غیر فیزیکی اند معامله کنند.

#### ۴-۱-۴-ج. ویژگی‌های این تحلیل از ماهیت پول

۱. این پول ارزش اولیه خودش را با جعل قانون به دست آورده است نه از کالا بودن. ۲. این پول ذات فیزیکی ندارد، ذات اعتباری دارد. ۳. بر اساس این تحلیل هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. به این ترتیب قانون با قرارداد و اعتبار مال جدیدی خلق کرده است که ارزشی برابر با ارزش سکه طلا دارد اما سکه طلا نیست<sup>۵۶</sup>. ۴. آنگاه برای انتشار خارجی این پول قانون حجم مورد نیاز آن را برای گردش اقتصاد و پوشش معاملات محاسبه کرده و برای راحتی مردم در قالب اسکناسهایی با ارزش‌های اسمی متفاوت مکتوب کرده یا این که می‌تواند در حساب‌های بانکی ثبت و یا به صورت دیجیتالی ذخیره کند. ۵. پس از این که این مال اعتباری با انتشار حضور خارجی پیدا می‌کند ارزش ثانویه‌ای در برابر تولید ملی پیدا می‌کند و مانند همه اموال دیگر

<sup>۵۶</sup> . به نظر می‌رسد عنوان «عین اعتباری» برای بیان حقیقت پول کنونی رساتر باشد

ارزش مبادله‌ای اش در اثر کمیابی یا پریابی تغییر می‌کند. ۶. ارزش این پول هیچ ارتباطی با طلا ندارد، زیرا مال جدیدی است که مخلوق قانون است. پشتوانه ارزش آن تولید ملی، اعتماد مردم، پایداری قدرت و حاکمیت سیاسی و وفاداری دولت به حفظ ارزش پول بر اساس معیار است.

#### ۴-۱-۴-د. برخورد دولت و مردم با این پول

اکنون که «وسیله مبادله» ریال مکتوب روی اسکناس و ثبت شده در حساب جاری و ذخیره شده در بیت های دیجیتالی است و دیگر سگه‌های طلا و یا خزانه‌ای پر از طلا و جواهرات و ارز خارجی و دیگر دارایی‌ها به عنوان پشتوانه در کار نیست، هیچ فرقی به حال مردم نکرده است. مردم با این ریال های مکتوب و دیجیتالی همان کاری را انجام می‌دهند که با سگه‌های مضروب طلا و نقره انجام می‌دادند. دولت‌ها هم به خاطر درک این واقعیت توانستند قابلیت تبدیل را کاهش داده و در نهایت قطع کنند. برای این پول قراردادی سه طرف قرارداد قابل تصور است، قرارداد کننده، قرارداد شونده، موضوع قرارداد. قرارداد کننده دولت و قانون است. قرارداد شونده مردم و اجتماع هستند. موضوع قرارداد این است که بیاییم ریال مکتوب و دیجیتالی را به جای ریال مضروب بپذیریم، زیرا همان کار ریال مضروب را می‌کند و به دولت در حفظ ارزش پول بر اساس معیارش که در قانون پولی آورده اعتماد کنیم. با پذیرش اجباری<sup>۵۷</sup> مردم و امضای ضمنی قرارداد گشایش عظیمی در اقتصاد پدید آمد و پدیده تولید انبوه و رشد و شکوفایی اقتصادی میسر شد. اما طمع دولت‌ها و بحران های اقتصادی نگذاشت دولت‌ها به تمام مفاد قرارداد در باره پول پایبند باشند. لذا اصل پایبندی<sup>۵۸</sup> را هر یک از دولت‌ها بدون استثنا هر یک به گونه‌ای و با توجیهی زیر پا گذاشتند و پدیده تورم و آثار منفی آن را برای ملت‌هایشان به ارمغان آوردند.

#### ۴-۱-۴-ه. جایگاه اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتالی

اسکناس پیشتر سند پول بود، الان هم در نظر مردم و هم از حیث قانونی عنوان پول بر آن اطلاق می‌شود اما از نگاه کارشناسانه باید گفت ریال های مکتوب بر آن پول است. تا پیش از این حواله و رسید پول بود، الان ظرف اعتباری است که ریال غیر فیزیکی روی آن ثبت شده است. در دورانی که ریال، دلار و پوند به صورت سگه طلا و نقره بودند آنها را درون کیسه‌هایی قرار می‌دادند. کیسه‌ها را در اندازه‌های مختلف می‌دوختند و در هر یک از آنها تعداد معینی سگه قرار می‌دادند. نوعاً هر یک از کیسه‌ها معلوم بود که چه تعداد سگه در آن جا می‌گیرد. اکنون که ریال، دلار و پوند ذات غیر فیزیکی هستند دیگر نیازی به آن کیسه‌ها نیست. زیرا این پول جسم فیزیکی

<sup>۵۷</sup> . در تاریخ پول می‌توانیم مشاهده کنیم که مردم به ناچار آن را پذیرفتند زیرا به دولت‌ها اعتماد نداشتند. برخی کشورها تا همین اواخر هم مقاومت می‌کردند و تنها سگه را پول می‌دانستند.  
<sup>۵۸</sup> . بر اساس اصل پایبندی دولت‌ها متعهد هستند ارزش پول را بر اساس معیارش که در تعریف واحد پول می‌آید حفظ کنند.



#### ۴-۱-۴. مقوم مثلیت در تحلیل مال اعتباری

بر اساس این تحلیل، عناوین ریال، دلار و پوند کماکان عناوین مشیر هستند باید دید مشارالیه اینها چیست. مثلیت را بایستی در مشارالیه اینها جستجو کرد. همان گونه که در پول های قدیم مثلیت در مشارالیه درهم و دینار جستجو می شد. بنابر این، مقوم مثلیت در پول های کنونی نه قدرت خرید است و نه ارزش اسمی، بلکه مقوم مثلیت «حفظ برابری ارزش واحد پول با ارزش مقیاس اعتبار شده از طرف دولت‌ها است» که مشارالیه ریال، دلار و پوند بوده و در تعاریف قوانین پولی کشورها آمده است. دولت‌ها با عملکرد مناسب و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب براساس اصل پایبندی می‌توانند به این مهم دست یابند. زیرا، پول های کنونی هم از جهت «واحد محاسبه ارزش» بودن و هم از جهت «وسیله مبادله» بودن اعتباری است. پس مثلیت آن هم اعتباری است. زیرا دارای اجزای مثلی اعتباری است. یک اسکناس هزار ریالی یعنی کاغذی که دولت به موجب قانون هزار تا یک ریال را که ارزش آن براساس ارزشمقدار خاصی از مالی دیگر تعریف و اعتبار شده بر روی آن قرار داده است. این هزار ریال همه‌شان از نظر قدرت خرید یکسان هستند. قوام و بقای مثلیت در اجزای این پول وابسته به حفظ اعتبار و عملکرد<sup>۶۰</sup> اعتبار کننده است. اگر برای پول افراد عرضی و طولی در نظر بگیریم. می‌توانیم بگوئیم، افراد عرضی پول<sup>۶۱</sup> مثلی هستند و افراد طولی آن ممکن است بر اثر تغییر اعتبار اعتبار کننده یا عملکرد وی از مثلیت با افراد قبلی خارج شوند. اگر اعتبار یا عملکرد تغییر نکند افراد طولی هم مثلی باقی می‌مانند. البته لازم به یادآوری است که طولیت و عرضیت مقوم مثلیت پول نیستند. اما از آنجا که تغییر مثلیت پول کنونی در طول زمان رخ می‌دهد، تغییر مثلیت با طولیت و عرضیت همراه شده‌است. مؤید تحلیل ما می‌تواند این کلام آیت‌الله آصفی (۱۳۷۵، ۲۲) باشد که می‌گوید: «مانعی ندارد که افراد عرضی یک مال مثلی باشند و افراد طولی آن قیمی». به عقیده وی، «می‌توان افراد طولی پول را در صورتی که زمان نسبتاً طولانی و اختلاف ارزش (قدرت خرید) آن فاحش باشد و از نظر عرف قابل اغماض نباشد قیمی به حساب آورد، گرچه افراد عرضی آن مثلی باشد. البته، این در صورتی است که اختلاف ارزش در دوزمان مختلف در بازار قابل اغماض نباشد و گرنه مثلی است. بنابراین، فقها اگر پول را از مقوله مثلیات می‌دانند، نظر آنها یا باید به افراد عرضی پول باشد یا به افراد طولی آن در صورتی که اختلاف فاحش نداشته باشند».

<sup>۶۰</sup> منظور از عملکرد، کیفیت اعمال سیاست های پولی و مالی مختلف است.

<sup>۶۱</sup> منظور از افراد عرضی ریال یعنی همه ریال هایی که در یک برهه زمانی خاص مثلا امروز موجود هستند و منظور از افراد طولی یعنی همه ریال های امروز در مقایسه با همه ریال های یک برهه زمانی دیگر در آینده یا در گذشته.



#### ۴-۱-۴-ز. جوه تمایز اصلی این نظریه با نظریات دیگر

اصلی ترین وجه تمایز این نظریه با نظریه فلزی در این است که نظریه فلزی، پول را در قالب کالا و به صورت عین فیزیکی خارجی دیده است و برای پول های غیر فیزیکی مخلوق قانون توضیحی ندارد. در حالی که نظریه مال اعتباری ضمن تفسیر پول فیزیکی گذشته پول کنونی را از قالب کالا و عین فیزیکی ملموس رها دانسته است.

تمایز اساسی این نظریه با نظریه چارتالیسم در این است که نظریه چارتالیسم با این که توانست رها بودن پول را از قالب فیزیکی ببیند و بگوید ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده ای که از آن ساخته می شود. اما نتوانست جواب اثباتی و حلی به سؤال درباره این که ماهیت این پول چیست بدهد.

وجه تمایز اصلی نظریه مال اعتباری با نظریه مالیت اعتباری در این است که رویکرد مالیت اعتباری با وجود این که پول کنونی را با اعتبار قانون مرتبط کرده است اما بخش اعتباری و همه هستی آن را تنها در یک مالیت و قدرت خرید دیده است. در حالی که بر اساس تحلیل جدید هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. ضمن اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال، دو مالیت اولیه و ثانویه را در پول کنونی تشخیص داده است با این فرق که که مالیت ثانویه، نسبی، طبیعی و متغیر است. از این رو، می تواند عواملی را که موجب نقص در این مال می شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد.

و اما وجه تمایز اصلی نظریه مال اعتباری با نظریه ارزش اسمی در این است که ماهیت مال در نظریه مال قراردادی قابل شناسایی است و در نظریه ارزش اسمی غیر قابل شناسایی و مبهم.

بر اساس دو تحلیل مالیت اعتباری و ارزش اسمی به حکم اولی دولت حق دارد به هر شکل که صلاح می داند پول منتشر کند بدون این که ضامن کاهش قدرت خرید باشد. اما از آنجا که این کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست حق انتشار بی قید و شرط پول به دولت داده نمی شود. افزون بر این که نتیجه این دو تحلیل در ضمان کاهش ارزش پول افراط و تفریط است. نظریه قدرت خرید به طور افراطی تمام کاهش ارزش پول را قابل جبران می داند و نظریه ارزش اسمی به طور تفریطی هیچ قسمت از کاهش ارزش پول را قابل جبران نمی داند.

اما بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول حفظ ارزش پول به عنوان مهم ترین هدف سیاست های پولی به حکم اولی قابل اثبات است. این اثبات (به صورت حکم اولی) آثار زیادی بر جای می گذارد. از جمله این که بحث نهاد تعیین کننده اهداف سیاست های پولی در نظام اسلامی و تعیین سطح استقلال بانک مرکزی و تعیین جایگاه نهاد دولت در این راستا که تأثیر مهمی در

ضابطه مند کردن سیاست‌های پولی دارند به طور مبنائی پشتوانه قانونی پیدا می‌کند. افزون بر این که این نظریه مطلق گرا نیست. نه مانند نظریه قدرت خرید به طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را می‌پذیرد و نه مانند نظریه ارزش اسمی به طور مطلق این جبران را رد می‌کند بلکه با توانایی‌اش در تفکیک عوامل تورّم بحث جبران محدود یا عدم جبران یا مصالحه را قابل طرح می‌داند که البته موضوع بحث این رساله نیست و در رساله های دیگر بدان پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۱-۴-ک. بیان و اثبات قدرت توضیح دهنده گی این تحلیل

همان گونه که در فصل مربوطه گذشت هیچکدام از تحلیل ها نتوانستند توضیح جامع و منطقی از مهم ترین حقایق پولی و بانکی و عرفی و شرعی ارائه بکنند. در نهایت این نتیجه حاصل شد که این تحلیل ها با اشکالات مهم مبنایی و بنایی مواجه بوده و قابل استناد نیستند. در نتیجه لازم است تحلیلی جدید درباره ماهیت پول پیشنهاد گردد و این نظریه جدید باید بتواند حقایق مذکور و پدیده های پولی گذشته را توضیح داده و تفسیری منطقی از آنها ارائه کند و پدیده آینده پولی را پیش بینی نماید. اینک قدرت توضیح دهنده گی آن نسبت به حقایق مذکور بیان و اثبات می‌شود. سپس برخی از مهم ترین آثار آن بر مسائل فقهی و سیاست های پولی به اجمال شمرده می‌شود.

#### یک- مردم بین عوامل کاهش ارزش پول تفکیک می‌کنند

بر اساس عرف شناسی هاشمی شاهرودی (۱۳۷۴، ۶۶-۶۸) اگر ارزش مبادله ای و قدرت خرید پول در رابطه با قدرت صادر کننده آن باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی است. بنا بر این، اگر اعتبار دولت صادر کننده پول و توان اقتصادی اش کاهش یابد یا خود دولت دست به انتشار پول بدون پشتوانه واقعی بزند نزد مردم مورد ضمان است. اما اگر ارزش مبادله ای و قدرت خرید در رابطه با عرضه و تقاضای بازار باشد در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست. در نتیجه ضمان آور هم نیست. اشکال اساسی ما بر نظریه قدرت خرید هاشمی شاهرودی این بود که وقتی تمام هستی پول قدرت خرید بود دیگر پول دو جهت ندارد تا بتوان دو حکم متناقض را خود جمع کند مگر این که مرکب باشد و ذو جهات. پس نظریه ایشان نمی‌تواند این حقیقت عرفی را که خود استظهار کرده است توضیح دهد.

اما نظریه مال اعتباری با نشان دادن دو جهت در پول می‌تواند این حقیقت عرفی را به طور مبنائی توضیح دهد. زیرا، این پول مالیت و ارزش مبادله‌اش از دو جهت سرچشمه می‌گیرد. یک جهت آن حکومت است که ارزش و مالیت اولیه آن را با اعتبار و تعریف ارزش واحد پول براساس ارزش مالی دیگر بدان می‌دهد. و یک ارزش و مالیت ثانویه که با حضور و انتشار خارجی این پول

بر اثر کمیابی نسبی مثل همه اموال دیگر برایش حاصل می‌شود. تورّم یا کاهش ارزش پول ریشه در هر دو ارزش بیان شده دارد. در این نظام هر گاه متناسب با رشد تولید مّلی حقیقی، دولت پول اضافی منتشر کند ارزش پول تغییری نمی‌کند. اما در صورتی که بدون افزایشی در تولید مّلی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار گرداند، مفهومی این است که برابری ارزش واحد پول را از بین برده و اصل پایبندی را زیر پا گذاشته است. پس اگر دو برابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند، معنایش این است که ارزش واحد پول را در برابر نصف ارزش آن مقدار تعریف شده در قانون قرار داده است. چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد. این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است. اما اگر تورّم یا کاهش ارزش پول به عواملی مثل جنگ، زلزله و خشکسالی برگردد، تنها نقصان در مالیت است و بر اساس قواعد و اصول فقهی برای دولت حکمی و تعهدی در پی ندارد. اما آن بخش از کاهش ارزش که وابسته به عملکرد دولت و اعتبار او است. در ارزش اولیه پول تأثیر گذاشته برابری ارزش واحد پول را نسبت به ملاک آن از بین می‌برد. در این صورت واحدهای پولی جدید هم عرض و همزمان، مثل و همسان هم بوده ولی هرگز همسان واحدهای قبلی پول نیستند و تنها اشتراکشان لفظی و اسمی است. کاهش ارزش پول در صورتی که از عملکرد سیاست پولی انبساطی دولت یا سیاست مالی ای که به پولی شدن کسر بودجه می‌انجامد، ناشی شود، این کاهش به نقص در ذات مال یعنی تغییر در برابری ارزش واحد پول برمی‌گردد.

هر مالی نقصان مقتضی خودش را دارد، مثلاً گلاب هر گاه با آب مخلوط شود مالیتش کاهش می‌یابد و این عمل که منجر به کاهش مالیت و ارزش شده ناشی از نقص در ذات مال است و ضمان آور می‌باشد. لذا می‌توان گفت، پول کنونی که مال اعتباری است و از اجزای مثلی اعتباری برخوردار است، نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتبار کننده به وسیله سیاست‌های انبساطی پولی بی‌رویه با بر هم خوردن اعتبار تثبیت شده در قانون حاصل می‌شود. لذا می‌توان دولت را مسئول این بخش از کاهش ارزش دانست.

## دو- دوگانگی بین مفهوم مال و مفهوم مالیت.

همان گونه که در هنجارهای عرفی بیان شد، تفاوت بین مفهوم مال و مفهوم مالیت در نزد عرف و اهل فن روشن است. پرسش اساسی ما از تحلیل گرانی که می‌گویند قانون به گونه قدرت خرید در اسکناس اعتبار مالیت و ارزش کرده است، این بود، آیا قانون می‌تواند قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای را که در فقه مالیت نامیده می‌شود و وصف اضافی و نسبی است با اعتبار تبدیل به مال که ذات و جوهر است بکند؟

اما تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول سازگار با این حقیقت عرفی و توضیح دهنده آن است. همان گونه که عرف در پول کنونی مال و مالیت را یکی نمی‌انگارد و برای پول کنونی ذاتی قائل است که دارای وصف مالیت است، این نظریه نیز با تفکیک بین ذات مال و مالیت با این حقیقت عرفی سازگار بوده، آن را تقویت می‌کند.

### سه- در قوانین پولی کشورها، قانون جعل مال کرده است نه جعل قدرت خرید تنها

تحلیل مال اعتباری با توجه تام به قوانین پولی کشورها که تنها سند موجود جعل پول است رویکرد مال اعتباری را در مورد ماهیت پول پیشنهاد داده و قائل شده، قانون‌گذار ابتدا با اعتبار جعل ذات مال کرده سپس با اعتباری دیگر مالیت و قدرت خرید اولیه آن را برابر ارزش مالی دیگر که ارزشش نزد همگان شناخته شده است تعریف نموده است.

### چهار- اتلاف مال دیگری ضمان آور است و اتلاف مالیت ضمان آور نیست.

### و پنج- معاملات بر عین اموال واقع می‌شود نه بر مالیت آنها.

این در حالی است که دیدگاه قدرت خرید ناقص این حقایق شرعی و عرفی بوده و با آنها در تعارض است زیرا اولاً نتیجه‌ای را که می‌خواستند از دیدگاه قدرت خرید بگیرند مبنی بر این که کاهش ارزش پول باید جبران شود با این حقیقت و قاعده شرعی که جبران را تنها در صورت اتلاف نفس مال می‌داند نه مالیت، در تعارض است و آن را نقض می‌کند. در حالی که براساس رویکرد مال اعتباری در ماهیت پول در صورتی که دولت با عملکرد خودش باعث کاهش ارزش پول شود می‌توان نقص در مال و ضامن بودن دولت و جبران کاهش ارزش پول در حقوق‌ها و دستمزدها را از حیث فقهی و به حکم اولی اثبات کرد.

ثانیاً براساس این حقیقت که معاملات بر عین اموال واقع می‌شود نه بر مالیت آنها، رویکرد قدرت خرید که تمام حقیقت پول را در قدرت خرید می‌بیند و قدرت خرید چیزی نیست جز ارزش مبادله‌ای و مالیت ناقص این حقیقت است در حالی که رویکرد مال اعتباری این حقیقت را نه تنها نقض نکرده بلکه برای آن مبنا درست می‌کند و در پول هم واقع شدن معامله بر عین مال را به خوبی توضیح می‌دهد.

### ۴-۲. پول آینده<sup>۶۲</sup>: پول اعتباری محض<sup>۶۳</sup> (هنوز گسترش نیافته است)

بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول می‌توان این دوره را این گونه تحلیل کرد که در آن، ارزش واحد پول بر اساس ارزش مال با ارزش دیگر تعریف نمی‌شود. بلکه ارزش مبادله‌ای و قدرت

<sup>۶۲</sup> هر تحلیل جامع ماهیت پول باید بتواند ضمن توضیح منطقی پدیده‌های گذشته پول پدیده آینده آن را پیش بینی کند.

<sup>۶۳</sup> حضور پول دیجیتال بیت کوین (Bitcoin) می‌تواند شواهدی قوی برای امکان ایجاد این پول باشد.

خرید واحد پول مستقیماً برای آن جعل و اعتبار می شود. به این صورت که ابتدا ذاتی نامعین به عنوان واحد پول در نظر گرفته شده نامگذاری می شود ( به عنوان مثال، کوثر) آنگاه قانون می تواند تعیین کند که این واحد پول چه مقدار از سبد کالاها و خدمات را بخرد. در نهایت با توجه به حجم تولید ملی واقعی و قیمت گذاری آن بر اساس واحد پولی جدید و با توجه به سرعت گردش پول، مقدار و حجم پول در گردش تعیین می شود. در این صورت هم قانون جعل مال کرده است نه جعل مالیت صرف. مالیت و قدرت خرید پول در اینجا نیز تبعی است. در اینجا می توان بین آن قدرت خریدی که با تعریف قانون وصف لازم ذات شده و بدون تعریف مجدد قانون و یا عملکرد حاکمیت قابل تغییر نیست و بین قدرت خریدی که به خاطر حضور و انتشار خارجی این پول در اثر کمیابی برایش پیدا می شود، تفکیک کرد. «ماهیت و جنس این پول ذات اعتباری محض است». مخلوق جدیدی است که قانون آن را ایجاد می کند.

### خلاصه و نتیجه فصل چهار

در تاریخ تحولات و تکاملی پول به مرحله ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه رسیدیم. لذا این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش و در مرور بر ادبیات موضوع چهار نظریه اصلی شناسایی، بررسی و نقد شد؛ نظریه فلزی یا نظریه پول کالایی، نظریه چارتالیزم، نظریه مایت اعتباری یا قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی. گر چه هر یک از تحلیل های ماهیت پول می توانند تعدادی از حقایق موجود در باره پول را توضیح دهند و از این حیث می توانند مکمل همدیگر باشند نه رقیب یکدیگر. اما از آنجا که مفروضات اساسی این تحلیل ها قابل جرح و تعدیل است و به خاطر پنهان ماندن بخش هایی از حقایق پولی در تحلیل اینها در نتیجه هیچیک از این دیدگاه ها به تنهایی نمی توانند رضایت کامل را فراهم آورند. در نتیجه لزوم ارایه تحلیلی جدید و تکاملی در باره ماهیت پول که که بتواند توضیح دهندگی کامل تری داشته باشد امری اجتناب ناپذیر است. در رویکرد اصلی این تحلیل « پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می گیرد دارای مراتبی از قرارداد است». فرضیه اساسی تحقیق در باره پول های کنونی این است که «پول های کنونی همه مراتبش قراردادی است و با جعل و اعتبار پدید آمده است». موجود غیرفیزیکی و تازه ای است که قانون ابتدا ذات آن را با اعتبار ایجاد می کند، آنگاه ارزش مبادله ای اولیه اش را برابر ارزش مقدار خاصی از مالی دیگر که ارزشش نزد همه شناخته شده است، تعریف می کند، سپس آن را پول در گردش قرار داده و منتشر می کند. از این

رو عنوان این تحلیل را " مال اعتباری " در نظر گرفتیم. به خلاف نظریه مالیت اعتباری که در ماهیت آن تنها مالیت را می‌بیند و به خلاف نظریه ارزش اسمی که ذات مالی در نظر می‌گیرد، اما حقیقت این ذات مبهم است. نظریه مال اعتباری ضمن پوشش نظریات دیگر از ایرادات وارد بر آنها مبرا است و نتایج خاص خودش را دارد. از جمله این که این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال و وصف مالیت در پول کنونی می‌تواند عواملی را که موجب نقص در ذات این مال می‌شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد. از نتایج و ویژگی‌های این تحلیل آن است که همه پول‌ها را با تحلیل واحد توضیح می‌دهد. بر اساس تحلیل جدید هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. ضمن اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال، دو مالیت اولیه و ثانویه را در پول کنونی تشخیص داده است با این فرق که که مالیت ثانویه، نسبی، طبیعی و متغیر است. از این رو، می‌تواند عواملی را که موجب نقص در این مال می‌شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد.

### اشاره اجمالی به برخی نتایج مهم دیگر این رویکرد

۱ - این نظریه مطلق‌گرا نیست. نه به‌طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را می‌پذیرد و نه به‌طور مطلق این جبران را رد می‌کند. بلکه با توانایی‌اش در تفکیک عوامل تورّم بحث جبران محدود یا عدم جبران یا مصالحه را قابل طرح می‌داند. مثلاً کاهش ارزش پول اگر از تغییر عرضه و تقاضای معمول اقتصاد نشأت گرفته باشد، این کاهش ارزش به نقص در مالیت برمی‌گردد، لذا لزومی به جبران کاهش ارزش نیست. اما اگر بتوان اثبات کرد که مثلاً ۴۰٪ کاهش ارزش پول ناشی از سیاست‌های پولی انبساطی است، می‌توان بحث ضمان جبران کاهش ارزش پول را به میزان ۴۰٪ تورّم در حقوق‌ها و دستمزدها از حیث فقهی طرح کرد.<sup>۶۴</sup>

۲ - براساس این تحلیل از حیث فقهی می‌توان اثبات کرد دولت در استفاده از حق انتشار پول بی‌قید و شرط نبوده با محدودیت روبرو است و ضامن است. ضمن این که چون حفظ ارزش پول به طور مبنائی بر عهده او گذاشته شده است، عواملی دیگری را که بر ارزش پول تأثیر می‌گذارند باید با ابزارهایی که در اختیار دارد کنترل کند. از این جا می‌توان سیاست‌های پولی را ضابطه مند کرد

۳ - بحث هدف سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام و تعیین سطح استقلال بانک مرکزی و تعیین جایگاه نهاد دولت در این راستا که تأثیر مهمی در ضابطه مند کردن سیاست‌های پولی دارند به طور مبنائی پشتوانه قانونی پیدا می‌کند.

<sup>۶۴</sup> . تفصیل این نتیجه در پژوهش‌های فقهی-اقتصادی دیگر خواهد آمد.

۴- ارزش این پول هیچ ارتباطی با طلا ندارد، زیرا مال جدیدی است که مخلوق قانون است .  
 پشتوانه ارزش آن تولید ملی، اعتماد مردم ، پایداری قدرت و حاکمیت سیاسی و وفاداری دولت به  
 حفظ ارزش پول بر اساس معیار است.

### پیوست فصل چهارم: جدول خلاصه تحلیل ها در باره ماهیت پول

عنوان مورد بررسی عنوان تحلیل	ماهیت پول	منبع ارزش پول	ویژگی ها، آثار و نتایج	برخی از مهم ترین نقدها
<p><b>متالیزم</b> <b>Metalism</b></p>	<p>- پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گران قیمت در جریان بوده است. - استاندارد ارزش یک مقدار خاص از یک کالای خاص است. - مبادله کنندگان یک کالای عام تعریف می کنند که در مبادله با انواع مختلف کالاها و خدمات واقعی پذیرفته می شود. - <b>ماهیت این پول عبارت از مالی است که عین خارجی طلا و نقره است.</b></p>	<p>- ارزش پول کالایی از ارزش کالایی که به عنوان واسطه مبادله به کار می رود، می آید. - ارزش پول کاغذی به ارزش ذاتی فلز پشتوانه است.</p>	<p>- میزان انتشار پول محدود به مقدار فلز پشتوانه خواهد بود. - در نتیجه تورم های حاد نخواهیم داشت. - هم استاندارد ارزش و هم واسطه مبادله در این تحلیل امری قراردادی است.</p>	<p>- توضیح قانع کننده ای برای پول کاغذی بدون پشتوانه و پول الکترونیکی که بی ماده فیزیکی محض است قابل ارایه نیست. - یکی از مشکلات این پول آن است که در این دوران نمی تواند پدیده تولید انبوه را پشتیبانی کند.</p>

<p>- این دلیل که پول ارزش خودش را از این حقیقت که مردم نیاز به پول دارند تا مالیات هایشان را بپردازند، قابل پذیرش نیست.</p> <p>- این دیدگاه افراطی که هرپولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزشش را از مالیات گرفته گزافه گویی بزرگ در باره نقشی است که مالیات بازی می کند.</p> <p><b>- اساسی ترین مشکل چار تالیست ها این است که پاسخ اثباتی و حلی به پرسش در باره ماهیت پول نداده است.</b></p>	<p>- تهیه و تدارک این پول بدون پشتوانه تنها در انحصار دولت است.</p> <p>- دست دولت را برای تأمین مالی کسر بودجه باز می گذارد، در حالی که این امر در نظام پول کالایی ممکن نیست.</p> <p>- واحد پولی ای که دولت تعریف می کند ارزش ذاتی ندارد.</p>	<p>- پول مخلوق دولت است و به خاطر این که به عنوان وسیله پرداخت مورد پذیرش عموم قرار گرفته است دارای ارزش است.</p> <p>- ارزش پول مستقل از ماده ای است که از آن ساخته می شود چه فلز باشد یا کاغذ، همیشه هم همینطور بوده است.</p> <p>- پول ارزش خودش را از این حقیقت که مردم نیاز به پول دارند تا مالیات هایشان را بپردازند به دست می آورد.</p> <p>- هرپولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزشش را از مالیات گرفته است</p>	<p>- پول یک مطالبه یا بستانکاری است که به وسیله ارتباطات اجتماعی تأسیس شده است، به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالاها وجود دارد.</p> <p>- پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی و مستقل از هر ماده ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می کند.</p> <p>- یک واحد محاسبه است که از یک کنش سیاسی نشأت گرفته و به وسیله قانون یا قرارداد اجتماعی تأسیس شده است.</p> <p>- ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده ای که از آن ساخته می شود.</p>	<p><b>چار تالیزم</b> <b>Chartalism</b> <b>به معنای:</b> <b>نشانه ای یا قراردادی</b> <b>Token</b> <b>بلیط</b> <b>Tiket</b></p>
---	---	---	---	---



<p>- ماهیت مال در دیدگاه ارزش اسمی مبهم است، زیرا ارزش اسمی تنها عدد است و عدد غرض است و غرض نیاز به جوهر و ذات دارد. - ریال، دلار و پوند عناوین مشیر هستند. باید دید مشارالیه اینها چیست. تحلیل ارزش اسمی از این حیث ساکت است.</p>	<p>- چون اصل ارزش مبادله ای از ویژگی های نسبی است، در صورت کاهش ارزش ضامن آور نیست. - دولت هم حق دارد پول منتشر کند، بدون این که ضامن کاهش قدرت خرید باشد</p>	<p>- پول عبارت است از ارزش مبادله ای خالص اشیا که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله ای است. - ارزش پول وابسته به اصل ارزش مبادله ای است نه مقدار آن. - اصل ارزش مبادله ای هم از ویژگی های نسبی پول است.</p>	<p><i>پول کنونی اعتباری است و مقوم مثلثیت آن همان ارزش اسمی است که روی اسکناس مکتوب است.</i></p>	<p>ارزش اسمی</p>
---	---	---	--	------------------

<p style="text-align: center;"><b>قدرت خرید یا مالیت اعتباری</b></p>	<p>در این تحلیل پول به چهار نوع تقسیم شده است:</p> <p>۱- پول تمام عیار معدنی طلا و نقره ۲- پول کاغذی نیابتی ۳- پول کاغذی با تعهد منبع صادر کننده مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن ۴- پول کاغذی معاف از پرداخت ارزش طلای آن</p> <p><b>- نوع اول پول ماهیتش عین خارجی فلز طلا و نقره است.</b></p> <p><b>- نوع دوم و سوم سند موجودی طلا و نقره واقعی هستند و معامله با این برگه ها معامله با طلا و نقره واقعی است.</b></p> <p>- اما نوع چهارم در حکم پول های کاغذی الزامی است که بدون پشتوانه بوده و به الزام حکومت و قانون به جریان می افتد.</p> <p>- این پول مال مثلی است ولی مثلیتش تنها به کاغذ نیست بلکه هر آن چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می کند.</p> <p>- از آنجا که کاغذ اسکناس بی ارزش است پس <b>تمام حقیقت و ماهیت پول در همان قدرت خرید یا مالیت است.</b></p> <p>- این قدرت خرید را دولت و قانون در آن اعتبار کرده است.</p>	<p>- ارزش نوع اول و دوم و سوم به ارزش طلا و نقره آنهاست.</p> <p>- ارزش نوع چهارم اعتباری محض است، زیرا پشتوانه ندارد و کاغذ آن نیز بی ارزش است.</p> <p>- این ارزش به وسیله قانون به آن داده شده است.</p>	<p>- در توضیح ماهیت پول های نوع اول و دوم و سوم متالیزمی است.</p> <p>- در توضیح ماهیت نوع چهارم به دیدگاه چار تالیزم نزدیک است.</p> <p>- وجه تمایز آن از چار تالیزم این است که مفاد قرارداد و اعتبار در این تحلیل روشن است و آن مفاد عبارت است از مالیت و قدرت خرید که تمام هستی پول کنونی است.</p> <p>- وجه تمایز دیگر آن است که ارزش پول کنونی را به مالیات ارتباط نداده است.</p> <p>- از نتایج اصلی و مهم این دیدگاه آن است که اگر بانک به هنگام باز پرداخت سپرده ها به سپرده گذاران قیمت واقعی آنچه را دریافت کرده است بپردازد، مرتکب ربا نشده است.</p>	<p>- قانون نمی تواند قدرت خرید را که در فقه مالیت نامیده می شود و وصف اضافی و نسبی است با اعتبار تبدیل به مال که ذات و جوهر است بکند.</p> <p>- قوانین پولی کشورها که واحد پول در آنجا تعریف و جعل می شود مغایر با دیدگاه قدرت خرید است.</p> <p>- دوگانگی بین مال و مالیت که از حقایق عرفی و شرعی است نقض می شود.</p> <p>- دوگانگی بین مثلی و قیمی که از حقایق عرفی و شرعی است نقض می شود.</p> <p>- تحلیل واحد برای همه پول ها ارایه نداده است.</p>
--	---	--	---	--

<p>مجموعه ایراداتی که بر تحلیل های رقیب تا الان وارد شده بر این تحلیل وارد نیست.</p>	<p>- همه پول ها را با تحلیل واحد توضیح می دهد.</p> <p>- در این تحلیل پول هم از ذات مال برخوردار است و هم از وصف نسبی مالیت.</p> <p>ضمن اینکه رها بودن پول کنونی از قالب فیزیکی که یکی از حقایق پولی است کاملاً تبیین شده است.</p> <p>- این تحلیل با تفکیک ذات مال و وصف مالیت میتواند عوامل کاهش ارزش پول را به خوبی تفکیک کند.</p> <p>- این تحلیل مطلق گرا نیست نه به طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را مانند تحلیل قدرت خرید می پذیرد و به طور مطلق مانند تحلیل ارزش اسمی رد میکند بلکه با توانایی اش در تفکیک عوامل بر هم زننده ارزش پول جبران محدود یا کامل یا عدم جبران یا مصالحه را قابل طرح می داند.</p> <p>- بر اساس این تحلیل دست دولت از حیث فقهی و حقوقی در استفاده بی رویه از حق انتشار پول بسته است.</p> <p>- با این تحلیل می توان بستر فقهی و حقوقی ضابطه مند کردن سیاست های پولی را فراهم کرد.</p> <p>- این تحلیل سازگار با همه حقایق پولی، بانکی، عرفی و شرعی است.</p>	<p>- منبع ارزش پول از نوع اول و دوم و سوم به ارزش پشتوانه طلا و نقره است.</p> <p>- ارزش پول از نوع چهارم:</p> <p>بر اساس تحلیل مال اعتباری، ارزش مبادله ای ریال یا پول های کنونی از دو منبع سرچشمه می گیرد. یک منبع قانون و حاکمیت است که ارزش اولیه را با تعریف واحد پول به آن می دهد و منبع دیگر آن کمیابی نسبی اش در برابر تولید ملی است که ارزش ثانویه را با حضور و انتشار خارجی از آنجا کسب می کند.</p> <p>این ارزش ثانویه مثل ارزش همه اموال، نسبی، طبیعی و متغیر است.</p>	<p><b>بر اساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می گیرد، دارای مراتبی از اعتبار است»</b></p> <p>پول های کنونی (اسکناس و پول الکترونیکی): «پول های کنونی همه مراتب اعتباری است و با قرارداد و اعتبار پدید آمده است». در مرحله اول قانون جعل ذات کرده است. در مرحله دوم قانون با جعل به این ذات مالیت اولیه معین داده است. در مرحله سوم آن را پول قانونی در گردش قرار داده است. در مرحله چهارم با انتشار خارجی هنگامی که در برابر تولید ملی قرار می گیرد ارزش ثانویه اش که نسبی، طبیعی و متغیر است پدیدار می شود.</p> <p>- واسطه مبادله یا پول در گردش دیگر از جنس سکه مسکوک طلا و نقره نیست بلکه سکه مکتوب و سکه دیجیتالی که ارزشی برابر با سکه طلای مسکوک دارد واسطه مبادله است. به عبارت دیگر «نفس ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت شده در حساب جاری یا ذخیره شده به صورت الکترونیکی که ارزشی برابر با سکه مسکوک دارد پول در گردش است».</p> <p>در اینصورت اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتال ظرف اعتباری این پول خواهند بود.</p> <p>شاید بهترین تعبیر برای بیان ماهیت آن عین اعتباری باشد.</p> <p>قانون یک مال جدید اعتبار و خلق کرده است که ماهیت فیزیکی ندارد.</p> <p><b>پول آینده: (هنوز گسترش نیافته)</b></p> <p>برای تعریف واحد پول ابتدا ذاتی نامعین در نظر گرفته شده و نامگذاری میشود (مثلاً کوثر)، آنگاه قانون می تواند تعیین کند که این واحد پول چه مقدار از کالاها و خدمات را بخرد. سپس با توجه به حجم تولید ملی واقعی و سرعت گردش پول مقدار پول در گردش تعیین می شود.</p> <p><b>- ذات پول و ماهیت آن در اینجا کاملاً اعتباری محض است، مخلوق جدیدی است که قانون آن را ایجاد می کند.</b></p>	<p>مال اعتباری</p>
--	--	--	--	--------------------

## فصل پنجم:

# اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی (در نظام اقتصادی اسلام)

### مقدمه

نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام دموکراسی غربی  
نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام مردم سالاری دینی  
هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط مستقیم)  
هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط غیر مستقیم)  
ضرورت استقلال بانک مرکزی در جهت حفظ ارزش پول  
مروری بر تجربیات برخی از کشورها در راستای استقلال بانک مرکزی و حفظ ارزش پول  
بررسی قوانین و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ ارزش پول  
خلاصه و نتیجه فصل پنجم و پیشنهاد

## فصل پنجم: اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر منضبط کردن حقوقی

### سیاست های پولی

#### مقدمه:

در مورد علل تورّم در ایران بررسی های انجام شده پس از انقلاب نشان می دهد، عملیات مالی دولت با سیاست کسر بودجه بر متغیر حجم پول و نقدینگی تأثیر گذاشته و سرانجام با پولی شدن کسر بودجه به طور مستقیم در ایجاد تورّم دخالت داشته است. طیبیان و سوری (۱۳۷۶، ص ۲۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی متغیرهای کلان اقتصادی کشور» به این نتیجه رسیدند که به علت ساختار ویژه بودجه دولت در ایران، عملیات مالی دولت بر متغیر حجم پول و نقدینگی اثر گذاشته، به طور مستقیم زمینه های تورّم را فراهم کرده است. این دو با بررسی ساختار بودجه ایران بیان می کنند که یکی از ویژگی های ساختار بودجه، با ثبات بودن نسبی روند رشد هزینه های دولت به قیمت ثابت است؛ یعنی پیوسته بودجه دولت به قیمت ثابت، دارای روند افزایشی بوده و در نتیجه تأمین درآمدهای بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی، یا از طریق تغییر نرخ تسعیر ریال تحقق یافته است. در این میان، درآمدهای مالیاتی سهم ناچیزی از درآمدهای دولت را تأمین کرده است. به عقیده این دو، یکی از ویژگی های نظام مالی کشور، ارتباط بودجه با متغیرهای پولی است؛ به گونه ای که کسر بودجه ای که پیوسته به علل یادشده رخ داده، به بانک مرکزی منتقل شده و به ایجاد پول جدید انجامیده است. با نگاهی به ارقام کسر بودجه و بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی می توان دید که تا سال ۱۳۶۷ کسر بودجه دولت به طور مستقیم با افزایش بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی انطباق داشته است. در سال های پس از ۱۳۶۷ کسری بودجه در ترازهای درآمد و هزینه دولت پنهان شده است. دلیل این امر نیز خارج کردن شرکت های بزرگ دولتی از جداول بودجه و قرارداد آن ها در تبصره هایی است که بانک مرکزی را به پرداخت اعتبار به این گونه دستگاه های مکلف می کند؛ بنابراین، از سال ۱۳۶۸ به بعد، کسر بودجه واقعی همان رقم افزایش خالص بدهی دولت به شبکه بانکی کشور است.

در مورد تورّم در ایران و علل آن به ویژه رابطه آن با افزایش حجم پول و نقدینگی، بررسی های فراوانی دیگری هم انجام شده است. بیشترین بررسی ها از پولی بودن تورّم ایران نشان دارند و سایر عوامل از جمله عوامل مربوط به سمت عرضه یا فشار هزینه آثار کمتری بر افزایش سطح عمومی قیمت ها داشته است. دادخواه (۱۹۸۵) نشان داده است که یک درصد افزایش در عرضه پول، به ۰/۷ درصد افزایش در سطح عمومی قیمت ها می انجامد. نیلی (۱۳۶۶) به این نتیجه رسیده که ۱۰ درصد افزایش نقدینگی سبب ۱۲ درصد افزایش در قیمت ها می شود. به اعتقاد نیلی، چون

افزایش حجم پول به طور عمده از طریق ایجاد «پول بیرونی» بوده است، دارایی‌های بخش خصوصی از این طریق همواره در حال افزایش بوده، و طبیعی است که ضریب رشد نقدینگی بیش از یک باشد. ایکانی (۱۹۸۷) نشان داده است که ۱۰ درصد افزایش عرضه پول با حفظ ثبات عوامل دیگر، نرخ تورم را به میزان ۳ درصد افزایش می‌دهد. کمیجانی و بیدآباد (۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱) به این نتیجه رسیدند که در بلندمدت، ۹۹ درصد از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها، از افزایش حجم نقدینگی ناشی است. نائینی (۱۳۷۶) این نسبت را ۶۴ درصد برآورد کرده است. کمیجانی و علوی (۱۳۷۸) اثر بلندمدت رشد نقدینگی بر تورم را ۸۸ درصد و اثر میان آن را ۹۲ درصد برآورد کردند. همه این تحقیقات جز یک مورد نشان می‌دهند رابطه محکمی بین رشد عرضه پول و تورم در ایران وجود دارد و مؤید این واقعیت هستند که تورم در ایران، پدیده‌ای پولی است، و با این گفته معروف فریدمن (Friedman, ۱۹۷۶, ۴۲) که «تورم همیشه و همه جا پدیده پولی است» سازگار خواهد شد.

نیلی و همکاران (۱۳۸۵، ص ۴۰) در کتاب تحلیل تجربی تورم، حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی را موجب مخدوش شدن استقلال بانک مرکزی و بی انضباطی‌های زیادی در سیاست‌های پولی و پایداری تورم در ایران دانسته‌اند. پایداری تورم مانع از کاهش آن به سطوح قابل کنترل می‌گردد. بر اساس این پژوهش، پایدار بودن سطح تقاضای کل، بزرگ بودن اندازه دولت و اتکای فراوان آن به منابع بانکی، عدم استقلال بانک مرکزی و پائین بودن درجه اعتبار سیاست‌های پولی، وجود انتظارات تورمی گذشته نگر و چسبندگی بودن دستمزدهای اسمی از مهم‌ترین علل پایداری تورم در ایران شمرده شده است.

فردریک میشکین (۱۳۸۲، ۲۷) درباره مزایای ثابت قیمت‌ها می‌گوید، در سال‌های اخیر همگان به این امر که ثبات قیمت‌ها، نرخ تورم اندک و ثابت مزایای فراوانی برای اقتصاد در بردارد، توافق نموده‌اند. ثبات قیمت‌ها از سرمایه‌گذاری بیش از حد در بخش مالی جلوگیری می‌کند، چرا که یک محیط تورمی شدید، سودآوری سرمایه‌گذاری بیش از حد را از طریق ایجاد واسطه‌گری - که موجب فرار افراد و شرکت‌ها از هزینه‌های تورمی می‌گردد- افزایش می‌دهد. ثبات قیمت‌ها، نااطمینانی در مورد قیمت‌های نسبی و سطح قیمت‌های آینده را کاهش داده و اتخاذ تصمیم توسط افراد و شرکت‌ها را تسهیل می‌نماید و در نتیجه باعث افزایش کارایی اقتصادی می‌گردد و همچنین ثبات قیمت‌ها اختلالات ناشی از تعامل نظام مالیاتی و تورم را کاهش می‌دهد. تمام مزایای یاد شده به این مفهوم است که تورم پایین و ثابت می‌تواند حجم منابعی را که برای تولید در اقتصاد اختصاص داده شده افزایش دهد و باعث افزایش نرخ رشد اقتصادی گردد. در نتیجه، هم نظریه‌ها و هم شواهد حاکی از آن است که سیاست پولی باید به ثبات قیمت‌ها توجه کند.

بنا به دلایل بالا، ثبات قیمت ها تقریباً در کلیه کشورها به عنوان هدف اصلی سیاستگذاری پولی در نظر گرفته شده است. دستیابی به این مهم مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای موثر و کارآمد در امر سیاستگذاری پولی است. اجرای صحیح سیاستگذاری پولی و به کارگیری هدفمند ابزارهای پولی نیز مستلزم شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر تورّم است. با این همه، از آنجا که در کشورهای اسلامی نظیر ایران بانک مرکزی مستقل نیست و اگر هم مستقل باشد به دلیل حرمت ربا از ابزارهای لازم در جهت اجرای سیاست های پولی برخوردار نیست، قدرت کنترل حجم پول و تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی را از دست داده و مرتباً با تورّم و کاهش ارزش پول و بی ثباتی در سیاست های پولی مواجهند. در نتیجه نمی توانند آن کارکرد متّوقع را داشته و نقش خود را در جهت ثبات سازی ایفا کنند. نتیجه همه اینها مواجه بودن سیاست های پولی با چندین چالش عمده است. مهم ترین این چالش ها عبارتند از: ۱- کمبود ابزارهای لازم برای اجرای سیاست های پولی به دلیل حرمت نرخ بهره و در نتیجه ربوی دانستن ابزارها، ۲- عدم ثبات سیاست های پولی به دلیل حاکمیت سیاست مالی بر آن و در نتیجه کاهش اعتبار دو حوزه سیاستگذاری پولی و مالی، ۳- کمبود ادبیات و فراهم نبودن بستر لازم فقهی و حقوقی میزان تعهد هر یک از متولیان سیاست مالی و سیاست پولی به عنوان یکی از علل عدم هماهنگی بین سیاست های پولی و مالی و در نتیجه متزلزل شدن اهداف سیاست های پولی و معلوم نبودن سطح و چگونگی استقلال بانک مرکزی و تعهد دولت ۴- نداشتن راهکاری برای رفع و تعدیل اثر منفی آن بر توزیع درآمد و در نتیجه نداشتن پل ارتباطی برای برخورداری از نتایج مثبت رشد کوتاه مدت و اجتناب از آثار تورّمی بلند مدت از چالش های عمده سیاست های پولی به شمار می رود.

در نظام اقتصادی اسلام همه این چالش ها به صورت روشمند و مبنایی حل خواهد شد و پشتوانه قانونی پیدا نخواهد کرد مگر این که پیش تر ادبیات فقهی و حقوقی لازم برای آن فراهم شده باشد. این مهم به دست نمی آید مگر این که در مرحله موضوع شناسی، تحلیلی جامع از ماهیت پول داشته باشیم. این تحلیل می تواند بستر فقهی و حقوقی منضبط کردن سیاست های پولی را از حیث هدف سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام فراهم کرده و میزان تعهد و جایگاه هر یک از دولت و بانک مرکزی و وظایف آنها را روشن تر کند.

فراهم آوری بستر فقهی که در آن بر اساس احکام الهی تنظیم مقررات می شود لازمه اش عبور از مراحل سه گانه است. می دانیم، لازمه ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف نظام اولاً نمایاندن میزان و اهمیت جایگاه هر یک از آنها است و ثانياً تصویب قوانین لازم برای آن و تنظیم مقررات است، این مرحله اول. مرحله دوم استخراج این قوانین و مقررات از مبانی است و مرحله سوم استخراج مبانی از منابع است. در نظام های سکولار مقررات دارند. این مقررات را از مبانی هم

استخراج می کنند. اما استخراج مبانی دیگر از منبع خاصی نیست. هر جا که عقل ابزاری شان تشخیص بدهد می تواند منبع باشد. یک موردش همین تعیین سطح استقلال بانک مرکزی است که بر اساس نظام دموکراسی آن را به رأی مردم منسوب می کنند و بر عهده دولت منتخب مردم می گذارند.

در نظام اسلامی هم برای تنظیم امور قوانین و مقررات لازم داریم. این قوانین و مقررات هم از مبانی استخراج می شوند و مبانی هم از منابع استخراج می شود آلا این که منابع مشخص هستند. این منابع عبارتند از وحی الهی، سنت معصومین، عقل و تحت شرایطی اجماع. استخراج مبانی از منابع در اسلام بر عهده فقه گذاشته شده است. فقه از روش اجتهادی برای استنباط مبانی دینی و احکام الهی از منابع چهار گانه بهره می گیرد. احکام الهی هم بر محور موضوعات و عناوین می گردد<sup>۶۵</sup>. کار فقیه در این فرایند استنباط احکام کلی شرعی است. اما شناخت موضوع و مفاهیم عناوین و اطلاق عناوین بر موضوعات بر عهده عرف عام و در صورت تخصصی بودن بر عهده عرف خاص و کارشناس فن گذاشته شده است و تنها در یک مواردی خاصی بر عهده خود فقیه گذاشته می شود. پول از جمله موضوعاتی است که پیش تر اثبات کردیم شناخت ماهیتش تنها از عهده کارشناس فن بر می آید. پس از آن است که می توانیم به سراغ احکام شرعی رفته و به استنباط آنها پردازیم.

در طی فصول گذشته در جایگاه کارشناس فن به تحلیل ماهیت پول پرداختیم و در نهایت تحلیلی جدید از آن ارائه کردیم. این تحلیل می تواند بستر فقهی و حقوقی ضابطه مند کردن سیاست های پولی را فراهم کرده و میزان تعهد و جایگاه هر یک از دولت و بانک مرکزی و وظایف آنها را مشخص تر کند. در نتیجه از حیث نظری تراحم بین دو سیاست پولی و مالی به صورت قاعده مند و شفاف حل و فصل شده و اعتبار سیاستگذاران در هر دو حوزه با افزایش ثبات سیاست ها، افزایش خواهد یافت. برای دستیابی به این هدف و منظور بهتر دیدیم ابتدا نهاد دخیل در تعیین اهداف سیاست های پولی را که در محافل اقتصادی محل بحث است در نظام مردم سالاری دینی روشن تر کنیم. فرضیه پژوهش این است که در نظام مردم سالاری دینی مردم از کارگزاران می خواهند که بر اساس آموزه های دین بر آنها حکومت کنند. مسلماً اگر دین در زمینه حفظ ارزش پول رهنمودی داشته باشد، وفاق بین ملت و دولت و تمام نهادهای نظام در تبعیت از آن بیشتر حاصل خواهد شد. در نتیجه دولت و ملت و نهاد بانک مرکزی هماهنگ و مشترک به مبارزه با تورم بخواهند خاست. به لحاظ نظری، ارایه رهنمود به وسیله دین در باره

<sup>۶۵</sup>. الاحکام تدور حول العناوین



اهداف سیاست های پولی با توجه به پشتوانه قانونی بسیار محکمی که پیدا می کند همه را به همگامی با آن بسیج می کند و نتایج سریع تر و بهتری در پی خواهد داشت.

پرسش های اصلی این فصل در باره هدف سیاست های پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام است. لذا برای پاسخ به آنها ابتدا چگونگی تعیین هدف سیاست های پولی در نظام دموکراسی غربی و نهاد تعیین کننده آن را بررسی می کنیم. زیرا در این نظام تعیین هدف سیاست پولی را بر عهده دولت منتخب مردم گذاشته و به رأی مردم منسوب می کنند و استقلال بانک مرکزی را در سطح استقلال در ابزار تعریف می کنند. آنگاه به همان روش به مطالعه چگونگی این امر در نظام مردم سالار دینی که در ایران با نام جمهوری اسلامی شناخته می شود، می پردازیم. سپس با روش اجتهادی به این بحث می پردازیم که بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول و بر اساس آموزه های اسلام هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام باید حفظ ارزش پول بر اساس مقیاسش باشد و در نهایت این پرسش را طرح می کنیم که آیا ترتیبات نهادی و قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت این مهم یعنی حفظ ارزش پول ملی را می کند؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مروری کوتاه بر ادبیات معمول اقتصاد و تجربیات تعدادی از کشورها در مورد ضرورت استقلال بانک مرکزی در راستای حفظ ارزش پول خواهیم داشت. سپس به بررسی قوانین و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران در این رابطه خواهیم پرداخت.

## ۵-۱. نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام دموکراسی غربی

دموکراسی (democracy) واژه ای یونانی است و از ریشه demos به معنای «مردم» و کراسیا (cratia) یا (krato) به معنای «حکومت» گرفته شده است. معادل آن در زبان فارسی «مردم سالاری» است. حکومت دموکراسی، حکومتی است که در آن شهروندان مشارکت دارند و احزاب و جامعه مدنی فعالند، حاکمیت از آن مردم است و مردم در انتخاب حاکمان و تدوین خط مشی های اساسی حکومت نقش دارند. حکومت دموکراسی گاه به صورت جمهوری است، چنان که در بسیاری از کشورهای مدعی دموکراسی برقرار است و گاه به صورت مشروطه است چنان که حکومت های انگلیس و ژاپن در عین دموکراتیک بودن، سلطنتی مشروطه نیز هستند. مبنای مشروعیت حکومت در کشورهای مدعی دموکراسی، قرارداد اجتماعی است. قوام دموکراسی به مشارکت است. مشارکت شهروندان در گزینش فرمانروایان و اخذ تصمیمات سیاسی از ویژگی های دموکراسی به حساب می آید. امروزه مشارکت شهروندان از طریق سیستم نمایندگی اعمال می گردد. افکار عمومی منشاء صلاحدید و صلاحیت ها در دموکراسی است و مجرای جهت مشروعیت

و حقانیت حکومت است. بر این اساس به پاسخ این پرسش می پردازیم که در نظام دموکراسی غربی چه نهادی باید تعهد بنیادی به ثبات قیمت ها ارائه بدهد. آیا بانک مرکزی باید مستقلاً چنین تعهدی داشته باشد یا بهتر است که چنین تعهدی پشتوانه قانونی داشته باشد؟

فردریک میشکین (۱۳۸۲، ۳۱ و ۳۲) در پاسخ به آنها ابتدا تمایز بین استقلال هدف و استقلال ابزار که دبل و فیشر (۱۹۹۴) و فیشر (۱۹۹۴) پیشنهاد داده اند را بسیار مفید می داند. وی می گوید: استقلال هدف، توانایی بانک مرکزی در تعیین اهداف خود در سیاست پولی است، و استقلال ابزار توانایی بانک مرکزی در تعیین مجموعه ابزارهای مستقل سیاست پولی برای رسیدن به هدف خود است.

به عقیده میشکین، اصول بنیادین دموکراسی مبنی بر اینکه مردم باید بتوانند کنترل خود را بر اقدامات دولت اعمال کنند، به این مفهوم است که اهداف سیاست پولی را باید دولت منتخب مردم تعیین کند. به عبارت دیگر، بانک مرکزی نباید به لحاظ هدف مستقل باشد. نتیجه این دیدگاه این است که تعهد نهادی به ثبات قیمت ها باید از طرف دولت باشد و بار پشتوانه صریح و قانونی به بانک مرکزی برای پیگیری ثبات قیمت ها به عنوان هدف اصلی و بلند مدت اعلام شود.

به نظر میشکین، نه تنها پشتوانه قانونی استقلال هدف در بانک مرکزی با اصول اولیه دموکراسی سازگار است بلکه مزایای دیگری نیز دارد که وقوع ناهماهنگی زمانی را نیز غیر محتمل تر می نماید و در عین حال، احتمال هماهنگی بین سیاست پولی و سیاست مالی را افزایش می دهد. زیرا به محض اینکه سیاست مداران نسبت به ثبات قیمت ها متعهد گردند، فشار بر بانک مرکزی توسط آنها برای انجام سیاست های انبساطی کوتاه مدت که با هدف ثبات قیمت ها ناسازگار است، دشوار می گردد. افزون بر اینکه، تعهد صحیح به ثبات قیمت ها در حقیقت تعهد به حاکم کردن سیاست پولی بر سیاست مالی است که موجب هماهنگی بهتر سیاست پولی و سیاست مالی می گردد. میشکین در ادامه می گوید، این واقعیت که دولت این اهداف را تعیین می کند تا بانک مرکزی به لحاظ هدف وابسته باشد، به این مفهوم نیست که بانک مرکزی از فرآیند تصمیم گیری خارج شده است. از آنجا که بانک مرکزی هم از اعتبار و هم از تجربه اجرای سیاست پولی برخوردار است همیشه مشاوری با بانک مرکزی توسط دولت برای تعیین این اهداف نتایج بهتری دربر خواهد داشت.

و اما در مسأله استقلال بانک مرکزی در ابزار، به نظر میشکین (۱۳۸۲، ۳۳ و ۳۴) هرچند معنای بحث های مطرح شده بالا وابستگی بانک مرکزی در هدف است، اما اصول بنیادین سیاست پولی که ترغیب ثبات قیمت ها، جلوگیری از ناهماهنگی زمانی، آینده نگری، پاسخگویی و هماهنگی سیاست مالی و پولی را توصیه می کند، دلایل قدرتمندی را مبنی بر اینکه بانک مرکزی

باید در ابزارهای خود مستقل باشد ارائه می کند. با اجازه دادن به بانک مرکزی در کنترل تعیین ابزارهای سیاست پولی، حفاظتی اضافی در برابر فشارهای سیاسی برای بهره گیری از مبادله کوتاه مدت بین تورم و اشتغال ایجاد خواهد کرد. استقلال در ابزار به این مفهوم است که بانک مرکزی بهتر می تواند از سیاست ناهماهنگی زمانی جلوگیری کند. به عقیده میشکین (همان)، این اصل مهم که سیاست پولی باید آینده نگر باشد، دلیل دیگری برای استقلال در ابزار است. استقلال در ابزار، بانک مرکزی را در مقابل بیماری هایی که ویژگی معمولی فرآیند سیاسی ناشی از نگرانی سیاستمداران مبنی بر انتخاب مجدد خود در آینده نزدیک است حفاظت می کند. بنابراین، استقلال در ابزار احتمال این را که بانک مرکزی آینده نگر باشد، بیشتر کرده و به بانک مجال می دهد تا وقفه های طولانی بین اقدامات سیاست پولی و تأثیر آن بر تورم را همراه با تعیین، تحمل کند. به نظر می رسد، شواهد اخیر نیز این عقیده را که عملکرد کلان اقتصادی هنگامی بهبود می یابد که بانک مرکزی مستقل تر باشد، تأیید می کند.

به نظر جاکوب فرانکل (۱۳۸۲، ۱۹)، هنگامی که دولت ها هدف را تعیین می کنند و بانک مرکزی از ابزار در دسترس خود برای رسیدن به اهداف استفاده می کند. مسئولیت و تعهد مشترک برای مبارزه با تورم مشهود است و استراتژی تورم زدایی مشروعیت می یابد. از سوی دیگر، اگر اهداف را صرفاً بانک مرکزی مشخص کند، این خطر وجود دارد که دولت احتمالاً خود را در مبارزه با تورم شریک نداند. حال آنکه، اگر دولت و بانک به شکل هماهنگ و مشترک به مبارزه با تورم بپردازند، مشخص می گردد که ثبات قیمت ها یک اولویت ملی و همراه با دیگر اهداف اقتصادی است و صرفاً هدف آرمانی بانک مرکزی نیست. این امر وظیفه بانک مرکزی را در توضیح دلایل سیاست های خود به عامه مردم و به بازار و در نتیجه کسب و تقویت حمایت عامه مردم که برای تلاش های پایدار تورم زدایی لازم است تسهیل می کند. نتیجه همه این مباحث این است که در یک نظام دموکراسی غربی برای بانک های مرکزی بهتر این است که در اهداف به دولت وابسته بوده و در ابزار مستقل باشند، به این صورت که برای به کارگیری سیاست پولی به منظور پیگیری هدف تعیین شده محدودیت نداشته باشند.

## ۵-۲. نهاد تعیین کننده هدف سیاست های پولی در نظام مردم سالار دینی

این نظام در ایران معاصر با نام «جمهوری اسلامی» شناخته می شود که از دو واژه تشکیل یافته است. ترکیب این دو واژه نمودار گویای روابط دین و دولت و مردم در ایران اسلامی است. جمهوریت از ماهیت حکومت حکایت می کند و طبعاً دولت باید برگزیده مردم باشد. اسلامیت نیز شاخص هویت این جمهوری است. به این معنا که مبنای هرگونه تصمیم گیری در جامعه مؤمنان باید خدا و احکام او باشد. و باید هرگونه اختلاف با رجوع به دین خدا حل و فصل شود. «وَمَا

اِخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری/۱۰). به حتم چنین جامعه ای که ولایت و حاکمیت را تنها از آن خدا می داند به غیر قانون و حکم خدا تن نمی دهد. «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف/۴۰) اساس این دیدگاه بر این معنا قرار دارد که مالک تمام هستی خدا است «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (بقره/۲۸۴) و سررشته و اختیار هستی نیز به دست او است «قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری/۹) و شخص مؤمن که برای خدا چنین منزلتی قایل است. همواره او را ولی و اختیاردار خود می داند «أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (یوسف/۱۰۱) کسی که این حقیقت را که غیر از او هیچ ولی و صاحب اختیاری وجود ندارد، درک کرده باشد «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ» (سجده/۴) خود را تحت ولایت و سرپرستی او قرار می دهد و خداوند نیز ولایت خاص خودش را از او دریغ نمی کند. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۵۷) چنین کسی این حقیقت را دریافته است که خداوند بهترین مولا است «نِعْمَ الْمَوْلَى» (انفال/۴۰) و اگر او را به ولایت بر خود برگزیند، از هر مولای دیگر بی نیاز است. نشانه پذیرش ولایت خدا، در عرصه عمل فردی، تن دادن به احکام او است و در صحنه اجتماع دل بستن به غیر قانون الهی است. پذیرش قانونی غیر از قانون خداوند کفر ورزیدن به ربوبیت تشریحی او است «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا يَحْكُمُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده/۴۴). از این رو، در نظام مردم سالار دینی، دین راهنما و منشأ مشروعیت است و مردم با گزینش کارگزاران شایسته از آنها می خواهند که بر اساس دین و قوانین اسلامی بر آنها حکومت کنند. به فرمایش امام خمینی (ره) (۱۳۶۰، ۳۴) «حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خدا است و قانون، فرمان و حکم خدا است. قانون اسلام با فرمان خدا، بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد». و از آنجا که این احکام عادلانه است در نتیجه پذیرش، رضایت و تبعیت همگان را در پی دارد و در نهایت براساس آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف مشمول برکات آسمان و زمین خواهد شد «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَفَرُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۶۶</sup> (اعراف / ۹۶).

بر این اساس در نظام جمهوری اسلامی مردم با گزینش کارگزاران شایسته از آنها می خواهند که بر اساس دین و آموزه های اسلام بر آنها حکومت کنند. بنابراین، رهنمودها و آموزه های دین چه به صورت اوامر و نواهی مولوی و چه به صورت اوامر و نواهی ارشادی در باره حفظ ارزش پول به عنوان هدف اصلی سیاست های پولی می تواند کمک کار سیاستگذاران در جهت حل و فصل

<sup>۶۶</sup> و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند مسلماً (درهای) برکت هایی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم، و لکن (آیات ما را) تکذیب کردند، پس آنها را به سزای آنچه کسب می کردند دچار ساختیم. [برکات به معنای هر خیر کثیری است، مثل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد و...]

دعاوی و ایجاد کننده هماهنگی بین آنها باشد. به لحاظ نظری، ارائه رهنمود به وسیله دین در باره اهداف سیاست های پولی با توجه به پشتوانه قانونی بسیار محکمی که پیدا می کند همه را به همگامی با آن بسیج می کند و نتایج سریع تر و بهتری در پی خواهد داشت.

پیش از پرداختن به رهنمودها و آموزه های اسلام درباره هدف سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام لازم است به این نکته اشاره کنم که رهنمودها و احکام به سه دسته تقسیم می شوند:

مصرّح: منصوص در متون دینی (وحی، گفتار و کردار معصوم)،

مستتر: قابل استنباط از کلیات دینی مصرّح و اصول و قواعد عقلی،

مسکوت: وانهاده شده به عقل و تجربه انسان ها و رضا و رأی مردم.

دسته اول و دوم یعنی حقوق و احکام مصرّح و مستتر به اتکاء و استناد عقل و نقل، با فرآیند علمی تعریف شده و ضوابط و قواعدی مشخص که اجتهاد نامیده می شود به اهتمام متخصصان و دین شناسان اسلامی و با لحاظ مقتضیات متطور و متنوع زمانی و مکانی باید استخراج و تبیین گردد. دسته سوم از احکام و مقررات نیز که در اصطلاح دینی «مباحات» نامیده می شوند به نظر عقلا و مردم وانهاده شده است. هدف سیاست های پولی مانند سیاست هدف گذاری برای کنترل تورّم جهت حفظ ارزش پول و ثبات قیمت ها در راستای دوری از مفاسد مترتب بر تورّم و رسیدن به مصالح و مزایای حفظ ارزش پول از نوع اول که مصرّح در متون دینی باشد نیست. از نوع سوم که مسکوت و وانهاده شده باشد هم نیست، بلکه از نوع دوم یعنی مستتر و قابل استنباط از کلیات مصرّح دینی و اصول و قواعد فقهی و عقلی است. حفظ ارزش پول به عنوان هدف اصلی سیاست های پولی هم به طور مستقیم از طریق تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول قابل استنباط است و هم به طور غیر مستقیم از طریق رهنمودها و احکام لوازم و آثار مفسده انگیز تورّم قابل استنباط است. به این صورت که سیاست های پولی بی رویه تورّم زا آثار و لوازمی دارد که شرع ملتزم به آن آثار و لوازم نیست. در این فصل تنها آثار مخدوش کننده وظایف پول و عدم التزام شارع به آنها بررسی می شود.

### ۵-۳. هدف اصلی سیاست های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط)

#### (مستقیم)

در روش اجتهادی از آنجا که احکام دایر مدار موضوعات و عناوین هستند، ابتدا بایستی موضوع به وسیله عرف عام و در صورت تخصصی بودن به وسیله عرف خاص و اهل فن شناخته شود سپس به سراغ احکام رفت. لذا در فصل گذشته در باره پول موضوع شناسی تحلیلی جامعی انجام شد.

نتیجه این شد که «پول های کنونی همه مراتبش اعتباری است و با قرارداد و اعتبار پدید آمده است». در هر حال، آنچه که برای تحلیل ما در راستای استنباط حکم حفظ ارزش پول به عنوان هدف اصلی سیاست های پولی از منابع دینی مهم و کافی است قراردادی بودن واحد پول است که در همه نظام های پولی یکسان صورت می گیرد.

اکنون این پرسش مهم مطرح است که رعایت مفاد این قرارداد و پیمان چه حکمی دارد و از چه اهمیتی برخوردار است؟ آیا دولت ها می توانند اصل پایبندی را به راحتی زیر پا بگذارند؟ یا نه؛ آیا این پیمان لازم الوفا است؟ آیا باید همه پیمان ها به زبان آورده شوند و یا مکتوب شوند؟ پاسخ به همه پرسش های بالا از مفاد آیه دوم سوره مائده قابل استنباط است.

### ۵-۳-۱. تمسک به آیه شریفه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)

در سوره مائده آیه دوم، خداوند فرموده است: «به عقود وفا کنید». در بیان استناد به این آیه، چهار مطلب باید توضیح داده شود، اول آن که منظور از عقد چیست و شامل چه مصادیقی می شود؟ و دوم این که وفای به عقد یعنی چه؟ و سوم این که آیا لازم است عقد و عهد به صورت لفظی باشد؟ و چهارم این که اهمیت رعایت عهد و پیمان فردی و اجتماعی در اسلام و درسیره عقلا تا چه اندازه است؟ و یک مطلب پنجم در مقایسه اسلام با دیگر سنت های اجتماعی در مسأله عهد و وفای به آن.

### مطلب اول: معنای عقد

عقد در لغت به معنای عهد، پیمان و قرارداد است. ابن اثیر می نویسد: «المعاهدة: المعاهدة و الميثاق». (النهاية في غريب الحديث والاثار، امام مجد الدین ابن اثیر، ج ۳ / ۲۷، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان) و فیومی می نویسد: «عقدت الحبل عقداً ... ما یمسکه و یوثقه و منه قیل عقدت البیع ... و عقده النکاح و غیره احکامه و ابرامه». (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، العلامة فیومی، ج ۲ / ۵۷۵، دارالکتب العلمیه). عقد، عهدی است که در آن طرفین دارای تعهد می شوند و با تصمیم بر استحکام و تشدید، آن را منعقد می کنند. عقد از ریشه عَقَدَ (الحبل) به معنای بستن (ریسمان) اتخاذ شده است و استعمال آن در عهد قلبی تشبیه و استعاره است؛ گویی عقد قلبی به بستن طناب و ریسمان تشبیه شده و همان گونه که باز کردن گره ریسمان مشکل است، باز کردن عهد قلبی که برگشتن از آن و به هم زدن آن است نیز مشکل است. باید توجه داشت منظور این آیه، عقد در اصطلاح فقها، یعنی مطلق آنچه که مرکب از ایجاب و قبول

باشد، نیست، بلکه همان معنای لغوی و عرفی است؛ زیرا قرآن مجید به زبان عرف سخن می‌گوید، نه به زبان اهل فن و اصطلاح (محقق داماد، ج ۲، ص ۱۶۲).

علامه طباطبایی (ره) (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۵۸) در تفسیر آیه شریفه (یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) می‌گوید، "کلمه "عقود" در آیه شریفه جمع عقد است، و عقد به معنای گره زدن و بستن چیزی است به چیز دیگر، بستن به نوعی که به خودی خود از یکدیگر جدا نشوند، مثل بستن و گره زدن یک طناب و یک ریسمان به طناب و ریسمانی مثل خودش و لازمه گره خوردن این است که هر یک ملازم دیگری باشد، و از آن جدا نباشد، و این لوازم در گره خوردن دو چیز محسوس در نظر مردم معتبر بوده، و سپس همه اینها را در گره‌های معنوی نیز معتبر شمردند، مثلاً در عقد معاملات از خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات معمول و نیز در عهدها و پیمان‌ها کلمه عقد را اطلاق کردند، چون اثری که در گره زدن هست در اینها نیز وجود داشت و آن اثر عبارت بود از لزوم آن پیمان و التزام در آن. و چون عقد- که همان عهد باشد- شامل همه پیمان‌های الهی و دینی که خدا از بندگانش گرفته می‌شود و نیز شامل ارکان دین و اجزای آن چون توحید و نبوت و معاد و سایر اصول عقائد و اعمال عبادتی و احکام تشریحی و امضایی و از آن جمله شامل عقد معاملات و غیره می‌شود، و چون لفظ "العقود" جمع محلی به الف و لام است، لا جرم مناسب‌تر و صحیح‌تر آن است که کلمه "عقود" در آیه را حمل کنیم بر هر چیزی که عنوان عقد بر آن صادق است. با این بیان روشن می‌شود که معنای خاصی که بعضی از مفسرین برای عقد کرده‌اند صحیح نیست، یکی گفته: مراد از عقود عقودی است که در بین مردم جریان دارد، مانند عقد بیع و نکاح و عهد، و یا عهدی که آدمی خودش با خود می‌بندد، مثلاً سوگند می‌خورد که فلان کار را بکند یا نکند، و دیگری گفته: مراد از عقود پیمان‌هایی است که اهل جاهلیت در بین خود می‌بستند، مبنی بر اینکه یکدیگر را در هنگامی که مورد حمله قرار گرفتند یاری دهند، و یا اگر کسی خواست به آنها زور بگوید از او جلوگیری نمایند و این همان حلفی است که در مردم جاهلیت دائر بوده، و در سر زبانها معروف است. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد از "العقود" میثاق‌هایی است که از اهل کتاب گرفته می‌شده، که بدانچه در تورات و انجیل هست عمل کنند اینها وجوهی است که در معنا و مراد به کلمه "عقود" ذکر کرده‌اند، و بر هیچ یک از آنها دلیلی از ناحیه لفظ آیه نیست، علاوه بر اینکه ظاهر جمع محلی به الف و لام- صیغه جمعیه که الف و لام در اولش در آمده باشد- عمومیت را می‌رساند، و نیز مطلق آمدن عقد که در عرف شامل همه عقود می‌شود از این وجوه نمی‌سازد. قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می‌کنید، دلالت دارد بر اینکه دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این

دستور عمومی است، که شامل همه مصادیق می‌شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می‌گیرد، و عقد عبارت است از هر فعل و قولی که معنای عقد لغوی را مجسم سازد، و آن معنای لغوی عبارت است از برقرار کردن نوعی ارتباط بین یک چیز و بین چیز دیگر، به طوری که بسته به آن شود، و از آن جدایی نپذیرد، مانند عقد بیع، که عبارت است از نوعی ربط ملکی بین کالا و مشتری، به طوری که مشتری بعد از عقد بتواند در آن کالا به هر جوری که بخواهد تصرف کند، و علاقه‌ای که قبلاً فروشنده با آن کالا داشت قطع شود، و دیگر نتواند در آن کالا دخل و تصرف کند چون دیگر مالکیتی در آن ندارد. و مثل عقد نکاح که عبارت است از ایجاد رابطه زناشویی بین زن و مردی بنحوی که آن مرد بتواند از آن زن تمتع ببرد و عمل زناشویی با او انجام دهد و آن زن دیگر نتواند چنین رابطه‌ای با غیر آن مرد برقرار نموده، مردی دیگر را بر ناموس خود تسلط دهد، و مانند عهده‌ی که صاحب عهد شخص معهود له را بر خود مسلط می‌سازد، تا آن عهد را برای او وفا کند، و نتواند عهد بشکند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۵۹).

### مطلب دوم: معنای وفای به عقد

در مورد وفای به عقد باید گفت منظور از آن اجرای عقد یا به عبارت دیگر قیام به مدلول عقد است. اگر عقد تملیکی باشد، اجرای مدلول آن، مترتب ساختن اثر حاصل از عقد است. برای مثال، اثر عقد تملیکی بیع، انتقال مبیع به مشتری است. در این جریان اگر بایع وفای به عهد کند، یعنی مبیع را ملک مشتری بداند و آن را به او تسلیم کند، مشتری هم باید ثمن را ملک بایع بداند و آن را به او تسلیم کند و به علاوه هر یک از طرفین از حین عقد باید تصرفات دیگری را در اموال انتقال داده شده مجاز و تصرفات خود را غیر مجاز بداند و اگر عقد مانند عقد نکاح، عهده‌ی باشد، اثرش ایجاد رابطه زوجیت است و با انعقاد عقد، زوج و زوجه باید اقدام به انجام دادن لوازم زوجیت کنند. حال با توجه به معنای عقد و وفا، و این اصل از اصول فقه که می‌گوید، صیغه امر حقیقت در وجوب است، آیه مزبور بر لزوم اجرای مدلول عقد و مترتب ساختن آثار آن دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، طرفین عقد نسبت به ترتیب آثار عقد، ملزم و متعهدند و حق فسخ و بر هم زدن آن را ندارند و این همان لزوم عقد است؛ زیرا معنای لزوم این است که کسی نمی‌تواند به مدلول عقد عمل نکند و با توجه به اینکه فسخ، به هم زدن معامله و عدم اجرای مدلول آن است، کسی که ملزم به وفای عقد است در فسخ عقد مجاز نیست (محقق داماد، جلد ۲، ص ۱۶۳). بنابراین آنچه گفته شد مدلول آیه شریفه این است که کلیه عقود واجب الوفا و لازم هستند، مگر آنکه دلیلی خاص بر جواز عقدی اقامه شود که در این صورت، آن دلیل مخصص عموم آیه است. برای مثال اگر دلیلی



اقامه شود که هبه، عقدی جایز است یا آنکه عقد بیع قبل از انقضای مجلس جایز است، نسبت اینگونه ادله و نصوص به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، نسبت تخصیص است.

از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می شود که نخست، عقود اذنی که مفادش بالطبع و بالذات شدت و استحکامی ندارد، از همان اوّل از شمول مدلول آیه شریفه بیرون است و به اصطلاح اصولی، تخصّصاً خارج است؛ ولی خیارى شدن عقود لازم و نیز عقود جایز تملیکی، مانند هبه و معاطات، تخصیصاً خارج است؛ زیرا خروج آنها از عموم آیه شریفه به علّت وجود دلایل و نصوص خاص است. بر این استدلال نظیر سایر دلایل، ایراد شده که تمسک به عموم «أَوْفُوا» پس از فسخ عقد، از قبیل تمسک به عام در شبهات مصداقیه عام است؛ زیرا پس از فسخ، بقای عقد مورد تردید است و محتمل است که فسخ مؤثر بوده و عقد منحل شده باشد. بنابراین، عقدی باقی نمی ماند تا مصداق وجوب وفا قرار گیرد. در پاسخ به این ایراد محقق داماد در قواعد فقه (محقق داماد، ج ۲، ص ۱۶۴) می گوید، با توجه به معنای وجوب وفا، این ایراد مردود است؛ زیرا در این آیه امر به وفا، امری مولوی است که لازمه آن حکم وضعی لزوم عقد است و باوجود این امر مولوی، اثر فسخ منتفی است؛ چرا که مؤثر بودن فسخ و انحلال عقد، با وفای به آن منافات دارد.

### مطلب سوم: عدم لزوم بیان عقد و عهد به زبان

در این مورد و ذیل آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» علامه طباطبایی (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۶۱) می گوید، زمانی که عهدی عملی به اجتماع بدهیم، و عهدی از اجتماع بگیریم، هر چند که این عهد را با زبان جاری نکنیم چون زبان تنها در جایی دخالت پیدا می کند که بخواهیم عهد عملی خود را برای دیگران بیان کنیم، پس ما همین که دور هم جمع شده و اجتماعی تشکیل دادیم در حقیقت عهدها و پیمانهای بین افراد جامعه خود مبادله کرده ایم هر چند که به زبان نیآورده باشیم و اگر این مبادله نباشد هرگز اجتماع تشکیل نمی شود، و بعد از تشکیل هم اگر به خود اجازه دهیم که یا به ملاک اینکه زورمندیم و کسی نمی تواند جلوگیری ما شود و یا به خاطر عذری که برای خود تراشیده ایم این پیمان های عملی را بشکنیم اولین چیزی را که شکسته ایم عدالت اجتماعی خودمان است که رکن جامعه ما است و پناهگاهی است که هر انسانی از خطر اسارت و استخدام و استثمار به آن رکن رکن پناهنده می شود. در روایتی از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده که اگر کسی با اشاره پیمانی را به عهده بگیرد باید به آن وفا کند: «إِذَا أَوْمَى أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَوْ أَشَارَ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَتَنْزَلَ عَلَى ذَلِكَ فَهَوَ فِي أَمَانٍ» (مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۳۵۰).

## مطلب چهارم: در مورد اهمیت رعایت عهد و پیمان در اسلام و در سیره عقلا

قرآن کریم در وفاء به عهد به همه معانی که دارد تاکید شدید نموده تاکیددی که شدیدتر از آن نمی‌شود و کسانی که عهد و پیمان را می‌شکنند را به شدیدترین بیان مذمت کرده است و کسانی را که پای بند وفای به عهد خویشند در آیاتی بسیار ستوده است. و لحن آیات به گونه ای است که دلالت می‌کند بر این که خوبی وفای به عهد و زشتی عهدشکنی از فطریات بشر است و واقع هم همین است.

به گفته علامه طباطبایی(ره)(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص، ۱۶۱) علت و ریشه این مطلب این است که بشر در زندگیش هرگز بی نیاز از عهد و وفای به عهد نیست، نه فرد انسان از آن بی نیاز است و نه مجتمع انسان و اگر در زندگی اجتماعی بشر که خاص بشر است دقیق شویم، خواهیم دید که تمامی مزایایی که از مجتمع و از زندگی اجتماعی خود استفاده می‌کنیم و همه حقوق زندگی اجتماعی ما که با تامین آن حقوق آرامش می‌یابیم، بر اساس عقد اجتماعی عمومی و عقدهای فرعی و جزئی مترتب بر آن عقدهای عمومی استوار است، پس ما نه از خود برای انسانهای دیگر اجتماعان مالک چیزی می‌شویم، و نه از آن انسانها برای خود مالک چیزی می‌شویم، مگر زمانی که عهدی عملی به اجتماع بدهیم و عهدی از اجتماع بگیریم، هر چند که این عهد را با زبان جاری نکنیم. چون زبان تنها در جایی دخالت پیدا می‌کند که بخواهیم عهد عملی خود را برای دیگران بیان کنیم، پس ما همین که دور هم جمع شده و اجتماعی تشکیل دادیم در حقیقت عهدها و پیمان هایی بین افراد جامعه خود مبادله کرده‌ایم هر چند که به زبان نیاورده باشیم و اگر این مبادله نباشد هرگز اجتماع تشکیل نمی‌شود و بعد از تشکیل هم اگر به خود اجازه دهیم که یا به ملاک اینکه زورمندیم و کسی نمی‌تواند جلوگیری ما شود و یا به خاطر عذری که برای خود تراشیده‌ایم این پیمان های عملی را بشکنیم، اولین چیزی را که شکسته‌ایم عدالت اجتماعی خودمان است که رکن جامعه ما است و پناهگاهی است که هر انسانی از خطر اسارت و استخدام و استثمار به آن رکن رکن پناهنده می‌شود.

و به همین جهت است که خدای سبحان این قدر در باره حفظ عهد و وفای به آن سفارش‌های اکید نموده، از آن جمله فرموده: " وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا " (إسراء: ۳۴) و این آیه شریفه مانند غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده هم شامل عقدهای فردی و بین دو نفری است و هم شامل عقدهای اجتماعی و بین قبیله‌ای و قومی و امتی است بلکه از نظر اسلام وفای به عقدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عقدهای فردی است، برای اینکه عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بلائی عمومی‌تر است.

در نهج البلاغه در فرمان مالک اشتر چنین می‌خوانیم:

«فانه ليس من فرائض الله شيء الناس اشد عليه اجتماعا مع تفرق اهوائهم و تشتت آرائهم من تعظيم الوفاء بالعهد، و قد لزم ذلك المشركون فيما بينهم دون المسلمين لما استولوا من عواقب الغدر»

" در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان - با تمام اختلافاتی که دارند - مورد اتفاق نیست به همین جهت بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمان ها را در میان خود محترم می‌شمردند زیرا عواقب دردناک پیمان شکنی را دریافته بودند " (نهج البلاغه، نامه‌های علی (ع)، نامه ۵۳) و نیز از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده که فرمود:

«ان الله لا يقبل الا العمل الصالح و لا يقبل الله الا الوفاء بالشروط و العهود»

" خداوند چیزی جز عمل صالح از بندگان خود نمی‌پذیرد و جز وفای به شروط و پیمانها را قبول نمیکند " ( سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۲۹۴).

و از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

«لا دين لمن لا عهد له»

" آن کس که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد " ( بحار الانوار، جلد ۱۶، صفحه ۱۴۴).

و روی همین جهت، موضوع وفای به عهد از موضوعاتی است که هیچگونه تفاوتی در میان انسانها در باره آن نیست خواه طرف پیمان مسلمان باشد یا غیر مسلمان و به اصطلاح از حقوق انسان است نه از حقوق برادران دینی.

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

«ثلاث لم يجعل الله عز و جل لاحد فيهن رخصة: اداء الامانة الى البر و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر، و بر الوالدین برین کانا او فاجرین!»

" سه چیز است که خداوند به هیچ کس اجازه مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت در مورد هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و وفای به عهد در باره هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار " (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲).

**مطلب پنجم: مقایسه اسلام با دیگر سنت‌های اجتماعی در مساله عهد و وفای به آن**

علامه طباطبایی (ره) (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص، ۱۶۲) در این مورد می‌گوید، اگر بین سنت و سیره اسلام و سنتی که سایر امت‌های متمدن و غیر متمدن در خصوص احترام عهد و پیمان دارند مقایسه کنی و مخصوصا اخباری را که همه روزه از رفتار امت‌های قوی با کشورهای ضعیف می‌شنویم که در معاملات و پیمانهایشان چگونه معامله می‌کنند؟! و در نظر بگیری که تا زمانی که با پیمان خود آنها را می‌دوشند پای بند پیمان خود هستند، و زمانی که احساس کنند

که عهد و پیمان به نفع دولتشان و مصالح مردمشان نیست آن را زیر پا می‌گذارند، آن وقت فرق بین دو سنت را در رعایت حق و در خدمت حقیقت بودن را لمس می‌کنی. آری سزاوار منطق دین همین و لایق منطق آنان همان است. چون در دنیا بیش از دو منطق وجود ندارد. یک منطق می‌گوید: باید حق رعایت شود، حال رعایت آن به هر قیمتی که می‌خواهد تمام شود، زیرا در رعایت حق، مجتمع سود می‌برد و منطقی دیگر می‌گوید: منافع مردم باید رعایت شود، حال به هر وسیله‌ای که می‌خواهد باشد، هر چند که منافع امت با زیر پا گذاشتن حق باشد، منطق اول منطق دین، و دوم منطق تمامی سنت‌های اجتماعی دیگر است، چه سنت‌های وحشی، و چه متمدن، چه استبدادی و دموکراتی، و چه کمونیستی و چه غیر آن. اسلام عنایتی که در باب رعایت عهد و پیمان دارد منحصر در عهد اصطلاحی نکرد، بلکه حکم را آن قدر عمومیت داد که شامل هر شالوده و اساسی که بر آن اساس بنائی ساخته می‌شود بگردد، و در باره همه این عهدها چه اصطلاحی و چه غیر اصطلاحی سفارش فرمود.

### خلاصه و نتیجه بحث:

تحلیل مال اعتباری می‌گوید، پول از هر نوع و از هر حیث امری قرار دادی و عهد و پیمانی اجتماعی است. قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می‌کنید، دلالت دارد بر این که دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، که شامل همه مصادیق می‌شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می‌گیرد لذا شامل پول هم که یک پیمان اجتماعی است می‌شود. اسلام عنایتی که در باب رعایت عهد و پیمان دارد منحصر در عهد اصطلاحی نکرد، بلکه حکم را آن قدر عمومیت داد که شامل هر شالوده و اساسی که بر آن اساس بنائی ساخته می‌شود بگردد، و در باره همه این عهدها چه اصطلاحی و چه غیر اصطلاحی سفارش فرمود. غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده هم شامل عهدهای فردی و بین دو نفری است، و هم شامل عهدهای اجتماعی و بین قبیله‌ای و قومی و امتی است، بلکه از نظر اسلام وفای به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عهدهای فردی است، برای اینکه عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بلائی عمومی‌تر است چنانچه در پول می‌بینیم نقض عهد چه مصیبت‌ها و مفسد سنگینی برای اجتماع و اقتصاد به همراه دارد. زمانی که عهدی عملی به اجتماع بدهیم، و عهدی از اجتماع بگیریم، هر چند که این عهد را با زبان جاری نکنیم چون زبان تنها در جایی دخالت پیدا می‌کند که بخواهیم عهد عملی خود را برای دیگران بیان کنیم، پس ما همین که دور هم جمع شده و اجتماعی تشکیل دادیم در حقیقت عهدها و پیمانهایی بین افراد جامعه خود مبادله کرده‌ایم هر چند که به زبان نیاورده باشیم و اگر این مبادله نباشد هرگز اجتماع تشکیل نمی‌شود، و بعد از تشکیل هم اگر به

خود اجازه دهیم که یا به ملاک اینکه زورمندیم و کسی نمی‌تواند جلوگیری ما شود، و یا به خاطر عذری که برای خود تراشیده‌ایم این پیمان‌های عملی را بشکنیم، اولین چیزی را که شکسته‌ایم عدالت اجتماعی خودمان است، که رکن جامعه ما است، و پناهگاهی است که هر انسانی از خطر اسارت و استخدام و استثمار، به آن رکن رکن پناهنده می‌شود.

بنابراین، به حکم اولی رعایت مفاد قانون پولی که در آن حفظ ارزش پول ملی بر اساس مقیاسش تعهد شده لازم الوفا است. دولت اسلامی نمی‌تواند از آن عدول کند. عدول از این حکم تنها به حکم ثانوی ممکن است و در جایی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام، آن هم تا زمان وجود مصلحت به او اجازه داده باشد. توجه داریم که احکام اضطراری و مصلحتی موقتی و محدود بوده و تنها دایره مصلحت را شامل می‌شود.<sup>۶۷</sup>

#### ۴-۵. هدف اصلی سیاست‌های پولی در نظام اقتصادی اسلام (استنباط غیر

#### مستقیم)

سیاست‌های پولی تورم‌زا به ویژه انتشار پول اضافی افزون بر آثار ناگوار بر کل اقتصاد، اثراتی بر پول و وظایف آن می‌گذارد که شرع ملتزم به آن آثار نیست. پژوهش حاضر برای بررسی این بخش از اثرات که مستقیماً به وظیفه اصلی بانک مرکزی یعنی حفظ ارزش پول ملی مربوط است، ابتدا پول و وظایف آن را در اقتصاد به اختصار بر شمرده، سپس طی بررسی برخی از آیات و روایات به انطباق احکام کلی موجود در آنها بر این آثار می‌پردازد. و در نهایت نتیجه می‌گیرد، بر اساس این رهنمودها و آموزه‌ها، بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر وظیفه اصلی اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند و سیاست هدف‌گذاری برای کنترل تورم و حفظ ارزش پول را وجهه نظر خودش قرار بدهد و از هر عملی که آن را مخدوش می‌کند، پرهیز نماید.

#### پول و وظایف آن

غرض مردم از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده پولی است که از آن می‌برند. اقتصاددان‌ها هم در این جهت یعنی بیان مفهوم پول اختلافی با عرف مردم ندارند و مانند آنها پول را تعریف می‌کنند، چنانچه هیکس (Hicks, ۱۹۶۷, ۱) به صراحت می‌گوید، پول چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد. هریس (Harris, ۱۹۸۱, ۳) آن را تفصیل داده می‌گوید، پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش ارزش و ذخیره ارزش باشد. گردش روان اقتصاد جامعه به چیزی نیازمند است که این سه وظیفه را به خوبی انجام دهد. و اگر در هر یک از وظایف آن خدشه‌ای وارد شود، اقتصاد دچار بحران و در معرض از هم پاشیدگی قرار می‌گیرد.

<sup>۶۷</sup> . شرایط عدول از اصل اولی حفظ ارزش پول و محدوده آن به تفصیل در فصل بعد در خواهد آمد.

افزون بر اینکه هیچ چیز دیگری هم نمی تواند جای پول را بگیرد. جریان پول در اقتصاد همچون جریان خون در بدن انسان است. غلظت آن موجب رکود و رقتش موجب تورّم و به هم ریختگی و از بین رفتن امنیت اقتصادی است.

#### ۵-۴-۱. پول به عنوان واحد محاسبه ارزش اموال

از آنجا که بشر مدنی الطبع است، برای انجام معامله چاره ای نداشت جز اینکه معیار سنجشی برای اندازه گیری ارزش اموال خودش قرار بدهد. کالاهای مورد رغبت و نیاز انسان با اینکه در جنس، نوع، فصل و عوارض مختلفند اما در یک چیز مشترکند و آن این است که مورد رغبت و خواست انسان قرار داشته و برای آنها ارزش دارد، و خود ارزش هم درجات مختلف دارند. حال برای اینکه بفهمیم اشیاء و کالاها (اموال) در نزد اجتماع از چه مقدار ارزش برخوردار است، لازم شد یک کالای مورد رغبت انسان که میزان ارزش آن در نزد همه معلوم است، ملاک و معیار سنجش دیگر ارزش ها قرار بگیرد. از اینجا بود که افراد بشر طلا و نقره را در مراحل تکاملی پول بهترین وسیله سنجش ارزش یافت. پس از آنکه ارزش یک مقدار معین از طلا یا نقره (واحد پول) و رابطه مبادله آن با تمام کالاهای دیگر در نزد اجتماع مشخص شد، یک احساس و درک مشترک برای همه افراد جامعه پدید می آید. با این درک مشترک شخص می تواند همه اشیای دیگر را با آن ملاک و معیار سنجیده و رغبت اجتماعی را درباره آن بیابد. او می تواند ارزش یک خانه را در نزد اجتماع از ارزش یک اتومبیل در همان اجتماع تشخیص بدهد و بدین وسیله به مبادله بپردازد. اما این مقیاس سنجش گرچه همانند دیگر مقیاس هاست ولی با آنها یک فرق اساسی و مهم دارد. و آن این است که این مقیاس خود ارزشش در معرض تغییر است. اگر قرار باشد واحدهای مقادیر طبیعی مانند متر، لیتر و کیلوگرم هر سال تغییر بکنند، نتیجه اش مسلماً اغتشاش است. با وجود این، واحد سنجش ارزش اموال مردم که شاید مهم ترین واحد محاسبه در سراسر سیستم اقتصادی است، اکثر اوقات دچار نوسانات وسیعی شده است. ریال، زمانی ارزش زیادی داشت (یعنی دارای قدرت خرید مقادیر زیادی کالا و کار در بازار بوده است) ولی در حال حاضر ارزش بسیار کمتری دارد. واحد پولی برای اینکه مقیاس ارزش رضایت بخشی باشد، باید ارزش یا قدرت خرید نسبتاً ثابتی داشته باشد.

با این بیان روشن شد که ریال، دلار و پوند همانند متر، لیتر و کیلوگرم، مقیاس سنجش هستند و بلکه مهم تر از همه آنها هستند. لذا اختلال در آنها مفاسدی، بمراتب بیشتر از اختلال در دیگر مقیاس ها دارد. چنانچه همه به آن اذعان دارند. از این رو، خداوند در آیاتی از قرآن کریم به وفای به وزن و کیل امر کرده و از نقصان در آنها نهی کرده است و در برخی از روایات؛ معصومان

(علیهم السلام) از معامله با دراهم مغشوشه بر حذر داشتند. اکنون به بررسی این آیات و روایات و میزان دلالت آن‌ها بر موضوع مخدوش شدن پول به عنوان واحد محاسبه ارزش اموال مردم می‌پردازیم.

یکم: آیاتی که در آنها امر به وفای وزن و کیل شده و از نقصان در آنها نهی شده است.

۱- « أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱) وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲).

(الشعراء) از مردم (آنچه می‌فروشید) سنگ تمام بدهید و از کم فروشی کناره‌گیرید. اجناس را با میزان صحیح (و ترازوی درست) بسنجید.<sup>۶۸</sup>

قرطبی در تفسیر الجامع لاحکام القرآن آورده که (و لا تكونوا من المخسرین) یعنی از وزن و کیل کم نکنید. (قرطبی، ۱۹۸۵، ج ۶، ص ۱۳۶).

۲- « وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا »

(اسراء/ ۳۵) و هرچه را به کیل و یا وزن می‌سنجید تمام بی‌پیمائید (و کم نفروشید) و همه چیز را با ترازوی عدالت بسنجید که این کار بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

۳- « فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » (اعراف/ ۸۵)

حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید و در روی زمین، بعد از آنکه در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.

۱- « وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَ لَا

تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أُرَتُّكُمْ بَخِيرٍ وَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَّحْطِيطٍ » (هود/

۸۴). این آیه شریفه بعد از اینکه قوم شعیب را از کم فروشی در کیل و وزن بر حذر می‌دارد آنها را توصیه به عدل و انصاف نموده و به عذاب سخت که نتیجه این کم فروشی است بیم می‌دهد و آن را موجب خیانت و فساد در زمین می‌داند.

۲- « وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ » (الرحمن/ ۹) هر چیزی را به ترازوی

عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان کم فروشی و نادارستی نکنید.

۳- « وَ يَلٌّ لِلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَ إِذَا كَالَوْهُمْ أَوْ

وَزَنَوْهُمْ يَخْسِرُونَ (۳) » (المطففين/ ۱ و ۲ و ۳)

<sup>۶۸</sup> . برای ترجمه آیات از ترجمه فارسی آقای مهدی الهی قمشه ای استفاده شده است.

وای به حال کم فروشان، آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند آیا آنها نمی دانند که (پس از مرگ برای مجازات) برانگیخته می شوند؟

در تمام این آیات خداوند مردم را امر به وفای به کیل و وزن نمود. و از تقلب و کم فروشی در آن نهی کرده است، زیرا موجب رواج فساد و خیانت در زمین می شود، به فرمایش علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۹۱) در تفسیر المیزان ذیل آیه ۸۵ سوره اعراف، اگر خیانت از یک نفر صحیح باشد از همه صحیح خواهد بود و خیانت همه معلوم است که اجتماع را به چه وضعی درمی آورد. در چنین اجتماعی مردم به انواع حيله و تقلب، سم مهلك را به جای دوا و جنس معیوب و مخلوط را به جای سالم و خالص به خورد همديگر می دهند. وی در نهایت بیان می کند که نتیجه ای خیانت هم در دنیا نصیب آنها می شود چنانچه قوم شعيب در همین دنیا دچار عذاب سخت روز سایه بان شد و هم در روز قیامت به حساب آنها (کم فروشان) رسیدگی و مجازات سخت می شوند.

از کثرت این نواهی و تکرار داستان زندگی قوم شعيب و سرنوشت شوم آنها به خاطر کم فروشی در سور مختلف قرآن و اختصاص یک سوره قرآن به نام کم فروشان (المطففين) و سرزنش آنها از طرف خداوند و وعده عذاب سخت بر ای عمل ننگینشان، چنین استنباط می شود که حفظ امنیت اقتصادی و رعایت عدل و انصاف در معاملات مورد اهتمام شدید خداوند سبحان می باشد. پس اگر بر هم زدن کیل و وزن این چنین موجب فساد و خیانت در زمین شده و مستوجب عذاب سخت در دنیا و آخرت می گردد، چرا تخلف در عیار و برابری واحد پول که معیار و مقیاس سنجش تمام ارزش های اقتصادی است موجب فساد و مستوجب عذاب الهی نشود بلکه این تقلب و تخلف مفاسدی شاید به مراتب بیشتر از تقلب و تخلف در مقیاس کیل و وزن داشته باشد.

دکتر شابر(۱۹۹۲، ۵۲) بعد از بیان این آیات می گوید: «*ین ملاک ها و معیارها تنها بر افراد منطبق نیست بلکه بر اجتماع و دولت نیز منطبق است و تنها منحصر د رمقیاس های کیل و وزن متعارف نبوده بلکه همه مقیاس های ارزش را دربر می گیرد و چون پول مقیاس تمام ارزش های اقتصادی است هرگونه کاهش مستمر و مهمی در ارزش فعلی آن را می توان بر اساس قرآن به افساد در عالم تفسیر بکنیم، زیرا این کاهش اثر بسیار بدی بر عدالت اجتماعی و مصالح عمومی می گذارد.*»



دوم: در روایات معصومین (علیهم الصلاة والسلام) در نهی از معامله با دراهم

### مغشوشه

یک- مرحوم شیخ طوسی به سند معتبر از موسی بن بکر روایت می کند که گفت نزد موسی بن جعفر علیه السلام بودیم دینارهایی جلو روی آن حضرت بود، به یکی از آن ها نگاه کرد آنگاه آن را برداشت و دو نیمش کرد، سپس فرمود: «أَلْقِه فِي الْبَالُوْعَةِ حَتَّى لَا يَبَاعَ شَيْءٌ فِيهِ غَشٌّ» این را در چاه بیندازید تا با چیزی که در آن غش و ناخالصی هست خرید و فروشی صورت نگیرد. (الحرالعالمی، دت، ج ۱۲، ص ۲۹)

دو- تقلّب و غش و جنس را با مواد بی ارزش آمیخته کردن در قانون تجارت اسلام ممنوع و حرام است.

قال رسول الله: «من غشّ مسلماً في شراء او بيع فليس منّا» و در حدیث دیگر می خوانیم که «نهی رسول الله (ص) أن يشاب اللبن بالماء للبيع» (الحرالعالمی، دت، ج ۱۲، ص ۲۰۸) از میان فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، شافعی اول فقیهی است که بر اساس این روایات از آثار تورّم و کراهت ضرب دراهم مغشوشه از طرف امام مسلمین سخن به میان آورده است. نووی (ابن النووی، دت، ج ۶ باب ۱۰) از وی چنین نقل می کند:

«ضرب دراهم مغشوشه از طرف امام مسلمین مکروه است به خاطر حدیث صحیحی از رسول الله (ص) که فرمودند (من غشّنا فليس منا) و به خاطر این که بر این عمل افساد پول، اضرار به صاحبان حقوق و گرانی قیمتها، فروپاشی ارزشها و دیگر از مفسد مترتب است».

برای انطباق روایات یاد شده بر پول باید به این پرسش پاسخ دهیم که در نظام کنونی پولی ارزش پول چگونه تغییر می کند؟ بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول، ارزش پول از دو منشاء سرچشمه می گیرد. یک ارزش اولیه که منشاء آن قانون است و به حکم قانون به آن داده می شود و یک ارزش ثانویه که منشاء آن کمیایی در برابر تولید ملی واقعی است که پس از انتشار خارجی برایش حاصل می شود. پول - بر خلاف سایر اموال - ارزش اولیه اش اعتباری است و ارزش ثانویه اش همانند سایر اموال نشأت گرفته از کمیایی است. در این نظام هرگاه متناسب با رشد درآمد ملی حقیقی، دولت که از حق انتشار پول برخوردار است پول اضافی منتشر کند، ارزش پول تغییری نمی کند. اما در صورتی که دولت بدون افزایشی در تولید ملی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار گرداند - که به تورّم ناشی از فشار تقاضا می انجامد - مفهومی این است که برابری واحد پول را از بین برده و اصل پایبندی را زیر پا گذاشته

است.<sup>۶۹</sup> پس اگر دو برابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند معنایش این است که واحد پول مثلاً ریال در برابر نصف آن مقدار تعریف شده در قانون قرار گرفته است. چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد، ماهیت عمل عین کاهش عیار در مسکوکات فلزی است بدون فرق، این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است و مشمول نهی آیات و روایات ذکر شده قرار می‌گیرد. تورم یا کاهش ارزش پول ریشه در هر دو ارزش بیان شده دارد. اگر به تغییر در ارزش اولیه برگردد، مصداق «نقص در مال» بوده و مشمول تمام احکام تحت این عنوان می‌گردد. اما اگر به ارزش ثانویه برگردد مثل این که اگر به واسطه فشارهزینه که به تورم ناشی از فشار هزینه می‌انجامد یا بر اثر بحران‌هایی همچون جنگ و خشکسالی تولید ملی کاهش یابد و در نتیجه عرضه پول نسبت به نیاز آن فزونی داشته باشد، مالیت و ارزش پول کاهش می‌یابد. این کاهش مالیت در اصطلاح فقهی «نقص در مالیت» است و بر اساس قواعد و اصول فقهی برای دولت حکمی و تعهدی در پی ندارد.

#### ۵-۴-۲. پول و وظیفه ذخیره ارزش

وظیفه یا نقش دیگر پول این است که به صورت مالی برای ذخیره ارزش استفاده شود؛ زیرا بیش تر افراد نمی‌خواهند درآمد خود را بی‌درنگ خرج کنند؛ بلکه دلشان می‌خواهد زمانی که به خرید گرایش می‌یابند، آن‌ها را خرج کنند، پول در جایگاه منبع ذخیره ارزش باعث می‌شود قدرت خرید تا زمانی که پول به مصرف نرسیده باشد، حفظ شود. این ویژگی به پول منحصر نیست، بلکه دارایی‌های دیگری مانند زمین، خانه جواهرآلات و سهام نیز دارای این ویژگی هستند؛ ولی پول به سبب قدرت نقد شوندگی بسیار بالایی که دارد، بر دیگر اموال و دارایی‌ها ترجیح داده می‌شود؛ اما مشکل این‌جا است که ارزش پول در جایگاه «مالی برای ذخیره ارزش» هنگام وجود تورم به سرعت دستخوش تغییرات شده و کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، اشخاصی که ثرویشان را به صورت پولی نگه می‌دارند، به شدت متضرر می‌شوند. در حالی که درآیاتی از قرآن کریم که در ذیل می‌آید از بی‌ارزش کردن ظالمانه اموال مردم نهی شده است.

<sup>۶۹</sup> به گفته فرید من (۱۳۷۵، ۲۹)، انتشار پول اضافه و بدون پشتوانه به وسیله دولت از همان زمان‌های قدیم به وسیله فرمانروایان کشورها از طریق جایگزینی نقره یا طلا یا فلزات دیگر رواج داشت و به این وسیله پایه پول را تغییر می‌دادند. بعدها پول کاغذی جانشین سکه‌ها با عیار پایین شد. در این دوران بانک‌های مرکزی با ثبت در دفاتر و با عنوان گمراه‌کننده «سپرده»، دولت‌ها را از همان مزایا با ابعاد بسیار وسیع‌تری برخوردار کردند. دولت‌ها هم از این پول‌های بدون پشتوانه برای تامین هزینه‌ها یا بازپرداخت وام‌های خود استفاده می‌کردند. وی (۱۹۴۸ و Fridmon) می‌گوید تامین مالی کسر بودجه دولت با انتشار پول جدید موجب کاهش ارزش پول می‌شود. در نتیجه اقتصاد با پدیده تورم روبه‌رو خواهد شد.

۱. «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»<sup>۷۰</sup> (اعراف/۸۵)

۲. «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»<sup>۷۱</sup> (شعراء/۱۸۳) و

(هود/۸۵)

تمام این آیات در سوره های مختلف درباره قوم شیب نازل شده است و بخش د تمام آیات معنی ناقص کردن و کم کردن است. راغب آن را کم کردن از روی ظلم و قاموس به معنای نقص و ظلم می داند. با تدبّر در قرآن قول راغب بهتر به نظر می رسد زیرا موارد به کار رفتن آن ، کم کردن با ظلم است همانگونه که تأمل در آیات نشان می دهد که بخش در نقصان کمی و کیفی هر دو به کار می رود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲ و ۱، ۱۶۹).

صاحب تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳ و ۴، ص ۵۵۳) در معنای بخش می گوید: بخش یعنی ایجاد کاهش و نقصان در شیء از آن حدّی که حق آن شیء است. صاحب تفسیر الجامع لاحکام القرآن (القرطبی، ۱۹۸۵ م، ج ۷، ص ۲۴۸) نیز همین معنا را با تفصیل بیشتری آورده است و می گوید: بخش یعنی کاستن و آن در کالای تجاری با معیوب دانستن و کم شمردن آن یا نیرنگ کردن در قیمت است و در کیل؛ تقلّب و حيله در آن با کم کردن آن می باشد. همه اینها اکل مال به باطل است و این عمل در امت های گذشته از زبان پیامبران منهی عنه بوده است.

علامه طباطبائی (ره) (۱۴۱۷ق، ص ۱۹۱) در تفسیر گرانقد رالمیزان می فرماید:

« شعيب اولاً بعد از آنکه قوم خویش را به توحید که اصل دین است دعوت کرد به آنها گفت که حق پیمان و کیل را به تمام ادا کنند و از اموال مردم چیزی نگاهند چه اینکه در آن زمان ایجاد فساد در معاملات در بین مردم رائج و شایع بود. آنگاه ثانیاً آنها را دعوت کرد به اینکه در زمین بعد از آنکه اصلاح شده است فساد نکنند یعنی خویشان را از فساد در زمین برحذر دارند بعد از آنکه آن را به حسب طبعش و به حسب فطرت انسانی اصلاح کرد، زیرا انسان می داند که امور زندگی سعادت مند با اصلاح زمین است که تنظیم می شود و افساد فی الارض گرچه به حسب اطلاق شامل جمیع معاصی و گناهان اعم از حقوق الله و حقوق الناس هرچه باشد می شود ولیکن با نظر به ماقبل آیه و ما بعد آن مختص به افسادی می شود که سلب امنیت عمومی در اموال و نوامیس و نفوس را شامل است».

با این تفصیل درمی یابیم که حفظ امنیت اقتصادی مورداهتمام شارع مقدّس بوده و عقل سلیم و فطرت پاک انسانی هم گواه بر این مطلب است. از این رو، برای حفظ امنیت اقتصادی

<sup>۷۰</sup> از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین، بعد از آن که [در پرتو ایمان و دعوت انبیا] اصلاح شده است، فساد نکنید.

<sup>۷۱</sup> از اموال مردم چیزی نگاهید و در زمین تبهکارانه به فساد بر نخیزید.

خداوند متعال از عوامل بر هم زننده آن نهی کرده است. ابتدا از کم فروشی که مورد ابتلاء عصر شعیب(ع) بوده نهی فرموده اند، آنگاه با یک نهی عمومی هرگونه نقصان ارزشی را ممنوع کردند «ولا تبخسوا الناس اشیاء هم». اشیاء در اینجا به معنی اموال است یعنی از اموال مردم چیزی نگاهید. در این آیات از هرچه که موجب از ارزش انداختن ظالمانه اموال مردم می شود نهی شده است.

### پول ، مالی برای ذخیره ارزش

از جمله چیزهایی که مال شمرده می شود «پول» است، بلکه بخش قابل توجهی از اموال مردم به صورت پول است (حسن، ۱۹۹۹، ۲۷۸). همه این مطلب را تصدیق می کنند که چه از نظر اقتصاد و چه از نظر حقوق و فقه پول مال شمرده می شود. در کتاب «پول در اقتصاد اسلامی» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۲۴) چنین آمده است:

« پول مال محسوب می شود، زیرا هر چیزی که اولاً دارای فایده باشد و نیازی از نیازهای شناخته شده انسان را رفع کند، و ثانیاً کمیابی نسبی داشته باشد، مورد رغبت و مطلوبیت و تقاضا و عرضه قرار گیرد مال است. پول نیز در پرتو اعتبارات دولت و مقبولیت عامه دارای فایده بوده و در مقایسه با نیاز مورد نیاز کمیابی نسبی دارد. بنابراین تعاریف و احکام فقهی و حقوقی مال بر پول بارمی شود.»

پول در اقتصاد همچون خون است در رگهای آدمی. وظیفه خون آن است که مواد لازم را به تمام سلول ها رسانده و نیازهایشان را برطرف سازد، پس هرگاه غلیظ شود یا خیلی رقیق گردد نمی تواند وظیفه اش را در بدن به خوبی انجام دهد، در نتیجه بدن دچار اختلال و بیماری می شود و در شرایطی هم ممکن است از کار بیفتد. جریان پول در اقتصاد همانند جریان خون در بدن انسان است. غلظت آن موجب رکود و رقتش موجب تورّم و به هم ریختگی اقتصاد است، پس رعایت تعادل و توازن در پول، اقتصاد را هم در تعادل و توازن نگه می دارد، حفظ این تعادل و توازن یا حفظ ارزش پول وظیفه ای است که بر عهده دولت گذاشته شده است. مردم با اعتماد و به پشتوانه دولت است که پول های کاغذی را در مبادلات اقتصادی خویش به کار می گیرند و گردش اقتصاد را تسهیل می کنند. اگر این اعتماد و اطمینان به دولت از بین برود اقتصاد دچار بحران و هرج و مرج خواهد شد و از آن طرف هیچ چیز دیگری هم نمی تواند جای پول را بگیرد. پس دولت و حکومت موظف است به خاطر حفظ مصالح ملت ارزش پول را (البته در حد معقول) ثابت نگه دارد و متوجه است که پول به اندازه نیازهای اقتصادی در جریان باشد. گرچه برخی اندکی بیشتر از نیازهای اقتصادی را برای رشد و توسعه پایدار تجویز می کنند.

وسائل الشیعه (الحرالعالمی، دت، ج ۶، ص ۱۷) از امالی حسن بن محمد طوسی از امام باقر (ع) روایت می کند که از آن حضرت درباره درهم و دینار سؤال شد فرمود: «هی خواتیم الله فی أرضه جعلها الله مصلحه لخلقه و بها تستقیم شوونهم و مطالبهم». آنها مهر و خاتم خداوند در زمین هستند، خداوند آنها را به مصلحت انسان آفریده تا به وسیله آن کارهایش استوار و خواسته هایشان برآورده گردد.

حال پرسش این است، آیا ترتیبات نهادی و قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت این مهم یعنی حفظ ارزش پول ملی را می کند؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مروری کوتاه بر ادبیات معمول اقتصاد و تجربیات تعدادی از کشورها در مورد ضرورت استقلال بانک مرکزی در راستای حفظ ارزش پول خواهیم داشت. سپس به بررسی قوانین و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران در این رابطه خواهیم پرداخت.

## ۵-۵. ضرورت استقلال بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول

بسیاری از ضرورت ها را انسان تنها هنگام روبرو شدن با آنها می پذیرد. برای مثال در کشور آلمان شاخص قیمت ها از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ یک میلیارد افزایش پیدا کرد. معنایش این است که آلمان در آن دوره بیش از یک میلیون درصد نرخ تورم داشته است. ارنست همینگوی نویسنده معروف آمریکایی که در زمان تورم بزرگ آلمان به عنوان خبرنگار در آنجا مقیم بود ضمن گزارشی درباره تورم مذکور می نویسد: «در حالی که زحمتکش و حقوق بگیر در تأمین حداقل مایحتاج روزانه خود درمانده اند سود جویان در این بازار آشفته حداکثر استفاده را از فقر و نیاز مردم می برند. جواهرات و اشیای گرانبه قیمت مردم با پول های کاغذی بی ارزش از دست آنها خارج می گردد و خانه ها و املاک مردم به علت نیاز آنها با پول کاغذی که ارزش آن از چند صد دلار تجاوز نمی کند معاوضه می گردد سرمایه داران و صرافان یهودی از جمله کسانی هستند که از این وضع حداکثر استفاده را می برند.» (کتابی، ۱۳۶۸ ش، ۸۴).

علت این پدیده این بوده که دولت آلمان بعد از جنگ جهانی اول برای تأمین هزینه های خود نیاز به بودجه داشت و برای تأمین مالی راحت ترین راه دست رسی به بانک مرکزی بود. بنابراین از بانک مرکزی قرض گرفت و براین اساس حجم پول و نقدینگی و به دنبال آن تورم به صورت لجام گسیخته افزایش یافت. بعد از این پدیده آلمان به این نتیجه رسید که باید اقدامی در جهت استقلال عملکرد بانک مرکزی انجام دهد و سیاست پولی از سیاست مالی متمایز گردد.

از اینجا بود که مفهوم استقلال بانک مرکزی به معنای امکان تجزیه پذیری سیاست پولی از سیاست مالی وارد ادبیات اقتصاد شد. ضرورت ایجاد تمایز بین سیاست پولی و مالی و احساس نیاز به آن زمانی بیشتر نمود پیدا می کند که ضربه هایی به اقتصاد کشور وارد شود. هر چه ضربه شدید تر باشد نیاز به استقلال بانک مرکزی بیشتر احساس می شود. چنانچه در آلمان رخ داد.

براساس همین ایده بود که در معاهده شکل گیری بانک مرکزی اروپا (ESCB)<sup>۲۲</sup> آمده که تنها وظیفه بانک مرکزی کنترل قیمت ها به گونه ای است که نرخ تورم از دو درصد (۰.۲٪) بالاتر نرود و بانک مرکزی موظف شد استقلال لازم برای رسیدن به این هدف داشته باشد. از طرف دیگر در این معاهده بیان شد که بانک مرکزی باید شفاف و پاسخگو باشد تا افکار عمومی را قانع کند، اقداماتی که انجام داده اقدامات مقتضی بوده و ثبات قیمت ها را به دنبال داشته باشد. به تبع آن بسیاری از کشورها در اروپا و دیگر نقاط جهان قوانین بانک مرکزی خود را اصلاح کردند. حتی کشوری نظیر ترکیه در پی نرخ تورم بالای صد درصد در سال ۱۹۸۰ و با الگوی برداری از این مسئله در سال ۲۰۰۱ به این نتیجه رسید که قانون جدیدی تصویب کند.

در اکثر کشورها استقلال بانک مرکزی با کاهش سطح تورم توأم گردید. زیرا قدرت بانک مرکزی در انجام یکی از مهم ترین وظایفش یعنی حفظ ارزش داخلی و خارجی پول ملی افزایش یافت. البته لازم به ذکر است که استقلال بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول شرط لازم است اما شرط کافی نیست. چون، موفقیت سیاست های پولی زمانی تضمین می شود که به همراه آن سیاست های مناسب ارزی و مالی هم اتخاذ شود.

## ۵-۶. بررسی ترتیبات قانونی و نهادی برخی کشورها برای افزایش استقلال بانک

### مرکزی

با توجه به پا برجا بودن نظریه رابطه تورم با سیاست های پولی، اکثر کشورها در قوانین پولی و بانکی خودشان نسبت به افزایش استقلال بانک مرکزی اقدام کردند و نسبت به تحقیق اصلی ترین وظیفه بانک مرکزی یعنی حفظ ثبات قیمت ها سیاست های خوبی اتخاذ کردند. در نتیجه نرخ تورم را به پائین ترین سطح ممکن در چند دهه اخیر رسانند. اینک به بررسی این قوانین و ترتیبات در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی می پردازیم.

<sup>۲۲</sup> European System of Central Banks

## ۵-۶-۱. اعلام استقلال بانک مرکزی و محور های اصلی آن

اعلام استقلال بانک مرکزی می تواند در قالب قانون اساسی، یک قانون خاص مثلا در قوانین برنامه های توسعه و یا یک توافق باشد. برای مثال شیلی<sup>۷۳</sup>(۱۹۸۰) و فیلیپین<sup>۷۴</sup>(۱۹۸۷) استقلال بانک مرکزی خود را در قانون اساسی آوردند. اکثر کشورها از طریق وضع قانون به وسیله مجلس به بانک مرکزی استقلال می بخشند. اما مشکل اینجا است که مجلس همواره می تواند یک قانون را لغو و یا اصلاح کند و این موجب بی ثباتی است، در صورتی که اصلاح قانون اساسی دارای روندی طولانی و پیچیده است.

## ۵-۶-۲. تعیین هدف واحد برای بانک مرکزی

یکی از محورهای اصلی اصلاح ساختار بانک های مرکزی در راستای افزایش استقلال مشخص کردن یک هدف واحد و واضح در جهت ثبات قیمت ها است. کشورهای که استقلال قانونی بانک مرکزی را لحاظ کرده اند، هدف اصلی و واحد بانک مرکزی را تنها تثبیت قیمت ها قرار داده اند. در قانون شیلی<sup>۷۵</sup>(۱۹۸۹) به حفظ ثبات پول کشور و عملکرد روان و بدون مشکل پرداخت های داخلی و خارجی تأکید شده است. قانون آرژانتین<sup>۷۶</sup>(۱۹۹۲) هدف را حفاظت از ارزش پول کشور بیان می کند. قانون ترکیه<sup>۷۷</sup>(۱۹۷۰) در ماده ۴ که در سال ۲۰۰۱ اصلاح شده هدف اولی بانک را ثبات سطح عمومی قیمت ها و حفظ آن بر شمرده است و در صورتی از سیاست های رشد و توسعه دولت حمایت خواهد کرد که با هدف ثبات قیمت ها در تضاد نباشد. قانون پولی مالزی<sup>۷۸</sup>(۲۰۰۹) هدف اصلی را بالا بردن ثبات پولی و مالی برای رسیدن به رشد پایدار برای اقتصاد مالزی در نظر گرفته است.

قانون پولی افغانستان<sup>۷۹</sup>(۲۰۰۳) در بند ۱ ماده ۳، هدف اصلی بانک مرکزی را وصول و حفظ ثبات سطح قیمت ها مقرر کرده است.

اعلام یک هدف واحد (یا یک هدف اصلی) نسبت به اهداف متعدد مسئولین را قادر می سازد که به طور مؤثرتری عملکرد بانک را کنترل کنند. در یک هدف واحد، کنترل هدفی که دامنه اندکی را در بر دارد نسبت به کنترل هدفی با ابعاد گسترده تر ساده تر است. حمایت از سیاست کلی اقتصادی جامعه بدون تأکید بر ثبات قیمت ها ممکن است چرخیدن به دور خود باشد. اهداف

<sup>۷۳</sup> Law of the central Bank of Chile, ۱۹۸۹.

<sup>۷۴</sup> Law of the central Bank of philipinen, ۱۹۹۳.

<sup>۷۵</sup> Law of the central Bank of Argentina, ۱۹۹۲

<sup>۷۶</sup> The Law of the central Bank of the republic of Turkey No, ۱۲۱۱, ۱۹۷۰.

<sup>۷۷</sup> Laws of Malaysia Act ۷۰۱, ۲۰۰۹

<sup>۷۸</sup> Law of Afghanistan Bank ۲۰۰۳.

متعدد و یا اهدافی که درست و واضح تعریف نشده اند باعث تضعیف استقلال بانک مرکزی و اعتبار سیاست پولی آن خواهد شد.

### ۵-۶-۳. استقلال سیاسی

یکی دیگر از محور های اصلی استقلال بانک مرکزی استقلال سیاسی است. مهم ترین بحث ها در این محور یکی رکن بودن ریاست کل و مهم تر از آن شیوه انتخاب ریاست کل و مدت خدمت او است و دیگری در مورد ترکیب شورای سیاستگذاری پولی است. در این راستا قوانین پولی برخی کشورها را مورد ملاحظه قرار می دهیم.

#### -قانون پولی اتریش (۱۹۸۴)<sup>۷۹</sup>

مقام رئیس کل بانک مرکزی اتریش بسیار مستقل است. وی نه در برابر پارلمان یا دولت بلکه در برابر افکار عمومی جامعه باید پاسخگو باشد. رئیس کل از سوی رئیس جمهور منصوب می شود و مدت خدمت وی ۵ سال است. در این قانون اتخاذ و اجرای سیاست های پولی و اعتباری بر عهده هیأت مدیره بانک مرکزی گذاشته شده است. چنانچه هیأت مدیره بانک مرکزی یا هر یک از اعضای آن احساس نمایند که از سوی دولت در کار آنها مانع ایجاد شده یا دخالت صورت می گیرد می توانند یک هیأت مصالحه درخواست نمایند.

ترکیب هیأت مدیره بانک مرکزی اتریش به شرح ذیل است: رئیس کل، ۲ نفر معاون رئیس کل، ۶ نفر منصوب از سوی مجمع عمومی بانک مرکزی و ۵ نفر منصوب از سوی دولت فدرال هستند. در ترکیب هیأت مدیره بیش از ۴ بانکدار فعال نمی توانند حضور داشته باشند. مدت خدمت همه اعضا ۵ سال است. ماده ۴۲ در راستای استقلال بانک مرکزی به صراحت بیان می کند که هیچ معامله ای نباید در بر گیرنده اعطای وام و اعتبار از سوی بانک مرکزی به دولت باشد.

#### -قانون پولی ترکیه<sup>۸۰</sup>

بر اساس این قانون ارکان بانک مرکزی عبارتند از: ۱. مجمع عمومی، ۲. هیأت مدیره، ۳. شورای سیاستگذاری پولی، ۴. کمیته حسابرسی، ۵. منصب ریاست، ۶. هیأت اجرایی

بر اساس ماده ۱، بانک مرکزی ترکیه به صورت شرکت سهامی با امتیاز انحصاری نشر اسکناس است. ۵۱ درصد سهام این بانک متعلق به دولت و بقیه سهام آن متعلق به بانک های ملی، غیر

<sup>۷۹</sup> The Money and Banking Act, National Bank of Austria (۱۹۸۴)

<sup>۸۰</sup> The Law of the central Bank of the republic of Turkey No, ۱۲۱۱، ۱۹۷۰.



ملی، مؤسسات تجاری و اشخاص حقیقی و حقوقی می باشد. در ماده ۱۴ آمده که مجمع عمومی بانک مرکب از سهامدارانی است که سهام بانک مرکزی را خریده اند. بر اساس این ماده هر شخصی که ده سهم داشته باشد دارای یک رأی است. ریاست مجمع با رئیس کل بانک مرکزی است.

در ماده ۱۹ اصلاح شده در ۲۰۰۱ آمده که هیأت مدیره بانک مرکب از رئیس کل و شش نفر عضو است که به وسیله مجمع منصوب شده اند. در مورد تعیین هدف ماده ۴ تصریح دارد که بانک مرکزی بایستی به همراه دولت هدف تورم را تعیین کند و برای رسیدن به هدف تعیین شده سیاست مناسب پولی آن را اجرا کند. بر اساس این ماده بانک مرکزی تنها نهاد مجاز به استفاده از سیاست پولی و پاسخگو در برابر آن است. در بند ۳ تبصره ۲ ماده ۴ به استقلال در ابزار اجرای سیاست پولی از طرف بانک مرکزی تصریح شده است. در این بند آمده بانک به هدف رسیدن و حفظ ثبات قیمت ها مجاز به استفاده از ابزارهای سیاست های پولی ای است که در این قانون تعریف شده و همچنین مجاز است به طور مستقیم دیگر ابزارهای پولی را که مناسب تشخیص می دهد خود تعیین کند و به کاربرد.

در ماده ۱۹ در مورد توانایی های اعضای هیأت مدیره بیان می دارد که اعضای هیأت مدیره لازم است از آموزش های عالی و دانش و تجربه کافی در زمینه بانکداری یا دیگر زمینه های مربوط به اقتصاد و امور مالی برخوردار باشند.

یکی دیگر از ارکان مهم بانک مرکزی ترکیه شورای سیاستگذاری پولی است. اعضای این شورا عبارتند از: ۱- رئیس کل بانک مرکزی که رئیس شورا است، ۲- نایب رئیس بانک مرکزی، ۳- یک نفر از میان اعضای هیأت مدیره با انتخاب خودشان، ۴ - یک عضو منصوب از طرف رئیس کل بانک مرکزی ۵- معاون خزانه داری یا قائم مقام وی که بدون رأی در شورا شرکت می کند. عضو منصوب رئیس کل که با توافق مشترک وارد شده بایستی مطالعاتی در موضوعات و مسائل سیاست های پولی داشته باشد و یکی از مدارک دانشگاهی در زمینه های اقتصاد، بازرگانی، مدیریت، بانکداری و یا تأمین مالی را داشته باشد. ضمن این که در زمینه مربوط حداقل ده سال کارکرده باشد و تجربیات و دانش لازم را به دست آورده باشد. دوره کاری این عضو می تواند ۵ سال باشد دوره کاری دیگر اعضای شورا سیاستگذار پولی به همراه شروع و ختم دوره کاری ریاست کل است.

اختیارات و وظایف شورای سیاستگذاری پولی عبارت است از:

الف- تعیین رسول و خط مشی های سیاست پولی به هدف وصول ثبات قیمت ها و حفظ آن

ب- هدفگذاری نرخ تورم به همراه دولت در راستای خط و مشی ها

ج- تهیه و تدارک اقدامات و پیش بینی های ضروری برای حمایت از ارزش پول داخلی و خارجی لیر ترکیه و اجرای سیاست نرخ ارز برای حفظ لیر ترکیه در برابر طلا و ارزهای خارجی با همکاری مشترک دولت تصمیمات شورای سیاستگذاری با هیأت مدیره عرضه شده. و به وسیله رئیس کل اجرا شود.

#### -قانون پولی مالزی (۲۰۰۹)<sup>۸۱</sup>

ارکان بانک مرکزی مالزی عبارت است از: ۱. هیأت مدیره ۲. رئیس کل و قائم مقام وی ۳. شورای سیاستگذاری پولی ۴. کمیته نظار ۵. کمیته حسابرسی ۶. کمیته ریسک

ماده ۱۴ بیان می کند که بانک مرکزی مالزی باید دارای یک هیأت مدیره به شرح ذیل باشد. ۱- رئیس کل ۲- کمتر از سه نفر معاون ۳- کمتر از ۸ و بیش از تر از ۵ نفر خبره و مدیر.

در ماده ۱۵ بند ۱ آمده رئیس کل به وسیله پادشاه مالزی و قائم مقام ها توسط هیأت وزیران منصوب شوند. در ماده ۲۳ بند ۲ آمده، سیاست پولی بانک بایستی با استقلال کامل بدون هیچگونه فشار خارجی توسط خود بانک اتخاذ شود. در این قانون یک شورای سیاست پولی پیش بینی شده است که وظیفه اش تنظیم سیاست پولی و هدایت و اداره کردن عملیات مربوط به آن است این شورا مرکب از اعضای زیر است: ۱- رئیس کل بانک مرکزی ۲- معاونین رئیس کل کمتر از ۷ و بیش تر از ۳ نفر که ممکن است از میان افراد مدیر و خبره ماده ۱۴ انتصاب شوند. نخست وزیر ممکن فردی را در شورا منصوب کند البته با پیشنهاد هیأت مدیره.

#### -قانون پولی کره جنوبی (۱۹۹۸)<sup>۸۲</sup>

قانون جدید پولی و بانکی کره جنوبی از سال ۱۹۹۸ به مرحله اجرا گذاشته شده است. به موجب ماده ۳ این قانون استقلال بانک مرکزی در اتخاذ و اجرای سیاست های پولی و اعتباری بدون تأثیر

<sup>۸۱</sup> Laws of Malaysia Act ۷۰۱،۲۰۰۹

<sup>۸۲</sup> The Bank of Korea Act, ۱۹۹۸

پذیرفتن از هیچ قدرتی تضمین گردیده است. تأکید همراهی بانک مرکزی با مکانیزم بازار و همچنین شفاف بودن عملکرد بانک مرکزی موارد ۴ و ۵ این قانون را تشکیل می دهند.

کمیته سیاستگذاری پولی شامل ۷ عضو به شرح ذیل است:

۱- رئیس کل بانک مرکزی ۲- یک نفر به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ۳- یک نفر به پیشنهاد رئیس کمیته نظارت مالی ۴- یک نفر به پیشنهاد وزیر اقتصاد و دارائی ۵- یک نفر به پیشنهاد رئیس اطاق صنایع و بازرگانی کره جنوبی ۶- یک نفر به پیشنهاد رئیس فدراسیون بانک های کره جنوبی ۷- یک نفر به پیشنهاد رئیس اتحادیه کارگزاران اوراق بهادار کره جنوبی

در این قانون رئیس کل بانک مرکزی شورای سیاستگذاری پولی است و به پیشنهاد اعضای دولت و توسط رئیس جمهور منصوب می شود. مدت دوره خدمت کلیه اعضا ۴ سال است. پس از اتمام دوره امکان انتصاب مجدد آنها وجود خواهد داشت. به موجب ماده ۲۲ این قانون، معاون و دستیاران رئیس کل بانک مرکزی می توانند در جلسات شورا شرکت نموده و اعلام نظر کنند و همچنین شورا می تواند در صورت لزوم از کارشناسان و متخصصان گوناگون برای شنیدن نظراتشان دعوت کند. رئیس بانک مرکزی در جلسات هیأت دولت شرکت کرده و در زمینه مسائل پولی نظر می دهد. معاون وزیر اقتصاد و دارایی نیز می تواند در جلسات شورای سیاستگذاری پولی شرکت کرده و بحث و تبادل نظر بپردازد. چنانچه تصمیمات متخذه در زمینه سیاست های پولی با اهداف اقتصادی دولت در تضاد باشد، وزیر دارایی می تواند در خواست تجدید نظر نماید و این در خواست باید به اطلاع عموم برسد. حال چنانچه شورای سیاستگذاری پولی با رأی حداقل ۵ نفر از اعضا در خواست وزیر دارایی را نپذیرند و بر تصمیم قبلی خود پافشاری نمایند اخذ تصمیم نهایی با رئیس جمهور خواهد بود.

تجربه کشور های ذکر شده نشان می دهد بانک های مرکزی مستقل از مسئولیت بیش تری در قبال جامعه بر خوردارند از طرف دیگر تصمیمات گرفته شده در حد بالایی شفاف بوده و به اطلاع عموم می رسد. بنابراین ترکیبی از شفافیت، مسئولیت و پاسخگویی در برابر افکار عموم از ویژگی های عمده یک بانک مرکزی مستقل است.

## ۵-۷. بررسی قوانین و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران برای حفظ ارزش

### پول

بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده است. قانون پولی و بانکی ناظر بر مقررات این بانک نیز مصوب ۱۳۵۱ است. تنها جزئیاتی از آن در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است.

هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور عبارت است از: حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور.

همان گونه که پیش تر بیان شد داشتن اهداف متعدد و غیر شفاف باعث تضعیف استقلال بانک مرکزی و اعتبار سیاست های پولی آن خواهد شد. در ماده (۱۲)، بانک مرکزی بانکدار دولت معرفی شده است و انجام عملیات بانکی وزارت خانه ها، موسسات و شرکت های دولتی بر عهده بانک مرکزی است. این موضوع نشانگر وابستگی مستقیم بانک مرکزی به دولت است. ماده (۱۶) قانون پولی و بانکی کشور ارکان بانک مرکزی را به شرح ذیل معرفی می کند: ۱- مجمع عمومی ۲- شورای پول و اعتبار ۳- هیأت عامل ۴- هیأت نظارت بر اندخته اسکناس ۵- هیأت نظار

مهم ترین ارکان در راستای افزایش استقلال بانک مرکزی به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱- رئیس کل بانک مرکزی و شیوه انتصاب آن ۲- چگونگی ترکیب شورای پول و اعتبار. ترکیب مجمع عمومی و هیأت عامل در مراتب بعدی هستند.

### ۵-۷-۱. رئیس کل بانک مرکزی

درمورد رئیس کل بانک مرکزی به عنوان رکنی از ارکان بانک مرکزی در هیچ جایی از قوانین و مقررات پولی کشور اشاره نشده است. این در حالی است که در قوانین پولی و بانکی اکثر کشورهایی که بانک مرکزی مستقل دارند رئیس بانک مرکزی به عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی در کنار دیگر ارکان معرفی شده است.

از جمله معیارهای مهم میزان استقلال بانک مرکزی است ریاست مجمع عمومی بانک مرکزی است که در بسیاری از کشورها بر عهده ریاست کل بانک مرکزی است. اما در قوانین پولی و بانکی کشور رئیس کل تنها به عنوان رئیس هیأت عامل معرفی شده است و حتی در ترکیب شورای پول اعتبار قانون برنامه سوم توسعه گر چه به عنوان رئیس شورا معرفی شده اما در ترکیب بعد از

وزیر امور اقتصاد و دارائی و رئیس سازمان برنامه و بودجه قرار گرفته است. در برنامه چهارم این جایگاه اندکی ارتقا یافته و بعد از وزیر امور اقتصاد و دارائی قرار گرفت. در برنامه پنجم توسعه هم این ترکیب به همین شکل بوده و اصلاح نشده بلکه دو تا وزیر دیگر هم به ترکیب اضافه شدند.

چگونگی تعیین رئیس کل بانک مرکزی کشور با اختیارات زیادی که قانون به آن داده است جالب توجه است. در ماده ۱۹ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی و تأیید مجمع عمومی بانک ها و تصویب هیأت دولت برای مدت ۵ سال تعیین می شود. مشکل اینجاست که در پی تغییر اعضای هیأت دولت، احتمال تغییر رئیس کل و قائم مقام قانونی او نیز وجود دارد. در نتیجه اجرای کارآمد سیاست های پولی تضعیف می شود. و جایگاه ریاست کل در حد یک کارمند معمولی قرار می گیرد.

به خاطر درک این مهم بود که در قانون برنامه چهارم توسعه این ماده اصلاح شده و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهور و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی با حکم رئیس جمهور منصوب می شود. قائم مقام بانک مرکزی نیز به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و پس از تأیید مجمع عمومی با حکم رئیس جمهور منصوب می شود.

با این که مقام رئیس کل بانک مرکزی با این اصلاحیه ارتقا یافته است اما کماکان تمام کسانی که در تعیین رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام او دخالت دارند کاملاً وابسته به دولت هستند و هیچ نظارت قانونی خارج از دولت بر انتصاب آنها وجود ندارد. یکی از مراجع مهم در گزینش رئیس کل بانک مرکزی مجمع عمومی بانک مرکزی است که کاملاً دولتی است. زیرا اعضای این مجمع عبارتند از ۱- رئیس جمهور (که ریاست مجمع است) ۲- وزیر امور اقتصادی و دارائی ۳- ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور<sup>۸۳</sup> ۴- وزیر بازرگانی ۵- یک نفر از وزراء به انتخاب هیأت وزیران البته اعضای سایر ارکان بانک در جلسات و مذاکرات بدون حق رأی شرکت دارند. همان گونه ملاحظه می شود ترکیب اعضای اصلی مجمع بانک کاملاً دولتی هستند و هیچ فرد مستقل از دولت در آن حضور ندارد.

#### ۵-۷-۴. ترکیب شورای پول و اعتبار

یکی از ارکان مهم بانک مرکزی شورای پول و اعتبار است. این شورا نقش مهمی در تعیین سیاست های پولی و اعتباری دارد و بخش اصلی قوانین و سیاست های پولی و اعتباری کشور و رسیدگی به تراز نامه بانک مرکزی توسط این شورا انجام می پذیرد. شورای پول و اعتبار همچنین بر اساس

<sup>۸۳</sup> که هم اکنون «معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» است

وظایف محوله متغیرهایی مانند نرخ سود بانکی اعم از نرخ سود سپرده ها و نرخ سود تسهیلات، نرخ ذخیره قانونی، تعیین حق الوکاله شبکه بانکی، تعیین سهم بخش ها از تسهیلات، تأیید و تصویب وام به اشخاص حقیقی و حقوقی از منابع مختلف را البته با تصویب هیأت وزیران تعیین می کند. نگاهی به ترکیب شورای پول و اعتبار میزان استقلال آن را در اتخاذ چنین تصمیم های مهمی بهتر روشن می کند.

آخرین تغییرات در ترکیب شورای پول و اعتبار مربوط به برنامه چهارم توسعه است که در برنامه پنجم به همان شکل تنها با دو تغییر غیر مهم که وابستگی به دولت را بیش تر کرده تکرار شده است. در ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح ذیل آمده است:

۱- وزیران امور اقتصادی و دارایی ۲- رئیس کل بانک مرکزی (رئیس شورا) ۳- رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا معاون اقتصادی وی ۴- وزیر بازرگانی ۵- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری ۶- دادستان کل کشور یا معاون وی ۷- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع معادل ۸- رئیس اتاق تعاون ۹- نمایندگان کمیسیون های امور اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر به انتخاب مجلس شورای اسلامی.

در برنامه پنجم توسعه دو تغییری که صورت گرفته عبارت است از این که دو تن از وزرا به انتخاب هیأت وزیران به ترکیب شورا اضافه شدند و تعدادشان به حدود ۱۴ نفر رسید و عنوان رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی به معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تغییر یافته است. با دقت در ترکیب شورا می توان به وضوح ملاحظه کرد که این شورا اولاً تعدادشان خیلی زیاد است، در حالی که بانکهای مرکزی مستقل تعداد اعضای شورا نوعاً بین ۵ تا ۷ نفر هستند. ثانیاً، این شورا عمدتاً از نمایندگان از دولت تشکیل شده است و تنها سه عضو آن می تواند متخصص پولی و بانکی باشد (رئیس کل و دو نفر عضوی که وی معرفی می کند). حضور مستقیم اعضای دولت و کمبود متخصص پولی و بانکی از یک طرف سبب اشغال پست های عضویت شورا توسط افراد با تخصص و تجربیات غیر مرتبط و نا کافی می شود و از طرف دیگر تحت تسلط منافع دستگاهی و بخشی، تصمیمات شورا خدشه دار می شود. همچنین این کار با دخالت دادن نهاد های مختلف کشور در فرایند تصمیم گیری موجب نبود متولی و مسئول مشخصی برای تصمیمات و عدم پاسخگویی در قبال عواقب اجرای سیاست ها است. جالب توجه این که اگر ریاست کل قانون در برنامه چهارم به خاطر معرفی دو نفری که اختیار داشت و می

توانست دو رأی داشته باشد در قانون برنامه پنجم با اضافه شدن دو وزیر به ترکیب شورا این دو رأی هم خنثی شده است. ضمن این که جایگاه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به سطح معاونت کاهش یافته و همه اینها در مجموع سیطره سیاست مالی بر سیاست پولی را تشدید کرده و امکان تفکیک آنها وجود نخواهد داشت.

## خلاصه و نتیجه فصل پنجم و پیشنهاد

آثار ناگوار تورّم و دلایل اساسی و منطقی برای هدف ثبات قیمت ها، این پرسش را مطرح می کند که آیا بانک مرکزی باید چنین تعهدی، به ثبات قیمت ها داشته باشد یا بهتر است چنین تعهدی پشتوانه قانونی داشته باشد؟ در راستای پاسخ به این پرسش اندیشه وران غربی به این نتیجه رسیده اند که در نظام دموکراسی غربی بهتر است دولت منتخب مردم تعیین کننده هدف سیاست های پولی باشد، زیرا با اصول دموکراسی سازگار بوده و در عین حال هماهنگی بین سیاست پولی و سیاست مالی را افزایش می دهد و بانک مرکزی در تعیین ابزار برای رسیدن به هدف مستقل باشد.

و اما نظام مردم سالار دینی، این نظام در ایران معاصر با نام «جمهوری اسلامی» شناخته می شود که از دو واژه تشکیل یافته است. ترکیب این دو واژه نمودار گویای روابط دین و دولت و مردم در ایران اسلامی است. جمهوریت از ماهیت حکومت حکایت می کند و طبعاً دولت باید برگزیده مردم باشد. اسلامیت نیز شاخص هویت این جمهوری است. به این معنا که مبنای هرگونه تصمیم گیری در جامعه مؤمنان باید خدا و احکام او باشد. مسلماً اگر دین در این زمینه رهنمودی داشته باشد، وفاق بین ملت و دولت و تمام نهادهای نظام در تبعیت از آن حاصل خواهد شد.

قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می کنید، دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، شامل همه مصادیق می شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می گیرد لذا شامل پول هم که بر اساس نظریه مال اعتباری یک پیمان اجتماعی است می شود.

بنابر این، حکم اولی رعایت مفاد اصل پایبندی و حفظ ارزش پول بر اساس مقیاسش بوده و لازم الوفا است و دولت اسلامی نمی تواند از آن عدول کند مگر به حکم ثانوی و در جایی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام، آن هم تا زمان وجود مصلحت به او اجازه داده باشد.

افزون بر این که تورّم و سیاست های پولی بی رویه آثاری به شرح ذیل بر پول می گذارد: نخست اینکه، وظیفه واحد محاسبه و معیار سنجش بودن پول مخدوش می شود. دوم اینکه، پول به

عنوان مالی جهت حفظ و ذخیره ارزش نامطمئن می گردد و سوم اینکه ، انتشار پول اضافی بر اساس نظریه مال اعتباری به عنوان تقلب درعیار واحد پولی قلمداد می شود. این در حالی است که اولاً قرآن از مخدوش کردن مقیاس های سنجش متداول و متعارف جامعه به شدت نهی کرده است و پول مهم ترین مقیاس و معیار سنجش ارزش های اقتصادی است. ثانیاً در برخی دیگر از آیات قرآن کریم از بی ارزش کردن اموال مردم نهی شده است و پول در نگاه خرد از جمله مهم ترین اموال مردم است. ثالثاً در روایات معصومین (علیهم السلام) از معامله با درهم مغشوشه نهی شده است. بر اساس این آموزه ها هدف سیاست پولی باید کنترل تورّم و حفظ ارزش پول باشد. از این رو، بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر انجام وظیفه و مأموریت اصلی اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند. و دیگر نهادهای نظام به ویژه قوه مجریه ، او را در انجام مأموریتش یاری رسانند.

یک پرسش اساسی این است، آیا قوانین، مقررات و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت حفظ ارزش پول می کند؟ پاسخ آن است که این قوانین و مقررات و نهادها در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی برای رسیدن به ثبات قیمت ها و حفظ ارزش پول که مورد اهتمام شدید شارع مقدس است حرکت نمی کنند بلکه بر عکس هر چه بیشتر این شکاف را عمیق تر کرده و تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی را تعمیق می بخشند. لذا ضروری است همه صاحبان فکر و اندیشه و قدرت عوارض و آثار منفی غیر قابل جبران این تعمیق را از منظرهای گوناگون شکافته و در معرض عموم قرار دهند تا به تدریج توافق جمعی برای اصلاحات عمیق و همه جانبه در قوانین پولی و بانکی کشور فراهم گشته و با حصول تفکیک پذیری سیاست پولی از سیاست مالی اقتصاد کشور از تورّم های لجام گسیخته رها شده و زمینه رشد پایدار اقتصادی میسر شود.

اخیراً مجلس شورای اسلامی برای برهم زدن ترکیب شورای پول و اعتبار و تخصصی کردن بیشتر آن لایحه ای اصلاحی را پیشنهاد داده است که در آن تعدادی متخصص پولی و بانکی و بخش خصوصی به ترکیب اضافه شدند. اما از آنجا که از مبانی اصولی کافی و مستحکم برخوردار نبود در همان مراحل اولیه از دستور کار خارج شد. این در حالی است که اولاً قانون پولی نیازمند یک دگرگونی اساسی و ریشه ایست و با ترمیم های مختصر مشکلیش بر طرف نمی شود. ثانیاً، هر پیشنهادی برای اصلاح قانون پولی و بانکی در نظام جمهوری اسلامی بایستی اساس و پایه فقهی و اقتصادی محکم داشته باشد و هر تغییری در آن باید به یکی از آن مبانی فقهی و اقتصادی استناد داده شود. همان گونه که پایه و اساس استقلال بانک مرکزی در غرب بر اندیشه های فلسفی و اقتصادی آنها استوار است، نظام اسلامی هم باید ارکان بانک مرکزی و اهداف پولی اش را



بر مبنای مستحکم فقهی اسلام و قوانین شناخته شده اقتصاد بنا کند. چیزی که الان به آن نیاز داریم فقه بانکداری مرکزی است تا بر اساس آن بتوان الگویی اسلامی برای استقلال بانک مرکزی در نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد داد.<sup>۸۴</sup> این که منصب ریاست کل بانک مرکزی باید از ارکان آن باشد و شخص رئیس کل دارای چه ویژگی هایی باشد و چگونه منصوب شود و این که اعضای شورای پول و اعتبار چه کسانی باشند و دارای چه شرایطی، پاسخ به هر یک از اینها باید مستند به حداقل یکی از مبانی فقهی و معرفتی اسلام باشد. در این صورت می توان طرح پیشنهادی اصلاحی را مبنایی و اصولی دانست و انتظار داشت به بحث گذاشته شده و مورد توافق قرار گیرد.

---

<sup>۸۴</sup>. رساله حاضر در صدد فراهم آوری تعداد معتناهایی از این مبانی فقهی برای بانکداری مرکزی است.

## فصل ششم:

### اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر

### «محدودیت ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه»

#### مقدمه

روش‌های تأمین مالی کسر بودجه و آثار زیان‌آور پولی شدن آن

دولت اسلامی و محدودیت‌های آن در پولی کردن کسر بودجه

دولت اسلامی و مسئولیت‌های آن در برابر مصلحت نظام و حقوق مردم

#### خلاصه و نتیجه

## فصل ششم: اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر محدودیت ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه

### مقدمه:

پرسش های اساسی این فصل آن است که آیا بر اساس آموزه‌های اسلام، دولت اسلامی می‌تواند سیاستی اتخاذ کند که قدرت خرید پول‌های مردم کاهش یابد، و اگر به دلایلی مشروع از سیاست های مالی و پولی تورم‌زا استفاده کرد، آیا نباید قدرت خرید قشرهای آسیب‌پذیر را در حقوق ها و دستمزدها به آنها برگرداند و به نحو مقتضی جبران کند؟ همان گونه که در فصل پیشین گذشت، سیاست‌های اقتصادی تورم‌زا آثار ولوازمی دارد که از برخی از آموزه‌های اسلام می‌توان استنباط کرد، شرع به این آثار ملتزم نیست و این معنا مستلزم محدودیت‌های دولت اسلامی در بهره‌گیری از این سیاست‌ها به خصوص سیاست کسربودجه و تأمین مالی آن از طریق انتشار پول اضافی است و اگر بر اساس اصول و احکام ثانویه مجاز به استفاده از آن شد مسئولیت‌هایی بر عهده اش خواهد آمد. سیاست کسری بودجه از ابزارهای مهم توسعه در کشورهای در حال توسعه، شمرده شده است. اما این که چگونه آن را تأمین مالی کنند تا سبب تورم و آثار زیانبار ناشی از آن نشود، مسأله‌ای است که به‌طور جدی ذهن اقتصاددانان را به‌خود مشغول کرده است. آنان برای جلوگیری و کنترل دولت در استفاده بی‌اندازه از روش استقراض از بانک مرکزی و استفاده از حق انتشار پول که تورم لجام گسیخته را در پی دارد، راهکارهایی اندیشیده‌اند. یکی از آن راهکارها مقید کردن دولت به رعایت اصل پابندی در حفظ ارزش پول و راهکار دیگر، به کارگیری سیاست تطبیق قیمت ها و حقوق متناسب با تغییر شاخص ها در اقتصاد<sup>۸۵</sup> جهت تعدیل آثار تورم و رفع نگرانی‌های ناشی از آن است. در فصل گذشته با بهره‌گیری از عمومات قرآنی، نصوص روایی و قواعد فقهی، بر اساس موضوع شناسی تحلیلی ماهیت پول درصدد فراهم‌آوری پشتوانه قانونی و اثبات این هدف برآمدیم که در نظام مردم سالار دینی، دولت با توجه به احکام اولیه باید حافظ ارزش پول ملی باشد و از سیاست‌هایی که ثبات قیمت ها را بر هم می‌زند اجتناب کند و این خود مستلزم محدودیت دولت در استفاده از سیاست های اقتصادی تورم‌زا است. حال در این فصل بر اساس مبانی فقهی در صدد اثبات این معنا هستیم که دولت اسلامی در صورت تخطی از آن اصل اولیه به جهت احکام ثانویه و حفظ مصالح نظام، باید به ترمیم و جبران دستمزدها و حقوق بپردازد. این فصل ابتدا به چگونگی پولی شدن سیاست کسری بودجه و آثار و عوارض منفی ناشی از آن می‌پردازد؛ سپس با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و با عنوان محدودیت‌های

<sup>۸۵</sup>. Indexation : adjustment of prices or salaries in accordance with changes in economic indicators.

دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه، این مدّعا را اثبات می‌کند که شرع مقدّس اسلام به هیچ‌یک از آثار پولی کردن کسر بودجه ملتزم نیست. سپس در بخش دیگر با عنوان مسئولیت های دولت اسلامی با بررسی مصلحت نظام، آن را موقت دانسته در پایان به بیان ادله شرعی جبران دستمزدها و حقوق می پردازد.

## ۶-۱. روش‌های تأمین مالی کسر بودجه و آثار زیان آور پولی شدن آن

به اعتقاد کینز و مالیون جدید، هنگامی که اقتصاد در اشتغال ناقص است و دستگاه‌های تولیدی آن را به سمت اشتغال کامل هدایت نمی‌کند، استفاده از کسر بودجه و انتشار پول اضافی برای تأمین آن به مقدار کم و کنترل شده، سبب سرمایه‌گذاری و شکوفایی اقتصاد در کم‌ترین زمان ممکن خواهد شد. استفاده از این روش، بر تأمین مالی از طریق افزایش مالیات یا استقراض رجحان دارد؛ زیرا مالیات اضافی باعث کاهش مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری می‌شود و قرضه نیز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را محدود می‌کند (القیسی، بی تا: ص ۷۹)؛ اما استفاده از این روش همان‌گونه که کینز سفارش کرده است، باید کم و کنترل شده و متناسب با وضع اقتصادی صورت گیرد، وگرنه در کشورهای در حال توسعه که با مشکلات ساختاری در بخش تولید، توزیع و بازار سرمایه مواجه هستند، تأمین مالی کسر بودجه از طریق ایجاد پول به تورّم همه جانبه در این کشورها و کاهش شدید ارزش پول می‌انجامد. قره‌باغیان (۱۳۷۳: ص ۶۱۸) علّت ظهور تورّم همه جانبه در این کشورها را ساختار نامناسب اقتصادی آن‌ها می‌داند؛ زیرا ناکامل بودن بازارها و عدم تحرّک منابع تولید در این کشورها بسیار چشمگیر است و سبب بی‌کشش شدن عرضه تولید می‌شود. این اقتصادها به کمبود ذخایر منابع جدید دچارند، و ضمن این‌که تقاضا برای آن‌ها در زمان افزایش هزینه‌های دولت چند برابر می‌شود، افزون بر آن، عدم تحرّک منابع، سبب کمبود در صنایع و بخش‌ها و نواحی معین شده و همه این‌ها کمبودهای عرضه را در وضعیت افزایش تقاضا بیش‌تر خواهد کرد که در انتها به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورّم همه جانبه می‌انجامد.

## ۶-۲. آثار ناگوار تورّم بر توزیع درآمد و کلّ اقتصاد

همه با تورّم به معنای افزایش مستمر و شتابان سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش متوالی ارزش پول و آثار ناگوار و پیامدهای اقتصادی آن بر توزیع درآمد، پس‌انداز، مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع، تصمیم‌گیری اقتصادی، بودجه دولت و تراز پرداخت خارجی آشنا هستند. به عقیده جاکوب فرانکل (۱۳۸۲: ص ۵ و ۶) هزینه‌های ناشی از تورّم، کاملاً شناخته شده است. حتی اگر تورّم، کاملاً مورد انتظار هم باشد، باعث جایگزینی منابع واقعی به جای خدمات پولی خواهد شد. این جایگزینی پرهزینه است؛ زیرا منابع و زمان فراوانی از این مبادلات صرف

می‌شود. از آن‌جا که در عمل، تورّم کاملاً انتظاری نیست، هزینه‌های اضافی ناشی از عدم اطمینان نیز باید به دیگر هزینه‌ها افزوده شود. در محیط تورّمی، ساز و کار قیمت به مثابه انتقال دهنده اطلاعات آسیب می‌بیند و به کاهش ضریب کارآمدی بازارهای کاری و مالی می‌انجامد. قراردادهای اسمی برای دوره‌هایی زمانی منعقد می‌شود که کوتاه‌تر از زمانی است که به لحاظ اجتماعی بهینه قلمداد می‌شود. افق برنامه‌ریزی‌ها کوتاه‌تر شده و برنامه‌های زمانی سرمایه‌گذاری‌ها نیز به دوره‌های کوتاه مدت‌تر تمرکز می‌یابد؛ افزون بر این که محیط تورّمی، اعتبار سیاست‌های دولت را کاهش داده به وضعیت اقتصاد در بازار سرمایه جهانی آسیب می‌رساند.

درباره آثار ناگوار تورّم بر توزیع درآمدها که شاید مهم‌ترین اثر و نتیجه تورّم باشد باید گفت، یکی از ویژگی‌های بارز پدیده تورّم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها است به این ترتیب که قیمت برخی کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌ها، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد؛ حال آن که قیمت دیگر کالاها و درآمد طبقات و قشرهای دیگر به کندی بالا می‌رود یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب، سبب می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی بعضی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر از دارندگان درآمد ثابت مانند پس‌اندازکنندگان و کارمندان افزایش یابد. به عقیده فریدمن (۱۳۷۵: ص ۲۹) در این حالت که تورّم ناشی از تأمین مالی کسر بودجه از طریق پولی است، بار سنگین مخارج دولت بر دوش صاحبان درآمدهای ثابت و نیمه ثابت و بستانکاران و خریداران اوراق قرضه خواهد افتاد. افرادی که درآمدشان در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بالاتر افزایش می‌یابد نه تنها چیزی نمی‌پردازند، بلکه سودهای کلانی به جیب می‌زنند؛ افزون بر این که این نوع تورّم همان گونه که به تفصیل در فصل پیشین به آن پرداخته شد، به وظایف پولی آسیب می‌رساند و پول دیگر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه و ذخیره ارزش و پرداخت‌های آتی توانا نیست؛ از این‌رو، چنین سیاستی برای تأمین هزینه‌ها در مقایسه با مالیات بسیار ناعادلانه است؛ به همین سبب بیش‌تر اندیشه‌وران اقتصادی و اقتصاددانان مسلمان با آن مخالفند و آن را غیرعادلانه می‌دانند. دکتر شایرا (۱۹۹۲: ص ۵۲) پس از این که تورّم را از عوارض کسر بودجه و بدون شک باعث بی‌عدالتی دانسته است، می‌گوید: تورّم معنایش این است که پول، دیگر قادر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه، امین و عادل نیست؛ همان‌گونه که برای پرداخت‌های آتی، مقیاسی غیرعادلانه، و برای ذخیره ارزش، نامطمئن است. حال پرسش اساسی این است که آیا بر اساس آموزه‌های اسلام، دولت اسلامی می‌تواند سیاستی اتخاذ کند که قدرت خرید پول‌های مردم کاهش یابد و توزیع درآمد به شدت ناعادلانه شود؟ و اگر به سبب مصالح نظام، از سیاست پولی تورّم‌زا استفاده کرد، نباید قدرت خرید قشرهای آسیب‌پذیر را به آن‌ها برگرداند؟

### ۳-۶. دولت اسلامی و محدودیت های آن در پولی کردن کسر بودجه

بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول و بر اساس این که سیاست‌های پولی تورم‌زا آثار و لوازمی دارد که شرع ملتزم به آنها نیست در فصل قبل از آموزه های دینی استنباط کردیم هدف اصلی سیاست های پولی به حکم اولی باید حفظ ارزش پول ملی باشد. همه اینها مستلزم محدودیت‌های دولت اسلامی در بهره‌گیری از این سیاست‌ها است. حال در این فصل افزون بر آن دلایل، با توجه به وظایف حاکم اسلامی و اثر منفی تورم بر توزیع درآمد و ناعادلانه شدن آن، بر اساس رهنمودها و آموزه‌های اسلام محدودیت دولت اسلامی را در پولی کردن کسر بودجه مورد تأکید قرار می دهیم.

مدلول بسیاری از روایات و نیز کلام بزرگان این است که حاکم اسلامی حافظ جان، مال و نوامیس مسلمانان است و باید با آنان به عدالت رفتار کند.

یک؛ مرحوم شیخ در مبسوط، روایتی از عبدالله بن مسعود از رسول (ص) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«حرمة مال المسلم كحرمة دمه».

احترام مال مسلمان، مانند احترام خون او است (کلینی، ۱۳۶۳: کتاب الحج، باب ۱۵۸).

دو؛ ورام بن ابی فراس (مجموعه ورام، بی تا: ص ۱۴)؛ از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمود:

«کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ فالامیر علی الناس راع و هو مسئول عن رعیتہ».

آگاه باشید که تمام شما حافظ و نگهبان یکدیگرید و همه مسئول افراد زیر نظر خود هستید. پس امیر و فرمانروای مردم در برابر ایشان مسئول است.

سه؛ در روایتی که در اصول کافی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۰۵) آمده، اباحمزه از امام باقر (ع) در مورد حق امام بر مردم و حق مردم بر امام چنین نقل می‌کند:

«قال سئلت ابا جعفر (ع) ما حق الامام علی الناس؟ قال: حقه علیهم ان یسمعوا و یطیعوا، قلت

فما حقهم علیه؟ قال یقسم بینهم بالسویة و یعدل فی الرعیة».

راوی می‌گوید از امام باقر (ع) پرسیدم که حق امام بر مردم چیست. حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که به او گوش فرادهند و در اطاعتش باشند؛ آن‌گاه گفتم: پس حق مردم بر امام چیست؟ فرمود: آن است که میان مردم به‌طور مساوی تقسیم، و با همه به عدالت رفتار کند.

چهار. امام خمینی (خمینی، ۱۳۶۰: ص ۵۲) در کتاب ولایت فقیه می‌گوید:

«حکومت اسلامی مانند هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست؛ مثلاً استبدادی نیست که رئیس دولت، مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند؛ هرکس را اراده‌اش تعلق گرفت بکشد و هرکس را خواست انعام کند و به هر

که خواست قول بدهد و اموال و املاک ملت را به این و آن ببخشد. رسول اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) و سایر خلفا چنین اختیاراتی نداشتند».

با توجه به مطالب بالا به این نتیجه می‌رسیم که حاکم اسلامی حافظ مال، جان و ناموس یا به‌طور کلی حافظ امنیت اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است؛ میان مردم طبق قوانین الهی و موازین شرع به عدل و داد حکم می‌راند؛ حق هیچ‌کس را ضایع نمی‌کند؛ به هیچ‌کس بی‌جهت احسان نمی‌کند و تعادل و توازن ثروت را میان مردم برقرار می‌سازد؛ پس او سیاستی اتخاذ نخواهد کرد که پول‌های مردم از ارزش بیفتد و تورم لجام‌گسیخته در جامعه فراگیر شود و توزیع درآمد به‌نفع سرمایه‌داران و به‌ضرر فقیران به شدت تغییر کند.

افزون بر این‌که این نوع تورم همان‌گونه که به تفصیل در فصل پیشین به آن پرداخته شد، به وظایف پولی آسیب می‌رساند و پول دیگر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه و ذخیره ارزش و پرداخت‌های آتی توانا نیست. بر اساس این آموزه‌ها بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر انجام وظیفه و مأموریت اصلی اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند و دیگر نهادهای نظام به ویژه قوه مجریه، او را در انجام مأموریتش یاری رسانند.

#### ۴-۶. دولت اسلامی و مسئولیت‌های آن

آنچه را که تاکنون طرح کردیم، براساس احکام اولیه بوده است؛ اما موارد و مصالحی پیش می‌آید که ایجاب می‌کند حاکم اسلامی از احکام اولیه عدول کند. موارد عدول، حدود و شرایط آن در این بخش به اجمال بررسی و ارزیابی خواهد شد.

#### ۴-۶-الف. مسئولیت حفظ اصل نظام

اسلام، دین جامع است. هم مصلحت فرد و هم مصلحت جامعه را می‌بیند و گاه که مقتضی باشد، مصلحت فرد را فدای مصلحت جامعه می‌کند. هم برای فرد و هم برای اجتماع برنامه دارد و نظام و سیاست و اقتصاد و حکومت را برای رسیدن افراد جامعه به اهداف متعالی اسلام مورد اهتمام قرار می‌دهد. برخی از اهداف که حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی خودش دنبال می‌کند، به شرح ذیل است: ۱. حاکمیت سیاسی اسلام؛ ۲. تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی؛ ۳. برپایی عدالت اجتماعی؛ ۴. عدم وابستگی اقتصادی؛ ۵. خودکفایی و اقتدار اقتصادی؛ ۶. رشد و توسعه؛ ۷. رفاه عمومی.

حفظ نظام و حاکمیت سیاسی اسلامی از مهم‌ترین هدف‌هایی است که حاکم اسلامی در تمام سیاست‌هایش تعقیب می‌کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ص ۱۹۲ - ۱۹۷). اهداف دیگر اقتصاد اسلامی، همچون رفع فقر، ایجاد رفاه عمومی و رشد و... باید در چارچوب اهداف مهم‌تر

مانند حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزش‌های اخلاقی و ایجاد عدالت اجتماعی در نظر گرفته شوند؛ یعنی در صورتی آن اهداف باید تعقیب شوند که به حاکمیت سیاسی اسلام و مانند آن لطمه وارد نشود. در غیر این صورت، فقر، گرسنگی، و عدم رفاه پذیرفته می‌شود تا مبادا به حاکمیت اسلام ضربه وارد شود.

چنان‌که پیامبر اکرم (ص) محاصره در شعب ابی‌طالب را بر تسلیم‌شدن در برابر کافران ترجیح داد، جهاد با مال و جان و دفاع از اسلام و مسلمانان در مقابل کفر و تجاوز به همین منظور است. بنابراین، رفاه و رشد باید بارعایت ارزش‌های اخلاقی، عدالت اجتماعی و حاکمیت سیاسی اسلام پدید آید، نه این‌که فقر به قیمت از دست رفتن این اهداف عالی از بین برود یا رفاه عمومی تأمین شود. این‌ها از اهداف ثابت و اصیل اسلام هستند.

پس هنگامی که حاکمیت سیاسی اسلام به خطر می‌افتد، لازم است با تمام قوا و با جان و مال برای حفظ آن قیام کنیم؛ زیرا خداوند به جهاد با مال و جان دستور داده است.

«انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه ، ۴۱).

سبکبار و گرانبار [برای جهاد] بیرون روید و با مال‌ها و جان‌های خویش در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.

در این وضعیت اگر حاکم اسلام نتواند از راه‌های معمول و در آن فرصت کم، برای حفظ نظام، تأمین مالی کند می‌تواند طبق مصلحت نظام به یکی از روش‌های تأمین مالی کسر بودجه یعنی استقراض از بانک مرکزی به هر نحو که صلاح می‌داند اقدام بکند. همان‌گونه که روشن است، این کار در جامعه تورّم و گاه تورّم‌های بسیار شدید پدید می‌آورد، که از آن به مالیات پنهان تعبیر می‌کنند؛ اما از آن‌جا که ولیّ امر مسلمانان حق دارد برای اداره جامعه مالیات وضع کند می‌تواند این نوع سیاست را نیز اتخاذ کند؛ زیرا طبق آیه شریفه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب ، ۶) پیامبر که به جان‌های مؤمنان اولی است؛ به اموال آن‌ها اولی تر است. این اولویت به سِمَت زعامت نبی و ولیّ برمی‌گردد؛ یعنی جزو وظایف حکومتی شمرده می‌شود.

در مسأله مصلحت نظام، امام خمینی (ره)، در پاسخ نامه‌ای (وزارت ارشاد، ۱۳۶۱: ج ۱۵، ۱۸۸) در این مورد نوشت:<sup>۸۶</sup>

«آن‌چه که در حفظ نظام اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آن‌چه که ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آن‌چه که فعل یا ترک آن

<sup>۸۶</sup> . نامه مورخه ۱۳۶۰/۷/۲۰ بین رئیس مجلس وقت شورای اسلامی جناب آقای اکبر هاشمی رفسنجانی و حضرت امام خمینی (ره) .



مستلزم حرج است، پس از تصویب موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است، پس از رفع موضوع خودبه خود لغو می شود، مجازند در تصویب و اجرای آن».

امام خمینی (ره) (وزارت ارشاد، همان، ج ۱۰، ۱۳۸)، حتی در مسأله‌ای پایین تر از حفظ نظام هم حاکم را مجاز در مصادره بخشی از اموال می داند. وی در این زمینه قائل است به این که دولت اسلام برای حفظ توازن اقتصادی و جلوگیری از طبقاتی شدن جامعه می تواند در کنار مالیات های ثابت چون زکات، خمس و... به وضع مالیات تصاعدی یا حتی مصادره بخشی از اموال اقدام کند. حضرت امام در این باره می فرماید:

« مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر می تواند همین مالکیت محدود که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت را محدودش کند به یک حد معین و با حکم فقیه از او مصادره می شود».

آن چه از سخنان حضرت امام، در امر ضرورت و مصلحت نظام استفاده می شود، این است که مصلحت موقت بوده و تا هنگامی است که موضوع مصلحت محقق است؛ پس اگر موضوع مصلحت از بین رفت یا مصلحت به مفسده تبدیل شد، حکم منتفی است.

#### ۶-۴-ب. مسئولیت رشد و پیشرفت اقتصادی نظام

پرسشی که این جا مطرح است و باید به آن پاسخ داده شود، این است که آیا برنامه رشد هم داخل مصلحت نظام است تا حاکم اسلامی بتواند به هدف رشد از سیاست پولی انبساطی که تورمزا بوده و سبب کاهش ارزش پول می شود، بهره گیرد. برای پاسخ به این پرسش، اندکی مبانی مصلحت و مراتب آن را بررسی می کنیم.

محقق گرامی جناب آقای سیف الله صرّامی (۱۳۷۴) در مقاله «احکام حکومتی و مصلحت نظام»، مراتب مصلحت را از فقه اهل سنت چنین برمی شمارد:

«بر پایه ترتیب اهمیت، مصلحت را بر سه قسم می دانند: مصلحت ضرور، مصلحت حاجی، مصلحت تحسینی. مقدار و مرتبه‌ای از مصلحت در هر یک امور پنجگانه (مصلحت دین، جان، نسل، عقل، مال) که حفظ و نگهداری آن امور را از تباهی و نابودی فراهم می آورد، مصلحت ضرور آن مقدار است؛ مانند حفظ اصل دین، یا نگهداری نسل انسان از نابودی. مصلحت حاجی، مرتبه‌ای است که گرچه بدون آن، امور پیش گفته نابود نمی شوند، با سختی و تنگی همراه هستند؛ برای مثال، مصلحت حاجی دین در این است که افزون بر حفظ اصل دین، به طور معمول و عادی نیز به حیات خود در قلب مردم و در برپایی مراسم دینی و مانند آن ادامه دهد. مصلحت تحسینی، یا

تزیینی، مرتبه کمال و غایت مطلوب مصالح است؛ برای مثال، با وجود اصل دین و رواج آن، توسعه کمی و کیفی آن نیز وجود داشته باشد. حاکم مسلمانان می‌تواند با رعایت اهمیت و مراتب مصلحت، هر یک از اقسام آن را پایه حکومت قرار بدهد.»

یک وقت همین رشد اقتصادی در مرتبه مصلحت ضرور است؛ زیرا همان‌گونه که می‌بینیم، وابستگی سیاسی بسیاری از کشورهای جهان اسلام در اثر وابستگی اقتصادی آن‌ها است؛ به این سبب یکی از اهداف دین، حفظ حاکمیت سیاسی اسلام است؛ همان‌گونه که از آیه شریفه «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ اٰخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ اِلَيْكُمْ وَ اَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ» (انفال، ۶۰). این معنا روشن است. چنان‌که آیه شریفه بیان می‌دارد، برای دشمنان احتمالی و آنانی که در آینده هم احتمال دشمنی‌شان هست، مسلمانان باید با تمام قوا آماده و مهیا باشند. در جهان امروز، یکی از بارزترین افراد نیرو، توان بالای اقتصادی است. نداشتن قدرت اقتصادی و اقتصاد پویا سبب سستی حاکمیت سیاسی اسلام خواهد شد؛ در نتیجه، حاکم اسلامی باید رشد و پیشرفت اقتصادی را به صورت هدف و برنامه راهبردی در سیاست خودش لحاظ بکند. در عین حال، با توجه به مطالعه تاریخ گذشته افزایش بی رویه حجم پول و نقدینگی چنین برمی‌آید که این کار مانند شمشیر دو لبه است و ممکن است برگردد و خود نظام را نابود کند؛ چنان‌که در آلمان ۱۹۲۳ این مطلب را به روشنی می‌بینیم (کتابی، ۱۳۶۸: ص ۱۸). افزون بر این که بیش‌تر بررسی‌ها نشان دهنده رابطه منفی بین تورم و رشد اقتصادی در میان‌مدت و بلندمدت هستند و در مورد کوتاه‌مدت، نتایج یکسانی به دست نیامده است. بر اساس نتایج به دست آمده از مدل تجربی کمیجانی و علوی (۱۳۷۸: ص ۴۶) در مورد ایران، اثر کوتاه‌مدت تورم بر رشد اقتصادی مثبت و حدود ۴۱ درصد، اثر میان‌مدت آن منفی و حدود ۶۱ درصد - و اثر بلندمدت تورم بر رشد منفی و حدود ۲۹ درصد - است.

#### ۶-۴-ج. مسئولیت دولت اسلامی در برابر مردم

پرسش دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا حاکم اسلامی خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را باید جبران کند یا نه؟ روشن است که سیاست‌های پولی انبساطی به دنبال خود، تورم‌های مزمّن و دامنه‌داری را ایجاد می‌کند. بازندگان اصلی این سیاست قشرهایی هستند که حقوق ثابت و نیمه‌ثابت دارند و حقوق و دستمزدها به همراه سطح عمومی قیمت‌ها رشد نمی‌کند. به دو دلیلی که در ذیل بیان می‌شود، حاکم اسلامی موظف است حقوق‌ها و دستمزدها را ترمیم بکند.

**دلیل اول:** با توجه به همه مباحثی که حول و حوش مصالح حکومتی و نظام مطرح شده، این مطلب مورد اتفاق است که حکم حکومتی مادام‌المصلحه و موقت است و حکم شامل هر چیزی می‌شود که در دایره مصلحت باشد؛ برای مثال، در ایجاد خیابان عریض، مصلحت در خراب کردن خانه‌های مردم است نه این که ارزش اموال و خانه‌های تخریب شده آنها را ندهیم. بله، هرگاه تصرف در اموال، داخل در دایره مصلحت باشد، حاکم اسلامی می‌تواند تصرف کند؛ چنان که در مسأله مصادره اموال از امام خمینی (ره)؛ فتوایی را نقل کردیم؛ پس مصلحت به همان دایره مصلحتی خودش محدود و محصور است.

در اتخاذ سیاست پولی انبساطی صرفاً تامین مالی کسر بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی داخل در دایره مصلحت نظام قرار دارد؛ اما خسارتی را که از اتخاذ و عمل به این سیاست بر روی طبقات کم‌درآمد و حقوق‌بگیر وارد می‌آید، خارج از دایره مصلحت نظام است؛ پس این‌گونه خسارت باید به‌نحو مقتضی جبران شود.

استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۷۰: ج ۲، ۸۴) در کتاب *اسلام و مقتضیات زمان*، فتوایی را از آیت‌الله بروجردی چنین نقل می‌کند:

«... به هر حال، تزامم یعنی باب جنگ مصلحت‌های جامعه. در این جا یک فقیه می‌تواند فتوا بدهد که از یک حکم به خاطر حکم دیگر عملاً دست بردارند و این نسخ نیست. زمانی [می‌خواستند] این خیابانی را که در قم از کنار بن بابویه می‌گذرد و تا پایین شهر و مسجد جمعه می‌رود [احداث کنند] از مرحوم آقای بروجردی سؤال کردند که این کار را بکنیم یا نه. چون آن زمان بدون اجازه ایشان این جور کارها صورت نمی‌گرفت.

[ایشان] گفتند: اگر مسجد خراب می‌شود، مانعی ندارد. این کار را انجام بدهید و پول مالک‌ها را هم بدهید».

امام خمینی (ره) در همین رابطه می‌فرماید: «حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند، و پول منزل را به صاحبش رد کند» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰).

از مضمون این دو فتوا چنین برمی‌آید که دایره مصلحت به همان خراب کردن خانه‌ها است؛ پس ارزش و قیمت اموال و خانه‌های تخریب شده باید به صاحبان آنها رد شود.

و اما این که دستمزدها و حقوق چه مقدار جبران شود، پاسخ بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول که پول را مال قراردادی می‌داند - هم از حیث ملاک سنجش ارزش و هم از حیث چیزی که واسطه مبادله است - و با توجه به این که پول کنونی عین اعتباری است نه فیزیکی و از

اجزای مثلی اعتباری تشکیل شده است. تنها درصدی از تورّم لازم است جبران شود که به عوامل پولی و ناشی از فشار تقاضا در اثر عملکرد دولت برمی گردد.<sup>۸۷</sup>

**دلیل دوم:** حاکم اسلامی به عدل و داد حکم می‌راند؛ زیرا طبق فرموده امام باقر(ع) حق مردم بر والی این است که «یقسم بالسویة و یعدل فی الرعیة» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۰۵). حال اگر این روش تأمین مالی را نوعی اخذ مالیات بدانیم، چنان‌که کارشناسان اقتصادی به آن اذعان دارند و از آن به مالیات پنهان تعبیر می‌کنند (فریدمن، ۱۳۷۵، ۲۹). اما ویژگی ناگوار و برجسته این نوع تأمین مالی این است که از یکطرف از جیب حقوق بگیران ثابت و پس انداز کنندگان برداشت می‌شود و از طرف دیگر به سرمایه صاحبان سرمایه و کالاهای فیزیکی به شدت می‌افزاید و توزیع درآمد را به نفع آنها و به ضرر حقوق بگیران ثابت و پس انداز کنندگان به شدت نابرابر می‌کند. بنابراین، عدالت اسلامی حکم می‌کند که این خسارت به نحو مقتضی جبران شود.

روایات مربوط به عدالت ورزی بسیار زیاد است. در اینجا تنها به یک روایت اکتفا می‌کنم. در روایتی (حرعاملی، همان، ج ۱۱، ۱۱۶) از امام صادق(ع) آمده است: «**ما اوسع العدل، ثم قال: ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم.**»

*عدل چقدر گسترده است؛ سپس فرمودند: به تحقیق هرگاه میان مردم عدالت اجرا شود، بی‌نیاز می‌شوند.*

در پایان نکته ای به نظر نگارنده قابل تأمل است و آن این که هرگاه برای رسیدن به رشد و پیشرفت اقتصادی<sup>۸۸</sup> به کسر بودجه متوسل شویم و برای تأمین آن به استقراض از بانک مرکزی رو بیاوریم یا از حق انتشار پول بی‌اندازه استفاده کنیم، گرچه برای ترمیم حقوق‌ها و دستمزدها روش شاخص بندی به کار رود، اما سیاست پولی کردن کسر بودجه آثار و لوازم دیگری به دنبال دارد که شرع به آثار و لوازم آن ملتزم نیست. همان‌گونه که می‌دانید، نتیجه این سیاست تورّم و کاهش ارزش پول بوده، سبب توزیع ناعادلانه درآمد و تمرکز فراوان ثروت در دست عده معدودی از افراد جامعه می‌شود. این امر شدید شدن فاصله طبقاتی در جامعه را در پی دارد؛ حال آن‌که سیاست‌های اقتصادی حاکم اسلامی باید در جهت تعدیل و توازن ثروت باشد، نه تمرکز ثروت و

<sup>۸۷</sup> . برخی این جبران را موجب تورّم مجدد می‌دانند. برای جلوگیری از این دور بهتر است از سود برندگان تورّم مالیات اخذ شود و برای ضررکنندگان جبران شود ضمن اینکه بهتر است از روشهای غیر آسیب زا برای تأمین مالی بودجه استفاده شود. البته این دور اجرایی در صورت وجود به حکم شرعی آسیبی نمی‌زند. ضمن این که در کشورهای مبتلا به تورّم های مزمن عملا می‌بینیم این جبران به شکل indexation صورت می‌گیرد.

<sup>۸۸</sup> . البته این روش همانگونه که پیشتر بیان کردیم در میان مدت و بلند مدت به ضرر رشد اقتصادی است و تأثیر منفی بر آن دارد و در کوتاه مدت اثر مثبتش یقینی نیست، گرچه برخی پژوهشها اثر مثبت بر رشد اقتصادی برای کوتاه مدت برآورد کردند.

طبقاتی شدن جامعه. در این مورد فقط به یک آیه شریفه تمسک می‌کنیم. قرآن کریم نقش فیء را که یکی از درآمدهای بیت‌المال است در ایجاد توازن و تعدیل ثروت چنین شرح می‌دهد:

« مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ » (حشر، ۷).

*آن چه خداوند، از اهل قرا بر رسولش بازگرداند، برای خدا و رسول و ذالقربی و یتیمان و مسکینان و در راه مانده است تا میان ثروتمندان دست به دست نگیرد.*

این آیه به روشنی بر این مطلب دلالت دارد که به هدف در گردش بودن مال نزد همه افراد جامعه، این اموال به رسول‌الله و فقیران داده می‌شود تا به این وسیله، توازن اجتماعی عمومی حفظ شود و فقط بین ثروتمندان گردش نکند. از این رو، برای تأمین مالی کسر بودجه بهتر است از روش‌های دیگر تأمین مالی استفاده شود.

### خلاصه و نتیجه فصل ششم

پرسش اساسی در این فصل این بود که آیا بر اساس آموزه‌های اسلام، دولت اسلامی می‌تواند سیاستی اتخاذ کند که قدرت خرید پول‌های مردم کاهش یابد و اگر به دلایلی مشروع از سیاست پولی تورم‌زا استفاده کرد، آیا نباید قدرت خرید قشرهای آسیب‌پذیر را در حقوق‌ها، دستمزدها جبران کرده و به آن‌ها برگرداند؟ در کشورهای در حال توسعه که با مشکلات ساختاری در بخش تولید، توزیع و بازار سرمایه مواجه هستند، تأمین مالی کسر بودجه از طریق ایجاد پول به تورم همه جانبه در این کشورها و کاهش شدید ارزش پول می‌انجامد. یکی از ویژگی‌های بارز پدیده تورم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها است به این ترتیب که قیمت برخی کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌ها، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد؛ حال آن که قیمت دیگر کالاها و درآمد طبقات و قشرهای دیگر به کندی بالا می‌رود یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب، سبب می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی بعضی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر از دارندگان درآمد ثابت مانند پس‌اندازکنندگان و کارمندان افزایش یابد. در این حالت که تورم ناشی از تأمین مالی کسر بودجه از طریق پولی است، بار سنگین مخارج دولت بر دوش صاحبان درآمدهای ثابت و نیمه ثابت و بستانکاران و پس‌اندازکنندگان خواهد افتاد. افرادی که درآمدهای ثابت در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بالاتر افزایش می‌یابند نه تنها چیزی نمی‌پردازند، بلکه سودهای کلانی به جیب می‌زنند. افزون بر این که این نوع تورم به وظایف پولی آسیب می‌رساند و پول دیگر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه و ذخیره ارزش و پرداخت‌های آتی توانا

نیست. از این رو، چنین سیاستی برای تأمین هزینه‌ها در مقایسه با مالیات بسیار ناعادلانه است. به همین سبب بیش‌تر اندیشه‌وران اقتصادی و اقتصاددانان مسلمان با آن مخالفند و آن را غیرعادلانه می‌دانند. بر اساس آموزه‌های اسلام، حاکم اسلامی حافظ مال، جان و ناموس یا به‌طور کلی حافظ امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ میان مردم طبق قوانین الهی و موازین شرع به عدل و داد حکم می‌راند؛ حق هیچ‌کس را ضایع نمی‌کند؛ به هیچ‌کس بی‌جهت احسان نمی‌کند و تعادل و توازن ثروت را میان مردم برقرار می‌سازد؛ پس او سیاستی اتخاذ نخواهد کرد که پول‌های مردم از ارزش بیفتند و تورم لجام‌گسیخته در جامعه فراگیر شود و توزیع درآمد به‌نفع سرمایه‌داران و به ضرر فقیران به شدت تغییر کند. اما موارد و مصالحی پیش می‌آید که ایجاب می‌کند حاکم اسلامی از احکام اولیه عدول کند. حفظ نظام و حاکمیت سیاسی اسلام از مهم‌ترین هدف‌هایی است که حاکم اسلامی در تمام سیاست‌هایش تعقیب می‌کند. در این وضعیت اگر حاکم اسلام نتواند از راه‌های معمول و در آن فرصت کم، برای حفظ نظام، تأمین مالی کند می‌تواند طبق مصلحت نظام به استقراض از بانک مرکزی به هر نحو که صلاح می‌داند اقدام بکند. همان‌گونه که روشن است، این کار در اقتصاد تورم و گاه تورم‌های بسیار شدید پدید می‌آورد، که از آن به مالیات پنهان تعبیر می‌کنند؛ اما از آن‌جا که ولیّ امر مسلمانان حق دارد برای اداره جامعه مالیات وضع کند می‌تواند این نوع سیاست را نیز اتخاذ کند. اما مصلحت به همان دایره مصلحتی خودش محدود و محصور است. در اتخاذ سیاست پولی انبساطی صرفاً تأمین مالی کسر بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی داخل در دایره مصلحت نظام قرار می‌گیرد؛ اما خسارتی را که از اتخاذ و عمل به این سیاست بر روی طبقات کم‌درآمد و حقوق‌بگیر وارد می‌آید، خارج از دایره مصلحت نظام است؛ پس این‌گونه خسارت باید به‌نحو مقتضی جبران شود.

## فصل هفتم:

### جمع بندی، نتایج و توصیه های سیاستی

## فصل هفتم: جمع بندی، نتایج و توصیه های سیاستی

سیاست های پولی در ایران اسلامی با چندین چالش عمده مواجه است. مهم ترین این چالش ها عبارتند از: ۱. عدم ثبات سیاست های پولی به دلیل حاکمیت سیاست مالی بر آن و در نتیجه کاهش اعتبار دو حوزه سیاستگذاری پولی و مالی، ۲. معلوم نبودن هدف سیاست های پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام ۳. نداشتن راهکاری اصولی برای رفع و تعدیل اثر منفی تورم بر توزیع درآمد و در نتیجه نداشتن پل ارتباطی برای برخورداری از نتایج مثبت رشد کوتاه مدت و اجتناب از آثار تورمی بلند مدت.

در نظام اقتصادی اسلام همه این چالش ها به صورت روشمند و مبنایی حل نخواهد شد و پشتوانه قانونی پیدا نخواهد کرد مگر این که پیش تر ادبیات فقهی و حقوقی لازم برای آن فراهم شده باشد. این مهم به دست نمی آید مگر این که در مرحله موضوع شناسی، تحلیلی جامع از ماهیت پول داشته باشیم. این تحلیل می تواند بستر فقهی و حقوقی منضبط کردن سیاست های پولی را از حیث هدف سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام فراهم کرده و میزان تعهد و جایگاه هر یک از دولت و بانک مرکزی و وظایف آنها را روشن تر کند. در نتیجه به لحاظ نظری تراحم بین دو سیاست پولی و مالی به صورت قاعده مند و شفاف حل و فصل شده و اعتبار سیاستگذاران در هر دو حوزه با افزایش ثبات سیاست ها، افزایش خواهد یافت. از این رو، موضوع اصلی این رساله تحلیل ماهیت پول و تبیین اثر آن بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی بر اساس مبانی فقهی و اقتصادی قرار گرفت.

### تحلیل ماهیت پول

در تاریخ تحولات و تکاملی پول به مرحله ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه رسیدیم. لذا این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش و در مرور بر ادبیات موضوع چهار نظریه اصلی شناسایی، بررسی و نقد شد؛ نظریه فلزی یا نظریه پول کالایی، نظریه چارتالیزم، نظریه مالیت اعتباری یا قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی. گر چه هر یک از تحلیل های ماهیت پول می توانند تعدادی از حقایق موجود در باره پول را توضیح دهند باشند. اما از آنجا که مفروضات اساسی این تحلیل ها قابل جرح و تعدیل است و به خاطر پنهان ماندن بخش هایی از حقایق پولی در تحلیل اینها در نتیجه هیچیک از این دیدگاه ها نمی توانند رضایت کامل را فراهم آورند. در نتیجه لزوم ارایه تحلیلی جدید در باره ماهیت پول که بتواند توضیح دهندگی کامل تری داشته باشد امری اجتناب ناپذیر است. در رویکرد اصلی این تحلیل « پول از هر نوع، چه از



نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد دارای مراتبی از قرارداد و اعتبار است». فرضیه اساسی تحقیق در باره پول های کنونی این است که «پول های کنونی همه مراتبش اعتباری است و با قرارداد و اعتبار پدید آمده است». در شکل گیری پول های کنونی با سه مرحله جعل و اعتبار و دو مرتبه مالیت و ارزش یعنی ارزش اولیه اعتباری و ارزش ثانویه نسبی، طبیعی و متغیر روبرو هستیم. در مرحله اول قانون جعل ذات کرده است. در مرحله دوم قانون با جعل به این ذات مالیت اولیه معین داده است. در مرحله سوم آن را پول قانونی در گردش قرار داده است. در مرحله چهارم با انتشار خارجی هنگامی که در برابر تولید ملی قرار می‌گیرد ارزش ثانویه اش که نسبی، طبیعی و متغیر است پدیدار می‌شود. حالا این پول مالی است مثل همه اموال دیگر با این تفاوت که ذات مال در پول های کنونی ماهیت اعتباری دارد نه فیزیکی. این مال مخلوق جدیدی است بدون ماهیت فیزیکی که با اعتبار و جعل قانون و پذیرش مردم وجود پیدا می‌کند و ارزش آن پس از انتشار خارجی به ظرفیت تولید ملی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و وفای حاکمیت به تعهدش در حفظ نسبی ارزش اولیه پول بر اساس معیار وابسته است. در این نظام نفس ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت شده در حساب جاری یا ذخیره شده به صورت الکترونیکی که ارزشی برابر با سکه مسکوک دارد پول در گردش است. در اینصورت اسکناس، حساب جاری و بیت های دیجیتال ظرف اعتباری این پول خواهند بود. موجود غیرفیزیکی و تازه ای است که قانون ابتدا ذات آن را با اعتبار ایجاد می‌کند، آنگاه ارزش مبادله ای اولیه اش را برابر ارزش مقدار خاصی از مالی دیگر که ارزشش نزد همه شناخته شده است، تعریف می‌کند، سپس آن را پول در گردش قرار داده و منتشر می‌کند. از این رو عنوان این تحلیل را "مال اعتباری" در نظر گرفتیم. به خلاف نظریه مالیت اعتباری که در ماهیت آن تنها مالیت را می‌بیند و به خلاف نظریه ارزش اسمی که ذات مالی در نظر می‌گیرد، اما حقیقت این ذات مبهم است. نظریه مال اعتباری ضمن پوشش نظریات دیگر از ایرادات وارد بر آنها مبرا است و نتایج خاص خودش را دارد. از جمله این که این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال و وصف مالیت در پول کنونی می‌تواند عواملی را که موجب نقص در ذات این مال می‌شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد. از نتایج و ویژگی های این تحلیل آن است که همه پول ها را با تحلیل واحد توضیح می‌دهد. بر اساس تحلیل جدید هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. ضمن اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال، دو مالیت اولیه و ثانویه را در پول کنونی تشخیص داده است با این فرق که که مالیت ثانویه، نسبی، طبیعی و متغیر است. از این رو، می‌تواند عواملی را که موجب نقص در این مال می‌شوند و

چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد.

### اثر تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول بر منضبط کردن حقوقی سیاست های پولی

همه با تورم به معنای افزایش مستمر و شتابان سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش متوالی ارزش پول و آثار ناگوار و پیامدهای اقتصادی آن بر توزیع درآمد، پس‌انداز، مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع، تصمیم‌گیری اقتصادی، بودجه دولت و تراز پرداخت خارجی آشنا هستند. در مورد علت اصلی تورم در ایران پس از انقلاب بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، عملیات مالی دولت بر متغیر حجم پول و نقدینگی تأثیر گذاشته و سرانجام با پولی شدن کسر بودجه به طور مستقیم در ایجاد تورم دخالت داشته است. برخی حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی را موجب مخدوش شدن استقلال بانک مرکزی و بی‌انضباطی‌های زیادی در سیاست‌های پولی و پایداری تورم در ایران دانسته‌اند. در سال‌های اخیر همگان به این امر که ثبات قیمت‌ها، نرخ تورم اندک و ثابت مزایای فراوانی برای اقتصاد در بردارد، توافق نموده‌اند. از این رو، ثبات قیمت‌ها تقریباً در کلیه کشورها به عنوان هدف اصلی سیاست‌گذاری پولی در نظر گرفته شده است. اما از آنجا که در ایران بانک مرکزی مستقل نیست و سیاست مالی بر سیاست پولی حاکمیت دارد، بانک مرکزی قدرت کنترل حجم پول و تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی را از دست داده و کشور مرتباً با تورم و کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی مواجه است. در نتیجه نمی‌تواند آن کارکرد متوقع را داشته و نقش خود را در جهت ثبات‌سازی ایفا کند.

این مشکل به صورت اصولی حل نخواهد شد مگر اینکه پیشتر ادبیات لازم‌فقهی و حقوقی آن در نظام اقتصادی اسلام فراهم شده باشد و به این پرسش‌ها که چه نهادی هدف سیاست پولی را تعیین می‌کند و چيستی این هدف که همچنان در نظام اسلامی ایران و در محافل اقتصادی آن محل چالش است پاسخ داده باشد.

در راستای پاسخ پرسش‌های بالا اندیشه‌وران غربی به این نتیجه رسیده‌اند که در نظام دموکراسی غربی بهتر است دولت منتخب مردم تعیین‌کننده هدف سیاست‌های پولی باشد، زیرا با اصول دموکراسی سازگار بوده و در عین حال هماهنگی بین سیاست پولی و سیاست مالی را افزایش می‌دهد و بانک مرکزی در تعیین ابزار برای رسیدن به هدف مستقل باشد. اما در نظام مردم‌سالار دینی که در ایران معاصر با نام «جمهوری اسلامی» شناخته می‌شود همان‌گونه که از نامش پیداست مردم با گزینش کارگزاران شایسته از آنها می‌خواهند که بر اساس دین و آموزه‌های اسلام بر آنها حکومت کنند. بنابراین، رهنمودها و آموزه‌های دین چه به صورت اوامر و نواهی مولوی و چه به صورت اوامر و نواهی ارشادی در باره حفظ ارزش پول به عنوان هدف اصلی

سیاست های پولی می تواند کمک کار سیاستگذاران در جهت حل و فصل دعاوی و ایجاد کننده هماهنگی بین آنها باشد. مسلماً اگر دین در این زمینه رهنمودی داشته باشد، وفاق بین ملت و دولت و تمام نهادهای نظام در تبعیت از آن حاصل خواهد شد. در نتیجه دولت و ملت و نهاد بانک مرکزی هماهنگ و مشترک به مبارزه با تورّم برخوانند خاست. به لحاظ نظری، ارایه رهنمود به وسیله دین در باره اهداف سیاست های پولی با توجه به پشتوانه قانونی بسیار محکمی که پیدا می کند همه را به همگامی با آن بسیج می کند و نتایج سریع تر و بهتری در پی خواهد داشت.

قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: "أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" ملاحظه می کنید، دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، شامل همه مصادیق می شود، و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می گیرد لذا شامل پول هم که بر اساس تحلیل مال اعتباری یک پیمان اجتماعی است می شود. بنابر این، حکم اولی رعایت مفاد اصل پایبندی و حفظ ارزش پول بر اساس مقیاسش بوده و لازم الوفا است و دولت اسلامی نمی تواند از آن عدول کند مگر به حکم ثانوی و در جایی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام، آن هم تا زمان وجود مصلحت به او اجازه داده باشد. افزون بر این که تورّم و سیاست های پولی بی رویه آثاری به شرح ذیل بر پول می گذارد: نخست اینکه، وظیفه واحد محاسبه و معیار سنجش بودن پول مخدوش می شود. دوم اینکه، پول به عنوان مالی جهت حفظ و ذخیره ارزش نامطمئن می گردد و سوم اینکه، انتشار پول اضافی بر اساس نظریه مال اعتباری به عنوان اتلاف درعیار واحد پولی قلمداد می شود. این در حالی است که اولاً قرآن از مخدوش کردن مقیاس های سنجش متداول و متعارف جامعه به شدت نهی کرده است و پول مهم ترین مقیاس و معیار سنجش ارزش های اقتصادی است. ثانیاً در برخی دیگر از آیات قرآن کریم از بی ارزش کردن اموال مردم نهی شده است و پول در نگاه خرد از جمله مهم ترین اموال مردم است. ثالثاً در روایات معصومین (علیهم السلام) از معامله با دراهم مغشوشه نهی شده است. بر اساس این آموزه ها هدف اصلی سیاست پولی باید کنترل تورّم و حفظ ارزش پول باشد و دیگر اهداف در صورتی پیگیری می شوند که با این هدف در تعارض نباشند. از این رو، بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر انجام وظیفه و مأموریت اصلی اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند. و دیگر نهادهای نظام به ویژه قوه مجریه، او را در انجام مأموریتش یاری رسانند.

پرسش اساسی دیگر رساله این بود که آیا بر اساس آموزه های اسلام، دولت اسلامی می تواند سیاستی اتخاذ کند که قدرت خرید پول های مردم کاهش یابد و اگر به دلیل مصلحت نظام از سیاست پولی تورّمزا استفاده کرد، آیا نباید قدرت خرید قشرهای آسیب پذیر را در حقوق ها، دستمزدها جبران کرده و به آنها برگرداند؟ در کشورهای در حال توسعه که با مشکلات

ساختاری در بخش تولید، توزیع و بازار سرمایه مواجه هستند، تأمین مالی کسر بودجه از طریق ایجاد پول به تورّم همه جانبه در این کشورها و کاهش شدید ارزش پول می‌انجامد. یکی از ویژگی‌های بارز پدیده تورّم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها است به این ترتیب که قیمت برخی کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌ها، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد؛ حال آن که قیمت دیگر کالاها و درآمد طبقات و قشرهای دیگر به کندی بالا می‌رود یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب، سبب می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی بعضی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر از دارندگان درآمد ثابت مانند پس‌اندازکنندگان و کارمندان افزایش یابد. در این حالت که تورّم ناشی از تأمین مالی کسر بودجه از طریق پولی است، بار سنگین مخارج دولت بر دوش صاحبان درآمدهای ثابت و نیمه ثابت و بستانکاران و پس‌اندازکنندگان خواهد افتاد. افرادی که درآمدهای آنها در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بالاتر افزایش می‌یابد نه تنها چیزی نمی‌پردازند، بلکه سودهای کلانی به جیب می‌زنند. افزون بر این که این نوع تورّم به وظایف پولی آسیب می‌رساند و پول دیگر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه و ذخیره ارزش و پرداخت‌های آتی توانا نیست. از این‌رو، چنین سیاستی برای تأمین هزینه‌ها در مقایسه با مالیات بسیار ناعادلانه است. به همین سبب بیش‌تر اندیشه‌وران اقتصادی و اقتصاددانان مسلمان با آن مخالفند و آن را غیرعادلانه می‌دانند. بر اساس آموزه‌های اسلام، حاکم اسلامی حافظ مال، جان و ناموس یا به‌طور کلی حافظ امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ میان مردم طبق قوانین الهی و موازین شرع به عدل و داد حکم می‌راند؛ حق هیچ‌کس را ضایع نمی‌کند؛ به هیچ‌کس بی‌جهت احسان نمی‌کند و تعادل و توازن ثروت را میان مردم برقرار می‌سازد؛ پس او سیاستی اتخاذ نخواهد کرد که پول‌های مردم از ارزش بیفتد و تورّم لجام‌گسیخته در جامعه فراگیر شود و توزیع درآمد به نفع سرمایه‌داران و به ضرر فقیران به شدت تغییر کند. اما موارد و مصالحی پیش می‌آید که ایجاب می‌کند حاکم اسلامی از احکام اولیّه عدول کند. حفظ نظام و حاکمیت سیاسی اسلام از مهم‌ترین هدف‌هایی است که حاکم اسلامی در تمام سیاست‌هایش تعقیب می‌کند. در این وضعیت اگر حاکم اسلام نتواند از راه‌های معمول و در آن فرصت کم، برای حفظ نظام، تأمین مالی کند می‌تواند طبق مصلحت نظام به استقراض از بانک مرکزی اقدام کند. همان‌گونه که روشن است، این کار در اقتصاد تورّم و گاه تورّم‌های بسیار شدید پدید می‌آورد، که از آن به مالیات پنهان تعبیر می‌کنند. اما مصلحت به همان دایره مصلحتی خودش محدود و محصور است. در اتخاذ سیاست پولی انبساطی صرفاً تأمین مالی کسر بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی داخل در دایره مصلحت نظام قرار می‌گیرد؛ اما خسارتی را که از

اتخاذ و عمل به این سیاست بر روی طبقات کم‌درآمد و حقوق‌بگیر وارد می‌آید، خارج از دایره مصلحت نظام است؛ پس این‌گونه خسارت باید به‌نحو مقتضی جبران شود.

یک پرسش اساسی این است، آیا قوانین، مقررات و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت حفظ ارزش پول می‌کند؟ پاسخ آن است که این قوانین و مقررات و نهادها در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی برای رسیدن به ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول که مورد اهتمام شدید شارع مقدس است حرکت نمی‌کنند بلکه بر عکس هر چه بیشتر این شکاف را عمیق‌تر کرده و تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی را تعمیق می‌بخشند. لذا ضروری است همه صاحبان فکر و اندیشه عوارض و آثار منفی غیر قابل جبران این تعمیق را از منظرهای گوناگون شکافته و در معرض عموم قرار دهند تا به تدریج توافق جمعی برای اصلاحات عمیق و همه‌جانبه در قوانین پولی و بانکی کشور فراهم گشته و با حصول تفکیک‌پذیری سیاست پولی از سیاست مالی اقتصاد کشور از تورم‌های لجام‌گسیخته رها شده و زمینه رشد پایدار اقتصادی میسر شود. اخیراً مجلس شورای اسلامی برای برهم زدن ترکیب شورای پول و اعتبار و تخصصی کردن بیشتر آن لایحه‌ای اصلاحی را پیشنهاد داده است که در آن تعدادی متخصص پولی و بانکی و بخش خصوصی به ترکیب اضافه شدند. اما از آنجا که از مبانی اصولی کافی و مستحکم برخوردار نبود در همان مراحل اولیه از دستور کار خارج شد. این در حالی است که اولاً قانون پولی نیازمند یک دگرگونی اساسی و ریشه‌ایست و با ترمیم‌های مختصر مشکلتش بر طرف نمی‌شود. ثانیاً، هر پیشنهادی برای اصلاح قانون پولی و بانکی در نظام جمهوری اسلامی بایستی اساس و پایه فقهی و اقتصادی محکم داشته باشد و هر تغییری در آن باید به یکی از آن مبانی فقهی و اقتصادی استناد داده شود. همان‌گونه که پایه و اساس استقلال بانک مرکزی در غرب بر اندیشه‌های فلسفی و اقتصادی آنها استوار است، نظام اسلامی هم باید ارکان بانک مرکزی و اهداف پولی‌اش را بر مبانی مستحکم فقهی اسلام و قوانین شناخته شده اقتصاد بنا کند. چیزی که الان به آن نیاز داریم فقه بانکداری مرکزی است تا بر اساس آن بتوان الگویی اسلامی برای استقلال بانک مرکزی در نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد داد.<sup>۸۹</sup> این که منصب ریاست کل بانک مرکزی باید از ارکان آن باشد و شخص رئیس کل دارای چه ویژگی‌هایی باشد و چگونه منصوب شود و این که اعضای شورای پول و اعتبار چه کسانی باشند و دارای چه شرایطی، پاسخ به هر یک از اینها باید مستند به حداقل یکی از مبانی فقهی و معرفتی اسلام باشد. در این صورت می‌توان طرح پیشنهادی اصلاحی را مبنایی و اصولی دانست و انتظار داشت به بحث گذاشته شده و مورد توافق قرار گیرد.

<sup>۸۹</sup>. رساله حاضر در صدد فراهم‌آوری تعداد معتابیهی از این مبانی فقهی برای بانکداری مرکزی است.

لذا با توجه مباحث بالا توصیه می شود: اولاً، بانک مرکزی مستقل شود. زیرا، راهکار خوبی برای حفظ ارزش پول است، البته کافی نیست. ثانیاً، در این راستا بازنگری اساسی قانون پولی بر اساس مبانی نظام اقتصادی اسلام و تجربیات کشورها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. ثالثاً، تشخیص مصلحت ضروری پولی کردن کسر بودجه خارج از قوه مجریه و در مجموعه نظام صورت گیرد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و الصلاة علی نبیه و رسوله و امیننه محمد ابن عبدالله و السلام علی آل نبیه الطیبین الطاهرین. اللهم عجل لولیک الفرج و اجعلنی من اعوانه و انصاره. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.

## منابع رساله:

### منابع فارسی:

۱. ابراهیمی‌نژاد، مهدی و فرج‌وند، اسفندیار (۱۳۸۲ ش)، بودجه از تنظیم تا کنترل، سمت، تهران.
۲. اسمیت، آدام (۱۳۵۷ ش) ثروت ملل، ترجمه: سیروس ابراهیم زاده، انتشارات پیام، تهران.
۳. آصفی، محمد مهدی (۱۳۷۵ ش)، پول و پرسش‌های جدید فقهی، مجله فقه اهل بیت، سال دوم، پائیز، شماره هفتم، قم.
۴. اعتمادی، مصطفی (بی تا)، شرح رسایل شیخ انصاری، ۶ جلد، ۳ مجلد، مطبعة العلمية، قم.
۵. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱ق)، المكاسب المحرمه و البيع و الخیارت، منشورات دارالذخیر، قم.
۶. بار، رمون (بی تا)؛ اقتصاد سیاسی، ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ، سروش
۷. بجنوردی، سید محمد موسوی (۱۳۷۲ ش)، نظر خواهی از فقهاء پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول، مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۶، سال ۱۳۷۲، تهران.
۸. برانسون، ویلیام اچ (۱۳۷۶ ش)؛ تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، تهران.
۹. پژویان، جمشید (۱۳۶۹ ش)؛ اقتصاد بخش عمومی، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
۱۰. پورمقیمی، جواد (۱۳۶۹ ش)؛ اقتصاد بخش عمومی، نشر نی، تهران.
۱۱. تفضلی، فریدون (۱۳۷۲ ش)، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، تهران.
۱۲. جلال نائینی، سیداحمد رضا (۱۳۷۶ ش)، بررسی روند تورّم و سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری، در: اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
۱۳. حسینی بهشتی، محمد حسین (۱۳۶۹ ش)؛ ربا در اسلام؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ تهران.
۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴ ش)؛ پول در اقتصاد اسلامی، سمت، تهران.
۱۵. دنی شور، آرمان (۱۳۶۸ ش)؛ نظام پولی اروپایی، ترجمه دکتر ایرج علی آبادی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران

۱۶. دیاکوف، و (۱۳۵۳ ش)، تاریخ جهان باستان، ترجمه صادق انصاری، علی الله همدانی، محمد باقر مؤمنی، نشریه اندیشه، تهران
۱۷. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲ش) - دموکراسی قدسی - مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر - قم.
۱۸. ریکادو، دیوید (بی تا)؛ اصول اقتصاد سیاسی و مالیات، ترجمه حبیب الله تیموری، نشرنی، تهران.
۱۹. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۷۸ش) - پول، ارز و بانکداری - نشر ترمه - تهران.
۲۰. ساموئلس، پل (۱۹۶۱ م)؛ اقتصاد، ترجمه دکتر حسین پیرنیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲ش)، نظرخواهی از فقهاء پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول، مجله رهنمون، شماره ۶، پائیز ۱۳۷۲، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران.
۲۲. سبزواری، حاج ملا هادی (بی تا)؛ شرح منظومه، مصطفوی، قم.
۲۳. صادقی یارندی، سیف الله و مرزوقی، حسن (۱۳۷۸ ش)؛ یورو و اقتصاد جهانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
۲۴. صافی گلیپایگانی، لطف الله (۱۳۷۲ ش)؛ نظرخواهی از فقهاء پیرامون مسائل حقوقی و فقهی ناشی از کاهش ارزش پول، مجله رهنمون، شماره ۶، مدرسه عالی شهید مطهری.
۲۵. صرّامی، سیف‌الله (۱۳۷۴ ش)، «احکام حکومتی و مصلحت نظام»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴.
۲۶. ضیایی، منوچهر (۱۳۷۲ ش) - مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۷۰، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲۷. طبیبیان، محمد و سوری، داوود (۱۳۷۶ ش)، بررسی تحولات متغیرهای کلان اقتصادی کشور، در: اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
۲۸. فرانکل، جاکوب (۱۳۸۲ش)، استقلال بانک مرکزی و سیاست پولی، در: چهار مقاله پیرامون بانکداری مرکزی، علی حسن زاده و نسرين اضروم چیلر، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، تهران.



۲۹. فرجی، یوسف (۱۳۷۷ ش)؛ پول، ارز، بانکداری، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۳۰. فرزیب، علیرضا (۱۳۷۸ ش)، بودجه‌ریزی دولتی در ایران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۳۱. فریدمن، میلتن (۱۳۷۵ ش) - اقتصاد مکتب پولی، ترجمه دکتر مهدی تقوی، دکتر حسن مدرکیان - مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۳۲. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰ ش)
۳۳. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴ ش)
۳۴. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹ ش)
۳۵. قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱ ش) (با اصلاحات سال‌های بعد)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۳۶. قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۳۹.
۳۷. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۸. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۳ ش)، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۲، نشر نی، تهران.
۳۹. کاتوزیان ناصر (۱۳۷۴ ش)، حقوق مدنی اموال و مالکیت، یلدا، تهران.
۴۰. کتابی، احمد (۱۳۶۸ ش)، تورم علل و آثار و راه‌های مقابله با آن، اقبال، تهران.
۴۱. کمیجانی، اکبر و علوی، سید محمود (۱۳۷۸ ش)، اثر متقابل رشد و تورم در ایران، نهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
۴۲. کمیجانی، اکبر و علوی، سید محمود (۱۳۷۸ ش)، اثر متقابل رشد و تورم در ایران، نهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
۴۳. کمیجانی، اکبر و بیدآباد، بیژن (۱۳۶۹ ش)، تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
۴۴. ----- (۱۳۷۰ ش)، سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی در ایران، طرح تحقیقاتی مرحله اول، وزارت اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۰ ش. تهران.

۴۵. ----- (۱۳۷۱ش)، سیاست‌های پولی و ارزی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی در ایران، طرح تحقیقاتی مرحله دوم، وزارت اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۱ ش. تهران.
۴۶. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۳ش)، دیدگاه‌های نظری و پیش‌نیازهای لازم برای نیل به استقلال بانک مرکزی به هدف مهار تورّم و ثبات قیمت‌ها. مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴۷. لطفی، اسدالله (۱۳۷۹ش)، موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران، مجد، تهران
۴۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۴۹. مرعشی، سید محمد حسن (ش ۱۳۷۵)، پول و پرسش‌های جدید فقهی، مجله فقه اهل بیت، سال دوم، پائیز، شماره هفتم، قم.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴ش)؛ ربا، بانک، بیمه؛ صدرا، تهران.
۵۱. ----- (۱۳۶۸ش)؛ نظری به نظام اقتصاد اسلام، صدرا، تهران.
۵۲. ----- (۱۳۸۱ش)؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ صدرا، تهران.
۵۳. ----- (۱۴۰۳ق)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، حکمت، تهران.
۵۴. ----- (بی تا)، عدل الهی، صدرا، قم.
۵۵. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۶ش)، اصول فقه، ۴ جلد، ۲ مجلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۵۶. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۲ش)؛ نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول، مجله رهنمون، شماره ۶، پائیز، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران.
۵۷. ----- (۱۳۷۵ش)، پول و پرسش‌های جدید فقهی، مجله فقه اهل بیت، سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۷۵، قم.
۵۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۰ش) - ولایت فقیه حکومت اسلامی، امیر کبیر، تهران.
۵۹. ----- (۱۳۶۹ش)، صحیفه نور، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۶۰. میشکین، فردریک (۱۳۸۲ش) - بانکداری مرکزی در جامعه مردم سالاری - در: چهار مقاله پیرامون بانکداری مرکزی - دکتر علی حسن زاده و نسرين ارضوم چیلر - پژوهشکده پولی.

۶۱. نیلی و همکاران، (۱۳۸۵ش)، تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاستگذاری پولی در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۶۲. نیلی، مسعود (۱۳۶۶ ش)، «بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر»، فصلنامه برنامه و توسعه، شماره نهم، تهران.
۶۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۴ ش)؛ احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره دوم.
۶۴. یوسفی، احمد علی (۱۳۷۷ ش)؛ ماهیت پول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.

### منابع عربی:

۶۵. القرآن الکریم
۶۶. نهج البلاغه (امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب ع)، گردآورنده: سید رضی، نسخه صبحی صالح، انتشارات دارالهجره، قم.
۶۷. ابن اثیر، امام مجدالدین، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۶۸. ابن النووی (دت) - المجموع شرح المهذب، ۱۰/۶، کتاب الزکاة، باب الزکاة الذهب و الفضة، دارالفکر - بیروت.
۶۹. ابن خلدون، عبدالرحمن محمد (دت)، المقدمه، بتحقیق علی عبدالواحد وافی، دارالنهضة، مصر.
۷۰. ابن فارس، احمد (دت)، معجم مقاییس اللغة، دارالکتب العلمیه، قم.
۷۱. ابن منظور، جمال الدین (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، أدب الحوزه، قم.
۷۲. ابن النووی، بی تا، المجموع شرح المهذب، ۱۰/۶، کتاب الزکاة، باب الزکاة الذهب و الفضة، دارالفکر، بیروت.
۷۳. انصاری، شیخ مرتضی (بی تا)، المکاسب، با تعلیقات سید محمد کلانتر، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۷۴. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۷ ش)؛ القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم.
۷۵. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۷ ش)، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم.
۷۶. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۷ ش)، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم.
۷۷. الحر العاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البیت، قم.

۷۸. الحر العاملي، شيخ محمدحسن، بی تا، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۷۹. حسن، احمد (۱۹۹۹ م)، الاوراق النقدية في الاقتصاد الاسلامي، دار الفكر، دمشق.
۸۰. خمینی، روح الله بن مصطفی الموسوی (بی تا)، کتاب البيع، مهر، قم.
۸۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق)، مصباح الفقاهه، به کوشش محمدعلی توحیدی، انصاریان، قم.
۸۲. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق)؛ مصباح الفقاهه، (به کوشش محمد علی توحیدی)، انصاریان، قم.
۸۳. راغب اصفهانی، حسن (۱۴۰۴ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، بی جا.
۸۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد مفضل (بی تا)؛ مفردات الفاظ القرآن الکریم؛ مکتبه الرضویه، تهران.
۸۵. سبزواری، حاج ملاهادی (بی تا)، شرح منظومه، مصطفوی، قم.
۸۶. شابرا، محمد عمر (۱۹۹۲ م)، نحو نظام نقدي عادل، سید محمدشکر، دارالبشیر النشر والتوزیع، عمان، اردن.
۸۷. صدر، محمد باقر (۱۹۹۴ م)، البنك اللاروی فی الاسلام، دارالتعارف المطبوعات، بیروت.
۸۸. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷ ش)، اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی، فرع خراسان، مشهد.
۸۹. صدر، محمد باقر (دت)، الاسلام یقود الحیاه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۹۰. طباطبایی حکیم، سید محسن (بی تا)، نهج الفقاهه، انتشارات ۲۲ بهمن، قم.
۹۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق، الف)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۹۲. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۹۳. طریحی، شیخ فخرالدین (۱۳۶۵ ش)، مجمع البحرین، مکتبه الرضویه، تهران.
۹۴. عارف الجویجاتی، محمد (دت)؛ المعلومات الضروریه فی المعاملات الشرعیه، دم.
۹۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۴ ش)، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
۹۶. الغزالی، ابو حامد محمد (۱۹۳۹)، احیاء علوم الدین، مکتبه الحلبي، القايره.

۹۷. فیومی، احمد (۱۴۰۵ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، دار الهجره، قم.
۹۸. قرضاوی، یوسف (۱۹۹۱ م)؛ فقه الزکاء، موسسه الرساله، بیروت.
۹۹. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری (۱۹۸۵ م)، الجامع لاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۰۰. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ ق)، سفینه البحار، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۰۱. القیسی، اعاد حمود، حمود، المالیه العامه والتشريع الضریبی، مکتبه دارالثقافه النشر والتوزیع، عمان، اردن.
۱۰۲. الكلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب اسحاق (۱۳۶۳ ش)، الاصول الکافی، دارالکتاب الاسلامیه، تهران.
۱۰۳. مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۴ ق)، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت.
۱۰۴. مجموعه ورام، بی تا، طبع آخوندی، تهران.
۱۰۵. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۲ ش)، الضمانات الفقهیه و اسبابها، پیام مهر، قم.
۱۰۶. المصری، رفیق یونس (۲۰۰۱ م)، الاسلام والنقود، دارالمکتبی، دمشق.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ ش)؛ القواعد الفقهیه، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم.
۱۰۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم.
- منابع انگلیسی:

۱۰۹. Anderson, Jame S. E.; Public Policy making, Boston, Houghton Mifflin Company, ۱۹۹۴
۱۱۰. Arthur, I. And Iras, friedberg (۲۰۰۵), A Guide Book of united states peper Money, whitmon publishing, LLc. Atlanta, Georgia.
۱۱۱. Bofinger, P (۲۰۰۱), Monetary Policy: Goals, institutions, strategies and instruments, Oxford uniersity press. Oxford.

۱۱۲. Chambers ,C. B. yang (۲۰۰۵), Electronic Money and Relevant Legal and regulatory Issues , at : [http:// www.law – bridge . net / english / Law / ۲۰۰۵ / ۰۸۲۱۵۵۳۵۷۷۴۵۵ . html](http://www.law-bridge.net/english/Law/۲۰۰۵/۰۸۲۱۵۵۳۵۷۷۴۵۵.html)
۱۱۳. Clower , R. W (۱۹۶۷) , A reconsideration of the microfoundations of monetary theory , western Economic Journal , ۶ (۷) ۱ – ۸.
۱۱۴. Coinage Act of ۱۷۹۲ United state congress.
۱۱۵. Coinage Act of ۱۷۹۲ United state congress.
۱۱۶. Dadkhah, Kamran, The Inflationary Process of the Iranian Economy, International Journal of Middle East Study, ۱۹۸۵, ۱۷.
۱۱۷. Feberero , E (۲۰۰۹) . Three difficulties with neo – chartalism , Journal of post keynesian Economics (M.E. sharp , Inc.) ۳۱ (۳): ۵۲۳ – ۵۴۱.
۱۱۸. Fisher , I (۱۹۱۱ / ۱۹۳۱), The purchasing Power of money : its determination and relation to credit , interest and crises , macmillan , New york.
۱۱۹. Forstater , M. and Mosler , W (۲۰۰۵) , the Natural rate of interest is zero , Journal of Economic Issue . June , XXIX (۲) , ۵۳۵ – ۵۴۲.
۱۲۰. Fridman, M(۱۹۴۸) – A Monetary fiscal framework for Economics stability- American Economic Review ۳۸, June.
۱۲۱. -----(۱۹۷۰),The counter, Revolution In Monetary Theory, Institute of Economic Affairs, Paper No ۳۳, London.
۱۲۲. Goodghart , C. A. E (۱۹۸۹) , Money , Information an uncertainty , Macmillan , London and Basingstoke.
۱۲۳. Harris , L (۱۹۸۱) , Monetary theory , Mcgraw – Hill Book company , New york.
۱۲۴. Hicks , J. R (۱۹۶۷) , Critical Essays in Monetary theory , Clarendon press , Oxford.
۱۲۵. Ikani, Azizollah, The Dynamics of Inflation in Iran, Netherland, Tilbury university Press, ۱۹۸۷

۱۲۶. Ingham , G (۲۰۰۰) , Babylonian mad ness: On the Historical and Sociological origins of money. In : John smithim (۲۰۰۰), What is money? , Routledg , London and New york.
۱۲۷. ----- (۲۰۰۴) , the nature of money , policy press , Cambridge.
۱۲۸. Innes , A. M(۱۹۱۳) , What is money? , Banking law Journal , may , ۳۷۷ – ۴۰۸.
۱۲۹. Keynes , J. M (۱۹۳۰/ ۱۹۷۱) Treatise on money , Macmillam , London
۱۳۰. Knopp, G. F (۱۹۰۵ / ۱۹۲۴) the state theory of money , Macmillan ,London.
۱۳۱. Law of Afghanistan Bank ۲۰۰۳.
۱۳۲. Law of the central Bank of Argentina, ۱۹۹۲
۱۳۳. Law of the central Bank of Chile, ۱۹۸۹.
۱۳۴. Law of the central Bank of philippinen, ۱۹۹۳.
۱۳۵. Laws of Malaysia Act ۷۰۱.۲۰۰۹
۱۳۶. Masgrave , R (۲۰۰۹) , chartalism – and why money has value , Durham , uk , [http:// charta. Blogspot. Com](http://charta.Blogspot.Com).
۱۳۷. Measuring worth – parchasing power of money in the United kingdom from ۱۹۷۱ to ۲۰۰۹ . [http: // www. Measuringworth. Com / ppowers](http:// www. Measuringworth. Com / ppowers)
۱۳۸. Menger , K (۱۸۹۲), on the origin of money , Economic Jornal , ۲ (۶): ۲۳۹ – ۵۵.
۱۳۹. Mitchel , Bill (۲۰۰۹) . The Fundamental Principles of modern monetary economics , Wikipedia , free encyclopedia.
۱۴۰. Mosler , w (۲۰۱۰) , Soft currency Economics , [http: // moslereconomics . com / mandatory – readings , soft – currency – economics](http:// moslereconomics . com / mandatory – readings , soft – currency – economics).
۱۴۱. Rossi, sergio (۲۰۰۷), Money and Payments in theory and practice , Routledge
۱۴۲. Schumpeter , J. A (۱۹۵۴ / ۱۹۹۴) , History of Economic Analysis , Routledge , London and New york.

۱۴۳. Simmel , G (۱۹۹۰) , The Philosophy of Money, Routledge , London and New york.
۱۴۴. Soth African reserve Bank Act ۹۰ of ۱۹۸۹.
۱۴۵. Sykes , Ernest (۱۹۰۵) , Banking and currency , Butter worth & co. London.
۱۴۶. The Bank of Korea Act, ۱۹۹۸
۱۴۷. The Law of the central Bank of the republic of Turkey No, ۱۲۱۱.۱۹۷۰
۱۴۸. The Money and Banking Act, National Bank of Austria(۱۹۸۴)
۱۴۹. Wary , L. R (۱۹۹۸) , Understanding Modern Money: the key to full employment and price stability , Edward Elgar , Cheltenham and Northampton.
۱۵۰. ----- (August, ۲۰۰۱) , The Endogenous money approach , Ibid.
۱۵۱. ----- (July, ۲۰۰۰) , the Neo – chart alist Approach to Money , center for full Employ mend and Price stability , [http:// www.cfeps.org](http://www.cfeps.org)



Abstract of ph.D. proposal:

# **An Analysis of The Nature of Money and its effect on juridical discipline of monetary policy**

**(In Islamic economics)**

The monetary policy in Iran faces several challenges. The first important is superiority of fiscal policy over monetary policy. The second is unclear targets and absence of an institution that determines the monetary policy target. Therefore, The research question is that in Islamic economic system, which institution determines the target of monetary policy and which target is the main target. Finding the answer of these questions can inspire monetary discipline to the economy. The research method is descriptive, analytic, and jurisprudential based on analyzing the nature of money. The hypothesis is that According to Islamic view, preservation of money value is necessary. The government cannot violate this target except in rare cases when there is an expedient to which central bank must break the rule. Due to Islamic jurisprudence, in this case government must compensate the wages and salaries, and implement indexation. If religious assigns preservation value of money, nation, government and central bank jointly repel inflation. Therefore it is suggested that central bank should be independent and reconsideration of monetary law is necessary.

**Key world:** Islamic economics, monetary policy, money entity



Ministry of Sciences, Researches & Technology

Research Institute of Hawzeh & University

**Ph.D. proposal:**

# **An Analysis of The Nature of Money and its effect on juridical discipline of monetary policy**

**(In Islamic economics)**

**Supervisors:**

**Dr. Akbar komijani**

**Dr. Hadi arabi**

**Advisors:**

**Ayatollah Mohammad ali taskhiri**

**Dr. Asadollah farzinvash**

**By:**

**Mohammad esmaeil tavassoli**

۲۰۱۳ میلادی